



مذاکره بخشی از سیاست فشار به ایران است گفت‌وگو با ابراهیم متقی



ترامپ به دنبال پیروزی فوری است طهمورث غلامی



بحران اعتماد عمومی گفت‌وگو با سالار کسرایی



فرصت برای روحانی علی صوفی

## خدا حافظی با "عباد"

علی ربیعی توسط نمایندگان مجلس برکنار شد / آیا بین روحانی و لاریجانی توافقی برای جابه‌جایی ربیعی صورت گرفته بود؟ / جلسه استیضاح ربیعی تبدیل به مجلس افشاگری شد / حمیدرضا فولادگر: استیضاح ربیعی سیاسی نبود

### عبور از دولت فاصله‌گذاری با نظام

پیام سید محمد خاتمی به جامعه و حکومت چه بود؟

آقای مطهری! ایران، برجام را نقض کرد؟ نقدی بر گفته‌های جدید علی مطهری

میرداماد به داد فردوسی رسید قیمت ارز پس از بسته جدید ارزی کاهش شدیدی داشت

### ترامپ به دنبال معامله با ایران است

گفت‌وگوی مثلث با سید حسین موسویان

باراک اوباما یک استثنا در تاریخ روابط ایران-آمریکا بود / تیم جان بولتون به دنبال تغییر رژیم در ایران هستند / ترامپ خودش هم محتوای معامله با ایران را نمی‌داند / مذاکره سران ایران و آمریکا را مشکل می‌دانم / ترامپ به دنبال پرآوازه شدن "بزند ترامپ" است / تصمیم ترامپ درباره ایران برای ریاض و تل‌آویو هم غیرقابل پیش‌بینی است

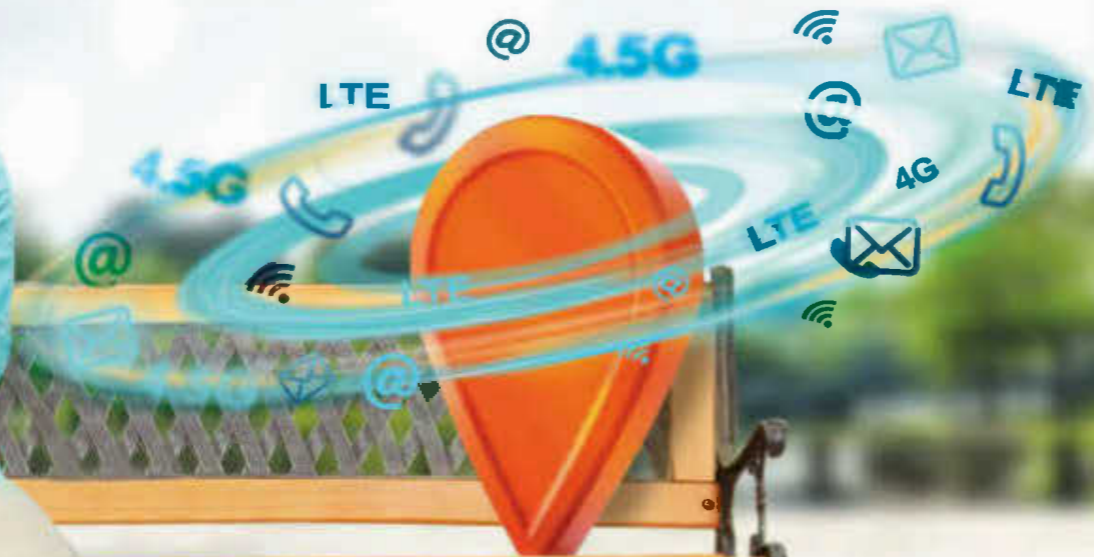


هوادک

www.mci.ir

گردش روی مدار فیروزه‌ای می‌صرفه!

#۱۲۱\*





# ایرانول



روغن موتورهای ایرانول با بالاترین سطح کیفی  
و پیشرفته ترین فرمولاسیون جهانی

**ایرانول کیفیت برتر**

[www.iranol.ir](http://www.iranol.ir)

واحدفروش (خط ویژه): ۸۸۲۱۲۹۹۹



۲۳ سال

زنجیره ای از خرید و خاطره



قرعه کشی زنده • یک برلیانس کراس • بعد از خبر ساعت ۲۲ شبکه ۳

هر شب



www.refah.ir



myrefah





# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَكذٰلِكَ جَعَلْنٰكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شٰهَدًا عَلٰى الْاِنْسَانِ  
وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَیْكُمْ شٰهِدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**

سردبیر: **سعید آجورلو**

کند؛ یک قطره باران به قدر اینکه یک برگ را تر بکند، نیست. اگر هم فرض کنید که میلیونها قطره باشد، این قطره‌ها از هم جدا، هیچ با هم اتصالی نداشته باشند، اگر چنانچه میلیاردها قطره وجود داشته باشد و اینها قطره قطره باشند، باز کاری از آنها بر نمی آید. هر قطره ای تا اجتماعی نباشد، کاری از آن نمی آید. حالا اگر اتصال با هم پیدا کردند، یوقت اتصالشان یک مقداری است، مثلاً در یک جایی که قطرات آمده اند، یک مقداری از این قطرات با هم اتصال پیدا کرده اند ولیکن به مقدار دیگری یا اتصال ندارند یا اتصال پیدا کرده اند، لکن آنها دیگر به این قدراتی که با هم متصل شده اند اتصال نداشته باشند؛ آن یک جویی را، یک نهی را تشکیل می دهد، آن هم یک نهی را تشکیل می دهد، یا اگر به هم اتصال پیدا نکرده باشند به همان قطره باقی می مانند. از این نهی یک کاری برمی آید؛ اما کار اساسی نیست. از این اتصالی

## ضرورت حفظ وحدت و اجتناب از اختلاف

این گروههایی که هستند، این گروهها یک اختلافات سلیقه ای و مسلکی بینشان موجود است. من خودم هم که در اینجا آمدم این معنی را یک قدری احساس کردم که اختلافاتی هست. یک جامعه ای که یک مقصدی دارد و می خواهد که آن مقصد را تا آخر ببرد و مقدماتش را فراهم کند و به نتیجه برسد، این جامعه را می شود تشبیه کرد. افراد جامعه و خود جامعه را - به قطرات و نهرها و سیل و دریا. قطره های باران یکی یکی، وقتی که ملاحظه بکنید، هر قطره ای وقتی از قطره های دیگر جدا باشد یک برگ را هم تر نمی

## خبرنامه



آرام و خونسرد

قرار نبود معاون اول شوم

انتخاب ترامپ؛ ریاض یا اوتاوا؟

۶

۱۵

## گفتارها



آنکارا در دوراهی

ترامپ در میان منگنه

فرصت برای روحانی

۱۶

۲۱

## سیاست



خداحافظی با عباد

چرا آشوب؟

عبور از دولت، فاصله گذاری با نظام

۲۲

۳۶

تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - سیدمجتبی جلال زاده

بین الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

سیاست خارجی: حنیف غفاری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دبیر: افشین خماندان (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

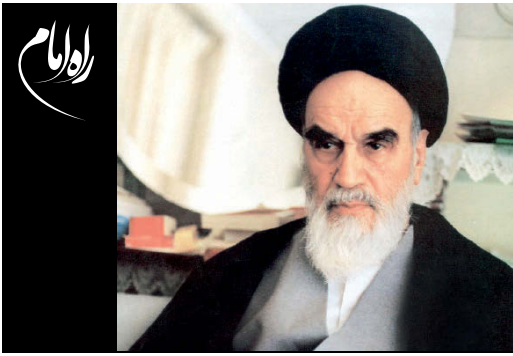
مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلث: هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارهای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفت‌وگو، تقویت انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزبانی و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمّر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



که بین این قطرات پیدا شده است و یک نهی از آن درست شده است می شود، که یک زمینی را مثلاً آبیاری کنند و به او کشتی بکنند لکن محدود است انتفاع از آن. آن نهر هم همین طور، یا آن قطراتی که اگر [به صورت قطره] باشد که هیچی؛ اما اگر چنانچه این نهرها به هم متصل شد و یک سیلی، رودخانه ای راه انداخت قدرتش زیاد می شود. قطره بود آن وقت، قبل از اینکه سیل بشود، آن وقت که قطره بود قدرتش یک قدرت قطره ای بود که یک برگ را نمی توانست تر بکند یا حرکت بدهد، حالا که اتصال پیدا کرد و یک نهری از آن، وجود پیدا کرد؛ این حالا به واسطه این اتصال قدرت پیدا کرد؛ یعنی قدرتهای کوچک جمع شدند، ضعیف [ها] جمع شدند، وقتی که با هم شدند یک قدرت واحد پیدا شد که این قدرت واحد نسبت به آن قطره به اندازه ای است که عدد آن قطرات چقدر است، اینها با هم که مجتمع شدند، این

ضریب آن قطرات است؛ و شاید گاهی هم قدرت بیشتر بشود لکن باز یک قدرت محدودی است، به همین اندازه ای که یک زمینی را می تواند [آبیاری کند]، یا اینکه اگر راه بیفتد می تواند یک جوی کوچکی راه بیندازد، خاشاکی را حرکت بدهد. اگر این جویهایی که، این نهرهایی که پیدا شده است از این قطرات، با هم اتصال پیدا بکنند و یک سیلی تشکیل بدهند قدرت زیاد می شود که حالا این سیل خروشنده می شود و ممکن است که بکند یک درختهایی را، یک بناهایی را خراب کند یا خروش خودش؛ و اگر اینها همه به هم اتصال پیدا بکنند و این رودخانه ها همه با هم اتصال پیدا کنند [و] به شکل یک دریا درآید، قدرت بسیار زیاد خواهد شد که یک موجش کشتیها را می شکند.



## بین الملل

۳۸

ترامپ به دنبال معامله با ایران است  
چند صدایی در واشنگتن  
تابوی مذاکره

۴۵



## اقتصاد

۴۶

میرداماد به داد فردوسی رسید  
این سیاست درست است  
فعلا؛ سوبسید

۴۹



## ورزش

۵۰

کی روش بهتر است یا دالبیج؟  
دالبیج یا کی روش؟ مساله این نیست  
تکه های ذخیره یک پازل

۵۵



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت الله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی  
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمد ابراهیم محمد پورزندی  
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸

چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان

توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (نواب)، خیابان نظامی گنجوی،

کوچه پناه، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه فتالی - علی آجورلو  
افشین جم و محمد محمودی

پردازش تصاویر: هومن سلیمیان

عکس: عدنان جعفری و محمد برنو

ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی - نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر

حروفچینی: وجیهه قاسمی - علی حشمتی

مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار

سازمان آگهی ها: محمد شکراللهی

بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو

امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی

انفورماتیک: شهرام زحمتی

ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا



## آرام و خونسرد

مصاحبه تلویزیونی حسن روحانی ملایم و بدون جنجال تمام شد





قرار نبود معاون اول شوم

انتخاب ترامپ؛ ریاض یا اوتاوا؟





## شرایط جدید

### نمایندگان روحانی را به مجلس فراخوانده‌اند

داستان رابطه مجلس و دولت به صورت عجیبی پیچیده شده است. یک رخ‌نمایی غیرمنتظره رخ داده؛ حسن روحانی به بهارستان فراخوانده شده است؛ اما این بار در قالب طرح سوال از رئیس‌جمهور. اتفاقی که رئیس‌جمهور را رنجانده تا آنجا که صدای اعتراض بلند شده است.

#### داستان یک نامه

چند روز بعد از آنکه سوال نمایندگان مجلس از رئیس‌جمهوری، اعلام وصول شد، حسن روحانی در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور نوشت که به مجلس خواهد آمد و برخی حقایق را برای مردم بازگو خواهد کرد. در نامه رئیس‌جمهوری به علی لاریجانی آمده است:

«احتراما؛ درست در سالروز تحلیف رئیس‌جمهوری دوره دوازدهم، سؤال تعدادی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی واصل گردید. بی‌تردید سؤال از رئیس‌جمهور کشور با مراعات حداقل دو نکته می‌تواند مبارک باشد؛ اولاً در چارچوب قانون اساسی باشد، ثانیاً در زمان و شرایط مناسب کشور اقدام شده باشد، که متأسفانه هیچ‌کدام از این دو حاصل نشده است. اما برای جلوگیری از هر نوع اختلاف بین قوا و احترام به مجلس شورای اسلامی ان‌شاءالله در فرصت مقرر به مجلس خواهیم آمد و به سؤالات پاسخ خواهیم داد. البته این امر می‌تواند فرصت خوبی باشد تا برخی از حقایق را برای مردم عزیز کشورم بازگو نمایم که آنها صاحب واقعی کشورند و مشروعیت من و شما نیز از آرای آنها است.»

#### حامیان سابق

همه بحث بر سر این است که چرا علی لاریجانی طرح سوال از رئیس‌جمهور را پذیرفته و دیگر مانند سابق در این مورد مقاومتی نکرده است. نگاهی به اظهارات اطرافیان لاریجانی اندکی از این معما را روشن می‌کند. سخنگوی هیات‌رئیس مجلس با بیان اینکه سوال یک فرصت طلایی برای روحانی است، گفته: «با توجه به اصرار برخی دوستان

رئیس مجلس به رئیس‌جمهور ارجاع داده شود و ظرف ۴۸ ساعت برای نمایندگان چاپ شود، دیگر برگشتی برای آن وجود ندارد. البته همان‌طور که روز گذشته هم آقای روحانی گفت ایشان در مجلس حاضر می‌شود.

اما این سخنان نمی‌تواند به خوبی از آنچه رخ می‌دهد تحلیل ارائه دهد. چهارشنبه هفته گذشته، رئیس مجلس بعد از اعلام وصول سؤال ۸۰ نماینده از حسن روحانی، گفت: «قبلاً ۹۲ نفر از نمایندگان تقاضای سؤال از رئیس‌جمهور را به هیات‌رئیس ارائه کردند که به کمیسیون اقتصادی ارجاع داده شد. کمیسیون اقتصادی با حضور نمایندگان رئیس‌جمهوری این موضوع را بررسی کرد که در نهایت ۸۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای این سؤال باقی مانده‌اند؛ یعنی بیش از یک چهارم از نمایندگان تقاضای سؤال از رئیس‌جمهوری را دارند.»

علی لاریجانی در مورد محورهای سؤالات هم این‌گونه توضیح داده بود: «پنج محور سؤالات شامل، عدم موفقیت دولت در کنترل قاچاق کالا و ارز، استمرار تحریم‌های بانکی، عدم اقدام شایسته دولت درباره کاهش نرخ بیکاری، رکود اقتصادی شدید چندساله و افزایش شتابان نرخ ارز خارجی و کاهش شدید ارزش پول ملی است.» مطابق ماده ۲۱۳ آیین‌نامه مجلس، رئیس‌جمهور یک ماه فرصت دارد تا برای پاسخ‌گویی به بهارستان بیاید. بر همین اساس، محمدعلی وکیل‌ی، عضو هیات‌رئیس مجلس، در گفت‌وگو با «ایلنا» اعلام کرد که روحانی بعد از تعطیلات مجلس در صحن حضور خواهد یافت. مجلس هفته آینده (از ۲۰ تا ۲۶ مرداد) تعطیل است، پس با این حساب رئیس‌جمهوری حداقل ۱۳ روز دیگر به مجلس خواهد رفت.

می‌توان از نگاه دیگری ماجرا را بررسی کرد. لاریجانی در چند هفته اخیر نقدهایی به کابینه داشته، از لزوم تغییر حرف زده و مهم‌تر از آن چندان مقاومتی مقابل طرح سوال از رئیس‌جمهور و استیضاح ریعی نداشته است. این شیفت سیاسی متحد سابق، دولتی‌ها را شگفت‌زده کرده است. چرا علی لاریجانی چنین می‌کند؟

۱- هم‌چسبی بیش از حد با دولتی که به سبب چالش‌های اقتصادی دچار ریزش سرمایه اجتماعی شده، در محاسبه سیاسی او هزینه‌زا است.

۲- نتیجه انتخابات هیات‌رئیس‌به او نشان داد که دوری و نزدیکی‌اش به اصولگرایان تا چه حد در زیست سیاسی‌اش تاثیر گذار است.

این شبهه ایجاد شد که شاید این سوال برخاسته از نیت سیاسی باشد حال باید متقاضیان سوال با رفتارشان اثبات کنند که این سوال سیاسی نبوده و دلسوزانه است. «پهروز نعمتی، نماینده مردم تهران و سخنگوی هیات‌رئیس مجلس درباره اماو اگرهای پیرامون سوال از رئیس‌جمهور گفت: «از آنجایی که موضوعات با هم خلط شده است در ابتدا بگویم سوال و استیضاح حق نمایندگان است و باید به این حق احترام گذاشت. فارغ از مسائلی که پیرامون سوال مطرح می‌شود به نظر من این موضوع یک فرصت خوب برای رئیس‌جمهور است و آقای روحانی می‌تواند در مجلس خیلی از مسائل را روشن کند.» او در پاسخ به این سوال که این سوال تا چه حدی می‌تواند حلال مشکلات موجود باشد، گفت: «اینکه چقدر این سوال می‌تواند در جهت رفع مشکلات موثر باشد، نمی‌توان به طور دقیق گفت اما با توجه به شرایط و جوی که در کشور وجود دارد این فضا یک پتانسیل بسیار خوبی است که آقای روحانی باید از این فضا استفاده کند.» نعمتی در پاسخ به این سوال که در کشور همه مسئولیت‌ها بر گردن قوه مجریه نیست و چقدر مجلس می‌تواند دایره نظارتش را به ارگان‌های دیگر هم گسترش دهد و از آنها هم سوال بپرسد، گفت: «بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی برخی نهادها زیر نظر مقام معظم رهبری هستند که بحث نظارت بر آنها هم بحثی جدا است و در این راستا نظارت مجلس فقط متوجه قوه مجریه می‌شود و قاعدتاً باید پاسخگو باشند، لذا به نظر من رئیس‌جمهور از این زمان و فرصتی که در اختیار او گذاشته شده است، می‌تواند به بهترین نحو استفاده کند و تمام نقطه ضعف و قوت را در هر نهادی که هست مطرح کند.» سخنگوی هیات‌رئیس درباره سخن دولت مبنی بر خلاف قانون بودن انصراف از انصراف امضا کنندگان و احتمال لغو این سوال گفت: «بر اساس ماده ۲۱۲ آیین‌نامه اگر امضای نمایندگان تطبیق داده شود که مسئول این موضوع هم آقای امیرآبادی هستند که ایشان هم حتماً بین خودش و خدای خودش این حجت را قائل شده است که این سؤالات و امضاها تطبیق داده شده است و وقتی از سوی



۳- لاریجانی در ماجرای FATF نظری مخالف جامعه مدرسین داشت. بیانیه اخیر جامعه مدرسین موضع این تشکل روحانی را در مورد دولت روشن کرده است. لاریجانی تقابلی با جامعه مدرسین را بیش از این به مصلحت نمی‌داند.

۴- لاریجانی متوجه فاصله‌گذاری اصلاح طلبان با خودش شده است. او انتخابات مهمی در پیش دارد. باید جایگاه دیگری برای تداوم سیاست‌ورزی خود پیدا کند. میانه‌ایستادن فعلا امکان‌پذیر نیست.

### روحانی تهدید کرد؟

اما واکنش‌ها به این اقدام لاریجانی و مجلس هم مهم بوده است. احمد توکل‌ی در سخنان مهمی گفته است: «من هم مثل آقای روحانی معتقدم که سوال از رئیس‌جمهور در وقت مناسبی مطرح نشده اما وقتی آقای روحانی این کار را نادرست می‌دانند نباید خودشان با تهدید مجلس، کار نامناسبی انجام دهند.» توکل‌ی با بیان اینکه حرف آقای روحانی، حرف زینده‌ای نبود و این رفتار در شأن رئیس‌جمهور نیست، گفت: «برای گفتن حقایق، قانون اساسی چند راه حل گذاشته است و اگر تاکنون وقت گفتن حقیقت بوده و ایشان نگفته‌اند و کتمان کرده‌اند، خوب این کار بدی است زیرا مردم را نامحرم دانسته‌اند. اگر وقت گفتن حقایق نیست و ایشان به خاطر مطرح شدن سوال از ایشان می‌خواهند بگویند باز هم بد است؛ این یک رفتار غیر عقلانی است که چیزی را که وقت گفتن آن نیست، می‌خواهند مطرح کنند. این هم در شأن آقای روحانی نیست. روحانی برای صحبت کردن ابزارهای خوبی دارند؛ طبق نص قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس، رئیس‌جمهور هر وقت بخواهند، می‌توانند در مجلس سخنرانی کنند. بنابراین برای گفتن حقایق نیاز نیست که وقتی نمایندگان از آقای روحانی سوال دارند، ایشان به گفتن حقایق بپردازند. این موضوع که آقای روحانی خیلی راحت و آسوده سوال نمایندگان را امری طبیعی بدانند و از طرفی تلاش برای اینکه سوالی که توسط هیئت‌رئیس مجلس تأیید شده ملغی شود، کار نامناسبی است. نماینده مجلس حق دارد از خدمتگزار ملت در قوه مجریه سوال کند؛ قانون اساسی این حق را داده و حق بسیار خوبی هم است زیرا قوه مجریه طبق منطق باید ناظر داشته باشد. قانون اساسی مترقی ما، مانند قوانین اساسی خیلی از کشورهای آزاد دنیا، حق سوال و استیضاح برای نماینده‌ها قائل شده است و این چیز عجیب و غریبی نیست. ممکن است در یک دوره حتی چند بار نمایندگان بخواهند از رئیس‌جمهور سوال کنند؛ نباید آن را تابو کنیم تا بعد از آن ترسیم. در ادبیات ما هم لفظ مسئول زبانت است زیرا به کسی اطلاع می‌شود که مورد سوال قرار می‌گیرد و او باید پاسخ دهد. این در ذات تفکرات دینی هم وجود دارد که به صاحبان قدرت می‌گویند مسئول و آقای روحانی هم باید درباره آنچه در اختیارش قرار گرفت، پاسخگو باشد.»

### کار احمدی نژادی هاست؟

اماد و اکنتی دیگر روزنامه دولتی ایران نوشته است: برخی از نمایندگان یک طیف خاص در اقدامی که پیش از این مسیوق به سابقه نبوده، قصد دارند تا با تکیه زدن بر برخی از مطالبات عمومی و با استفاده از بُرُق خیرخواهی عمومی، در قالب طرح سوال از رئیس‌جمهور یک گام به پیش بردارند و دوباره دوران نامیوم اقتصادی و سیاسی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ را بازسازی کنند.

طرح این پرسش‌ها از آقای رئیس‌جمهوری از دو حال خارج نیست یا آنکه هدف آن به چالش کشیدن قوه مجریه و رئیس آن است یا در پی روشنگری درباره مسائل و مشکلات جاری کشور است، به نحوی که مردم نیز در جریان امور قرار گیرند. باید گفت که در هر دو صورت نتیجه

منفی خواهد شد. به این علت روشن کرد که در شرایط کنونی هر سخنی که از سوی هر دو طرف مطرح گردد که به التهاب فضای سیاسی منجر شود، به طور قطع به نفع کشور و حتی نظام و انقلاب نیست. این سؤال اگر در زمانی طرح می‌شد که رادیو و تلویزیون تنها رسانه انحصاری کشور بود، شاید می‌توانست مانع از اثرات تخریبی ادعاهای راست و دروغ شود، ولی اکنون که این رسانه در حسیض خود قرار دارد، چگونه می‌توان انتظار داشت که سخنان و اظهارات دو طرف، چنانچه سازنده باشد بازتاب پیدا کند؟

از سوی دیگر آقای رئیس‌جمهوری ناچار است که در مواجهه با ادعاها و اتهامات به مسائلی استناد کند که در شرایط معمول و بدون مورد پرسش واقع شدن و به‌درستی از ذکر آنها اجتناب می‌کند ولی بعید است که در جریان سؤال از رئیس‌جمهوری وی در پاسخ تن به سکوت دهد. هر نوع سکوتی به منزله پذیرش اتهامات و ناتوانی هاست و این قطعاً به نفع مدیریت اجرایی و کل کشور نیست و اگر هم سخن بگوید، باز هم چاره‌ای جز آنکه شکاف جدیدی در میان اجزای مدیریت کشور ایجاد شود، نیست که این نیز به نفع کشور نخواهد بود. بنابراین روشن است که طراحان سؤال نیز به‌وضوح این را می‌دانند و به تعبات چنین پرسش و پاسخی آگاه هستند. پس چرا نعل وارونه می‌زنند و خود را خدمتگزار مردم و صدای مطالبات آنان معرفی می‌کنند؟ یک پاسخ برای رفتار این جماعت وجود دارد و آن این است که گمان می‌کنند فرصت مناسبی پیدا کرده‌اند تا دوباره به متن جامعه بازگردند. آنان که به دلیل حمایت از دولت در دوره احمدی‌نژاد، به شدت به حاشیه رانده شدند و احتمال کمی برای بازگشت به صحنه آنها داده می‌شد، اکنون و به صورت اقتضایی و شاید غریزی گمان کرده‌اند که زمان مناسب برای بازگشت به صحنه و پوشاندن و محو خطاهای گذشته فراهم شده است. ولی این تحلیل و برداشت، به طور قطع نادرست است زیرا بخشی از کسانی که معترض وضع موجود هستند و آماده شنیدن و بازتاب دادن نقاط ضعف و نارسایی‌های درست و نادرست هستند، اسب خود را برای سواری دادن به این نمایندگان زین نمی‌کنند. آنان سال‌هاست که از این جماعت عبور کرده‌اند و اگر هم به آنان سواری دهند، به طور قطع نعل خود را وارونه نمی‌زنند، آنان خیلی خوب می‌دانند که کجا می‌روند و دوست هم دارند دیگران بدانند که در حال رفتن به کجا هستند؟ نکته دیگری که در سؤال از رئیس‌جمهوری مستتر است، نتیجه عملی آن است. همه می‌دانیم که در پرسش و پاسخ‌های این چنینی حدی از اغراق و اتهام‌های متقابل وجود دارد که به طور قطع منجر به تقاهم و اقعاع نمی‌شود. نه‌تنها طرفین اقعاع نمی‌شوند، بلکه کدورت و نفرت بیشتری ایجاد و این کدورت به متن جامعه نیز منتقل می‌شود، بدون اینکه هیچ مسأله‌ای حل شود. در واقع همان‌طور که آقای روحانی نیز در نامه خود به رئیس‌مجلس نوشته، این گونه پرسش و پاسخ‌ها باید در فضای آرام و نه ملتهب و پرتش طرح شود. در فضای کنونی، هر نوع پرسشی بیش از آنکه معطوف به

رفع ابهام و آگاهی‌بخشی باشد، با هدف تقابل عمل می‌کند. بهتر است بگوییم که اکنون هیچ پرسشی طرح نمی‌شود، بلکه همه پرسش‌ها شلیک می‌شوند.

### سوال با چه هدفی؟

اما سوال از روحانی چقدر می‌تواند موثر باشد؟ حسینعلی حاجی‌دلیگانی می‌گوید سوال کردن هیچ تأثیری در شرایط امروز کشور ندارد اما باعث می‌شود رئیس‌جمهور خود را در برابر ملت پاسخگو ببیند و این موضوع درس عبرتی برای مسئولان دیگر شود. وقتی از او پرسیدیم آیا مجلس با این طرح سوال به دنبال کسب وجهه است، گفت: «قطعاً این موضوع می‌تواند برای مجلس وجهه داشته باشد چرا که به مردم نشان می‌دهد در مقابل دولت سکوت نمی‌کند.»

محمد قمی، نماینده با کدشت نیز درباره کارساز بودن این سوال گفت اگر بگویند این سوال مشکل اقتصادی یا سیاسی را حل می‌کند باید بگوییم این گونه نیست و هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و تنها تأثیری که دارد این است که برخی نمایندگان می‌توانند در حوزه انتخابیه بگویند ما به خاطر شما از رئیس‌جمهور سوال کردیم و از این طریق وجهه‌ای کسب کنند. البته این را هم بگوییم که سوال و استیضاح حق مجلس است و کسی نمی‌تواند به آنها معترض شود چرا از این ابزار نظارتی خود استفاده کردید. قاسم میرزایی نیکو هم از دیگر نمایندگان بود که معتقد بود جلسه سوال از روحانی یک فرصت خوب برای رئیس‌جمهور است که می‌تواند بیاید و حرف‌هایش را بی‌پرده مطرح کند. اما مصطفی کواکبیان، عضو فراکسیون امید مجلس معتقد است اگر روحانی با نمایندگان گفت‌وگو می‌کرد کار به سوال از رئیس‌جمهوری نمی‌کشید و تأکید کرد بعید است روحانی دوسوم آرای لازم را کسب کند. مصطفی کواکبیان، عضو فراکسیون امید مجلس با اشاره به طرح سوال از رئیس‌جمهور از سوی نمایندگان گفت: «آقای رئیس‌جمهور به صحن مجلس خواهد آمد اما دوسوم رای می‌خواهد تا نتیجه بگیرد که بعید می‌دانم.» وی درباره اظهارات اخیر حسینعلی امیری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور که طرح ۵ سوال از رئیس‌جمهور در روزهای اخیر از سوی نمایندگان را سوال برانگیز توصیف کرد، گفت: «سوال، استیضاح و تحقیق و تفحص حق مجلس است و مجلس باید از حق خود استفاده کند.» کواکبیان تأکید کرد: «اینکه سوال از رئیس‌جمهور، در وضعیت تهدید و تحریم‌های اقتصادی، جا داشت یا خیر، بحث جدایی است اما به نظر من، خود آقای حسن روحانی هم در ایجاد این شرایط، تقصیر دارد.» وی تصریح کرد: «ما بارها برای آقای روحانی پیغام فرستادیم که بیایید و در جلسات غیرعلنی مجلس با نمایندگان گفت‌وگو کنید اما کمتر توجه شد.» عضو فراکسیون امید بیان کرد: «بسیار دوست داشتم کار به چنین شرایطی (طرح سوال از رئیس‌جمهور) نمی‌کشید اما الان معتقدم اگر سوال نمایندگان جنبه حل مشکلات مردم را داشته باشد، به نفع کشور خواهد بود.»



برخی می‌گویند علی لاریجانی این بار مقاومتی برای احضار روحانی نداشته است



احمد توکل‌ی از نامه روحانی انتقاد کرده است

## تصمیم تعیین کننده مسکو

ایران و روسیه بارها و مخصوصا در طول دو سال گذشته که قرارداد های جدید نفتی از سوی وزارت نفت معرفی شد در دو طرف میز مذاکره معاملات نفتی نشستند. روس ها از خواستگاران پرپویا قرص توسعه میادین نفتی ایران بودند و شرکت های لوک اویل، روس نفت، زاروبنفت، تات نفت، گازپروم و گازپروم نفت با شرکت ملی نفت ایران تفاهم نامه هم امضا کردند. میدان های منصوری، آبتیمور، کیش، یاران، مارون، لایه نفتی پارس جنوبی، کوپال، آبان، اسفندیار، پایدار غربی، دهلران، پارس شمالی، آذر، چنگوله و چشمه خوش، از جمله میدان هایی هستند که درباره آنها با شرکت های روس مذاکره شده است.

یکی از مذاکرات مذکور هم به نتیجه رسید در روزهای پایانی سال ۱۳۹۶ شاهد امضای قرارداد بهبود باز یافت، افزایش تولید و بهره برداری میادین نفتی آبان و پایدار غرب بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت های زاروبنفت روسیه و دانا انرژی ایران بودیم.

خرید نفت ایران توسط روسیه روی دیگر سکه معاملات نفتی دو کشور بود و در دیداری که بین بیژن زنگنه، وزیر نفت کشورمان و الکساندر نواک، وزیر انرژی روسیه در اواخر سال ۱۳۹۵ صورت گرفت قرار شد نفت ایران به یک شرکت روسی و برای مقاصد خارج از روسیه فروخته شود و ۵۰ درصد پول فروش نفت به روسیه به صورت نقدی تحویل ایران داده و ۵۰ درصد دیگر صرف خرید کالا و خدمات از روسیه شود که این موضوع نیز در مرحله اجرا قرار گرفت.

تمایل روس ها برای حضور در صنعت نفت ایران غیر قابل انکار بود به طوری که بوری اوشاکوف، دستیار رئیس جمهوری روسیه اعلام کرد شرکت های نفت و گاز این کشور می توانند بیش از ۵۰ میلیارد دلار در توسعه میدان های نفت و گاز ایران سرمایه گذاری داشته باشند.

روس ها از سوی دیگر به عنوان بزرگ ترین تولید کننده غیر اوپیک پاب به پای اوپیک برای اجرای تعهد کاهش تولید با هدف تنظیم بازار قدم برداشتند به طوری که حاضر شدند تولید خود را ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش دهند. تعهدی که دو سال با موفقیت راه خود را طی کرد و حالا ترامپ قصد دارد با هدف فشار به ایران، اتحاد این سازمان ۶۰ ساله را برهم بزند.

ترامپ برای دستیابی به این هدف از دو ابزار عربستان و روسیه استفاده کرد و از این کشورها خواست تولید خود را افزایش دهند تا کمبودهای احتمالی بازار جبران شود. در واقع نقشه اصلی ترامپ منع صادرات نفت ایران بود و از آنجایی که با این هدف بازار با کمبود مواجه می شود و این اتفاق برای سرنوشت آمریکا هم تبعات منفی به همراه دارد، تصمیم گرفت کمبود احتمالی را با نفت عربستان و روسیه جبران کند.

به نظر می رسد روسیه به درخواست آمریکا سیگنال مثبت نشان داده است. آمار وزارت انرژی روسیه نشان داد که تولید نفت این کشور ۱۵۰ هزار بشکه در روز در ژوئیه نسبت به ماه پیش از آن افزایش یافته و از میزانی که مسکو گفته بود پس از توافق کشورهای اوپیک و غیر اوپیک در ژوئن به تولیدش اضافه خواهد کرد، فراتر رفته است. الکساندر نواک، وزیر انرژی روسیه نیز در یک کنفرانس تلفنی مربوط به کمیته فنی مشترک وزارت نفت نظارت بر توافق کاهش عرضه نفت اوپیک و غیر اوپیک، اعلام کرده است که مسکو قصد دارد تولید روزانه نفت خود را ۱۷۰ هزار بشکه افزایش دهد.

به گفته حسین کاظم پور اردبیلی، نماینده ایران در هیات عامل اوپیک روسیه توافق جهانی کاهش تولید نفت را نقض و به تلاش های آمریکا برای وضع تحریم ضد ایران، کمک می کند و افزایش تولید این کشور، اتحاد بلندمدت میان تولید کنندگان نفت را به خطر می اندازد. روسیه، عربستان و دیگران تولید نفت خود را یک میلیون بشکه در روز افزایش می دهند تا صادرات نفت ایران را تحت تأثیر قرار دهند؛ آنها دست حمایت خود را به سوی دونالد ترامپ دراز می کنند و این رویکردی بسیار خصمانه در برابر ماست. این در حالی است که روسیه اختیار فرارفتن از تعهد تولید خود را ندارد و عربستان نیز اجازه ندارد این افزایش را تجویز کند.



## جنجال در پارلمان

سوال محمود صادقی از وزیر اقتصاد و دارایی در مجلس جنجالی به پا کرد که برای دقایقی مسعود پزشکیان در اداره مجلس با مشکل مواجه شد. صادقی در نهایت خطاب به وزیر گفت از آنجایی که وزیر یا اختیار ندارد نمی تواند به سوال پاسخ دهد، من سوال را به رای نمی گذارم اما درخواست تحقیق و تفحص از این موضوع را دارم. همه چیز آرام پیش می رفت و کسی نه اعتراضی داشت و نه انتقادی؛ حتی وقتی خدیجه ربیعی، نماینده مردم بروجن درباره طرح جامع مالیاتی، سوال از وزیر اقتصاد مطرح کرد و کرباسیان، وزیر اقتصاد به دلیل این سوال کارت زرد از مجلس گرفت، باز کسی ناراحت نشد اما همین که نوبت محمود صادقی شد تا سوال خود را از وزیر اقتصاد بپرسد همه چیز تغییر کرد. بیش از یک سال است که محمود صادقی، نماینده مردم تهران و رئیس فراکسیون شفافیت موضوع حساب های سپرده قوه قضائیه را که به گفته او به نام شخص رئیس قوه باز شده است را پیگیری می کند و برای همین منظور طرح سوال از وزیر اقتصاد را یک سال پیش به هیات رئیسه مجلس داد اما تا آن روز این سوال به تعویق افتاد و حتی امروز هم تا ساعاتی قبل از مطرح شدنش صادقی در توییتری اعلام کرد از دستور کار خارج شده است اما در نهایت تصمیم هیات رئیسه عوض شد و چون وزیر به صحن آمده بود قرار شد این سوال هم مطرح شود. صادقی سوالش را این گونه آغاز کرد: «مبنای قانونی و شرعی افتتاح حساب های سپرده توسط قوه قضائیه چیست؟ تعداد این حساب ها، صاحبان حساب ها، مبالغ واریز شده و سود حاصله و موارد مصرف آن از چه قرار است؟» وی گفت: «با گذشت سه ماه از درخواست از وزارت اقتصاد برای اعلام گزارشی از حساب های قوه قضائیه به مجلس هنوز این گزارش ارائه نشده است. وارد چهارمین دهه انقلاب اسلامی شده ایم و به رغم دستاوردهای نظام، شکاف بین حاکمیت و جامعه به بالاترین حد خود رسیده است. یکی از دلایل این اتفاق، شکاف بین دستگاه های اداری و مردم و اجرانشدن قوانین مهم کشور در حوزه شفافیت است. عدم شفافیت باعث شد بی اعتمادی رشد کند. در این بستر، فضا برای دشمنان و بیگانگان برای رشد به وجود آمد.» عضو فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه وزیر معتقد است این موضوع مصوبه شورای پول و اعتبار دارد، خاطر نشان کرد: «تمامی مصوبات شوراها حکم قانون نبوده و خیلی از اقدامات غیر قانونی نیز به خاطر خط و خطوط همین شوراهاست که نباید به آنها استناد کرد.» همین که صحبت به اینجا رسید فریاد خدیی، نماینده مردم بوشهر بلند شد و در همین زمان نصرالله پژمانفر در اعتراض به صحبت های صادقی مقابل هیات رئیسه ایستاد و خطاب به هیات رئیسه نسبت به صحبت های نماینده تهران شکایت می کرد. از آنجایی که اعتراض خدیی از همه تندتر بود دیگر به درخواست برای تذکره اکتفا نکرد و خود را به صندلی صادقی رساند تا رودر رو اعتراضش را بگوید. جنجال آن قدر بالا گرفت که عبدالکریم حسین زاده، ایاس حضرتی و تعداد دیگری از نمایندگان تلاش کردند خدیی را دور کنند اما همین که نماینده بوشهر دور شد محمد علی پورمختار خود را به صادقی رساند و با صدای بلند به صحبت های او اعتراض کرد. در این زمان پزشکیان که ریاست مجلس را به عهده داشت از نمایندگان خواست تا آرامش خود را حفظ کنند و سپس خطاب به محمود صادقی گفت: «سوال پرسیدن اشکالی ندارد اما طرح سوال نباید به گونه ای باشد که کل سیستم زیر سوال برود اینکه شما همه قضات را خطاب قرار می دهید کار درستی نیست.» محمود صادقی در نوبت دوم صحبت هایش از اینکه برخی ناراحت شدند عذر خواهی کرد و گفت منظوم همه قضات نیست و من خود را از این خانواده می دانم اما از آنجایی که وزیر یا اختیار ندارد نمی تواند به سوال پاسخ دهد من سوال را به رای نمی گذارم اما درخواست تحقیق و تفحص از این موضوع را دارم.



## آرام و خونسر

حسن روحانی بالاخره از طریق رسانه ملی با مردم سخن گفت. او در حالی در این گفت و گوی زنده حضور یافت که یک بار قبل از آن انجام مصاحبه را لغو کرده بود.

او چند محور مهم برای سخن گفتن انتخاب کرده بود: از تحولات بازار طلا و ارز گرفته تا بسته اقتصادی دولت، برای اولین بار رسماً پاسخ دونالد ترامپ برای مذاکره را داد و البته خبرهای دیگری هم برای مردم داشت. اما این مصاحبه بازخورد های زیادی هم داشت. خصوصاً آنجا که او از برگزاری رفراندوم سخن گفت.

مجید انصاری معاون سابق حقوقی رئیس جمهوری در واکنشی به صحبت های رئیس جمهوری درباره رفراندوم، گفته است: «می توانیم از راهکار همه پرسی که در قانون اساسی پیش بینی شده، در مواردی که منجر به اختلاف نظر جدی سیاسی یا اقتصادی است، بهره بگیریم. وقتی این راهکار وجود دارد و می تواند به مشاجرات پایان دهد، چرا از این ظرفیت استفاده نکنیم.»

مجید انصاری افزود: «نمی دانم آقای روحانی دقیقاً چه موضوعی را به عنوان همه پرسی یا رجوع به آرای عمومی مدنظر دارند، چون نه در ۲۲ بهمن و نه دوشنبه شب برای آن مصداق تعیین نکردند، اما خواستند بر این نکته تأکید کنند که ما برای برون رفت از مشکلات و بحران ها و ایجاد انسجام در قانون اساسی راهکار داریم و هیچ بن بست و وجود ندارد و اگر موضوعات منشأ اختلافات جدی باشند، لاینحل نیستند.»

انصاری عنوان کرد: «آقای روحانی خواستند در صحبت های خود بگویند این راهکار در قانون اساسی وجود دارد، اما وقتی صحبت از رفراندوم به میان می آید، برخی جریانات سیاسی یا اشخاص از روی آگاهی یا ناآگاهی این مسئله را مساوی با نوعی تجدیدنظرخواهی در برخی خطوط نظام یا ساختار نظام تلقی می کنند و به همین دلیل علیه آن موضع می گیرند. در حالی که تغییر ساختار اساسی نظام راهکار دیگری دارد و آن به بازنگری در قانون اساسی مربوط می شود.» محمود صادقی، عضو فراکسیون امید مجلس نیز گفته است: «آقای روحانی مسئله همه پرسی را ذیل تقویت دموکراسی و مردم سالاری مطرح کردند و گفتند یکی از راه های رسیدن به آن، مراجعه مستقیم به آرای مردم است، اما ایشان درباره مصداق این موضوع صحبتی نکردند.»

او افزود: «ایشان در بحث رابطه با اروپا، برجام، روابط با آسیا، مسائل اقتصادی، التهایات ارزی و برنامه های دولت برای کاهش این التهایات امیدوارکننده صحبت کردند و با روحیه خوب، اقتدار و تسلط دولت به اوضاع را نشان دادند.» صادقی در واکنش به اینکه رئیس جمهوری اظهار کرده که چرخشی در سیاست داخلی خود نداشته است، گفت: «با توجه به اینکه این تصور وجود دارد که آقای روحانی در سیاست داخلی خود نسبت به سال ۹۶ و زمان انتخابات چرخش داشتند، پاسخ شفاف نداشتند. هرچند این موضوع کاملاً حس می شود که مواضع ایشان نسبت به زمان انتخابات متفاوت شده است، اما ایشان این موضوع را پذیرفتند و گفتند در سیاست داخلی و خارجی چرخشی نداشته اند.»

اما در واکنشی متفاوت حسام الدین آشنا، مشاور رئیس جمهوری، در توییتی نوشت: «سخن گفتن از مردم سخت تر از سخن گفتن با مردم نیست.» دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی هم درباره تأکید رئیس جمهوری بر اجرای همه پرسی برای اعمال تغییرات مدنظر مردم گفته است: «همه پرسی می تواند مقابل جوسازی های رسانه ای و مجازی برای کشور مثبت باشد.»

غلامحسین کرباسچی درباره اینکه آیا روحانی در مقایسه با سال گذشته و ایام انتخابات، چرخشی داشته است یا خیر؟ عنوان کرد: «کسی در اینکه آقای روحانی همان فرد هستند، شکی ندارد. ایشان تغییری نکرده اند، همان آقای روحانی معروف هستند. هرچند ایشان در پاسخ به این پرسش گفتند که در بیان، کلام و عملکرد تغییری نکرده اند؛ اما تصور من این است که جامعه به شکل صد درصد با آن موافق نیست. به نظر من آقای روحانی می تواند به گونه ای عمل کند که مردم و کسانی که به ایشان رأی دادند، حس کنند با جدیت بیشتر بر وعده های خود و مطالبات مردم ایستاده است.»

او درباره سؤال مجلس از رئیس جمهوری گفت: «روحانی اثبات کرده است می تواند سخنران اثرگذاری برای افزایش همفکری در جامعه باشد. صحبت های ایشان می تواند در جذب نمایندگان اثرگذار باشد. علاوه بر این تأکید کردند هرگاه نمایندگان بخواهند، با آنها گفت و گو خواهند کرد. البته یکی از اصلی ترین گالیه های اعضای فراکسیون امید که در دیدار اخیر با ایشان مطرح کردند، تأخیر در پاسخ به این درخواست بوده است که می توان آن را به پای مشغله های رئیس جمهوری گذاشت. هرچه ایشان بیشتر با نمایندگان و سایر مسئولان در ارتباط باشند و مسائل را با جدیت بیشتری پیگیری کنند، اثرگذارتر خواهند بود.»

رسول منتجب نیا، فعال سیاسی اصلاح طلب، هم گفت: «رئیس جمهوری باید شفاف تر با مردم سخن بگوید؛ چرا همه هزینه ها را رئیس جمهوری و دولت باید پرداخت کند؟ چرا بخشی از هزینه ها را بر عهده کسانی که خودشان بر مردم هزینه تحمیل می کنند، نمی گذارند.»

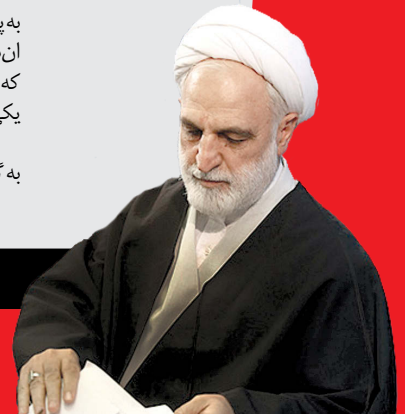


## انتخاب ترامپ؛ ریاض یا اوتوا؟

با بروز تنش میان عربستان سعودی و کانادا، نگاه ها به سمت ایالات متحده دوخته شده است و این پرسش مطرح می شود که موضع واشنگتن در قبال این تنش چه خواهد بود. دولت کنونی آمریکا به ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» می تواند به عنوان نیروی برای ایجاد مصالحه میان طرفین سعودی و کانادایی باشد از این جهت که ایالات متحده هم پیمانی سنتی برای عربستان سعودی و کانادا محسوب می شود که اینک می تواند به جانبداری از یک طرف خاص اقدام کند. روابط بین ایالات متحده با عربستان سعودی و کانادا، استراتژیک است و این دو کشور را شرکای تجاری خود که در عین حال مواضع سیاسی مشابهی دارند، تلقی می کند. ولی طی هفته ها و ماه های اخیر تنش ملموسی میان این دو هم پیمان به دنبال تصمیم دولت آمریکا به وضع تعرفه های مالیاتی بر واردات فولاد و آلومینیوم از کانادا، ایجاد شده است و مقام های این دو کشور اظهارات تندی رد و بدل می کنند. همزمان، کاخ سفید از زمان ریاست جمهوری ترامپ روابط سیاسی اش با عربستان سعودی به ویژه «محمد بن سلمان»، ولیعهد این کشور را تقویت کرده است و عربستان سعودی در حال حاضر بزرگ ترین هم پیمان آمریکا در منطقه خاورمیانه (در کنار اسرائیل) به شمار می رود به ویژه اینکه طرفین دشمنی واحد به نام «ایران» دارند و در تلاش برای مقابله با نفوذ فزاینده آن در منطقه هستند و در همین چارچوب، ریاض میلیارد دلار را برای خرید تسلیحات آمریکایی هزینه کرده است. در عین حال، ایالات متحده از نقض گسترده حقوق بشر در عربستان سعودی انتقاد کرده و از مقام های این کشور خواسته است فعالان مدنی بازداشت شده را آزاد کند. تنش میان اوتوا و ریاض در حالی شکل گرفته است که در میان ۹ کشور عربی عربستان بزرگ ترین شریک تجاری کانادا محسوب می شود که از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ تجارت میان دو کشور بیش از دو برابر رشد داشته است. از سوی دیگر کانادا یکی از تامین کنندگان سلاح برای سعودی است و به نظر می رسد با تنش هایی که پیش آمده است طرفین دوره ای از افول در روابط را تجربه خواهند کرد. حجم مبادلات تجاری میان عربستان سعودی و کانادا سالانه بالغ بر ۴ میلیارد دلار است و تعلیق این همکاری ها چه بسا عربستان سعودی را بزرگ ترین بازنده کند مگر اینکه این مبلغ را با رفتن به بازارهای کشورهای دیگر جبران کند؛ چرا که عربستان سعودی به دوستانی نیاز دارند و در سایه شرایطی که این کشور وارد جنگ در یمن شده و در سوریه شکست خورده است و در دروازه های سومین کشور یعنی ایران ایستاده است، نباید دشمنان زیادی برای خود خلق کند. ولی خسارت کانادا همواره بسیار ناچیز خواهد بود اگر به این امر توجه داشته باشیم که تولید ناخالص این کشور سالانه بیش از ۱۶۳۵ میلیارد دلار است و در رتبه دهم کشورهای قدرتمند اقتصادی در جهان قرار دارد. بسیاری بر این باورند که این حساسیت شدید از سوی مسئولان در عربستان سعودی در قبال مساله مداخله در امور داخلی این کشور، به نظر بیش از حد زیاد است و به نفع این کشور نیست که آن را تحریک و ادامه دهد کند به ویژه اینکه این کشور در سوریه، یمن و لیبی و چه بسا به زودی در ایران برای تغییر نظام ها در این کشورها مداخله می کند. عربستان سعودی، آلمان را که از قدرتمندترین کشورهای در جهان غرب است، به دلیل انتقادهای مشابه آن از مداخله ریاض در یمن از دست داد و آلمان نیز فروش سلاح به این کشور را متوقف کرد. حالا سعودی ها کانادا را نیز از دست می دهند و خدا می داند که سومین یا چهارمین یا پنجمین کشور کدام خواهد بود. برای اینکه انتقادهای کشورهای غربی از نقض حقوق بشر در عربستان سعودی، توسط سازمان های بزرگ جهانی متخصص در دفاع از حقوق بشر مستندسازی شده است و ما بر این باور نیستیم که این انتقادات به دلیل چنین واکنش خنثی آمیز علیه کانادا، متوقف خواهد شد.

سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد که معاون ارزی بانک مرکزی بازداشت شده است. محسنی اژه‌ای گفته است: «در ادامه رسیدگی به پرونده اخلا لگران در نظام پولی و بانکی کشور، پرونده سه نفر از کسانی که تکمیل شده بود با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شد و ان شاء الله به زودی دادگاه آنها شروع خواهد شد.» محسنی اژه‌ای گفت: «در راستای مبارزه با مفاسد اقتصادی، معاون ارزی بانک مرکزی که ظاهراً برکنار هم شده بود، بازداشت و به زندان منتقل شده است.» وی افزوده است که چندین نفر دیگر از جمله یکی از کارمندان یکی از معاونان رئیس‌جمهور نیز بازداشت شده‌اند.

سخنگوی قوه قضائیه در حالی این سخنان را بیان کرده است که اخبار تایید نشده‌ای هم در مورد رئیس کل بانک مرکزی در رسانه‌ها به گوش می‌رسد.



## بازداشت معاون ارزی

### معمای عجیب آشنا



در طول دو هفته اخیر اخبار متعددی رسیده است که حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهور دلخور است یا اینکه از سمت خود استعفا داده است. اولین نکته در مورد او این بود که تمامی سمت‌های خود در دولت را از صفحه شخصی حذف کرده است. برخی گفتند اختلافی میان او و رئیس‌جمهور بروز کرده است و حالا اما در جدیدترین تحول ساعتی بعد از مصاحبه رئیس‌جمهور در تلویزیون او مطلبی کنایه‌آمیز درج کرده است. او در واقع در توئیتر خود به گفت‌وگوی تلویزیونی رئیس‌جمهور و کنش نشان داد. حسام‌الدین آشنا در واکنش به گفت‌وگوی تلویزیونی شب گذشته حسن روحانی در توئیتر نوشت: «سخن گفتن از مردم سخت‌تر از سخن گفتن با مردم نیست.»

مجید تخت‌روانچی، از اعضای اصلی تیم مذاکره‌کننده توافق هسته‌ای بود که اکنون «معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهوری» است. او گفته است: «از همان موقع با اروپایی‌ها در سطوح مختلف در تماس بودیم که همه آنها رسانه‌ای نشده است؛ برای مثال همین چند روز پیش جلسات کارشناسی در اروپا داشتیم که اصلاً اطلاع‌رسانی نشد. وقتی یک ماه پیش با آقای ظریف به بروکسل رفتیم، کارشناس‌های ما آنجا بودند، بنابراین بحث‌های کارشناسی ما ادامه دارد و اینکه چرا اعلام نمی‌شود به این دلیل است که باید به جایی برسد و سپس درباره آن اطلاع‌رسانی شود. بسته‌ای که چند وقت پیش به ما ارائه دادند، یک قدم رو به جلو بود اما هنوز از دید ما کفایت نمی‌کرد. حالا امیدوارم زمانی برسد که بتوانیم جزئیات بسته را مورد بحث قرار دهیم و فکر می‌کنم در انتهای کار همه چیز روشن می‌شود. اروپایی‌ها به ما گفتند اطمینان می‌دهیم که بدانید ما روی این موضوع کار می‌کنیم و می‌خواهیم این کار جلو برود و از دید ما برجام باید بماند و اذعان هم داشتند که باید جزئیات را به ما بگویند. این طور نبود که بگویند همین و بس. استنباط ما این است که قبل از بازگشت تحریم‌ها باید یک سری اتفاقات بیفتد و یک سری مطالب برای ما روشن شود و بدانیم در کجا هستیم.»



## به اروپا گفته‌ایم اقدام بعد از تحریم ارزی ندارد

### مذاکره با آمریکا هرگز تابو نبوده



حسین امیرعبداللهیان، معاون عربی سابق وزیر امور خارجه از چهره‌های هفته قبل بوده است. او که اکنون دستیار رئیس‌مجلس در امور بین‌الملل است، در توئیتر خود همراه با عکسی از مذاکره خود با تیم آمریکایی توییت کرده است: «مذاکره با آمریکا هرگز تابو نبوده، ده‌ها ملاقات و وزیر خارجه دو کشور در برجام و سه دور مذاکره در بغداد که من هم در آن حضور داشتم از آن جمله است. مشکل، مذاکره نیست، بلکه رفتار قلدرمانه، جنایات بزرگ و بدعهدی‌های مکرر آمریکا است. موقع شناسی و اقتدار، دورکن هر مذاکره دیپلماتیک است.» این سخنان او مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. او جزو تیم مذاکره‌کننده ایران در زمان مذاکرات ایران و آمریکا در بغداد بوده است.



# قرار نبود معاون اول شوم

محمدباقر قالیباف از شرایط سیاسی این روزها سخن گفته است

محمدباقر قالیباف در هفته گذشته دو مصاحبه و اظهار نظر مهم داشته و از مهم‌ترین چهره‌های این روزهاست. شهردار سابق تهران با تأکید بر نواصولگرایی به عنوان راه حل جریان اصولگرایی گفته است: «موضوع اصولگرایان رها نشده و دنبال می‌شود و بنده نمی‌توانم نواصولگرایی را به دوستان دیکته کنم و تنها می‌توانم به عنوان یک نفر نظر خود را بگویم.»

او گفته است: «اگر از من بپرسید که آیا موضوع اقتصاد قابل حل است یا خیر، با جدیت زمان انتخابات می‌گویم که حتی در شرایط فعلی نیز می‌توان کشور را اداره کرد، به گونه‌ای که هر سال مردم احساس کنند که به سمت یک ثبات در زمینه اقتصاد پیش می‌روند. در دولت‌های یازدهم و دوازدهم اعداد و ارقام اثبات می‌کند که نقدینگی سه برابر افزایش پیدا کرده است لذا ابتدا باید به فکر مهار نقدینگی بود. در زمان انتخابات گفتم، برخی اقسار جامعه که بیش از حد دچار مشکلات اقتصادی هستند و جمعیتی حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش قرار داده و یارانه آنها را نیز حدود ۳ برابر خواهیم کرد و آن زمان همه گفتند که این نقدینگی را از کجا خواهیم آورد؟ اما بعد از انتخابات دیدید که این کار را کردند. علی‌رغم تصویب قانون در مجلس یارانه دهک‌های بالا را حذف نمی‌کنند و متأسفانه از جیب بیت‌المال حامی‌پروری می‌کنند. شفاف‌سازی‌ها باعث شده تا اعداد و ارقام مشخص کنند که تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ چگونه سعی شد تا نرخ ارز مصنوعی تثبیت شود و بعد از انتخابات قیمت ارز به سرعت بالا رفت، در حالی که تحریم‌ها هنوز شروع نشده بود. با اطمینان می‌گویم که کنترل رشد نقدینگی در کشور قابل اجرا بوده و می‌توان آن را مدیریت و هدایت کرد، اما من چنین اراده‌ای نمی‌بینم! قیمت گذاری دستوری برای نرخ ارز در منطق اقتصاد اشتباه است. نباید ناامید شد. در موضوع اداره اقتصاد کشور نباید موضوع رقابت سیاسی و جناحی وجود داشته باشد، چرا که به مردم، نظام و حفظ منافع ملی ارتباط دارد و همه ما باید به سهم خود دولت را همراهی کنیم تا بتواند بر مشکلات کنونی فائق بیاید. البته دولت باید بخواهد و گام بردارد و به‌طور حتم همه ما چه در زمینه پیشنهادها و برنامه کمک خواهیم کرد تا کشور در مسیر درستی حرکت کند.»

او در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه اخیراً مطرح شده بود که قرار است جنابعالی به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور در کابینه دولت قرار بگیرید چنین پاسخ داده است: «چنین مسئله‌ای نبوده است. او در پاسخ به این سوال که دلتنگ بهشت نشده‌اید، گفته است: نه! چرا دلتنگ بهشت شوم، فکر می‌کنید ۱۲ سال کفایت نمی‌کند؟ زیادی هم بوده است. شهرداری یک نهاد اجتماعی بوده و محل خدمت است، لذا کوچک‌ترین کار سیاسی و سیاسی کاری در مدیریت شهری نه در ایران و بلکه در همه دنیا درست نیست، در کشورهایی که مهد تمدن و دموکراسی هستند، شهرداری‌ها به دور از سیاسی کاری عمل می‌کنند. هرکسی وارد شهرداری شده و جهت‌گیری سیاسی پیدا کند، نمی‌تواند موفق باشد؛ چرا که جنس کار در این نهاد خدمت به مردم است. زمانی

در شهرداری کار سیاسی انجام می‌دهند و سیاسی کاری می‌کنند و زمانی در همین نهاد کار می‌کنند. نباید این دو مسئله را با یکدیگر اشتباه گرفت. فعالیت سیاسی که عین انقلابی بودن و دینداری است اما سیاست‌زدگی و سوءاستفاده از پست و سمت و جایگاه دولتی خلاف است. اصلاً فرض کنیم که من با نیت سیاسی در شهرداری کار می‌کردم. اما سیاسی کاری که انجام ندادم، بلکه فعالیت می‌کردم و مردم هم می‌دیدند، به نظر شما اگر فردی خود را با کار به مردم معرفی کند حلال تر است یا با وعده‌های دروغ؟ شما ببینید که در شهرداری چقدر از



اردوگاه اصلاح طلب در دوران مدیریت بنده در رده‌های معاون شهردار تا شهردار مناطق حضور داشتند. بعد از دوران بنده چه اتفاقی افتاد و حتی رفتند و با دوستان خودشان که با من کار می‌کردند، برخورد کردند که شما به ما خیانت کرده‌اید که با قالیباف کار می‌کردید.»

قالیباف در پاسخ به این سوال که مشاوران به شما آدرس غلط می‌دهند؟ گفته است: «فکر می‌کنم که این تحلیل اشتباه است و ممکن است درباره سال ۸۴ در آن زمان چنین تحلیلی صورت گرفته باشد، اما امروز بعد از ۸ سال استقرار آن دولت و وعده‌هایی که داده بود عملیاتی

شد؟ آیا حرف‌هایی که در سال‌های ۸۴، ۹۲ و ۹۶ زدم که متن سخنرانی‌های آن در رسانه ملی و دیگر رسانه‌ها وجود دارد، با یکدیگر مغایرتی دارند؟ در دایره قدرت در سطح بالا در حوزه قوه مجریه و مقننه که عمدتاً انتخاباتی و با رأی مردم انتخاب می‌شود حاکم شده و همه نمی‌توانند در این دایره وارد شوند، به این معنا که وقتی می‌خواهند به این دایره ورود پیدا کنند، ابتدا باید حضوری خود را یک جایی زده باشند و بعد به این وادی ورود پیدا کنند. اگر حضوری خود را جایی نزدی و به دایره ورود پیدا کردی اولین اتفاق نظر به وجود می‌آید که آن جریان‌ات حرف بزنند. به عنوان مثال حرفی که در سال ۹۲ زده شد، اگر روحانی می‌دانست که می‌خواهم آن کار را انجام دهم، مگر دبیر شورای عالی امنیت ملی نبود و مسئولیت امنیت کشور را نداشت؟ پس چرا عکس‌العملی نشان نداد؟ به هر حال امنیتی تر از آقای روحانی که نداشتیم، چرا که وی ۱۸ سال مسئول شورای عالی امنیت ملی بوده و همه حوزه‌های هماهنگی با نظر ایشان انجام می‌شد. من به عنوان یکی از بچه‌های انقلاب چنین مبانی‌ای را اساساً برای کسب قدرت قبول ندارم و هیچ‌گاه وعده دروغ و خلافی نمی‌دهم که نتوانم آن را انجام دهم.

چرا آدم باید به هر قیمتی روی قدرت بیاید؟ بنده در هر پستی قرار گرفته‌ام روزی ۱۸ ساعت به‌جز دوران جنگ که ۲۴ ساعته به خدمت پرداخته‌ام، پای کار بوده‌ام. اگر فردی روزی ۱۸ ساعت کار کرده و زحمت بکشد، لازم است که با دروغ رأی بیاورد؟ خیر، اما وقتی می‌خواهی با دروغ قدرت را به دست آوری و کار دیگری انجام دهی تا دوران بگذرد، همان داستان حامی‌پروری است.»

او همچنین در قسمت دیگری از این مصاحبه گفته است: «چنانچه از نظر شکلی مورد پسند بنده است، اردوگاهی که توانست از همه شهرها و شهرستان‌ها افراد اصولگرا را کنار یکدیگر قرار دهد، پس حتماً کار پسندیده‌ای است. اما اشکالی که به آن وارد است این است که افرادی که انتخاب شدند، مسیر درستی را طی نکردند. به این معنا که از بطن مردم و یک جریان سیاسی نیامده‌اند. شکل کار چنانچه صحیح است، اما روش آن اشکال دارد و گرنه اگر همه مسیر طی شده اصلاح شود و اتفاقی بیفتد، به آن نواصولگرایی می‌گویند و معتقدم که باید هدف گذاری‌ها و کارها را به‌روز کنیم. معتقدم که باید حتماً پوست‌اندازی در اردوگاه اصولگرایان صورت بگیرد و به سهم خود این کار را شروع کرده‌ام. موضوع اصولگرایان رها نشده و دنبال می‌شود و بنده نمی‌توانم نواصولگرایی را به دوستان دیکته کنم و تنها می‌توانم به عنوان یک نفر نظر خود را بگویم. اما جوان‌ها باید بگویند که این چیست و آن را تعریف و توصیف کنند و به تشکیل تشکل بپردازند. خبری که از برگزاری جلسه با سیدابراهیم رئیسی - بیرون آمده صحت ندارد و جلسات به آن شکلی که بحثی صورت بگیرد، برگزار نمی‌شود. گفتیم که وحدت لازم است اما کافی نیست و با این اقدام نشان دادیم که تنها با وحدت مشکلات حل نمی‌شود، البته جمع دوستان و بزرگان اصولگرا وقتی می‌گفتند که یکی باید کنار برود من نگاه می‌کردم. اگر کسی الفبای سیاست و بازبگری را بداند، می‌داند که نباید چنین کاری انجام شود و بنده کنار کشیدم تا اگر عدم توفیقی پیش آمد، نگویند به خاطر فقدان وحدت بوده است. اما چرا باز ناموفقیم؟ پس نواصولگرایی یک ضرورت است و باید رویکردها و روش‌هایمان را تغییر دهیم.»

## جهان از اوامر توییتری ترامپ تبعیت نمی کند

وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به پیام توییتری ترامپ درباره تحریم ایران برای تحقق صلح جهانی، تصریح می کند که این اولین باری نیست که یک جنگ طلب ادعا می کند که برای «صلح جهانی» جنگ راه می اندازد. محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان با تشبیه لفاظی های ترامپ به خشم بچه گانه و فریادهای توییتری، تصریح کرد که جهان از دست یکجانبه گرایی آمریکا خسته و درمانده شده است. ظریف تأکید کرد که جهان از اوامر توییتری ترامپ پیروی نمی کند. وزیر امور خارجه کشورمان در ادامه با اشاره به پیام توییتری ترامپ درباره تحریم ایران برای تحقق صلح جهانی، تصریح کرد که این اولین باری نیست که یک جنگ طلب ادعا می کند که برای «صلح جهانی» جنگ راه می اندازد.

دنبال کنید

Donald J. Trump  
@realDonaldTrump



The Iran sanctions have officially been cast. These are the most biting sanctions ever imposed, and in November they ratchet up to yet another level. Anyone doing business with Iran will NOT be doing business with the United States. I am asking for WORLD PEACE, nothing less!

## توییت ترامپ درباره آغاز تحریم های ایران

رئیس جمهوری آمریکا با انتشار پیامی توییتری ضمن تمجید از اقدام خود مبنی بر اعمال مجدد تحریم علیه ایران، دیگر کشورها را از تجارت با تهران برحذر داشت. دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در نخستین توییت امروز سه شنبه خود نوشت: تحریم های ایران رسماً آغاز شد. این سنگین ترین تحریمی است که تاکنون (علیه ایران) اعمال شده است و در ماه میلادی نوامبر (آبان ماه) نیز شاهد افزایش مرحله ای آن خواهیم بود. هرکه با ایران وارد معامله شود، دیگر با آمریکا معامله ای نخواهد داشت. من خواهان صلح جهانی و به کمتر از آن راضی نمی شوم! گفتنی است اتحادیه اروپا به اجرای مجدد تحریم های ایران واکنش تندی نشان داده است. در همین راستا، کمیسیون اروپا در پیامی توییتری اعلام کرد: از امروز ۱۷ آگوست، قوانین مسدود ساز به روز شده اروپا به اجرا گذاشته شد تا تأثیر تحریم های آمریکا بر منافع شرکت های اروپایی که در حال انجام معاملات قانونی با ایران هستند کاهش یابد. این بخشی از حمایت ما برای ادامه اجرای کامل برجام است.



Javad Zarif  
@JZarif

Following

Tantrums & CAPPED TWEETS won't change the fact that the world is sick & tired of US unilateralism. Stopping US trade and killing 100K US jobs is fine with us, but the world won't follow impulsive tweeted dikats. Just ask EU, Russia, China & dozens of our other trading partners.

9:59 PM - 7 Aug 2018



Javad Zarif  
@JZarif

Following

Reminder: International relations is not a beauty pageant, with tired clichés about a desire for WORLD PEACE. And it is not the first time that a warmonger claims he is waging war for "world peace".

9:59 PM - 7 Aug 2018

دنبال کنید

سیدحسین نقوی حسینی  
@idr\_naghavy



ایران می تواند از موانع تحریمی آمریکا عبور کند و تحریم های ثانویه ایالات متحده آمریکا برای هیچ کشوری الزامی نیست. بسته پیشنهادهای اروپا ارتقاء کیفی داشته است و با توجه به عدم همراهی روسیه، چین و کشورهای اروپایی با آمریکا به نظر می رسد بهتر بتوان به مسیر در نظر گرفته شده ادامه داد.

۱۳۹۷ - ۱۴ مرداد

سید حسین نقوی  
نماینده مردم ورامین در  
مجلس شورای اسلامی  
در صفحه شخصی خود در  
توییت درباره اعمال تحریم  
های جدید آمریکا علیه ایران  
نوشت.

دنبال کنید

محسن رضایی  
@ir\_rozaye



مردم تشنه صداقتند. عذرخواهی و قبول اشتباه، گاهی می تواند آبی بر آتش آزدگی مردم باشد.

۱۳۹۷ - ۱۴ مرداد

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، در صفحه شخصی خود در توییت درباره سخنان هفته گذشته روحانی در تلویزیون نوشت

دنبال کنید

محمدسعید احدیان  
@MsAhadian



یک مدیر اقتصادی تغییر کرد. دولت فقط تصمیم گرفت نتیجه آنکه روزی که #ترامپ تحریم ها را برگرداند و همه از آن روز می ترسیدند، قیمت #دلار سقوط آزاد کرد. معلوم شد مشکل اصلی #تحریم نیست. آقای #روحانی مذاکره با اروپا را ادامه بده ولی خواهش می کنیم نگاهت را به داخل برگردان.

۱۳۹۷ - ۱۴ مرداد

محمدسعید احدیان  
مدیر مسئول روزنامه خراسان  
در توییت طی پیامی خطاب به  
رئیس جمهور درباره قیمت ارز  
و مذاکره با ترامپ نوشت

دنبال کنید

abdullahganji  
@dr\_ahmadi



بر کناری ربیعی توسط مجلس پاسخی به نعل چند ماهه رئیس جمهور بود که مدیون اعضای ستاد انتخاباتی است و وزارت خانه پاداش آنان بود. این دومینو شاید ادامه یابد.

۱۳۹۷ - ۱۴ مرداد

عبدالله گنجی، مدیرمسئول روزنامه جوان در صفحه شخصی خود در توییتی درباره استیضاح وزیر کار در مجلس نوشت.

دنبال کنید

علیرضا زاکانی  
@zakani\_ir



ربیعی از وزارت کار رفت تا آخوندی، زنگنه و کرباسیان بمانند.

ربیعی بی اشکال نبود ولی منشاء مشکلات کشور هنوز در وزارتخانه ها مشغول بی تدبیری و بدعملی اند.

مجلس به ریشه ها بپردازد نه شاخه ها، آنچه مهم است جایگزین ربیعی است و این که با بی عملی و بدعملی وزرای اقتصادی چه باید کرد؟

۱۳۹۷ - ۱۷ مرداد

علیرضا زاکانی رئیس  
کمیسیون ویژه برجام در  
مجلس نهم در توییت درباره  
جلسه امروز مجلس و برکناری  
علی ربیعی از سمتش،  
نوشت.

دنبال کنید

محمدرضا عارف  
@ir\_araf

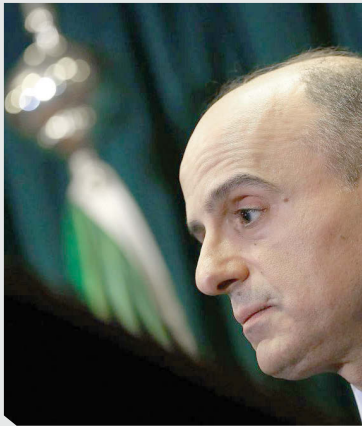


#سوال از #رئیس\_جمهور در مقطع فعلی هیچ توجیهی ندارد. هنر ما باید این باشد که بتوانیم مسائل سیاسی را به راهبردهای غیرسیاسی تبدیل کنیم تا بتوانیم مشکلات را به صورت اجماعی حل کنیم. این همان کاری است که #فراکسیون\_امید در طول دو سال گذشته به عنوان یک راهبرد دنبال می کند.

۱۳۹۷ - ۱۴ مرداد

محمدرضا عارف نماینده مجلس شورای اسلامی در توییتی درباره سوال از رئیس جمهور در صحن مجلس نوشت.





بعد از حمله آمریکا به خاورمیانه و ایجاد شرایط خصومت آمیز، خصومت عربستان با ایران علنی تر شد. گرچه حمله به سفارت عربستان در تهران عملی احساسی، اشتباه و خارج از عرف بود. اما تصور اینکه این اتفاق در تغییر یا تشدید سیاست‌های خصمانه عربستان به سمت ایران نقشی داشته است، نشان از توهم و تاثیر جنگ روانی بر سیاست‌یون ایران است. در زمان آقای خاتمی بود که عربستان درخواست قطع کردن سر مار را داشت. حال با در نظر گرفتن واقعیت‌های تاریخی، تفاوت‌های فرهنگی، مسائل ژئواستراتژیک و شرایط فعلی تلاش برای تلطیف روابط با عربستان از دید طرف‌های متخصص به عنوان ناآگاهی و ناتوانی سیاسی و اطلاعاتی کشور تا حدی به درستی تعبیر شده و شمشیرهارا علیه ایران تیزتر می‌کند. تازمانی که شرایط مطلوب حاصل نشده باشد.

sms

آقای رئیس‌جمهور! قدرت خرید پول ملی به یک سوم کاهش یافته. قدرت خرید کارگران، کارمندان، کشاورزان و خرده‌فروشان آسیب‌دیده و تنها عده‌ای افراد که به اطلاعات و رانت ویژه دسترسی داشتند ثروت‌شان سه برابر شده است.

📷



شرایط فعلی کشور، گرانی‌های اخیر بازار ارز و... ناشی از کارشکنی‌ها و دسیسه‌های آمریکا و اروپاست.

📌

سوال بزرگ برای ملت ایران این هست که چرا نمایندگان تهران (لیست امید) برای طرح سوال از روحانی رای ندادند؟

🗨️

گفته بودند که مدیران ناکارآمد و مسبب اوضاع فعلی را برکنار خواهند کرد پس چرا هیچ خبری نیست؟

📌

پمپئو که سابقه ریاست سیارا دارد تلاش کرد با اظهار یکسری اطلاعات اشتباه و دادن کدهای غیرصحیح ناشیانه، نارضایتی‌های اجتماعی را نشان دهد. او اطلاعات صحیح را به علت شغل قبلی خود در دست دارد، اما تمعدا تلاش می‌کند فضای ایران را متلاطم نشان دهد و بین مردم و دولت شکاف ایجاد کند و آمریکا را حامی مردم نشان دهد.

🗨️



گفت و گو؟ با آمریکا؟ مشکل ما ترامپه یا مدیران نالایق؟ مگه دو سه سال کشور رو معطل گفت و گو و برجام نکردن؟ مگه رهبری نگفتن که اینها بد عهدن؟ مگه بعد اینکه به خواستشون رسیدن نردن زیر همه چی؟ حالا باز حرف از گفت و گو می‌زنند و دادن امتیاز به دشمن؟

sms

رئیس‌جمهور محترم در سخنرانی فرمودن مردم دلراهشونو به بانک‌ها بیارن و به دولت اعتماد کنن چون بانک مرکزی پاسخگو هست. حالا سوال من اینجاس که ما که دلاری نداریم برگردونیم تو بانک، دلارها و ارزهایی که اختلاس شده کی برمی‌گرده تو بانک‌ها؟ لطفاً به مردم جواب بدین.

📌



گرانی لبنیات و تخم مرغ که از نیازهای اولیه هر سفره‌ای است باعث شده که خانواده‌ها در این مورد به مشکل برخوردند. لطفاً در این مورد صدای ما را به مسئولان برسائید.

🗨️

مردم ایران این را بدانید که در این شرایط آمریکا جرأت حمله به ایران را ندارد، در اولین روز جنگ از باب‌المنند عربستان را می‌زنیم، از بلندی‌های جولان اسرائیل را می‌زنیم، ناوهای آمریکا در خلیج فارس و نیروهای نظامی در افغانستان و... هدف قرار خواهند گرفت و ما در آمریکا حدود یک هزار نیروی آماده عملیات داریم که جنگ را به داخل خاک آمریکا بکشیم.



## آنکارا در دوراهی

بازیگری «اقتصاد» در سیاست خارجی ترکیه

حسین پاشایی

کارشناس مسائل خاورمیانه

«در مورد اینکه شرکت‌های ترکیه‌ای چه باید بکنند چیزی دیکته نمی‌کنیم ولی آنها باید در مورد سرمایه‌گذاری در ایران آگاهانه رفتار کنند. این را باید بدانند اگر به همکاری با ایران ادامه دهند نمی‌توانند جایی در بازار آمریکا و تجارت با این کشور داشته باشند.» این سخنان بخشی از صحبت‌های مارشال بیلینگزلی، مسئول مبارزه با منابع مالی تروریسم و معاون خزانه‌داری آمریکا است که ماه گذشته در راس هیأت آمریکایی در آنکارا در خصوص فرمان رئیس‌جمهور آمریکا در مورد بازگشت تحریم‌های ایران با مقامات ترکیه‌ای دیدار کرده است. مقامات ترکیه‌ای در این دیدار بسیار مشتاق بودند که مانند دوره باراک اوباما، هیأت آمریکایی را در خصوص معافیت‌های موردی و استثنا قائل شدن ترکیه در مبادله و تجارت با ایران قانع سازند که با مخالفت طرف آمریکایی روبه‌رو شدند. اکنون ترکیه در وضعیت پیچیده‌ای گرفتار شده است. از طرفی مبادلات گسترده‌ای با همسایه شرقی خود دارد و بیش از نیمی از نفت وارداتی ترکیه از ایران است. اما طبق خواسته آمریکا ترکیه باید از مرداد ماه نفت وارداتی از ایران را به صفر برساند که این امر با توجه به این حجم عظیم از واردات غیرممکن می‌نماید. در طرف دیگر ایالات متحده آمریکا قرار دارد که متحد استراتژیک ترکیه در ناتو است و همین‌طور مبادلات گسترده تجاری و امنیتی با ترکیه دارد. روابط ترکیه با ایالات متحده پس از کودتای نافرجام جولای ۲۰۱۶ از یک حالت زیگ‌زالی برخوردار بوده است. ترکیه خواهان استرداد فتح‌الله گولن، روحانی مخالف و رهبر جماعت گولن از آمریکا است. گولن که متهم به برنامه‌ریزی و اجرای کودتای نافرجام تابستان دو سال گذشته است، در تبعیدی خودخواسته سال‌هاست که در آمریکا زندگی می‌کند. در ارتباط با همین ماجرا ترکیه کشیش آمریکایی، اندرو برونسون را که سال‌ها در ترکیه زندگی می‌کرد به اتهام همکاری در کودتا و همین‌طور همکاری با پ.ک.ک دستگیر کرد که این موضوع روابط آنکارا-واشینگتن را با چالش‌های زیادی روبه‌رو کرده است. اخیراً دادگاه مبارزه با جرایم امنیتی از میر دستور داد

بین‌المللی تمامی در اختیار آمریکا قرار دارد و شرکت‌های بین‌المللی در این سیستم پیچیده تجارت بین‌الملل منافع زیادی دارند که نمی‌توانند آن را به خطر بیندازند. پس در واقع این شرکت‌ها انتخاب دیگری جز خروج از ایران نخواهند داشت همان‌طور که زمینس و توتال خارج شدند و بسیاری دیگر از شرکت‌های اروپایی و حتی شرکت‌های روسی و چینی ناچار به آن خواهند شد.

در نتیجه با توجه به وضعیت این روزهای اقتصاد ترکیه و از دست دادن مقدار زیاد ارزش لیر در برابر دلار که هر لحظه رکورد جدیدی زده می‌شود و لحظه به لحظه از ارزش لیر کاسته می‌شود باید دید که اقتصاد ترکیه تا چه اندازه توان تحمل این شرایط را خواهد داشت. اقتصاد ترکیه شدیداً وابسته به سرمایه‌گذاری خارجی و در هم تنیده با اقتصاد جهانی است و آستانه تحمل آن در مقابله با تنش‌های سیاسی بسیار پایین است.

به نظر می‌رسد که در رابطه با تحریم‌های ایران تحلیل مقامات ترکیه‌ای این است که هدف هیأت حاکمه آمریکا این است که در کوتاه‌مدت با مقامات ایرانی به نتیجه‌ای خواهند رسید. یعنی از نظر آنها شدت تحریم‌ها به اندازه‌ای است که مقامات ایرانی را در مدت بسیار کوتاهی مجاب خواهد کرد که به میز مذاکره بازگردند که در غیر این صورت ترکیه نیز ضررهای جبران‌ناپذیری از قبل این تحریم‌ها خواهد کرد. با توجه به اینکه هنوز دادگاه رضا ضراب، بازرگان ایرانی ترکیه‌ای و همین‌طور ها کان آتلیا، معاون سابق حاکم بانک ترکیه در نیویورک در رابطه با دوزدن تحریم‌های اعمالی آمریکا علیه ایران در جریان است، اگر این تحریم‌های جدید که در مقایسه با تحریم‌های قبلی از لحاظ جدیت در اعمال آن و همین‌طور وسعت در برگیرندگی آن اصلاً قابل مقایسه نیست، ادامه دار باشد، خواه‌ناخواه ترکیه را نیز با مشکلات جدی خواهد ساخت.

یعنی این کشور یا باید واردات نفت از ایران را به صفر برساند که با توجه به تفصیلات ذکر شده حداقل در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست یا با ادامه این وضع، روابط شکننده و زیگ‌زالی این روزهای ترکیه و آمریکا با مشکل جدید دیگری مواجه خواهد شد که این می‌تواند ترکیه را از لحاظ اقتصادی و سیاسی با مشکلات جدی روبه‌رو سازد.

که کشیش آمریکایی از زندان آزاد شود ولی در خانه‌اش تحت حبس خانگی قرار گیرد. در همین رابطه آمریکا دو وزیر کشور و دادگستری ترکیه را تحریم کرد و طبق دستور رئیس‌جمهور آمریکا تمام دارایی‌های دو وزیر یادشده در ایالات متحده مصادره شد. آمریکا خواهان آزادی بدون قید و شرط راهب برانسون است. به علاوه این، عوامل دیگری از قبیل خرید موشک‌های اس ۴۰۰ از روسیه، تصمیم آمریکا در مورد کنار گذاشتن ترکیه از پروژه جنگنده‌های اف ۳۵ و اختلافات این دو کشور در رابطه با سوریه و نگاه متفاوت آنها در برخورد با یگان‌های مدافع خلق کرد از مهم‌ترین اختلافاتی است که رابطه ترکیه با آمریکا را تحت شعاع قرار داده است.

با تفصیلات ذکر شده و با توجه به قاطعیت آمریکا در برخورد با نقض‌کنندگان تحریم‌ها ترکیه کار بسیار دشواری خواهد داشت. با توجه به در پیش بودن فصل سرما و نیاز مبرم ترکیه به انرژی به نظر می‌رسد که آنکارا نمی‌تواند یکباره انرژی وارداتی از ایران را به صفر برساند. علی‌رغم آنکه در سال‌های اخیر ترکیه کوشیده است که منابع جایگزینی برای نفت و گاز ایران پیدا کند و در این راستا درصد استفاده از تمامی ظرفیت‌های اقلیم کردستان عراق بوده است؛ کوشش‌هایی نیز در رابطه با استفاده از منابع نفتی دولت مرکزی عراق و همین‌طور قطر و کویت انجام داده است ولی به نظر می‌رسد که در کوتاه‌مدت نیاز مبرم ترکیه به منابع نفتی و گازی ایران حفظ خواهد شد. غیر از مسائل اقتصادی، از بعد سیاسی و حیثیتی نیز این موضوع برای ترکیه مساله‌ساز شده است. همان‌طور که در سخنانی چاووش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه نیز اشاره کرد ترکیه تحریم‌های آمریکا علیه ایران را نمی‌پذیرد و این با حسن همکاری و احترام رابطه دو طرفه ناسازگار است که آمریکا تصمیمی بگیرد و از دیگران هم بخواهد که از تصمیم او تبعیت کنند. اما همان‌طور که هاکي اوغور، معاون مرکز مطالعاتی ایران در آنکارا در مصاحبه با اسپوتنیک اشاره می‌کند حمایت‌های سیاسی نمی‌تواند شرکت‌های خصوصی را در رابطه با ارتباط با ایران قانع سازد. به گفته این کارشناس شرکت‌ها به این امر واقف هستند که کشور شما می‌تواند از لحاظ سیاسی از ایران حمایت کند ولی همیشه نمی‌تواند از شما حفاظت کند. در دنیای امروز تجارت بین‌الملل و سیستم فاینانس



## تهران-آنکارا علیه واشنگتن

### تأثیر تنش میان ترکیه و آمریکا در سیاست خارجی اردوغان چیست؟



احمد معنوی

کارشناس مسائل بین الملل

بازداشت «اندرو گرگ برانسون»، کشیش آمریکایی محبوس در ترکیه، چندی است که روابط واشنگتن و آنکارا را با بحران بی سابقه‌ای مواجه کرده است. برانسون در پی کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ به اتهام جاسوسی و ارتباط با شبکه فتح‌الله گولن و گروه‌های شورشی کرد بازداشت شده بود و اخیراً نیز با درخواست فرجام‌خواهی اش برای آزادی از بازداشت خانگی مخالفت شد.

در راستای واکنش به این رفتار دادگاه ترکیه، واشنگتن نیز اعلام کرد وزیران دادگستری و کشور ترکیه به دلیل نقش داشتن در دستگیری این کشیش، مورد تحریم این کشور قرار می‌گیرند و به دنبال آن سخنگوی کاخ سفید، داد و ستد و روابط تجاری با این دو مقام ترک را ممنوع اعلام کرده و گفت تمام دارایی‌های آنها در آمریکا مصادره خواهد شد. این کنش آمریکایی بدون واکنش نمادین ترکیه نیز در عملی تلافی جویانه به تحریم دو وزیر آمریکا اقدام کرد. در حالی که مقامات آمریکایی انتظار آزادی وی را داشتند، ترامپ و مایک پنس و معاون وی واکنش نشان داده و ترکیه را به اعمال تحریم‌های اقتصادی تهدید کردند.

اکنون با توجه به مشکلات ایجاد شده بین دو کشور این مساله مطرح می‌شود که تحریم‌های آمریکا چه تأثیری بر روابط و آینده سیاسی واشنگتن-آنکارا و رفتار منطقه‌ای ترکیه در خاورمیانه خواهد داشت؟

#### سناریوی اول؛ حل دیپلماتیک مشکلات دو جانبه

در نگاه اول آنچه واضح به نظر می‌آید این است که قطعاً تنش به وجود آمده بین دو کشور که دارای روابط دیرینه و استراتژیکی هستند، به خاطر یک کشیش چندان طولانی و تأثیرگذار نخواهد بود و در آینده نه چندان دور شاهد آن خواهیم بود که هر دو با انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به مساله نگاه کنند. در راستای این فرضیه است که مولود چاوش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه دیدار با مایک پمپئو در سنگاپور را سازماندهی کرده و گفته است که دو طرف موافقت کرده‌اند برای حل اختلافات از نزدیک همکاری کنند. همچنین یک رسانه ترکیه‌ای نیز از احتمال توافق دو کشور بر سر طرح تبادل زندانیان خبر داد.

#### سناریوی دوم، اقدام پیشگیرانه توسط آمریکا

آنچه در این دیدگاه گفتنی است اینکه تا پیش از روی کار آمدن رجب طیب اردوغان در ترکیه، این کشور یکی از اصلی‌ترین متحدان آمریکا در منطقه محسوب می‌شد و ترکیه از نظر سیاسی وابستگی بالایی به آمریکا داشت. اما اردوغان پس از روی کار آمدن و گرفتن قدرت در ترکیه سعی کرد رویکرد سیاست خارجی مستقلی را پیش گیرد؛ لذا برخی معتقد هستند در تاریخ جمهوری ترکیه، این برای اولین بار است که آمریکا دو وزیر دولت ترکیه را تحریم می‌کند که بی تردید این اقدام آنها هیچ شباهتی به رفتار یک کشور متحد ندارد و محکومیت کشیش برانسون نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای تحریم دو وزیر کابینه از سوی آمریکا باشد، بلکه موضوعات دیگری علت این واکنش مقامات کاخ سفید است و آن هم مقابله با رویکردهای ترکیه

کنونی با داعیه عثمانی‌گرایی اردوغان و رفتارهایش در منطقه خاورمیانه است تا از بروز تنش‌های احتمالی آینده جلوگیری شده و ترکیه مشغول بازسازی برنامه‌های اقتصادی و بحران‌های مالی باشد. شاید این نظریه مهم باشد؛ زیرا در شرایطی روابط سیاسی بین آمریکا و ترکیه بحرانی شده است که اقتصاد این کشور خاورمیانه‌ای در شرایط مطلوبی به سر نمی‌برد و اظهارات مقامات این کشور مبنی بر مقابله به مثل با اقدامات آمریکا نیز موجب شده تا بازارهای ترکیه واکنشی نسبتاً منفی به این خبرها نشان دهد. تحریم دو وزیر ترک باعث سقوط لیر و تشدید کاهش تمایل سرمایه‌گذاران به خرید این ارز بیش از پیش شده است. اکنون ارزش هر دلار آمریکا به ۵/۱۱ لیر رسیده که در تاریخ این کشور بی سابقه است. ضمن اینکه افزایش تنش می‌تواند به افزایش خروج سرمایه از این کشور هم منتج شود. در این فرضیه آمریکا برای به زانو در آوردن ترکیه در سیاست خارجی رویایی اش، جنگ اقتصادی جدیدی را از طریق افزایش نرخ ارز و در ادامه ایجاد هرج و مرج در بازار پیش گرفته و افت ارزش لیر در برابر دلار از یک سو باعث سنگین‌تر شدن فشار بدهی‌های خارجی ترکیه می‌شود و از سوی دیگر بازار بورس رونق خود



بنابراین ترکیه راه منطقی را دنبال می‌کند و آگاه است که هرگونه تحریم فراگیر علیه ایران و ضعف اقتصاد داخلی ایران به طور مستقیم حجم تجارت خارجی آنها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. لذا با شرایط به وجود آمده بین آمریکا و ترکیه انتظار می‌رود که با تلاش دو کشور، صادرات نفت ایران به ترکیه افزایش یافته و با هدف پرکردن خلاءهای اقتصادی ایجاد شده برای طرفین قدم‌های موثری برداشته شود. اگر تراز تجاری میان ترکیه و ایران را در نظر بگیریم، می‌بینیم که بهترین گزینه این است که ترکیه از ایران خرید داشته باشد که هم برتری تجاری خود را حفظ کند و هم اینکه به دلیل نزدیکی مسافت، هزینه تمام‌شده تولید فرآورده‌های نفتی را پایین نگه دارد تا دچار تورم نشود. تجربه نشان داده است که دو کشور در این حوزه تجارب خوبی را پشت سر گذاشته‌اند. ترکیه تجربه خوبی از تجارت با ایران در زمان تحریم‌ها در گذشته داشته است؛ لذا اکنون نیز فرصت مناسبی برای ترکیه و ایران خواهد بود تا با اتحاد منطقه‌ای در برابر تحریم آمریکا نسبت به برقراری گسترده مبادلات تجاری مشترک اقدام کنند تا شاید این سناریو مصداق ضرب‌المثل «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد» برای ایران باشد.

را از دست می‌دهد. تداوم افزایش قیمت دلار، بی‌تردید شرکت‌های تجاری را با روکشستگی و در ادامه بازار را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد کرد و قطعاً تا زمانی که اختلافات بین آنکارا و واشنگتن پابرجا باشد، تهدید سیاسی علیه اقتصاد ترکیه ادامه خواهد داشت.

#### سناریوی سوم، گرایش به سمت شرق و ایران

یکی ملموس‌ترین تأثیرات تنش مذکور میان آنکارا-واشنگتن، چرخش ترکیه از غرب‌گرایی و به خصوص آمریکا به سمت شرق‌گرایی و ایجاد روابط حسنه‌تر با ایران و روسیه خواهد بود. در این شرایط احتمالاً شاهد گرایش ترکیه به سوی ایران به عنوان کشوری که با ترکیه دشمن مشترکی به نام آمریکا دارد، خواهیم بود. اکنون ایران در نوک پیکان تحریم‌های آمریکا قرار گرفته و به دنبال فضایی برای کاهش فشارها و برون‌رفت از مشکلات اقتصادی داخلی از طرق مختلف است؛ بنابراین تعاملات ترکیه و ایران در این راستا برای هر دو کشور کارگشا خواهد بود. برای ورود به این فرضیه باید به نوع نگاه مسئولان دو کشور توجه کرد. محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران در

## توجیه روانشناختی پدیده ترامپ

روایت لس آنجلس تایمز از  
شخصیت رئیس جمهور آمریکا

حسین یاری

مترجم

«ترامپیسیم» کماکان به واژه‌های مبهم و ناملموس در حوزه سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است. به راستی این پدیده چیست و چگونه قابل توجیه است؟ آیا ترامپیسیم مانند کارتریسیم یا ریگانیسیم، متأثر از اندیشه‌های رئیس جمهور آمریکا است؟ آیا اساساً ذهن تئوریک و مثنی عملی ترامپ به اندازه‌ای قوام دارد که بتوان آن را مولد یک مکتب فکری یا سیاسی در ایالات متحده دانست؟ واقعیت امر این است که طی ماه‌های اخیر، بسیاری از تئوریسین‌های غربی مشغول توجیه حضور پدیده‌ای به نام دونالد ترامپ در کاخ سفید هستند. پدیده‌ای که ظهور آن نه تنها منتج به بروز نارضایتی در بخش عمده‌ای از جامعه آمریکا شده است، بلکه مناسبات سنتی ایالات متحده با متحدان آن را نیز در نظام بین‌الملل خدشه‌دار کرده است. همین مساله سبب شده تا بحث‌های مفصلی بر سر «ترامپیسیم» و حدود و ثغور آن در آمریکا درگیرد. لس آنجلس تایمز در این خصوص به نکات جالب توجهی اشاره کرده است.

ترامپیسیم (ترامپ‌گرایی)، بیش از آنکه یک جنبش سیاسی یا ایدئولوژیک باشد، یک پدیده روانشناختی است. این موضوع زمانی میان جیگرایان و راست‌گرایان، موضوع جنجالی برای بحث و گفت‌وگو بود. «استفن بن»، استراتژیست ارشد و مشاور سابق دونالد ترامپ در کاخ سفید که در اگوست ۲۰۱۷ توسط وی از پست خود برکنار شد، منابع قابل توجهی را به تبلیغ برای کاندیداهای ترامپ گرا اختصاص داد که گفته می‌شد همان دیدگاه‌های ترامپ را دارا هستند و از همان لفاظی‌های رئیس جمهور بهره می‌جویند، از جمله عقاید ضدگلوبالیسم، ملی‌گرایی اقتصادی و توهمین و فحاشی به سیاستمداران سنتی. البته اکثر این طرح‌ها و برنامه‌هایی نتیجه بود. «تلاش برای ایجاد یا ترویج یک ایدئولوژی یکپارچه و هماهنگ بر مبنای افکار ترامپ» نیز نتیجه بهتری در بر نداشت. حدود یک سال پیش، جولوس کلین نشریه‌ای را به نام «AmericanAffair» راه‌اندازی کرد و در آن سعی کرد با نگارش مقالات متعدد، صبغه‌ای عقلانی به ترامپیسیم ببخشد. چالش این نشریه در این بود که مایه بایست خود را با ترامپ هماهنگ می‌کرد و از رفتار ناهماهنگ وی دفاع می‌کرد یا اینکه باید رابطه خود را با ترامپ به هم می‌زد تا از یکپارچگی نشریه دفاع کند. حدود شش ماه بعد و پس از پاسخ جنجال‌برانگیز ترامپ به تظاهرات نئونازی‌ها در شارلوتویل، این نشریه حمایت خود را از رئیس جمهور انکار کرد. از سوی دیگر، چپ‌گرایان فعال در ایالات متحده، سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی نموده‌اند تا این ایدره را ترویج کنند که ترامپیسیم در



واقع یک گسست از اندیشه محافظه کارانه محسوب نمی‌شود، بلکه در واقع شیوه اغراق‌آمیزی از آن است. می‌توان گفت چنین ادعایی قابل دفاع یا دست کم قابل درک است، در صورتی که این نکته را قبول داشته باشید که محافظه کاری مجموعه‌ای از عقاید پوچ خشونت‌نژادی و فرهنگی است. ولی اگر مساله این باشد، چنان که «نواروئمن» در مقاله خود می‌نگارد، قاعدتاً نباید شاهد این باشیم که بسیاری از محافظه کاران مخالف با عقاید و افکار ترامپ باشند. روشنفکران و روزنامه‌نگاران ایدئولوژیک از هر دو حزب چپ و راست، تمایل طبیعی دارند و البته به نفع شان است که در تحلیل مسائل، به منشأ آن عقاید بنگرند. حال ترامپ چالشی غیرقابل تحمل برای افرادی است که چنین رویکردی دارند، چرا که به اعتراف خود وی، ترامپ هیچ مجموعه ایده جدی و یکپارچه‌ای برای مبنای قرار دادن در تصمیم‌گیری‌هایش ندارد. او در این خصوص به غرایض خود اکتفا می‌کند.

در نهایت اینکه اکثر تحلیل‌گران و تئوریسین‌های آمریکایی، ترامپ را مولد یک ایدئولوژی خاص در کاخ سفید نمی‌دانند و صرفاً از بعد روانشناختی شخصیت وی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند.

**تحلیلی بر گزارش لس آنجلس تایمز**

واقعیت امر این است که ترامپیسیم نه یک مکتب فکری، بلکه نوعی پدیده روانشناختی است که دارای حدود و ثغور معینی است. ترامپ مصداق عینی فردی است که سعی دارد خود را غیر قابل محاسبه و مقتدر نشان دهد. بدون شک، کسی در آینده‌ای نزدیک از ترامپ به عنوان صاحب یک تفکر و مکتب سیاسی یاد می‌کند. نکته مهم‌تر اینکه درک پدیده ترامپ با توجه به آنچه طی حدود دو سال اخیر از وی مشاهده کرده‌ایم چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. نشریه آتلانتیک در یکی از شماره‌های خود و در توصیف این پدیده معتقد است تغییرات بزرگی که ترامپ از آن سخن می‌گوید به راستی عظیمند؛ از سیاست‌های وی در رابطه با کره شمالی تا استقرار گارد ملی در مرز مکزیک، تهدید به خروج ایالات متحده از قرارداد نفتا، نقض برجام با ایران و حمله به سوریه. البته تمامی اینها می‌تواند در واقع شروع یک فصل جدید باشد. سال‌ها پیش روزولت در تعریف سیاست خارجی خود گفت: «به نرمی حرف‌زدن و یک چماق بزرگ در دست داشتن». اما اکنون ترامپ این سیاست را تغییر داده و دروغ و ناسزا را جایگزین آن نموده است. در حالی که روسای جمهور پیشین ایالات متحده با احتیاط در خصوص احتمال جنگ با کره شمالی سخن می‌گفتند، ترامپ به راحتی «کیم جونگ‌اون» را تهدید به حمله نظامی اتمی کرده است. همچنین رئیس جمهور جنجالی ایالات متحده برخلاف روند معمول میان هم‌تایان اسبق خود، به راحتی اروپا را برای پرداخت هزینه‌های نظامی بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد. البته ممکن است که چنین تهدیداتی در برخی موارد کارگر شود و برای مثال، مقامات کره شمالی را وادار سازد تا پای میز مذاکره بنشینند. اما واقعیت امر این است که ترامپ تاکنون، نخوابسته یا به عبارت بهتر، نتوانسته بسیاری از تهدیدات خود را عملی کند.





## ترامپ در میان منگنه

آمریکا سودی از تحریم ایران نمی برد

سعید سبحانی

روزنامه نگار

وضع تحریم‌های یکجانبه و ثانویه ایالات متحده آمریکا علیه ایران، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی داشته است. در این میان، بسیاری از تحلیلگران غربی معتقدند که عدم همراهی نظام بین‌الملل با تحریم‌های واشنگتن علیه تهران، از شدت تاثیرگذاری این تحریم‌ها علیه کشورمان می‌کاهد. از سوی دیگر، اصرار یکجانبه ایالات متحده آمریکا مبنی بر بازگشت تحریم‌ها علیه ایران، حکایت از تنها ماندن دونالد ترامپ در مصاف اقتصادی با ایران دارد. اخیرا منابع خبری صراحتا اعلام کرده‌اند که علی‌رغم اعمال تحریم‌های آمریکا و تهدیداتی که واشنگتن در این خصوص صورت داده است، واردات نفت دو کشور هندوچین از ایران افزایش یافته است. همچنین کشورهایی مانند ترکیه و حتی برخی بازیگران اروپایی نیز اعلام کرده‌اند از تحریم‌های ترامپ علیه ایران تبعیت نخواهند کرد. به عبارت بهتر، ترامپ یکی از مهم‌ترین عناصر بازدارنده اقتصادی علیه ایران، یعنی «اجماع حول تحریم

ایران» را از دست داده است. از سوی دیگر ترامپ هم اکنون به صورت همزمان مشغول رهبری منازعه اقتصادی با کشورهایمانند چین و کانادا و حتی اتحادیه اروپاست. در چنین شرایطی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به طور کلی قدرت کنترل اوضاع را از دست داده است. یکی از اصلی‌ترین عوامل اصرار ترامپ مبنی بر گفت‌وگوی مستقیم و بدون پیش‌شرط با ایران نیز همین مساله است. مروری بر برخی تحلیل‌های صورت گرفته در رسانه‌های بین‌المللی و خصوصا غربی می‌تواند تصویر واضح‌تری از مخمصه‌ای که ترامپ در آن گرفتار شده است را نشان دهد. به عنوان مثال، نشریه «اکسیوس» به نکات قابل تاملی در خصوص ناکامی ایالات متحده در تحریم ایران اشاره کرده است. بر اساس اعلام این نشریه، نخستین بخش تحریم‌های آمریکا که طبق مفاد توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ م. لغو شده بودند، با خروج آمریکا از برجام بار دیگر علیه ایران تحمیل شدند. ذی‌نفع اصلی این اقدامات آمریکا، چین است که بیش از یک دهه به شریک اصلی تجاری ایران تبدیل شده است. یکن قبل از آن به دولت ترامپ گفته که پس از بازگشت تحریم‌های نفتی در ۴ نوامبر واردات نفت از ایران را کاهش نخواهد داد. موضوع اعلام شده در نشریه اکسیوس از ابعاد مختلفی قابل تامل است.

واقعیت امر این است که یکی از اصلی‌ترین اهداف ترامپ مبنی بر تقابل اقتصادی با ایران، اعمال فشارهای مزمن اقتصادی بر ایران اسلامی بوده است. با این حال به نظر می‌رسد ترامپ در این میان دچار نوعی خطای محاسباتی سخت شده است. نباید فراموش کرد که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با مدیریت بحران و رایزنی موثر با دیگر بازیگران بین‌المللی، مانع از تاثیرگذاری گسترده این تحریم‌ها بر اقتصاد خود شود. اتفاقا این نکته‌ای است که در گزارش اکسیوس نیز به صورتی دقیق به آن اشاره شده است. بر این اساس دولت ترامپ به این امید است که اعمال تحریم‌ها فعالیت‌های «زبانبار» ایران در منطقه را محدود خواهد کرد. اما پس از پیروزی اسد در سوریه و گرفتاری عربستان، رقیب منطقه‌ای ایران در باتلاق یمن، احتمال رخداد چنین مساله‌ای کمتر است. واقعیت امر این است که ایران توانسته معادلات و پازل‌های پیچیده شده از سوی ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا را بر هم زده و تصویر جدیدی را در منطقه به وجود آورد. شکست‌های ایالات متحده آمریکا و مهره‌های مرتجع عربی آن در انتخابات لبنان، عراق و دیگر کشورها جملگی نشان‌دهنده بحرانی است که واشنگتن و متحدانش با آن مواجه هستند. در این میان، مقامات دولت آمریکا مدعی هستند که به دلیل تحریم‌ها، میزان «بیکاری در ایران در حال افزایش است و اعتراضاتی در مورد مسائل اجتماعی و ناآرامی‌های کارگری وجود دارد». یک مقام دولت ترامپ همچنین ادعا کرد که آمریکا یک «اتلاف» علیه جمهوری اسلامی راهبری می‌کند، هرچند این اقدام از سوی متحدان اروپایی تقبیح شده است و علی‌رغم اقدامات خرابکارانه آمریکا، بارها متعهد به حفظ توافق هسته‌ای شده‌اند. همان‌گونه که قبلا نیز اشاره شد، در این معادله ما شاهد وجود حلقه‌های مفقوده زیادی هستیم. ترامپ هم اکنون از یک سو در صدد ادامه بازی از پیش تعیین شده خود در تقابل با ایران است و از سوی دیگر، در صحنه عمل قدرت‌هدایت و مدیریت این بازی را از دست داده است. همین مساله منجر به تشدید استیصال ترامپ در برابر جمهوری اسلامی ایران شده است. بی‌دلیل نیست که رئیس‌جمهور ایالات متحده، خود در خصوص مذاکره با ایران پیش قدم شده است. واقعیت امر این است که نه تنها تحلیلگران اکسیوس، بلکه بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی نیز به ترامپ و کاخ سفید در خصوص آثار و عواقب تقابل با جمهوری اسلامی ایران هشدار داده‌اند. این تحلیلگران معتقدند که تقابل ترامپ با ایران هزینه‌های زیادی را در منطقه و نظام بین‌الملل بر پیکره آمریکا وارد خواهد آورد و بحران‌های واشنگتن را دوچندان خواهد ساخت. در این میان، تلاش ترامپ برای مذاکره با ایران نیز به جایی نخواهد رسید زیرا هم اکنون توپ به طور کامل در زمین رئیس‌جمهور آمریکاست. اکسیوس نیز در این خصوص تاکید کرده که ترامپ با ارائه پیشنهاد ملاقات با رهبران ایران، فکر می‌کند که می‌تواند به توافق بهتری نسبت به برجام دست پیدا کند که برای سال‌ها، صدها دیپلمات و دانشمندان ایرانی و شش کشور دیگر برای دستیابی به آن تلاش کرده بودند. بنابراین، این غیرمحمول است که ایران حاضر به پذیرش خواسته‌های آمریکا باشد و آنها هیچ علاقه‌ای به برگزاری نشست با آمریکا ندارند و ترامپ حتی نمی‌تواند یک عکس دیپلماتیک با ایرانی‌ها بگیرد. نکته‌ای که مقامات کشورمان نیز بارها روی آن تاکید کرده‌اند. در نهایت اینکه ترامپ بازنده مطلق میدان تقابل با ایران خواهد بود؛ تقابلی که دیگر روسای جمهور پیشین آمریکا هم از جیمی کارتر، رونالد ریگان، بوش پدر، بیل کلینتون و باراک اوباما نیز آن را تجربه کرده و نتیجه‌ای جز ناکامی و شکست نگرفته‌اند. این اتفاق به زودی برای دونالد ترامپ و همراهانش مانند جان بوتون و مایک پمپئو نیز خواهد افتاد...

# فرصت برای روحانی

## چرا اصلاح طلبان شاخص سؤال از روحانی را امضاء نکردند؟

علی صوفی

فعال اصلاح طلب



سؤال از رئیس جمهور در مجلس در برهه کنونی نمی تواند فضایی برای پیشبرد مسائل جامعه باشد. جریانی که این موضوع را پیش می برد وابسته به جریان رقیب آقای روحانی است و به هر حال اصولگراها آن را مدیریت می کنند. حتی بعضی از کسانی که به عنوان حامی دولت و معتدل تلقی می شدند هم دیده می شوند. بنابراین این جریان، جریانی است که فراکسیون امید و اصلاح طلبان از همراهی با آن امتناع کرده اند. بنابراین کاملا مشخص است که این در راستای نا کارآمد نشان دادن دولت و در واقع زیر سؤال بردن است، نه توضیح خواستن برای مردم در رابطه با مشکلات موجود و اینکه یک راه حل باشد برای خروج از بن بست، به هر حال برای آقای رئیس جمهور هم فرصتی است که بیایند توضیح دهند و احتمالا چیزهایی را که در برنامه تلویزیونی نمی توانند توضیح دهند، در مجلس چون از ایشان سؤال می شود، مجبورند جواب دهند و توضیح دهند. این می تواند فرصتی باشد برای آقای رئیس جمهور.

اما در این شرایط و به این شکل سؤال از ایشان می تواند شائبه یک اقدام سیاسی را ایجاد کند، در شرایطی که همه می گویند باید یکدستگی ایجاد شود تا از این بحران عبور شود. من برداشتم این است که این یک اقدام سیاسی است و در راستای هماهنگی و همدلی و همبستگی که مورد نیاز جامعه است، در شرایط کنونی اصلا نیازی به طرح این سوالات نبود و می شد از طرح این سوالات امتناع می شد، به هر حال این روند فرصتی برای مخالفان آقای روحانی بود که بتوانند چنین اجماعی به وجود بیاورند.

اینکه چرا اصلاح طلبان سرشناس در مجلس این سؤال را امضاء نکردند، همین موضوع می تواند باشد. این اقدام یک موضوع سیاسی تلقی می شود و اصلاح طلبان نخواهند با این جریان همراهی کنند.

در روزهای اخیر به نظر می رسد تغییری در گفتار و رفتار آقای روحانی ایجاد شده و ایشان خیلی به حاکمیت نزدیک تر شدند و حرف هایی گفتند که چهره های نظامی هم از او حمایت کردند. سؤال این است که چرا با این وضعیت باز هم این سؤال مطرح می شود؟ به هر حال آقای روحانی موضوعی را در مقابله با آمریکا و تهدیدات مکرر رئیس جمهور آمریکا و وزیر امور خارجه آمریکا بیان کرد که بین آنها و مسئولان کشور ما از جمله آقای رئیس جمهور ایجاد شد، البته یک پاسخ تنگدستی هم به صحبت های آقای ترامپ بوده است که ترامپ هم باز این پاسخ را به نوعی توثیق کرد و جواب داد. در این فضا این اشتراک نظر محسوس بود و ابراز هم شد و حمایت هایی هم از آقای رئیس جمهور که قبلا نمی شد، صورت گرفت اما این با آن سیاست عده ای که دنبال این بودند که از جریان وابسته به تدریج، رئیس جمهور را ساقط کنند، مغایرتی نداشت و برای آنها تفاوتی نمی کند. به هر حال آن یک موضع خاصی بود و این هم جریانی که از ابتدای پیروزی آقای روحانی در انتخابات سعی بر این داشت که آقای روحانی را بزند. این جریان از قبل دنبال این بود که



# آقای مطهری! ایران برجام را نقض کرد؟

## نقدی بر گفته های جدید علی مطهری

علی گنجی

روزنامه نگار

یکباره به جای دیدن مجرم اصلی ماجرا، تهران را مسبب برهم خوردن برجام می دانند. در این میان حتی همین رسانه های غربی و آمریکایی به تقبیح اقدام ترامپ هم پرداخته اند. برای مثال روزنامه انگلیسی گاردین در شماره روز چهارشنبه خود نوشته است: «تحریم هایی که دولت ترامپ بعد از خروج از برجام وعده اعمال آن را داده بود، در راستای منافع آمریکا هستند و برای بهبود زندگی مردم عادی در ایران نیست.»

در انتهای یادداشت آمده است: «تأثیر تحریم های آمریکا، سختی زیاد برای مردم و بحران اقتصادی است که همین مردم باید آن را تحمل کنند. ایجاد خرابی به ندرت جهان را جای بهتری کرده است. تحریم ها نوعی از خشونت هستند و کشورهای که عامل این تحریم ها می شوند قبل از هر اقدامی باید به کارایی عملی آن بیندیشند و باید این اطمینان را داشته باشند که هزینه مدنی این تحریم ها از لحاظ اخلاقی قابل توجیه است.» سؤال دیگر این است که آیا جناب مطهری فراموش کرده است که چگونه نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا بر سر پاره کردن برجام مسابقه گذاشته بودند؟ و آیا ایشان ندید که چگونه ترامپ از همان روز که آمد برای برهم زدن برجام هر چه داشت رو کرد؟

آقای مطهری! حالا که بسیاری از داشته هایمان را در صنعت هسته ای در برجام از دست داده ایم چشم دشمنان به موشک ها دوخته شده است. آنها برای از دست دادن این توان دفاعی هم برنامه ای در ذهن دارند. آیا غیر از این است که همین موشک ها که جزو حقوق حیاتی این مردم است تاکنون به عنوان نیروی مهم بازدارنده از خیانت های آمریکایی و منطقه ای علیه ایران جلوگیری کرده است.

آقای مطهری! مردم دقیقا می فهمند که دشمنان این مملکت دقیقا چه می خواهند. لطفا شما هم با مذاقه در اظهاراتتان به مردم بیبویید. بازگشتی به خانه مرحوم پدرتان داشته باشید و بعد از ذکر فاتحه ای برای روح بزرگوار این شهید عالیقدر از رفتار و منش استکبارستیز او پیروی کنید. مردم همچنان مرتضی مطهری را عاشقانه دوست دارند. شما هم خیلی اوقات چنین موضعی داشته اید از همین رو اکنون این گفته های شما برای ما عجیب است.

علی مطهری گفته است: «مسئول وضعیت جاری کشور آنهایی هستند که با هوا کردن موشک تلاش کردند برجام اجرا نشود که البته به هدفشان رسیدند.» این البته اولین بار نیست که سخنان عجیبی از علی مطهری شنیده می شود لکن این بار از زاویه ای وارد ماجرابی مهم شده که پاسخ ندادن به او هزینه های گزافی خواهد داشت. طرفه آنکه به نظر می رسد سخنان مطهری نه بر اساس یک سهو، بلکه بر اساس یک طرز تفکر بیان شده است. به یک معنا سخنان او مستظهر به یک عقیده است که نه فقط در او بلکه در برخی سیاستمداران دیگر هم دیده شده است. هر چه هست گزاره ای که او مطرح کرده از چند جهت قابل بررسی است:

نکته اول این است که حتی دونالد ترامپ هم چنین ادعایی نکرده و با صراحت گفته است ایران به همه تعهداتش در برجام عمل کرده است. آژانس انرژی اتمی در گزارش های فصلی خود ۱۱ بار اجرای کامل و بی عیب و نقص برجام از سوی ایران را تایید کرد. گزارش های آژانس ناظر بر اجرای پیش دستانه و زودتر از موعد همه تعهدات دولت ایران در برجام بوده است که سرعت انجام این تعهدات و فراتر رفتن از تعهدات به شکلی بود که حتی غربی ها را نیز به تعجب واداشت. حتی دولت آمریکا نیز در خروج از برجام مدعی نشده است که به دلیل عدم اجرای برجام از سوی ایران از این توافق خارج می شود. ترامپ به صراحت اعلام کرد که چند دلیل برای خروج از برجام دارد که یکی از اصلی ترین آنها دائمی نبودن توافق بود و همچنان خواهان آن است که بند غروب از توافق حذف شود.

به یک معنا حتی تندترین نشریات غربی و آمریکایی نیز هرگز این ادعا را نکرده اند که مقامات ایرانی یا عملکرد دولت ایران در زمینه برجام موجب شده است که طرف مقابل تصور نقض برجام را از داشته باشد. حالا سؤال این است که چگونه آقای مطهری یک تته و به



به آینده امیدوار است و راه‌حل‌هایی برای آن دارد؛ ولو اینکه همه این راه‌حل‌ها تابع متغیرهای قابل کنترل دولت نباشند، بلکه یک سری متغیرهای غیرقابل کنترل هم باشد که وابسته به کل حاکمیت است. اگر آقای روحانی بتواند این رویکرد را داشته باشد و با مردم صحبت کند، بعد آن تغییراتی هم که لازم است در کابینه خودش به وجود بیاورد، یعنی هر جا که احساس می‌کند بی‌انگیزگی است، هر جا که احساس می‌کند روحیه مسئولیت‌پذیری و روحیه مبارزه در راه انجام مسئولیت وجود ندارد، بخواهد تغییری ایجاد شود، در واقع برود سراغ نیروهایی که انگیزه دارند در هر شرایطی بدون طمع مادی، بدون حتی توجه به خطرانی که ممکن است پیش‌پایشان باشد؛ انسان‌های شجاع، وارسته و امین و پاک‌دست را انتخاب کند و وارد میدان کند، چون هنوز فرصت باقی است. آقای روحانی هنوز سال اول دور دوم ریاست جمهوری‌اش تمام نشده و کار دولتش هنوز در شهر یورما گذشته آغاز شده و امسال شهر یورما به یک سال می‌رسد.

آقای روحانی سه سال دیگر هم وقت دارد و می‌تواند اوضاع را کنترل کند. اوضاع بین‌المللی و فشارهایی هم که وجود دارد و تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی که زیر نظر آقای رئیس‌جمهور است و مورد حمایت مقام معظم رهبری است و متشکل از تمام قواست و می‌تواند تصمیم‌گیری‌های لازم برای عبور از موانع موجود و بحران‌های موجود، تصمیم‌گیری‌های خیلی عاجل و سریع انجام دهد و با هماهنگی قوا آنها را به اجرا درآورد. اینها فرصت‌هایی است که در اختیار آقای رئیس‌جمهور است و آقای رئیس‌جمهور می‌تواند از اینها استفاده کند. به نظر من اگر آقای رئیس‌جمهور در طول این سه محوری که خدمت شما عرض کردم، حرکت کند، می‌تواند به‌طور نسبی موفق باشد.

نظام نیست، بلکه بیشتر نگاهش به منافع گروهی و آن مصلحت‌های سیاسی خودشان هستند. یعنی دیده نشده تا الان که مثلاً در یک جایی اینها متوقف شوند و بگویند ما الان چیزی نمی‌گوییم، به خاطر اینکه شرایط این‌گونه است، بلکه برعکس؛ از شرایطی که پیش می‌آید و از فشارهایی که به مجموعه نظام وارد می‌شود، سعی می‌کنند استفاده کنند و در همان فضا به طرف مقابل ضربه بزنند. یعنی می‌گویند خیلی مهم نیست ما در شرایط تحریم هستیم، در شرایط بفرنجی هستیم. ما برای این که بتوانیم طرف مقابل را تحت فشار قرار دهیم، باید به مردم بگوییم بروید در خیابان‌ها و اعتراض کنید.

این باعث می‌شود با شرایطی که وجود دارد، آقای روحانی و دولت‌شان آن انرژی و انگیزه لازم را برای ادامه کار نداشته باشند. طبعاً می‌شود گفت آن روحیه‌ای که قبلاً در آقای روحانی و دولت دیده می‌شد، ضعیف شده، اما به هر حال در آن حدی نیست که آقای روحانی بخواهد میدان را خالی کند. موضوع مهم این است که چه تغییراتی لازم است آقای روحانی ایجاد کند تا آن فضای بهتر دوباره برگردد؟ اصل مطلب ارتباط با مردم است که من همیشه گفته‌ام که به نظر من آقای روحانی باید رویکرد مردمی و ارتباط با آن پایگاه رای خود را تقویت کند و اعتماد آنها را جلب کند و با ارتباط صمیمانه و صادقانه با مردم، بتواند در مردم ایجاد امید کند. مردم اگر ببینند پشت پرده چیزی نیست یا زود بندی نیست، بلکه در راستای انجام تعهداتی که برعهده رئیس‌جمهور است، به‌ویژه آن تعهداتی که در جریان انتخابات ایجاد شده و مردم به خاطر آن به آقای روحانی رو آوردند و به ایشان رای دادند، مردم امیدوار می‌شوند و احساس می‌کنند اولاً دولت عزمش جزم است برای تغییر اوضاع نابسامان و مبارزه با فسادهای گسترده و حامیان این کانون‌های فساد. دوم اینکه دولت خودش

در دولت قبلی، آقای روحانی به نوعی رد صلاحیت شود یا اجازه پیدا نکند در انتخابات شرکت کند و بعد هم آن رقابت فشرده را در جریان انتخابات با ایشان داشتند و بعد از آن هم تخریب آقای روحانی را قطع نکردند و همچنان ادامه داشت. این هم در همان راستا ارزیابی می‌شود. از این رو این یک فرصت است برای آقای روحانی که به این سوالات جواب دهد. اصولاً آقای روحانی در مقاطع مختلف سعی کردند که موانعی که بر سر راه‌شان وجود دارد یا مشکلاتی که پیش پای دولت است را مطرح کرده و تبیین کنند؛ مثل فرصتی که برای ارائه بودجه پیش آمد و ایشان بودجه قابل توجهی که ۶۰ درصد آن در اختیار ایشان نبوده، آنها را مطرح کرده و گفته که ۶۰ درصد از این بودجه در اختیار من نیست، فقط ۴۰ درصد در اختیار من است. او بودجه نهادهای فرهنگی و جاهایی را که اصلاً به دولت پاسخگو نیستند، مطرح کرد و در بندهای مختلف اشاراتی داشت به ناهنجاری‌هایی که در عرصه‌های مختلف مخصوصاً عرصه اقتصادی کشور وجود دارد یا فسادهایی که از قبل شکل گرفت، یا کانون‌های فساد که وجود دارند. اینها را آقای رئیس‌جمهور قبلاً هم به انجمنی مختلف اشاره داشتند؛ اما ایشان تلاش کردند جامعه را از این فضا دور کنند و سعی کردند اینها را مطرح نکنند. حالا سوالی که در مجلس می‌شود، فرصتی است که آقای رئیس‌جمهور در راستای تأکیدی‌هایی که برای شفاف‌سازی وجود دارد، اینها را در حال حاضر مجالی پیدا می‌کند تا در مجلس مطرح کند، همان مسائلی که به هر حال در رابطه با جریان وابسته به آن کانون‌های فساد و قدرت مطرح کرده بودند. یعنی آنها باعث شوند که این محدودیت‌ها از پیش پای رئیس‌جمهور برداشته شود و راحت‌تر بتوانند صحبت کنند.

متأسفانه این جریان خیلی تابع مصلحت‌های



## خدا حافظی با عباد

علی ربیعی توسط نمایندگان مجلس برکنار شد



کارگران فولاد که مقابل مجلس تجمع کردند در شرایط کنونی از وضعیت بهتری نسبت به قبل برخوردار شده‌اند اما همچنان باید برای ارتقای وضعیت آنها تلاش کرد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به اینکه وضعیت بازنشستگان از دغدغه‌های مهم وی بوده، یادآور شد: «آیا منابعی برای همسان سازی در اختیار داشته‌ام یا جز ۳ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان، بودجه‌ای برای تحقق این مهم در اختیار داشته‌ام، یا این مبلغ را به خوبی اختصاص نداده‌ام؟ آیا روش پلکانی، روش ابداعی من نبود؟ آیا فاصله ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان با فاصله‌ای که امروز حداقل یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است حاصل تلاش این دوران نبود؟»

## بررسی ادعای ریعی در هیات نظارت بر نمایندگان

علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی پس از ارائه توضیحات وزیر کار و همچنین نمایندگان استیضاح کننده علی ریعی در نشست علنی روز چهارشنبه پارلمان در سخنانی اظهار داشت: «طرح استیضاح آقای ریعی بررسی و مطالب مختلفی هم از سوی نمایندگان مجلس و نمایندگان دولت در صحن علنی مطرح شد. وی افزود: «همکاران می‌توانستند برخی مطالب را نگویند، چون برخی مطالب درست هم نیست؛ نامه‌ای را آقای ریعی به بنده دادند و اعلام کردند «آقای پورابراهیمی فردی را برای ریاست بر شرکت ملی مس به وی معرفی کرده بود» در حالی که این طور نیست و برای بهزیستی راور بوده است، آقای پورابراهیمی رازینی می‌کنند که فلان فرد رئیس اداره بهزیستی راور شود، البته اسم بردن از افراد به نظر خیلی غلط بود.» رئیس مجلس تصریح کرد: «آقای ریعی گفت فردی آمده و گفته پولی را به حساب فردی واریز کنید؛ آقای ریعی اسم این فرد را به ما بدهید و بنده از هیات نظارت بر نمایندگان می‌خواهم در اسرع وقت به این موضوع رسیدگی و گزارش آن را اعلام کند.» وی ادامه داد: «آقای ریعی! چرا حرف مهم می‌زنید؟! در این مدتی که بنده با آقایان نمایندگان کار می‌کردم، این نمایندگان ممکن است برای موضوعی رازینی داشته باشند و بگویند فلان فرد را فلان جا بگذارید که این هم متعارف است، ممکن است بگویند بهزیستی فلان جا فقیر است و ۳۰۰ و ۴۰۰ میلیون پول به آنها بدهید اما این نمایندگان پول را برای خودشان که نمی‌خواهند.» لاریجانی تصریح کرد: «آقای ریعی! حرفی می‌زنید که فضای کشور را ملتهب می‌کند، البته آقایان نمایندگان هم صحبت‌هایی کردند که نباید در صحبت‌هایشان فضا را تیره و تار نشان دهند؛ بنده چه از نمایندگان مجلس و چه از نمایندگان دولت که ادعاهایی را مطرح کردند، خواهش می‌کنم اسمی را به بنده بدهند تا در اسرع وقت به هیات نظارت بر نمایندگان بدهم و این هیات باید این موضوع را ظرف ۲ هفته بررسی و نتیجه را اعلام کند تا تکلیف مشخص شود.» وی در پایان خاطرنشان کرد: «این حرف‌ها خوب نبود اما به هر حال جلسه استیضاح می‌توانست بهتر از این برگزار شود.»

## وزیر کار رفت

وکلا ملت پس از استماع توضیحات نمایندگان استیضاح کننده و همچنین پاسخ‌های وزیر کار، با ۱۲۹ رأی موافق و ۱۱۱ رأی مخالف و ۲۴۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۴۳ رأی مأخوذه، اعتمادشان را از وزیر کار برداشتند و بدین ترتیب طرح استیضاح وزیر کار رأی آورد و ریعی از این سمت برکنار شد. وزارت رفاه یکی از بزرگ‌ترین وزارتخانه‌های دولتی محسوب می‌شود. گویا مجلس به جای دولت ترمیم کابینه را آغاز کرده و اولین وزیر اقتصادی را برکنار کرد و شاید این روند ادامه‌دار باشد اما با توجه به اهمیت وزارت رفاه، روحانی باید یک فرد توانا و خلاق را به عنوان وزیر رفاه معرفی کند تا در روزهای سخت اقتصادی، رفاه یک فرمانده مقتدر و مدیر داشته باشد.

تولیدکنندگان دارویی کشور که بیش از ۵۰ درصد سهم دارو را دارند متعلق به مجموعه وزارت رفاه و تامین اجتماعی است. بزرگ‌ترین شرکت‌های حمل‌ونقلی در حوزه‌های مختلف متعلق به این مجموعه هستند. حالا ایرادی می‌گیرند که در تایپ مربوط به استیضاح اوزه فلان در کشتی فلان مطرح شده. آقای ریعی این توهین به نمایندگان است. شما نباید این گونه با نمایندگان صحبت کنید.» پورابراهیمی خاطرنشان کرد: «در بخش پتروشیمی ۶۶ درصد از شرکت پتروشیمی جم، ۷۸ درصد از پتروشیمی امیرکبیر، ۴۹ درصد از پالایشگاه ستاره خلیج فارس، ۹۵ درصد از نفت پاسارگاد و بیش از ۳۰ شرکت مهم دیگر در این حوزه متعلق به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است.» وی افزود: «اقتصاد کشور کجاست؟ مردم چرا به کف خیابان می‌آیند؟ اشتغال، مأموریت کیست؟»

## موافقان چه گفتند؟

موافقان ریعی واردند انستنت تهمت‌ها و قصور وی در التهاب ارزی و مناسب نداشتن زمان آن را از دلایل مخالفت خود با استیضاح عنوان کردند. مسعود پزشکیان، نماینده مردم تبریز و نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در مخالفت با استیضاح علی ریعی، وزیر کار در صحن مجلس اظهار داشت: «من قرار نبود صحبت کنم و تصمیم هم نداشتم حرف بزنم اما از صبح که جو را دیدم و شاهد بحث‌هایی بودم که برخی مطرح کردند، احساس کردم باید از تمامیت مجلس و نمایندگان دفاع کنم.» وی افزود: «اینکه ما بیاییم بگویم نمایندگان رفته‌اند، لایبی کرده‌اند و پول گرفته‌اند که این کار را بکنند، به چه کسی بی‌احترامی می‌کنیم و چه کسی را زیر سؤال می‌بریم؟ کدام نماینده؟ یعنی اگر بنده به آقای ریعی رأی بدهم، پول گرفته‌ام؟» پزشکیان افزود: «می‌گویند اگر رأی ندهیم حیثیت مجلس از بین می‌رود اما حیثیت مجلس زمانی از بین می‌رود که با جو فشار رأی بدهد؛ چه مثبت و چه منفی. ما باید به حق رأی بدهیم نه با انگ‌زدن، تهمت‌زدن و جوسازی.» نایب‌رئیس مجلس گفت: «کدام نماینده پول گرفته است؟ آنهایی که این موضوع را می‌گویند اگر این را ثابت کنند آن نماینده باید از مجلس اخراج شود. این حرف‌ها را از تریبون مجلس گفتن و خوراک رسانه‌ها را درست کردن انصاف نیست. کسی پول و باج نگرفته که به کسی رأی بدهد یا ندهد.» پزشکیان تصریح کرد: «من به آقای ریعی رأی می‌دهم نه به خاطر اینکه عیب و مشکل ندارد، بلکه یک شاخص دارم و دنبال دنیا، پول و قدرت هم نبوده، نیستم و نخواهم بود. این حرف‌ها را به هم نجسبایم.»

## ریعی چه گفت؟

علی ریعی با انتقاد از صحبت برخی نمایندگان مبنی بر ایجاد اغتشاش در مجلس با هدف به هم خوردن جلسه استیضاح افزود: «منظم‌ترین وزیر برای حضور در جلسات کمیسیون‌ها بنده بوده‌ام و احترام زیادی برای نمایندگان قائلم. استیضاح کنندگان در ۱۰ بند مواردی را مطرح کردند اما متأسفانه برخی اظهارات نمایندگان خارج از این موارد بود به طوری که بنده را متهم به دروغ‌گویی کرده و گفتند در بیشتر مسائل گریه می‌کنم، چرا چنین مواردی را استیضاح کنندگان مطرح می‌کنند؟» وی تأکید کرد: «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وزارتخانه بزرگی است که مردم قبل از تولد تا مرگ نیز با آن سروکار دارند، ای کاش همان طور که داری‌های نامشروع را می‌توان اندازه‌گیری کرد، معیاری وجود داشت تا نشان دهد در ۴ سال گذشته چه اقداماتی به صورت خاموش همچون سرپاز گنم و صادقانه در این وزارتخانه انجام دادیم، ضمن اینکه شما به این نکته اشاره کردید که بازنشستگان در مقابل مجلس تجمع می‌کنند اما مشخص نکردید منظور آنها چیست و اینکه کدام گروه‌های اجتماعی در این دوره ساکت هستند یا به این نکته اشاره نکردید

بهارستان هفته گذشته یک جلسه جنجالی داشت. جلسه‌ای که حاصل آن برکناری علی ریعی بود. با وجود اینکه خیلی‌ها پیش‌بینی می‌کردند جلسه استیضاح علی ریعی بدون دردسر برگزار نشود و در کمتر از یک سال سومین رأی اعتماد را از مجلس دهم بگیرد اما وزیر کار پراسترس‌ترین روز کاری خود را گذراند و در نهایت برکنار شد، این مساله که چگونه چرا این اتفاق افتاده است، می‌تواند برای تحلیلگران مسائل سیاسی بسیار پراهمیت باشد. از مدت‌ها قبل گفته می‌شد که حسن روحانی چندان دل خوشی از علی ریعی ندارد. او در ماجرای ترمیم کابینه فرصتی برای حذف ریعی یافته بود اما روحیه محافظه کارانه‌اش اجازه نداد که شخصا وارد این ماجرا شود. به نظر می‌رسد ورود او به کانال مجلس بهترین راه ممکن برای رسیدن به این خواسته‌اش بوده باشد. در این میان حتی برخی می‌گویند آنچه در جلسه روز چهارشنبه مجلس رخ داده حاصل توافق علی لاریجانی و حسن روحانی بوده حال آنکه در همان روز چهارشنبه این خبر هم در رسانه‌ها پیچید که ممکن است کاظم جلالی برای این وزارتخانه معرفی شود.

نگاهی به اعداد آن روز چهارشنبه دقیقاً راهنمایی می‌کند که فراکسیون علی لاریجانی در ائتلافی با فراکسیون ولایی‌ها آن هم در شرایطی که فراکسیون امید مخالف استیضاح ریعی بود چگونه معادلات را تغییر دادند. نگاهی به آنچه در جلسه استیضاح رخ داده، می‌تواند تصویر درستی از ماجرا ارائه دهد.

## مخالفان ریعی چه گفتند؟

مخالفان ریعی در جلسه دیروز عملکرد ضعیف وی در مدیریت وزارت رفاه، تخلف مدیران زیرمجموعه، واردات شبهه‌ناک، عملکرد سیاه پتروشیمی‌های زیرمجموعه وزارت رفاه و ندادن ارز به بازار و ایجاد التهاب را از عمده‌ترین دلایل استیضاح برشمردند. محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی در موافقت با استیضاح وزیر کار در نشست علنی هفته گذشته مجلس گفت: «ایشان زمین و زمان را به تنگ آورده که در وزارت بماند. تمام عوامل داخلی و بیرونی و جریان‌های مختلف دیروز در سالن غذاخوری با نمایندگان صحبت می‌کردند. این چه وضعی است، چرا نمی‌گذارید مجلس آزادانه و دور از این فشارها تصمیم بگیرد؟»

پورابراهیمی خاطرنشان کرد: «مگر ما می‌توانیم این شرایط را تحمل کنیم. شرایطی را به وجود آوردند که استیضاح مطرح و بیان نشود. ای کاش آقای رئیس‌جمهور، آقای ریعی را به عنوان وزیر امور خارجه به کار می‌گرفت که با توجه به توان لایبی‌گری‌ای که دارد حتماً برجام را حل می‌کرد.»

نماینده مردم کرمان در مجلس خاطرنشان کرد: «امروز شاکیه تصمیمات اقتصادی کشور در مجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به اسم بیمه، تعاون و کار پوششی فراهم شده و در ذیل آن محتوای اصلی بنگاهداری و کارهای کلان در اقتصاد کشور است.» وی افزود: «کمیسیون اقتصادی هفته قبل جلسه‌ای برای موضوع عدم ارائه ارز شرکت‌های پتروشیمی برگزار کرد. شرکت‌های پتروشیمی متعلق به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به دلیل عدم ارائه کامل ارز نشان عامل اختلال در نظام اقتصادی شدند. ما گریبان چه کسی را در مجلس بگیریم؟» پورابراهیمی خاطرنشان کرد: «بعضی‌ها فکر می‌کنند وزارت تعاون روابط کارگری و سازمان تامین اجتماعی است اما این گونه نیست و ۳۲۷ شرکت زیرمجموعه سازمان تامین اجتماعی هستند؛ ۱۸۷ شرکت زیرمجموعه صندوق بازنشستگی کشور و ده‌ها شرکت زیرمجموعه صندوق بیمه عشایری و روستایی هستند.» نماینده مردم کرمان در مجلس اظهار کرد: «بزرگ‌ترین

## فرد پشت پرده

علی ربیعی کیست؟

او را بیشتر با نام مستعار «عباد» می‌شناسند. نامی که به روایت روزنامه اعتماد «خودش هم ناراحت نمی‌شود و وقتی دوستانش با این اسم از او یاد می‌کنند، چرا که سال‌های سال با همین اسم در وزارت اطلاعات و شورای عالی امنیت ملی فعالیت کرده است.» او که زاده جنوب تهران است پیش از انقلاب تک‌نشین کارخانه‌هایی چون ارج بود و پس از انقلاب اسلامی تا ۱۳۶۰ مسئول شاخه کارگری حزب جمهوری اسلامی شد. ربیعی عضو سپاه پاسداران شد و از فرماندهان آن بود. از آغاز انقلاب وی عضو مؤسس و عضو شورای مرکزی خانه کارگر بوده است. او از ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۲ در دوره وزارت محمدری شهری و علی فلاحیان، معاون حقوقی و پارلمانی وزارت اطلاعات و از ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۴ مسئول اجرایی و مسئول کمیته تبلیغات دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بوده است. از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ مشاور اجتماعی رئیس جمهور سیدمحمد خاتمی بود. ربیعی در جریان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۸) از اعضای اصلی ستاد موسوی بود.



او استاد دانشگاه تهران و پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و اقتصادی است. و همچنین عضو هیات علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور، محقق و نویسنده در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و مدیریت و مشاور اجتماعی رئیس جمهور ایران (سید محمد خاتمی) طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ است.

او چ فعالیت علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دوران حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و دولت اصلاحات بود. حجت الاسلام فلاحیان نیز در مصاحبه‌ای با روزنامه جام جم از تدریس علی ربیعی در دانشگاه امام باقر (علیه السلام) که زیر نظر وزارت اطلاعات است به عنوان استاد عملیات روانی یاد می‌کند.

فلاحیان در مصاحبه‌ای نیز از چگونگی خروج وی از وزارت و رفتن به شورای امنیت ملی اینگونه می‌گوید: «علی ربیعی از بچه‌های خانه کارگر و از بچه‌های چپ بود... یک مقطعی شد مدیرمسئول روزنامه

کار و کارگر. در عین حال در وزارت اطلاعات هم بود. ما بهش گفتیم دیگر نمی‌شود که در اطلاعات بمانی. چون رفتی در یک گروه سیاسی. یا آن را انتخاب کن و یا وزارت را. او هم خیلی با من بد شد... علی ای حال وقتی کنارش گذاشتیم آقای حسن روحانی او را برد به دبیرخانه شورای امنیت... بعد از انتخابات آقای خاتمی می‌خواست او را وزیر کار بگذارد و خیلی روی این مساله اصرار داشت... و در حال ربیعی وزیر کار نشد... یکم گفتند بشود دبیر شورای امنیت... بالاخره با لابی بازی‌های پشت پرده قرار شد که حالا رسماً دبیر همین آقای روحانی باشد ولی مسئول اجرایی شورای امنیت عباد شود. البته این پست عباد بسیار کلیدی است در امنیت کشور...»

## ربیعی و قتل‌های زنجیره‌ای

در ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای نیز گهگاه نام ربیعی به میان آمد. پرونده قتل‌های زنجیره‌ای زیر نظر کمیته تحقیق سه نفره رئیس جمهور، علی یونسی (رئیس وقت سازمان قضایی نیروهای مسلح، عباد (علی ربیعی) و سرمدی به مشاورت سعید حجاریان و خسرو تهرانی آغاز به کار کرد و از همان ابتدا نقش گسترده عباد در آن به چشم می‌آمد.

گروه اول بازجویی زیر نظر سازمان قضایی نیروهای مسلح آغاز به کار کرد که به واسطه گزارش‌های وی در مرداد ۱۳۷۸ منحل و تشکیل گروه دوم (موسوم به گروه بازخوانی) موافقت شد.

با تدابیر عباد، مسیر پرونده به طور کامل تغییر کرد و برخی می‌گویند در نتیجه تیم جدید سوی اتهامات را به سمت فلاحیان بردند؛ فردی که موجب اخراج عباد از وزارت اطلاعات شده بود. نام عباد بار دیگر نیز در ترور حجاریان به مطبوعات کشیده شد.

علی ربیعی، به عنوان فرد ارشد دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بلافاصله در بیمارستان محل بستری شدن سعید حجاریان حضور یافت و ضمن اعلام تشکیل جلسه اضطراری شورای امنیت، از تشکیل کمیته‌ای به ریاست سید عبدالواحد موسوی لاری وزیر کشور و با حضور نماینده وزارت اطلاعات خبر داد.

ربیعی که مشاور رئیس جمهور نیز بود در یک اظهار نظر رسمی از بحرانی شدن فضا خبر داد و اعلام کرد: «کسانی که حجاریان را برای ترور انتخاب کردند، می‌دانستند که با این اقدام، کشور را به بحران می‌کشاند.»

هر چند بعد از افشای نوار مکالمه ترور کنندگان با یکی از اعضای شورای شهر اول و درز برخی اطلاعات در مورد اهداف این ترور به رسانه‌ها هیچگاه مشخص نشد چه کسانی سعید حجاریان را برای ترور انتخاب کرده بودند.

علی ربیعی به عنوان مدیرمسئول روزنامه کار و کارگر در سال ۷۹ به اتهام نشر اکاذیب، افترا و تهمت به قصد تشویش اذهان عمومی به دادگاه فراخوانده شد، اما در سال‌های بعد به جهت اینکه اتهاماتش مشمول مرور زمان شده بود، برایش قرار موقوفی تعقیب صادر شد.

علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پاسخ به این سؤال که به عنوان کسی که فعالیت امنیتی داشته به آقای روحانی مشورت امنیتی می‌دهید، اظهار داشت: «من هنوز به روایتی و از زاویه دیگری هم کار امنیتی می‌کنم. همین‌جا که نشست‌ها باید با بحران کار و بحران اجتماعی مقابله کنم. فکر می‌کنید جلوگیری از این بحران‌ها کار ساده‌ای است؟»





بعد از حاشیه‌های فراوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی استیضاح شد و از کابینه دولت دوازدهم کنار رفت اما شائبه‌ها و سوال‌های بی‌جوابی باقی ماند که بر همین اساس با حمیدرضا فولادگر، از نمایندگان عضو فراکسیون ولایی مجلس به گفت‌وگو نشستیم. او می‌گوید: «ریبعی سابقه استیضاح داشت و دفعه قبل رأی لبه مرزی آورد و وزیر ماند. در واقع خیلی اقتدار کامل برای ادامه کار نداشت. اگر امروز دوباره این اتفاق می‌افتاد، همچنان او وزیر مقتدری برای ادامه کار نبود و شاید این نتیجه‌ای که اتفاق افتاد در مجموع برای وزارتخانه خیر باشد.»

## استیضاح ریبعی سیاسی نبود

گفت‌وگوی مثلث با حمیدرضا فولادگر

امید کرمانی‌ها

خبرنگار

اقتصادی تبدیل شده است. در مجموع این ویژگی‌های خاص و بعضاً متضاد عامل طرح انتقاداتی هم شده بود.

**علت حاشیه‌های جلسه استیضاح آقای ریبعی چه بود؟**

▲ عده‌ای از نمایندگان از روزهای قبل معتقد بودند که در اعلام استیضاح آقای ریبعی رعایت آیین‌نامه داخلی نشد چون آیین‌نامه می‌گوید باید موضوع استیضاح در جلسه کمیسیون مربوط مورد بررسی قرار می‌گرفت اما هیأت‌رئیس مجلس معتقد بود که سیر آیین‌نامه‌ای طی شده است. آیین‌نامه می‌گوید حداکثر یک هفته کمیسیون موضوع استیضاح را مورد بررسی قرار دهد، هیأت‌رئیس نیز از کمیسیون خواسته بود که این موضوع را در دستور بگذارد اما آیین‌نامه الزامی ندارد که حتماً کمیسیون باید گزارش کتبی دهد تا طرح استیضاح اعلام وصول شود. در واقع بعد از یک هفته، هیأت‌رئیس می‌تواند مهلت بررسی استیضاح را تمدید کند، بنابراین این استدلال وجود داشت که خلاف آیین‌نامه عمل نشده است. نمایندگانی که معتقد بودند آیین‌نامه رعایت نشده وقتی این توضیح را هیأت‌رئیس داد، گفتند: «چرا برای استیضاح‌های دیگر این فرصت یک هفته تمدید می‌شد تا مدت بیشتری استیضاح کنندگان و وزیر با هم مذاکره کنند؟» هیأت‌رئیس می‌گفت: «استیضاح کنندگان از مدت‌ها قبل برای اعلام وصول طرح فشار می‌آوردند اما

حضور در کابینه دولت دوازدهم رأی اعتماد گرفت اما در اسفند ۹۶ و مرداد ۹۷ استیضاح شد، به عبارت دیگر در طول یک سال موارد عملکردی آقای ریبعی ۳ مرتبه مورد بحث و نظر در مجلس قرار گرفت که از این جهت اتفاق تازه‌ای بود. در دولت دهم بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه «وزارت رفاه و تأمین اجتماعی»، «وزارت کار» و «وزارت تعاون» در وزارت رفاه و تأمین اجتماعی حوزه وظایف با هم ادغام شدند بنابراین این وزارتخانه حوزه وظایف گسترده‌ای پیدا کرد که در بعضی بخش‌ها تضاد منافع هم در آن رخ داد چون یک‌جا بحث کار، اجرای قانون کار و اعمال نقش حاکمیتی مطرح است و در جای دیگر بحث رفاه و تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی باید دنبال شود، بنابراین وجود هر دوی این نقش‌ها در یک مجموعه می‌تواند تعارض منافع را هم به همراه داشته باشد. اما در صورت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارتخانه‌ای بزرگ است. فقط در مجموعه رفاه و تأمین اجتماعی صدها شرکت در مجموعه شستا و صدها شرکت در صندوق بازنشستگی هستند. آقای ریبعی در حوزه کار و کارگری و بازنشستگی فعالیت‌ها و تلاش‌های زیادی انجام داد اما بزرگی این وزارتخانه را نیز نباید از یاد برد. با وجود شرکت‌های بزرگ اقتصادی همچون شرکت‌های نفتی، پتروشیمی، هواپیمایی، کشتیرانی، فولادی و معدنی، به نوعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به وزارتخانه

**جلسه استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد، چه ارزیابی از فضای جلسه دارید چون با حواشی بسیاری همراه بود؟**

▲ استیضاح تازگی ندارد. استیضاح جزو اختیارات نظارتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی است. در جریان استیضاح‌ها معمولاً بحث‌های چالشی مطرح می‌شود. طرح مباحث تخطئه‌آمیز، نقد و نقادی و طرح دیدگاه‌های مخالف به‌طور معمول در جلسات استیضاح وزرا اتفاق می‌افتد و به همین دلیل گاهی فضای مجلس به حاشیه می‌رود. ثالثاً نمایندگان موافق و مخالف استیضاح باید رعایت اخلاق و انصاف را در بیان دیدگاه‌های خود انجام دهند چون وقتی اخلاق و انصاف و تقوا زیر پا گذاشته شود، از دو طرف تصویر مناسبی به جامعه منعکس نخواهد شد.

**به نظر شما چرا برخی نمایندگان روی آقای ریبعی حساس بودند و به جد استیضاحش را پیگیری می‌کردند؟**

▲ آقای ریبعی در شهریور ۹۶ از مجلس برای

وقتی لایحه تفکیک وزارتخانه‌ها آمد، دست نگه داشتند، بعد که درباره این لایحه رأی گیری شد و رأی نیاورد، با سماجت بیشتر خواستار اعلام وصول استیضاح آقای ربیعی بودند چون ابتدا داشتند با تفکیک وزارتخانه‌ها و کوچک شدن حوزه اختیارات آقای ربیعی مسائل فی مابین آنها با وزراتخانه نیز منتفی شود اما وقتی این اتفاق نیفتاد، به استیضاح وزیر مصر شدند. «از آن طرف دوستان مخالف استیضاح نامه‌ای نوشتند، مذاکراتی کردند و در جلسه استیضاح نیز پشت هم تذکر آیین نامه‌ای دادند، بعد جلوی تریبون سخن تجمع کردند، با این هدف که به نحوی بر فضای جلسه اثر بگذارند. بر اثر همین اقدام وقتی نام نمایندگان موافق استیضاح اعلام شد کسی نیامد تا پشت تریبون صحبت کند، این مساله شائبه‌ای را به وجود آورد که شاید طراحان استیضاح منصرف شده باشند؛ هیأت رئیسه وقتی فضای مجلس را دید برای آنکه هم جلسه نظم خود را باز یابد و تکلیف استیضاح هم روشن شود، اعلام تنفس کرد. تنفس نیم ساعته طول کشید بحث‌های داخلی مطرح شد و نهایتاً جمع بندی به عمل آمد که استیضاح به خاطر دفاع از حیثیت مجلس مطرح شود تا شائبه‌ای پیش نیاید که مثلاً استیضاح کنندگان معامله‌ای کردند.

**این شائبه وجود دارد که آقای روحانی رضایت داشته آقای ربیعی از کابینه کنار برود، آیا این طور بود؟**

بله، به این نحو که آقای روحانی راضی بود یا نه نمی توانم چیزی بگویم چون از باطن آقای روحانی با خبر نیستم و نمی توانم قضاوتی کنم. آنچه شنیدم این بود که آقای ربیعی جزو وزرایی بود که نامش در فهرست ترمیم کابینه وجود داشت. در واقع دولت می خواست از طریق اصلاح ساختار این کار انجام شود. بحث تفکیک سه وزارتخانه «صنعت و معدن و تجارت»، «راه و شهرسازی» و «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» بحث ترمیم کابینه در هر سه حوزه بود. اخباری که داشتیم ترمیم کابینه در وزرای سه حوزه بود. یعنی با تفکیک آن وزیر فعلی می ماند یا در یک وزارتخانه می رفت. بنابراین در این حد موفق است که دولت به دنبال اصلاح و ترمیم کابینه بود حوزه آقای ربیعی هم جزو حوزه‌هایی بود که اصلاح می شد اما اول دولت می خواست تکلیف آن تفکیک و روشن شود.

**آقای لاریجانی با آقای روحانی در کنار گذاشتن آقای ربیعی از کابینه همکاری کرد؟ بعضی می گویند همکاری پشت پرده‌ای بین این دو**

## نفر انجام شد؟

خبر موثقی ندارم، بنابراین نسبتی نمی توانم بدهم که چنین همکاری پشت پرده بوده است. برخی همکاران می گفتند «آقای لاریجانی در برخی موارد بیشتر تلاش کرد که استیضاح زود اعلام وصول نشود اما درباره آقای ربیعی اعلام وصول زود انجام شد». در واقع این را قرینه می گرفتند که خود آقای لاریجانی هم موافق استیضاح بوده است.

**آیا می توان گفت فراکسیون نمایندگان ولایی خیلی دنبال استیضاح بودند؟**

استیضاح آقای ربیعی اصلاً سیاسی نبود. امضای استیضاح کنندگان و طراحان استیضاح از هر سه فراکسیون بودند. آنهايي که امروز صحبت کردند، از هر سه فراکسیون بودند. البته کسانی که روز استیضاح معتقد بودند استیضاح باید عقب بیفتد یا تذکر آیین نامه‌ای می دادند، بیشتر اعضای فراکسیون امید بودند یا آنها که معتقد بودند حالا که طرح استیضاح اعلام وصول شد باید انجام شود، بیشتر اعضای فراکسیون ولایی بودند.

**در جریان استیضاح موضوع باج گیری مطرح شد، می گفتند استیضاح کنندگان دنبال باج گیری بودند والا عملکرد ربیعی آن طور نبود که ظرف یک سال سه مرتبه مجلس صلاحیتش را مورد بررسی قرار دهد، نظر شما چیست؟**

من نمی توانم نظر کلی بدهم، در جلسه استیضاح تذکر آیین نامه‌ای دادم و گفتم: «اگر فرض کنیم نماینده‌ای خدای نکرده درخواست غیرقانونی داشته یا رویه‌ای اتفاق افتاده که این تعبیر به باج خواهی می شود، شفاف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با دلایل و مستندات بیان کند تا نزد افکار عمومی، کل نمایندگان مجلس یا کل استیضاح کنندگان زیر سوال نروند.» از آن طرف کسانی که استیضاح کردند، شفاف بگویند اگر در دستگاه دولتی یا در یک وزارتخانه مواردی بود که چنین بحث‌هایی مطرح شد آنها هم مستندات خود را ارائه دهند که کل دولت زیر سوال نرود.

## بحث رشوه‌دادن را می گویند؟

بله، این شفافیتی که اگر با اخلاق و انصاف همراه باشد بهتر از آن است که همدیگر را متهم کنند. ممکن است برخی عزیزان اختلافات و بحث‌هایی در حوزه انتخابیه داشتند یا خواسته‌هایی مطرح بوده از سوی شخص نماینده‌ای که ممکن است برای کارها و مسائل حوزه انتخابیه در انتصابات و کمک‌های حمایتی به مردم

یا مواردی از این قبیل کمک می خواسته. تعاون، کار و رفاه اجتماعی وزارتخانه‌ای است که خیلی سر و کار با نهاد‌های حمایتی دارد روی بحث‌های بازنشستگی و کارگران. منکر نمی شوم که شاید مواردی باشد که اختلاف از اینجا شروع شده باشد اما نمی شود کل استیضاح و حرکت مجلس را بگوییم به خاطر باج خواهی باشد. این قضاوت درستی نیست.

**آقای ربیعی از وزارت برکنار شد. برخی نمایندگان می گفتند در این وضعیت که کشور قرار دارد باید کاری کنیم که پاسخگوی انتظارات افکار عمومی باشیم، به نظر شما استیضاح آقای ربیعی، یک نکته مثبت در کارنامه مجلس دهم بود یا نکته منفی؟**

البته در هر صورت بر اساس انتقاد به وضع موجود و روی یک سری مسائل اقتصادی و مسائل مدیریتی انتقادهای جدی به عملکرد دولت وارد است و طبعاً مجلس می خواهد از ابزارهای نظارتی خود بیشتر استفاده کند. سوال از رئیس جمهور به همین دلیل مطرح می شود و تقاضای استیضاح از چند وزیر و چند تحقیق و تفحص به همین دلیل است. حالا برخی موارد خاص مربوط به یک حوزه انتخابیه می شود اما اکثر موارد این طور نیست. نکته دیگر آنکه آقای ربیعی سابقه استیضاح داشت و دفعه قبل رأی لسه مرزی آورد و وزیر ماند. در واقع خیلی اقتدار کامل برای ادامه کار نداشت. اگر امروز دوباره این اتفاق می افتاد، همچنان او وزیر مقتدری برای ادامه کار نبود و شاید این نتیجه‌ای که اتفاق افتاد در مجموع برای وزارتخانه خیر باشد.

## چه توصیه‌ای به آقای روحانی دارید؟

در هر صورت امیدواریم رئیس جمهور فردی را معرفی کند که هم مدیریتش از آقای ربیعی قوی تر باشد و هم ویژگی‌های مثبت آقای ربیعی را نیز داشته باشد. آقای ربیعی از بدنه کارگری و از درون انقلاب بود، در محیط‌های کارگری و بازنشستگی نفوذ داشت چون تعاملش با قشرهای کارگری و بازنشستگی خوب بود و با آنها نشست و برخاست داشت. البته در کنار این ویژگی خوب انتقادهایی هم نسبت به منصوبان و مدیرانش مطرح می شد. دولت باید فردی را انتخاب کند که از لحاظ مدیریتی قوی تر از آقای ربیعی باشد، در عین حال همان روحیه مردمی تعامل با تشکل‌های کارگری و بازنشستگی را هم دنبال کند.

**می گویند آقای ربیعی قربانی شد تا استیضاح‌های دیگر وزرا به ویژه استیضاح وزیر اقتصاد منتفی شود. یکی از نمایندگان نقل قول کرده که آقای امیری گفته «استیضاح کرباسیان منتفی شود اما آقای ربیعی را به خدا می سپاریم»؟**

من نشنیدم، ولی از این تحلیل‌ها همیشه هست. وقتی سه، چهار استیضاح مطرح می شود، آن وزیری که اول، استیضاحش در دستور کار قرار می گیرد، درباره اش می گویند او قربانی دیگر وزرا شد. چون در آینده نزدیک، شاید استیضاح دیگری در دستور کار قرار نگیرد. از این صحبت‌ها او آخر اسفند ۹۶ هم بود، برخی نمایندگان موافق استیضاح می گفتند: «نباید سه استیضاح با هم مطرح می شد چون در فضای روزهای آخر سال است زمان درستی نبود، به همین دلیل هر سه استیضاح رأی نیاورد و وزرا ماندگار شدند.» حالا هم چون استیضاح‌های پشت سر هم مطرح نشود اولی که مطرح می شود احتمال اینکه بعدی‌ها کم رنگ شود وجود دارد. اما اینکه مدیریت شده و کسی خواسته ربیعی قربانی وزیر دیگری شود، ادعایی است که نمی توان آن را موثق دانست.



مسعود پزشکیان در جلسه استیضاح با اتهاماتی از سوی مخالفان ربیعی مواجه شد





## عبور از دولت، فاصله گذاری با نظام

پیام سید محمد خاتمی به جامعه و حکومت چه بود؟



رئیس جمهور اسبق پس از مدت‌ها سکوت در برابر مشکلات ایجاد شده توسط دولت مورد حمایت خود و بی‌عملی نمایندگان طیف اصلاحات در مجلس، سرانجام در دیدار با تعدادی از نمایندگان ادوار مجلس، لب به سخن گشود اما نه برای پذیرش مسئولیتی که در معرفی و حمایت از کاندیداهای انتخاباتی داشت، بلکه برای عوض کردن زمین بازی از «پیگیری مطالبات اقتصادی از دولت» به «سیاسی بازی». سید محمد خاتمی در این دیدار تلاش کرده تا با جدا کردن خط «اصلاحات» از «براندازان»، براندازان را مخالف اصلاحات جلوه داده و اصلاحات را سدی در برابر معاندان نظام اسلامی معرفی کند.

محمد خاتمی در این دیدار به جای مطالبه از دولت برای دست کشیدن از رویه موجود و کمر همت بستن برای حل مشکلات، توپ را به زمین ایرادات ساختاری انداخته و مدعی شده است: «مشکلات اقتصادی کشور ریشه‌های تاریخی دارد ولی اشکالات ساختاری هم به آن افزوده است.» این ادعای وی در حالی است که در دوران انتخابات، با وجود ارائه وعده‌های عجیب و غریب از سوی کاندیدای مورد حمایت اصلاح‌طلبان، اعم از «تحول اقتصادی در صد روز» و... هیچ اعتراضی از سوی خاتمی شنیده نشد و آن چیزی که از سوی وی اعلام شد تنها «تکرار رأی به روحانی» بود.

فارس در مطلبی در این مورد نوشته است که اگر وی معتقد بوده و هست که مشکلات اقتصادی در کشور به دلیل وجود ایرادات ساختاری است، چرا در دوره تبلیغات انتخاباتی در برابر وعده‌های واهی که از سوی کاندیدای مورد حمایت وی سر داده می‌شد و مردم را به بهشتی برین و عاری از مشکلات اقتصادی وعده می‌دادند، سکوت کرده بود؟ آیا وی در آن زمان از ایرادات ساختاری مطلع نبود یا اکنون برای فرار از پاسخگویی در برابر افکار عمومی به دلیل حمایت از روی کار آمدن یک دولت فاقد عملکرد درست در حوزه اقتصاد، این بهانه را تراشیده است؟

محمد خاتمی همچنین در این دیدار خواستار «ایجاد فضای همبستگی و نزدیکی تمام جریان‌ها به هم، تغییر فضای حذف و نفی و دفع یکدیگر با بدبینی و تنگ‌نظری» شده است اما مرور مواجعه وی و طیف اصلاحات با منتقدان خود، به ویژه در دوره دوم خرداد، پرده از این ادعا برمی‌دارد.

چه کسی هست که به خاطر نیاورد در دوران دوم خرداد، سیل انبوه روزنامه‌های موسوم به «زنجیره‌ای» راه افتاد تا هرگونه انتقاد از شخص رئیس جمهور و سیاست‌های دولت را در حد کفر بالا برده و با بدترین وجه ممکن، زمینه‌ها را میدان به‌در کردن منتقدان و ترور شخصیتی آنان فراهم کنند؟ ماجرا از آن قرار بود که در مراسم روز دانشجو در دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۸۳ و در میان صحبت‌های سید محمد خاتمی، عده‌ای از طرفداران دولت اصلاحات نسبت به او انتقاد داشتند و همین انتقاد موجب شد تا خاتمی برافروخته شده و بگوید: «این خلاف دموکراسی است، این چه وضعی است که ایجاد کرده‌اید، مگر شما چند نفر هستید که هو می‌کنید؟ کاری نکنید که بگویم بیرون‌تان کنند، آدم باشید، گوش بدهید و تحمل کنید.» آیا محمد خاتمی، نوع مواجعه اصلاح‌طلبان با مرحوم هاشمی رفسنجانی را از خاطر برده است که انبوهی از اهانت‌ها به وی در قالب مقالات و یادداشت‌ها و کتب، با مجوز دولت وی منتشر می‌شد تا رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام را مورد ترور شخصیتی قرار داده و زمینه حذف وی از مجلس شورای اسلامی و حتی سپهر سیاسی کشور را فراهم کنند؟ آیا از خاطر برده است که کتاب «عالیجناب سرخپوش» با مجوز دولت وی توسط اکبر گنجی منتشر شد تا اتهام قتل مرحوم حجت الاسلام سید احمد خمینی

را به مرحوم هاشمی رفسنجانی منتسب کند؟ آیا از خاطر برده است که کاریکاتور یک عالم دینی [اتفاقی که پس از وقایع ملی شدن صنعت نفت در ایران سابقه نداشته است] را تنها به جرم انتقاد از ولنگاری فرهنگی و ترویج بی‌دینی در جامعه، توسط اصلاحات و حامیان آنها در روزنامه‌ها منتشر کردند؟ این موارد تنها گوشه‌ای از ۸ سال سرکوب و ترور شخصیت منتقدان در دولتی است که جناب خاتمی سکاندار آن بوده و اکنون ژست تحمل منتقدین را به خود گرفته است.

رئیس دولت اصلاحات در این دیدار، به جای ارائه راهکار برای حل معضلات اقتصادی، مانند تمام دوران ریاست جمهوری خود که «سیاسی بازی» را بر حل معضلات اقتصادی ترجیح داده بود، خواستار آزادی «زندانیان سیاسی و عقیدتی» شده است. فارغ از اینکه آیا وی در جایگاهی قرار دارد که چنین حکمی صادر کند، نکته اینجاست که ادعای وی مبنی بر وجود «زندانیان سیاسی و عقیدتی» بارها نه از سوی مقامات دستگاه قضایی یا امنیتی که از سوی حسن روحانی و محمد جواد ظریف رد شده است، به عنوان نمونه، وزیر امور خارجه کشورمان در مصاحبه با چارلی رز، مجری تلویزیون پی‌بی‌اس آمریکا در اردیبهشت ۹۴، بار ادعای نهادهای بین‌المللی تحت سیطره آمریکا مبنی بر وجود زندانی عقیدتی در ایران، گفته بود: «ما در ایران هیچ‌کسی را به خاطر عقیده‌اش زندانی نمی‌کنیم. افرادی که جرائمی مرتکب می‌شوند یا قوانین کشور را نقض می‌کنند، نمی‌توانند پشت اینکه روزنامه‌نگار یا فعال سیاسی هستند، پنهان شوند.» (۱) محمد خاتمی در این دیدار، راهکارهایی برای خروج از شرایط فعلی کشور ارائه کرده که ارتباطی با حل مشکلات مردم ندارد و در نهایت هم جهت مطالبات خود را به سوی رهبر معظم انقلاب نشان داده است: «با همه وجود از رهبری درخواست می‌کنم که با فرمان و دستورات خود، مسائل و مشکلاتی که امروز کشور را دچار چالش کرده حل کند.»

اما نکته قابل تأمل در این میان، همان رفتار متناقض خاتمی در مواجهه با اختیارات رهبری است که از ابتدای حضور وی در انتخابات خرداد ۷۶ تا به امروز ادامه داشته است. وی هرگاه به دنبال گرفتن ژست متفاوت و باز کردن جا برای خود در میان اپوزیسیون بوده، رهبری را محدود در چارچوب قانون اساسی معرفی می‌کرد، اما به دفعات این ادعای خود را نقض کرده و برای حل مشکلات خواستار استفاده رهبر انقلاب از اختیارات فراقانونی خود شده است. برای تشریح دقیق این مساله تنها کافی است این بخش از دیدار حساس رهبر معظم انقلاب اسلامی با نمایندگان کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ در روزهای آغازین فتنه ۸۸ برای بررسی ادعای تقلب و...

را مرور کنیم که در بخشی از آن، مقام معظم رهبری به دوره خاتمی اشاره‌ای داشتند: «جناب آقای خاتمی وقتی سال ۷۶ می‌خواستند کاندیدای ریاست جمهوری شوند، آمدند پیش بنده و گفتند که بنده عقیده‌ام این است که رهبری بایست در چارچوب قانون اساسی عمل کند. بنده به ایشان گفتم بسیار مطلب خوبی است ولی شما جناب آقای خاتمی، کسی خواهی بود که در آینده بیشترین تقاضاها را برای استفاده از اختیارات فراتر از قانون اساسی رهبری جهت حل مشکلات کشور خواهید داشت. در طول سال‌های ریاست جمهوری، ایشان بارها نام می‌زدند که فلان مطلب را تنها شما می‌توانید حل نمایید بنده می‌نوشتم که با توجه به اینکه درخواست شما در چارچوب قانون اساسی نیست، مکتوب بنویسید که موضوع از طریق اختیارات فراتر از قانون اساسی رهبری حل شود و ایشان بارها و بارها چنین مطلبی را مکتوب نمود.

سه پیشنهاد اخلاقی به رئیس دولت اصلاحات

اما این سخنان خاتمی بازخوردهایی هم داشته است. محسن مهدیان، فعال رسانه‌ای طی یادداشتی درباره اظهارات رئیس دولت اصلاحات در کانال تلگرامی خود نوشت:

### پیشنهاد اول: در اعتراضات خیابانی شرکت کنید

به آقای خاتمی پیشنهاد می‌کنم در اعتراضات خیابانی کنار مردم باشند تا از نزدیک شعارها را بشنوند. برای او و جریان متبوع وی خوب نیست که پیشنهادشان برای خروج از وضع موجود تا این میزان متفاوت از خواست مردم باشد. واقعا تصور کردید مردم برای تغییر نگاه رسانه ملی، عفو عمومی، رفع حصر و یا برگزاری هیات منصفه به خیابان آمدند؟

### پیشنهاد دوم: به دولت خیانت نکنید

پیشنهاد می‌کنیم که مرد باشید و جاخلی ندهید. کسی که امروز باید پاسخگو باشد شما نیستید. مشکلات پیچیده اقتصادی بر گرده دولتی است که با پروژه «تکرار می‌کنم» شما به قدرت رسیده است. ناکارآمدی مجلس نیز؛ خواب غفلت آلود شورای شهر هم. امروز، روز تبری شما از دولت نیست. بایستید و پاسخگو باشید.

### پیشنهاد سوم: صادق باشید

هرچند ژست انتقاد شما از دولت پسندیده نیست، ولی حداقل در همین انتقاد ساده هم صادق باشید. چطور ممکن است به دولت انتقاد کنید ولی راهکارتان برای عبور از وضع موجود، رفع حصر و عفو عمومی و غیره باشد. چطور ممکن است از دولت انتقاد کنید اما اصلاح‌طلبان مجلس حاضر نباشند سوال از رئیس جمهور را امضا کنند؟

### مردم از ما عبور کردند

اما جالبی‌پور هم در تحلیلی در این مورد گفته است: «گفته می‌شود مردم دیگر از اصلاحات و خاتمی عبور کرده‌اند. این سخن تا حدی درست است و اصلاح‌طلبان در جامعه ریزش رأی داشته‌اند، ولی به سه دلیل اصلاح‌طلبان همچنان نیروی جدی تغییر و همراه در ایران هستند. دلیل اول اینکه بر اساس نظرسنجی‌ها، ۶۰ درصد مردم جامعه دنبال تغییرات کم هزینه‌اند. این همان پایگاه اجتماعی اصلاحات است. دلیل دوم اینکه نظرسنجی‌ها خصوصا مقایسه آنها برای تحلیل وضع اصلاح‌طلبان مفید است ولی تنها منبع برای ارزیابی نیست. شواهد دیگری هم در جامعه برای ارزیابی هست. مثلاً به وضع «نیروهای تغییر» در شرایط امروز ایران نگاه کنید و با هم مقایسه کنید و ببینید کدام‌شان در عمل اعتماد‌اترند. درست است وضع افکار عمومی اصلاح‌طلبان خوب نیست ولی در میان نیروهای تغییری که ذکر شد «خاتمیان» یا اصلاح‌جویان از همه قابل اعتمادترند. تازه توجه داشته باشید هنوز نه حاکمیت، نه دولت و نه اصلاح‌طلبان اقدامات خود را برای پاسخ به مطالبات مردم معترض انجام نداده‌اند. دلیل سوم اینکه اگر ترامپ تهدیداتش را بیشتر کند، «ملی‌گرایی مثبت اما خفته ایرانی» را بیدار و مشارکت را در امور عمومی بیشتر می‌کند (لذا من در افاق دو سال آینده سال سختی برای حاکمیت و جامعه ایران می‌بینم اما شکست سیاست ترامپ را بیشتر از شکست ایران محتمل می‌دانم).»

اما سایت مشرق هم در مطلبی در این مورد نوشته است:

خاتمی اگر هم دلسوزی‌ای نسبت به شرایط کشور دارد بایستی در روزهایی که بردارش می‌گفت ما اصلاح‌طلبان تضمین روحانی هستیم رسول منتجب‌نیا تأکید می‌کرد اصلاح‌طلبان «فدائیان روحانی» هستند



و... جلوی این رفتارهای سفیهانه را می گرفت تا مشکلات فعلی بروز نکند. اما او خود به جمع اینان پیوست و عاشقانه برای ادامه راه رئیس جمهور روحانی تکرار کرد. اکنون نیز نباید برای بدن بیماری که با دارو و خوددرمانی بهبودی می یابد، «جراحی» را تجویز کرد. البته اینکه آقایان در ستاد جریان خاص نمی خواهند نوسنداروی وضع موجود را به دست روحانی برسانند، مساله دیگریست... گفتنی است، برخی محافل تحلیلی مدت هاست تأکید دارند که جریان سیاسی خاص به دنبال ایجاد «فتنه اقتصادی» و شکل دادن به اعتراض ظالمانه در کشور است.

طرحی با عملکردی لیدرهای فتنه ۸۸ که قرار است در آن ضمن ایجاد مشکلات تمدنی در اقتصاد کشور، کاستن از سرعت پیشرفت کشور و همزمان دادن آدرس خیابان به مردم؛ مقصر اصلی وضع موجود نیز جریانات اصیل انقلابی، رأس نظام و نهادهای امین کشور جلوه

داده شوند. در بیان اماره هایی برای این تحلیل می توان به تأکید رسانه های دولت بر ناامیدی و سرخوردگی مردم، صحبت کسانی از جریان خاص درباره «فردای براندازی»، اصرار اصلاح طلبان بر اینکه اغتشاشات دی ماه ۹۶ با شدت بیشتری تکرار خواهد شد و حتی میلیونی خواهد بود و تأکید بر اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران دچار «بحران مشروعیت» شده است، اشاره کرد. بدیهی است که در فضای القایی اشاره شده، ناپستی اجازه داد جای شهید و جلاد عوض شود و کسانی که وضع موجود را ایجاد کرده اند، نمی توانند و نباید با فرافکنی، انگشت اتهام را به سمت دیگران دراز کنند.

### پاسخگو با شهید

امروز نامه کیهان هم نوشته است: چنانچه ذکر آن رفت اصلاح طلبان در روزهای گذشته سفره خود را از دولت جدا کرده و خود را در موقعیت حل کننده مشکلات

با ارائه راهکارهایی که در بیانیه ها و مصاحبه های آنان ذکر شده است قرار داده اند. سخن اینجاست که مدعیان اصلاحات بایستی به سخنان و مواضع یک سال پیش خود مروری مجدد کرده و به جای فرار به جلو ضمن پوزش و عذرخواهی از ملت که با تخریب رقیب و همچنین ارائه تصویری غیرواقعی از آینده زمینه ساز رای به نامزد مطلوب خود شده اند در پیشگاه ملت پاسخگو باشند. اصلاح طلبان می گویند دولت روحانی دولت مانعیت ولی بررسی هان نشان می دهد که اکثریت مدیران میانی و سطح بالا در دولت کنونی از جریان اصلاحات انتخاب شده اند و در نتیجه این جریان نقش اصلی در وضعیت کنونی داشته و دارد.

از این روی می توان گفت که مدعیان اصلاحات بایستی به جای فرار به جلو پاسخگوی نقش خود در به وجود آمدن وضعیت کنونی باشند؛ وضعیتی که به گفته رئیس دولت اصلاحات بی اعتمادی بی سابقه ای را به دولت به وجود آورده است.

## سخنان خاتمی سیاست گذاری جدید بود

### تحلیل سعید آجورلو درباره نسبت جدید اصلاح طلبان و دولت

سعید آجورلو، کارشناس سیاسی و سردبیر هفته نامه مثلث در گفت و گو با روزنامه «فرهیختگان» به تحلیل فضای سیاسی کشور و شرایط حاکم بر روابط دولت با جریان اصلاح طلب پرداخت. سعید آجورلو کارشناس سیاسی و سردبیر هفته نامه مثلث با تحلیل فضای سیاسی کشور و شرایط حاکم بر روابط دولت با جریان اصلاح طلب گفت: «اصلاح طلبان امروز سه چالش جدی و مهم دارند. یکی از مهم ترین این چالش ها این است که امروز اعضای این جریان بین دوراهی اپوزیسیون بودن و پوزیسیون بودن نظام گیر کرده اند و نمی دانند که باید با فاصله از نظام بایستند یا اینکه متحد آن باشند. چالش دیگر این است که آنها نمی دانند امروز باید منتقد دولت باشند یا متحد دولت. چالش سوم آنها بین خودشان جاری است و چالشی بین لیبرالیسم یا سوسیالیسم است که آنها فعلا درگیر این هستند که کدام یک از اینها را باید برای آینده گفتگمانی خود انتخاب کنند. بنده گمان می کنم بعد از اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ این سه چالش به صورت ویژه با این جریان همراه بوده است. از یک طرف در جریان چالش سوم اصلاح طلبان باید بین سه طبقه اجتماعی پایین، متوسط و بالا انتخاب می کردند؛ یعنی اگر می خواستند به سمت طبقه های پایین حرکت کنند باید شعار عدالت می دادند و به سمت گرایش های سوسیالیستی می رفتند و اگر برعکس این انتخاب را می کردند که به سمت طبقه متوسط و متوسط رو به بالا حرکت کنند، باید ایده های لیبرالیستی را انتخاب می کردند.

وی افزود: «بعد از دی ماه در واقع برای این مساله تصمیم گیری مهم تر شد؛ اینکه چگونه باید تصمیم بگیرند و به چه شکلی باید چالش های پیش روی خود را حل کنند. اینکه بعد از اعتراضات مردمی و به خیابان آمدن آنها در دی ماه و شعارهایی که به نوعی عبور از اصلاح طلبی و اصولگرایی بود، اصلاح طلبان متوجه شدند برخلاف اعتراضات سال ۷۸ و سال ۸۸، اعتراضاتی شکل گرفته که آنها نقشی در آن نداشته اند و در سال ۹۶ خودشان هم متضرر شدند. از این رو بود که آنها به فاز تصمیم گیری برای تغییر

سیاست های خود رفتند و گفتند که ما چگونه باید سیاست های خود را تغییر دهیم تا به مقتضیات زمان و همراه کردن مردم نزدیک شویم.»

این پژوهشگر مسائل سیاسی با اشاره به انتقادات سعیدمحمد خاتمی از دولت دوازدهم اظهار کرد: «صحبت های آقای خاتمی از دیدگاه من یک نوع سیاست گذاری جدید بود، به این معنا که اصلاح طلبان می خواهند تا حدودی فاصله خود را از دولت زیاد کرده و تبدیل به منتقد دولت شوند و در عین حال می خواهند یک فاصله ای هم با نظام داشته باشند و شریطی را ایجاد کنند که بتوانند هم با نظام گفت و گو کرده و هم بدنه اجتماعی خود را حفظ کنند. این جریان البته امیدوار بودند که بتوانند با نظام گفت و گو کنند تا دوباره آقای خاتمی را به میدان بیاورند که البته توفیقی در این زمینه نداشتند، لذا امروز تلاش می کنند به این سمت حرکت کنند تا بتوانند لیدر اعتراضات جدید باشند و با شعار اینکه اصلاح طلبی جایگزین براندازی است، خود را به نظام بفروشد. این هم به این مفهوم است که آنها می خواهند به نظام این پیغام را بفرستند که اگر می خواهید جریانات برانداز در کشور قوت بگیرند، شما باید قدرت را در اختیار اصلاح طلبان قرار دهید.»

آجورلو ادامه داد: «من مجموعه اقدامات اصلاح طلبان را ذیل این شکاف ها و چالش ها تحلیل می کنم و اظهارات روز گذشته سعید حجاریان در روزنامه شرق را هم ادامه همین ها می دانم. ما باید منتظر باشیم که اینها هرچه بیشتر از دولت فاصله بگیرند و تحلیل شان این است که دولت به حاکمیت نزدیک شده، اختلافات خود را با نظام کنار گذاشته (چه تا کتبی و چه استراتژی) و نزدیکی دولت و حاکمیت در واقع شکاف ها را بسته و در این فضا اصلاح طلبان نمی توانند فعالیت ویژه داشته باشند و سیاست ورزی کنند. از این رو هم می خواهند منتقد دولت باشند، هم منتقد نظام هم بمانند و هم لیدری اعتراضات را به نوعی به خود منتسب کرده و در نهایت هم همان ایده اصلاح طلبی به جای براندازی را دنبال کنند.»

وی با تحلیل رفتار حسن روحانی در دوران ریاست جمهوری گفت: «بنده حیات سیاسی آقای روحانی در دوران ریاست جمهوری را به دو بخش عمده تقسیم می کنم؛ قبل از به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا و خروج او از برجام و بعد از امضای دستور رئیس جمهور آمریکا و خروج این کشور از برجام. قبل از خروج آمریکا از برجام آقای روحانی در شکافی که از سال ۹۲ به وجود آمده و در یک طرف به اصطلاح برجامیان قرار دارند و در طرف دیگر دلوپسان، توانسته هم از جناح راست مانند افراد نزدیک به آقای لاریجانی یارگیری کند هم یک بخش از اصلاح طلبان که اخص کارگزارانی ها هستند را کنار خود قرار دهد و در این شرایط با غیریت سازی مخالفان خود را طرد می کند و به آنها تندی می کند و در مقابل هم تندی می شود و یک صحنه سیاسی جدید ظاهر می شود.» سردبیر هفته نامه مثلث در خصوص حیات سیاسی حسن روحانی در دوران پسابرجام گفت: «بعد از بیرون آمدن آمریکا از برجام، آقای روحانی قدرت خود را به عنوان یک بازیگر سیاسی جدی و یک شکل دهنده فضای سیاسی از دست می دهد و به طور کلی ابتکار عمل در این فضا از وی گرفته می شود. این روحانی جدید، روحانی پسابرجام است و احساس می کند برای اینکه بتواند حیات سیاسی خود را ادامه دهد، به شدت نیازمند حاکمیت است و در مذاکراتی که با آن داشته، طبیعتاً فاصله ای از اصلاح طلبان گرفته و قدری هم بدنه اجتماعی قبلی از وی جدا شده است، لذا آقای روحانی امروز بیش از آنکه دغدغه های سیاسی داشته باشد، دغدغه های معیشتی مردم را دارد و در این فضا قاعدتاً با تلاش هایی که صورت می گیرد، بخش عمومی دولت و بخش خدماتی دولت پررنگ شده و بخش سیاسی آن کم رنگ خواهد شد.»

وی در پایان تأکید کرد: «از این رو گمان می کنم آقای روحانی امروز نگرانی جدی از دست دادن بدنه خود را دارد و تا به امروز ابتکار عملی برای جلوگیری از فروریختن این بدنه اجتماعی نداشته و ندارد، مخصوصاً اینکه آقای خاتمی و دیگر اصلاح طلبان این گونه تلاش کرده اند که راه خود را از روحانی جدا کنند و لذا باید نشست و دید که آقای روحانی چه خلاقیتی برای حفظ جایگاه و بدنه اجتماعی خود خواهد داشت و آیا می تواند صحنه سیاسی و اجتماعی کشور را به نفع خود بازسازی کند یا خیر.»

## روزهای سخت اصلاحات تکاپوی هسته سخت اصلاحات برای فرار از بحران

سعید پورسیدی

روزنامه نگار

یخ سکوت اصلاحات آب شد. سیدمحمد خاتمی در دیدار نمایندگان ادوار مجلس پس از مدت‌ها سردرگمی راهبرد اصلاحات در قبال وضعیت کشور سخن گفت. او مشکلات اقتصادی را ریشه‌دار و به خاطر اشکالات ساختاری و عملکردی دانست و برای برون‌رفت از مشکلات جامعه خواستار رفع حصر شد و در همین راستا اظهار کرد: «حصر استخوانی لای زخم است و بخش زیادی از جامعه را دلخورد و ناامید کرده و هیچ فایده‌ای هم نداشته است. وقتی رهبری، حل مسأله را به شورای امنیت ارجاع می‌دهند، باید به سرعت این مصلح حل شده، حصر شکسته و محدودیت‌ها برداشته شود.» سپس خواهان پاسخگویی دولت در قبال ناکارآمدی اقتصادی شد. پس از رهبر اصلاحات نوبت به سعید حجاریان رسید؛ او از حامیان جدی دولت حسین روحانی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و دوازدهم بود. سعید حجاریان وضعیت دولت روحانی را «تعلیق در تعلیق» می‌داند و در راستای توصیف این وضعیت اظهار کرد: «در شرایط تعلیق عمل ارادی از کنترل خارج و بخشی از واقعیت محقق شده است. شما توجه کنید، امروز ترامپ می‌گوید بیاید و مذاکره کنید، پمپو هم شروط دوازده‌گانه‌اش را مطرح می‌کند. چنان‌که می‌بینیم گزینه مطلوب ما در میان گزینه‌ها وجود ندارد. این در حالی است که زمان اوپاما چند گزینه داشتیم و می‌توانستیم مسأله را حل کنیم. این امکان وجود داشت که قراردادها سریع‌تر امضا شود و سرمایه و هوپایما... در یک فرآیند برگشت‌ناپذیر به زمین ایران بیاید.» سعید حجاریان اصلی‌ترین مولفه دولت تعلیق در تعلیق را ناتوانی در تصمیم‌گیری توصیف می‌کند و در همین راستا اظهار کرد: «دولت جرأت تصمیم‌گیری ندارد، به‌همین دلیل همیشه می‌خواهد زمان بخرد. در واقع به‌دنبال قضا و قدر است تدریجاً به تخته‌بخورد و شرایط طرف مقابل عوض شود.» و در مرحله آخر خواهان مرزبندی میان اصلاحات و دولت می‌شود زیرا «دولت کرخت و گیج است و در زمین اصلاحات بازی نمی‌کند» و در راستای عبور از دولت حسن روحانی اظهار کرد: «معتقد می‌شود اصلاح‌طلبان بگویند دولت روحانی، دولت ما نیست؛ مشروط بر اینکه ذکر کنند دولت، متعلق به چه جریانی است. «هسته سخت اصلاحات» قدرت در تقدیر است؛ یعنی دولت پنهان اصلاح‌طلبان است. اگر این هسته شکل بگیرد، می‌توان مرزها را مشخص کرد و صراحتاً عنوان کرد که دولت در چه زمینی بازی می‌کند.» پس از مشارکتی‌ها نوبت به مجاهدین انقلاب می‌رسد؛ حالا آنان باید سخنان رئیس دولت اصلاحات را راست‌تر بیان کنند. همان تیم قدیمی با مرکزیت سیدمصطفی تاج‌زاده، بهزاد نبوی و محمدسلامتی روایتگر جریان تصمیم‌ساز اصلاحات هستند. آنان معتقدند که «رفتارهایی نظیر ایجاد تضییقات علیه در اوباش، دستگیری فعالان محیط‌زیست به اتهامات بی‌پایه‌ای نظیر جاسوسی و طرد و حذف نیروهای متخصص و خبره به اتهام‌های واهی از جمله داشتن تابعیت دوگانه و وابستگی به بیگانگان» سودی برای کشور ندارد، بلکه «موجب فرسایش ظرفیت و توان ملی در مقابله با مشکلات و تهدیدها می‌شود.» بنابراین باید برای ایجاد حس همبستگی ملی «اعلام عفو عمومی و رفع

حس و حصر منتقدان سیاسی» صورت بگیرد. مهم‌ترین بند بیانیه اعضای سازمان مجاهدین انقلاب راهکار برون‌رفت از مشکلات در بعد داخلی است؛ آنان مقصر مشکلات فعلی را افرادی معرفی می‌کنند که حامی «قرائت‌های انحصارگرایانه از نظام اسلامی» هستند و باید شرایط به نفع «برداشت‌های مردم‌سالارانه و سازگار با مقتضیات جهان» تغییر پیدا کند.

### سه‌گانه تحلیلی اصلاحات

برآیند سخنان رئیس دولت اصلاحات و سعید حجاریان و بیانیه مجاهدین انقلاب را در سه سطح می‌توان صورت‌بندی کرد:

#### ۱- عبور از دولت با شیب ملایم

اصلاحات قربانی دولت اعتدال خواهد شد. این هشدار هسته اصلی اصلاحات به سیدمحمد خاتمی است. آنان معتقدند که شرایط حاکم در جامعه موجب فرسایش سرمایه اجتماعی دولت دوازدهم شده است و برخلاف وعده‌های انتخاباتی، روند حرکت دولت مورد اقبال جامعه نیست. برآیند تحلیلی درونی اصلاحات عبور از دولت دوازدهم با شیب ملایم است. سخنان رهبر اصلاحات و سعید حجاریان استمرار همان برآیند تحلیلی درونی با کاهش ضریب حساسیت است. به نظر می‌رسد که تصمیم‌سازان جریان اصلاحات خواهان عدم پذیرش مسئولیت سیاسی حضور دولت دوازدهم با راهبرد «تکرار» رئیس دولت اصلاحات هستند و این اقدام راهبردی نیازمند تکاپوهای مرزبندی شفاف است. این اقدامات حرکتی بازدارنده در قبال عدم حمایت جامعه ایرانی از جریان اصلاحات در انتخابات مجلس

شورای اسلامی و ریاست جمهوری آینده است.

#### ۲- ممانعت از فرسایش سرمایه اجتماعی

فرسایش سرمایه اجتماعی اصلاحات از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم آغاز شد. اصلاح‌طلبان خواهان سیطره قدرت در قوه مجریه بودند ولی حسن روحانی نرم‌الیزاسیون را مدنظر داشت و از سوی دیگر باید سهم قدرت اصولگرایان حامی دولت را اعطای کرد. استمرار فرسایش سرمایه اجتماعی اصلاحات با کلیدواژه ناکارآمدی دولت همسو است. بدنه غیرتشکیلاتی ولی حامی اصلاحات پس از ناکامی‌های متوالی دولت در حل معضلات اقتصادی سرخوردگی شدیدی پیدا کردند؛ هرچند حامیان تشکیلاتی نوک پیکان انتقادات را به سمت محمدرضا عارف نشانانه گرفتند. مقطع شتاب‌بخش فرسایش سرمایه اجتماعی اصلاحات در دی ماه ۱۳۹۶ رخ داد. اصلاح‌طلبان در قبال آشوب‌های خیابانی و اکنشی هم‌سطح با اصولگرایان نشان دادند و این به منزله الزامات حضور در حاکمیت با وجود شعار جامعه‌گرایی از سوی برخی از حامیان تندرو اصلاحات پنداشته شد و برخی از این افراد تندرو را به سمت بی‌عملی سیاسی و یاقربت با جریان برانداز سوق داد.

#### ۳- ناکارآمدپنداری حاکمیت

اصلاحات از بدو پیدایش نسبت به حاکمیت تعلق خاطر جدی نداشت. همراهی با فتنه ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ موبد تأیید این گزاره است. از سوی دیگر موج شدید عملیات روانی دشمن بر برجسته‌سازی فشارهای اقتصادی، نادیده‌گیری پیشرفت‌های جمهوری اسلامی و تصویرسازی مناسب از رژیم پهلوی، حاکمیت را آماج حمله قرار داده است. جریان اصلاحات برای حفظ سرمایه اجتماعی‌اش، ناکارآمدی دولت حامی را به فراموشی می‌سپارد و نوک پیکان انتقادات را به سمت حاکمیت هدایت می‌کند تا از این طریق بر تصویر ناکارآمدی حاکمیت و تکاپو برای جایگزینی افزوده شود. سوبه‌های چنین رویکردی در بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب به شکل جدی وجود دارد.





## ۳ حاشیه بر ۱۵ نکته خاتمی

### مرز اصلاح طلبی با براندازی کجاست؟



مصطفی آراتی

روزنامه نگار

سخنان روز ۱۴ مرداد سیدمحمد خاتمی، رئیس جمهور دوران اصلاحات، بازتاب زیادی در داخل و خارج کشور داشته است. این یادداشت تفسیر و تعبیری است که نگارنده به عنوان یک اصلاح طلب از این سخنان دارد و ممکن است لزوماً مواضع نشریه مثلث نباشد.

به طور مشخص باید گفت که سه بخش از سخنان سیدمحمد خاتمی مورد توجه قرار گرفته است. یکی آن بخش که در آن می گوید: «عده‌ای با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی با ایجاد جنگ روانی، سعی دارند به ایرانیان، به ویژه نسل جوان ایرانی القا کنند که کار تمام است و شاهدیم که بیشترین تلاش آنها هم تخریب اصلاح طلبان است، چرا که می‌دانند تا اصلاحات زنده است جایی برای براندازی نیست.» این بخش از سخنان به ویژه توسط ارتش سایبری که این روزها با کمک آمریکا، اسرائیل و عربستان در فضای مجازی و به طور مشخص در توئیتر فعال است مورد انتقاد قرار گرفته است.

به طور کلی یکی از سیاست‌های براندازان نامید کردن مردم از همه جریان‌های سیاسی کشور است

و از این روست که به گفته یکی از مقامات امنیتی کشور در جلسه‌ای با خبرنگاران، شعار «اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» برای نخستین بار در آکانت توئیتری مریم رجوی، سرکرده فعلی گروه تروریستی منافقین نقش بسته است.

با این حال ملاحظه‌ای در این خصوص واجب است و آن ملاحظه، مساله تعریف دقیق اصلاحات است. اصلاح طلبان این روزها بیش از هر وقت دیگری سوالات هویتی جدی از خود دارند و در میان این سوالات هویتی، پرداختن به این موضوع نیز ضروری است که واقعا خط مرز میان اصلاح طلبی و براندازی چیست؟ حقیقت این است که حاکمیت در حال حاضر بخشی از رفتارهای اصلاح طلبان به خصوص در دوران مجلس ششم را مساوی با براندازی می‌داند و از این روست که دیواری از بی اعتمادی میان حاکمیت و اصلاح طلبان وجود دارد.

بخش دیگری از سخنان خاتمی راهکارهایی است که او برای برون رفت از وضعیت کنونی ارائه کرده است. عنوان ۱۵ راهکاری که به نظر او باید برای بهبود شرایط مورد توجه قرار گیرد، عبارت است از ایجاد و تقویت فضای همبستگی ملی، وحدت ملی، تغییر نگاه رسانه‌های ملی، ایجاد فضای باز و امن و آزاد سیاسی، محدود کردن دایره غیر خودی، برداشتن حصر، آزادی تمام زندانیان سیاسی و عقیدتی، اعلام عفو عمومی، رفع محدودیت‌های بیجا، پایان دادن

به افراط و تندی، کارآمدی بیشتر قوای سه گانه و نهادهای حاکمیتی، شنیدن اعتراض مردم، پاسخگویی دولت، زنده نگه داشتن اعتماد مردم به مجلس و تشکیل دادگاه‌ها با هیأت منصفه مردمی. این راهکارها نشان می‌دهد که از نظر رئیس جمهور اسبق، گره اصلی مشکلات کشور در حوزه حاکمیت و مربوط به مسائل سیاسی است اما جای این سوال وجود دارد که نسبت این تفکر با واقعیت چگونه است؟ آیا حقیقتاً، تصور عمومی یا نگاه کارشناسی به وضعیت کشور هم همین دیدگاه رئیس جمهور اسبق را تأیید می‌کند و بر این باور است که اصل مشکلات کشور، در حوزه مسائل سیاسی است؟ حال اگر بپذیریم که مشکلات سیاسی نیز در کشور وجود دارد، آیا باید همه راهکارها را به این حوزه اختصاص داد به طوری که در میان ۱۵ راهکار، حتی یک راه حل اقتصادی نیز وجود نداشته باشد؟

اما می‌توان گفت که پربازخوردترین بخش این صحبت‌ها، بخشی بود که در آن خاتمی از مردم عذرخواهی کرده است. او در این بخش گفته: «به عنوان یک شهروند دوستدار ایران و اسلام، به خاطر نقص‌ها و کمبودهای موجود، با همه وجود از مردم عذرخواهی می‌کنم. ما می‌توانستیم بهتر از این به ایران و ایرانی خدمت کنیم و امیدوارم شاهد از بین رفتن کاستی‌ها باشیم.» منتقدان می‌گویند که اولاً سیدمحمد خاتمی یک شهروند عادی نیست و هشت سال در کشور رئیس جمهور بوده و از این رو در وضعیت کنونی سهم دارد و از سوی دیگر مهم‌ترین حامی دولت حسن روحانی بوده که به طور مستقیم، مسئول وضعیت کنونی به خصوص در حوزه اقتصادی است و از این رو نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت آن شانه خالی کند و حالا با چندین راهکار سیاسی، مشکلات کشور را مربوط به بخش‌های دیگری بداند.



## چرا آشوب؟

### کدام طبقات اجتماعی در ناآرامی‌ها حضور داشتند؟

ایران دل بسته تداوم این اعتراضات هستند. طبیعی است که او به هیچ وجه تمایل به تداوم این پدیده نداشته باشد و حتما در دستور کار نحوه درن مواجهه به این ماجرا دارد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که نظام برخورد معقولانه و همراه با صبر با این ماجرا داشته است.

#### کدام مناطق شلوغ شد؟

تجمعات روز پنجشنبه در برخی شهرها از جمله اراک، مشهد، شیراز، اصفهان و کرج با بازتاب خبرگزاری‌های مختلف روبه‌رو شد. خبرگزاری «ایسنا» پنجشنبه شب در گزارشی نوشت که تجمعاتی در اعتراض به آنچه مشکلات معیشتی و اقتصادی می‌خواندند، شکل گرفت که کمی پس از حضور مأموران امنیتی پایان یافت. ایسنا ادامه داد: «ظهر پنجشنبه ۱۱ مرداد، شماری در شیراز با حضور در خیابان‌های توحید، چهارراه زند و خیابان لطفعلی‌خان زند، تجمعی اعتراضی را برپا کردند که با حضور نیروهای پلیس خاتمه یافت. تجمع کنندگان که شمار آنان بیش از ۲۰۰ نفر نبود با سردادن شعارهایی نظیر «بازاری، حمایت‌ها!»، خواستار پیوستن کسبه و بازاریاران به جمع خود و در ادامه هم حمایت نیروهای پلیس را خواستار شدند. در این میان برخی شعارها ساختار شکنانه بود. مأموران پلیس از کسبه خواستند مغازه‌ها و پاساژها را تعطیل کنند. حوالی ساعت ۱۲ ظهر پلیس با پرتاب گاز اشک‌آور کوشید تا تجمع کنندگان را که شمار آنان بیشتر شده بود، پراکنده کند. در اعتراضات شیراز ناظران این تجمعات در عین حال که این شکل از اعتراضات را محکوم می‌کردند، از سیاست‌های اقتصادی انتقاد داشتند و تداوم وضعیت کنونی و مشکلات معیشتی و اقتصادی

در خطر دیده‌اند.

هرچه هست این دو طیف فعلا فکر کرده‌اند که با بیان اعتراض خود در کف خیابان می‌توانند مسؤلان را مجاب به تلاش برای حل مشکل کنند. این نکته هم البته قابل ذکر است که تمام طبقه کارگر خود را درگیر این پدیده نکرده است و تنها در نواحی خاصی از کشور می‌توان آنها را به این شیوه یافت.

#### سیاسیون چه گفته‌اند؟

اصلاح‌طلبان در دور قبل آشوب‌ها چه در ماجرای بازار و چه در ماجرای دی ماه تلاش کردند نشان دهند با این پدیده مخالف هستند. این بار اما شرایط فرق کرده است. آنها چندان تمایلی نداشتند خود را مقابل این داستان بدانند. اعلام عقیده‌ای که همراه بود با ارائه هشدار نکته مهم این ماجرا بود. بعضی هم اصلا بدشان نیم آمد خود را لیدر بدانند.

در این میان طیف اکثریت اصولگرایان موضع قابل قبولی داشتند. برخی نیز که از جریان رادیکال بودند در موضعی اشتباه خواستار تداوم این شکل از اعتراض بودند. برآیند کلی اما این بود که اصولگرایان اگر چه رقیب دولت هستند اما از این شیوه ناراحت و ناخرسندند.

#### آشوب با دولت چه می‌کند؟

وجه دیگر این ماجرا چگونگی تاثیرگذاری آشوب‌ها بر عملکرد دولت است. سوال این است که حسن روحانی چگونه با این پدیده مواجه خواهد شد. او در گفت‌وگوی خود گفت که این ماجرا به لحاظ جمعیتی چندان قابل توجه نبوده است. اما به هر حال دونالد ترامپ و دشمنان

در چند روز اخیر کشور دوباره با چند تجمع اعتراضی مواجه بوده است؛ تجمعاتی که البته به پای اتفاقات دی ماه نمی‌رسد اما به هر حال در نوع خود قابل بررسی و مذاقه است.

سوالات مهمی به لحاظ جامعه‌شناختی و سیاسی در این مورد مطرح است.

اول باید به این پرداخت که ریشه‌های جامعه‌شناختی آشوب‌های اخیر چیست؟ اصلاح‌طلبان و اصولگرایان چه موضعی در مورد این آشوب‌ها اتخاذ کرده‌اند؟

آیا با وجود آشوب‌ها و عدم مذاکره با آمریکا دولت روحانی کارکردش را از دست نمی‌دهد؟ نظام چگونه باید با این ماجرا برخورد کند؟ باید به دقت به این مسائل پرداخت.

چرا آشوب؟ نکته اساسی این است که کدام طبقه از جامعه از موجود ناراحت است و برای ابزار ناراحتی به خیابان‌ها می‌آید.

نگاهی به جمعیت حاضر در کف خیابان این نمایه را به ما می‌دهد که طبقه متوسط چندان خود را درگیر این ماجرا نکرده و ترجیح داده همچنان با رویکرد محافظه کارانه خود به سیستم و دولت برای حل مسائل اعتماد داشته باشد.

این گونه اما نیست که بگوییم تمام افرادی که در ناآرامی‌ها حضور داشته‌اند از طبقه فقیر بوده‌اند. چه اینکه در موج اخیر و موج قبلی به خوبی می‌شد رد پای طبقه خرده بورژوا یعنی صاحبان وسایل تولید کوچک را دید. آنها در ماجرای شلوغی بازار به خوبی در میان جمعیت دیده شدند. دلایل هم این است که آنها کاسبی خود را



به زعم ضدانقلاب بهانه‌های خوبی بود تا جرقه سراسری اغتشاشات از نصف جهان زده و آتش آن به سایر استان‌ها کشیده شود؛ اما در عمل اتفاقات دیگری افتاد.»

فارس در ادامه آورده که «سه‌شنبه، ۹ مرداد بود که صنف تعمیرکاران خودروهای سنگین و صاحبان کارگاه‌های کوچک تولید قطعات خودرو به دلیل رکود سفارش‌ها، قطعی برق، بیمه، مالیات و گرانی مواد اولیه در شهرک صنعتی امیرکبیر تجمع کردند. تعدادشان حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر و مطالبه‌شان صافی بود. در همان آغاز تجمع، جانشین فرمانده انتظامی استان اصفهان به میان معترضان رفت و پای درددل‌شان نشست. پس از آن سایر مسئولان، نمایندگان مجلس، رؤسای اصناف مربوطه، مسئولان صنعت و شرکت توزیع برق هم به میان تجمع کنندگان رفتند و همگی مطالبات این قشر را بحق دانسته و بر لزوم پیگیری آنها تأکید کردند.»

فارس، اتفاقات چهارشنبه را هم این گونه روایت کرده است: «هم‌زمان با برگزاری جلسه مسئولان استانی با کارگران و صاحبان واحدهای تولیدی، گروهی حدوداً ۲۰۰ نفر با اقداماتی فرافقانونی در شهرک صنعتی امیرکبیر تجمع کرده و ضمن ایجاد اختلال در فرآیند فعالیت کسبه منطقه باعث اختلال در تردد خودروهای خیابان امام خمینی (ره) شدند که با کنترل نیروی انتظامی این تجمع پس از ساعتی به پایان رسید.» فارس همچنین نوشت: «در تجمعی که پنجشنبه در میدان شهدا (مشهد) صورت گرفت، سردار نظری، فرمانده سپاه امام رضا (ع)، بدون تشریفات بین معترضان حضور یافت که مردم گلایه‌های خود را با او در میان گذاشتند. فشارهای اقتصادی و مشکلات معیشتی مهم‌ترین مسائلی بود که در گفت‌وگوی فرمانده سپاه امام رضا (ع) با معترضان مطرح شد و معترضان با شعار «مفسد اقتصادی اعدام باید گردد»، خواستار برخورد با مفسدان اقتصادی شدند.» این خبرگزاری در ادامه گزارش خود به تجمع جمعی از مردم شیراز در ظهر پنجشنبه در اعتراض به گرانی و افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها در چهارراه زند و خیابان توحید (داربوش) خبر داد که تعدادی اندک سعی داشتند با سردادن شعارهای سیاسی، مطالبات مردم را به انحراف بکشانند.

خبرنگار فارس در شیراز که به میان معترضان رفته بود، صحنه را این‌طور روایت می‌کند: «در پیاده‌رو خیابان داریوش، کنج یک دیوار به همراه چند خانم مسن ایستاده بودم، همان‌طور که جمعیت معترض را نگاه می‌کردم، حرف‌های خانم‌ها را می‌شنیدم که یکی بطری آب معدنی‌اش را بالا گرفته بود و می‌گفت: «مگر این آب تولید داخل نیست؟ پس چرا قیمت آن از ۵۰۰ تومن به ۱۵۰۰ تومان رسیده؟» آن یکی می‌گفت: «من از سلطان‌آباد به اینجا می‌آیم که کار کنم، پسر جوان ۲۸ ساله‌ای دارم که بی‌کار است...» در میان جمعیت معترض خبری از شکستن و خراب کردن و آتش زدن نبود، اما کم‌کم شعارها با هادایت برخی افراد، رنگ‌وبوی دیگری به خود گرفت و سیاسی‌شد؛ شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «نه غزه، نه لبنان جانم فدای ایران» در میان صدای دست و سوت عده‌ای به گوش می‌رسید.»

این خبرگزاری همچنین نوشت: «در حاشیه تجمع صنعتگران منطقه امیرکبیر اصفهان، چند لیدر سازمان یافته با ماوریت ایجاد انحراف و تنش در اعتراضات مردمی بازداشت شدند.» فارس با انتشار عکس چند نفر که دور عینک و مارک لباس آنها خط قرمز کشیده بود، نوشت: «بر اساس مستندات موجود، این دستگیرشدگان با لباس‌های برند و مارک دار خود کمترین شباهتی به قشر کم‌درآمد و کارگران کارگاه‌های صنعتی نداشته، اما با تلاش زیاد سعی در به انحراف کشاندن شیوه طرح مطالبات اقتصادی تجمعات داشتند.»

کشور اعتراض کردند. برخی بازاریان نجف‌آباد با بستن مغازه‌ها نسبت به وضعیت اقتصادی اعتراض کردند که در نهایت بازار نجف‌آباد تعطیل شد. در شامین شهر هم تجمع اعتراضی و با شعارهای بیشتر اقتصادی انجام شد. تجمع کنندگان شامین شهری که اغلب آنان رازنان تشکیل می‌دادند، از بازاریان خواستند که به آنها بپیوندند.»

تجمع‌های اعتراضی در اصفهان از روز سه‌شنبه، ۹ مرداد، در منطقه شاپور جدید آغاز شد و معاون سیاسی و امنیتی استانداری اصفهان در گفت‌وگو با ایسنا گفته بود که «این تظاهرات صنفی است و در اعتراض به گرانی قطعات یدکی انجام می‌شود، اما شماری قصد دارند در این فضا موج سواری کنند.» مطابقای افزوده بود که «اعتراضات صنفی باید از طریق مراجع قانونی مانند وزارت صنعت پیگیری شوند نه از راه تجمع و تظاهرات.» بر همین اساس، امام‌جمعه اصفهان هم در خطبه‌های نماز جمعه گفت: «گرانی وجود دارد و برخی نسبت به مالیات‌ها اعتراض دارند؛ مردم در این موضوع حق دارند، اما راه‌افتادن در خیابان مبنایی ندارد. صدای خود را به چه کسی می‌خواهند برسانند؟ به مسئولان؟ مسئولان که خود این موضوعات را می‌دانند، آیت‌الله طباطبایی نژاد افزود: «بدون شک این راه‌افتادن در خیابان‌ها عاقلانه نیست؛ همواره به اداره مالیات می‌گویم که بر مردم سخت نگیرند. کرامت انسانی می‌گوید که اداره مالیات باید حرف مردم را قبول کند. راه‌افتادن در خیابان‌ها درست نیست؛ مردم، بچه‌هایتان را نگذارید در خیابان‌ها راه بیفتند و اعتراض کنند.»

تجمعات پراکنده اعتراضی در کرج که از چهارشنبه، نهم مرداد، آغاز شده بود، روز پنجشنبه نیز با حضور جمعی از معترضان ادامه داشت. بر اساس این گزارش، روز چهارشنبه، ۱۰ مرداد، در پی انتشار اطلاعیه‌ای در فضای مجازی که حاکی از اخذ مجوز برای تجمع و اعتراض نسبت به وضعیت اقتصادی اخیر بود، فرمانداری کرج با انتشار اطلاعیه‌ای، این موضوع را یک شایعه عنوان و صدور هر مجوزی برای تجمع در کرج را تکذیب کرد. با وجود این ظهر پنجشنبه شمار اندکی که وضعیت اقتصادی، به خصوص گرانی را علت حضور خود عنوان می‌کردند، در فلکه اول رجایی شهر (گوهردشت) دست به تجمع زدند. این تجمع خیلی زود با حضور عوامل انتظامی و دعوت به آرامش پایان یافت. در نخستین تجمع که حوالی ساعت هشت شب سه‌شنبه، نهم مرداد، در گوهردشت صورت گرفت، جمعیتی بین ۲۰۰ تا ۷۰۰ نفر حضور داشتند. معترضان در این تجمع با سردادن شعارهایی، به وضعیت اقتصادی و مدیریتی کشور اعتراض داشتند. معترضان پس از چند ساعت حضور توسط نیروی انتظامی متفرق شدند. شب چهارشنبه، دهم مرداد، نیز وضعیتی مشابه شب اول به وجود آمد که به گفته برخی شاهدان عینی، یک دستگاه موتورسیکلت و یک دستگاه خودرو نیروی انتظامی توسط شماری معترض به آتش کشیده شد که البته این موضوع را هیچ مقامی در استان تأیید نکرده است.»

تجمعات اعتراضی پراکنده‌ای هم در اراک برگزار شد. به گزارش ایسنا، «ظهر پنجشنبه میدان شهدا و ابتدای خیابان شهید رجایی شهر اراک شاهد اعتراضات پراکنده شماری از تجمع کنندگان بود. این تجمع که با حضور حدود ۲۵۰ نفر که به تدریج در این مکان تجمع کرده بودند ایجاد شده بود، با حضور نیروهای انتظامی پایان یافت. در این تجمع شعارهایی در اعتراض به شرایط اقتصادی موجود سر داده شد.» اما خبرگزاری فارس، در گزارشی تجمعات صورت گرفته در برخی استان‌ها را این گونه روایت کرده است: «قرار بود به سبک اغتشاشات دی‌ماه سال قبل که استارتش از مشهد زده شد، این بار همه چیز از اصفهان آغاز شود. اعتراضات چند ماه پیش کشاورزان، کمبود آب و گلایه‌های مردم از نابسامانی اقتصادی و گرانی،

را مشکل‌آفرین دانستند. این تجمع در ساعت ۱۳:۳۰ ظهر پنجشنبه پایان یافت. شعارهای معترضان که ابتدا اعتراض به وضعیت معیشت و اقتصاد بود، خیلی سریع به سمت شعارهای تند سیاسی کشیده شد.» نماینده مردم شیراز هم با اعلام خبری مبنی بر پایان اعتراضات مردمی در شیراز گفت: «تا جایی که مطلع هستم تعدادی از مردم روز پنجشنبه در شیراز جمع شدند و شعارهایی هم دادند اما من نشنیدم کسی را دستگیر کرده یا کتک زده باشند یا برخورد امنیتی صورت گرفته باشد و فقط رفتارها جنبه کنترلی داشته است. همان پنجشنبه هم اعتراضات تمام شد و فراخوان جدیدی هم صادر نشده است.» مسعود رضایی در خصوص اعتراضات اخیر مردم در شهر شیراز و استان فارس افزود: «خواست‌های مردم را دقیق نمی‌دانیم اما آنچه مسلم است نارضایتی عموم مردم از وضع اقتصادی و مشکلات معیشتی است. البته شاید در میان مردم عده‌ای هم اهداف سیاسی داشته باشند اما عمده آنها مسائل اقتصادی را دنبال می‌کنند. در واقع عرصه بر مردم روز به روز تنگ‌تر و سفره آنها روز به روز کوچک‌تر می‌شود. هیچ امیدیه هم برای بهبود ندارند. مسئولان هم از نماینده مجلس تا هیات دولت و وزرا همه سعی بر حرف‌درمانی و راهکارهای شعاری دارند.»

او با بیان اینکه مسئولان سعی دارند با وعده‌و وعید اعتراضات را خاموش کنند، گفت: «دوره وعده‌و وعید گذشته است، مسئولان باید کاری کنند که برای مردم ملموس باشد و مردم شاهد اوضاع بهتری باشند تا شرایط بهتر شود. پول در جیب مردم روز به روز و دقیقه‌به دقیقه کم‌ارزش‌تر می‌شود. بر همین اساس نارضایتی‌ها افزایش یافته و عده اعتراضات هم بر همین اساس است اما اهداف دیگری هم در کنار آن دنبال می‌شود.» ایسنا ادامه داده است: «ظهر پنجشنبه هفته گذشته در میدان شهدای مشهد نیز تجمع اعتراضی به علت مشکلات معیشتی و اقتصادی برگزار شد. تجمع کنندگان که حدود ۲۰۰ نفر بودند بعضاً شعارهای انتقادی سر می‌دادند.» بر اساس این گزارش، «حیدر خوش‌نیت»، سرپرست فرمانداری مشهد اعلام کرد که تجمع در میدان شهدای مشهد مجوز ندارد. او ادامه داد: «به علت سوءاستفاده دشمنان مردم ایران به هیچ تجمعی مجوز داده نشده و نمی‌شود و همه تجمعات غیرقانونی است.» سرپرست فرمانداری مشهد در رابطه با برخورد با تجمع کنندگان، در ادامه گفت: «نیروی انتظامی فرمانده میدان بوده است. تجمع جزئی بوده و شمار اندکی حضور داشتند که شعارهای مختلفی سر می‌دادند.» خوش‌نیت در خصوص صحبت فرمانده سپاه امام رضا (ع) با تجمع کنندگان گفت که کار به صحبت نرسید و تجمع جمع شد.

معاون سیاسی، امنیتی، اجتماعی استانداری خراسان رضوی نیز روز پنجشنبه در گفت‌وگو با «مهر» گفت: «هیچ تجمعی در شهرهای خراسان رضوی برگزار نشد و در شهرهای مختلف خراسان رضوی به‌ویژه مشهد فضا آرام بوده و مشکل جدی وجود ندارد.» محمدرحیم نوروزیان افزود: «در عین حال چند نفر که مشکوک به تلاش برای انجام اقدامات غیرقانونی در این راستا بودند در مشهد توسط نیروی انتظامی بازداشت شدند تا موضوع مورد بررسی قرار گیرد.» تجمعات پراکنده اصفهان روز پنجشنبه در اعتراض به وضعیت اقتصادی ادامه یافت و علاوه بر اصفهان، در شامین شهر و نجف‌آباد هم جمعیتی شکل گرفت. پنجشنبه، در منطقه شاپور جدید اصفهان تجمع اعتراضی با سردادن شعارهایی با موضوع مشکلات اقتصادی و بیکاری انجام شد. در این میان برخی شعارها ساختارشکنانه بود. نیروهای امنیتی برای متفرق کردن تجمع کنندگان وارد شدند که به درگیری‌های پراکنده منجر شد. روز پنجشنبه، در نجف‌آباد هم تجمع اعتراضی رخ داد و تجمع کنندگان با شعار نسبت به وضعیت اقتصادی



آقای سالار کسرائی، مدرس دانشگاه و  
جامعه‌شناس سیاسی

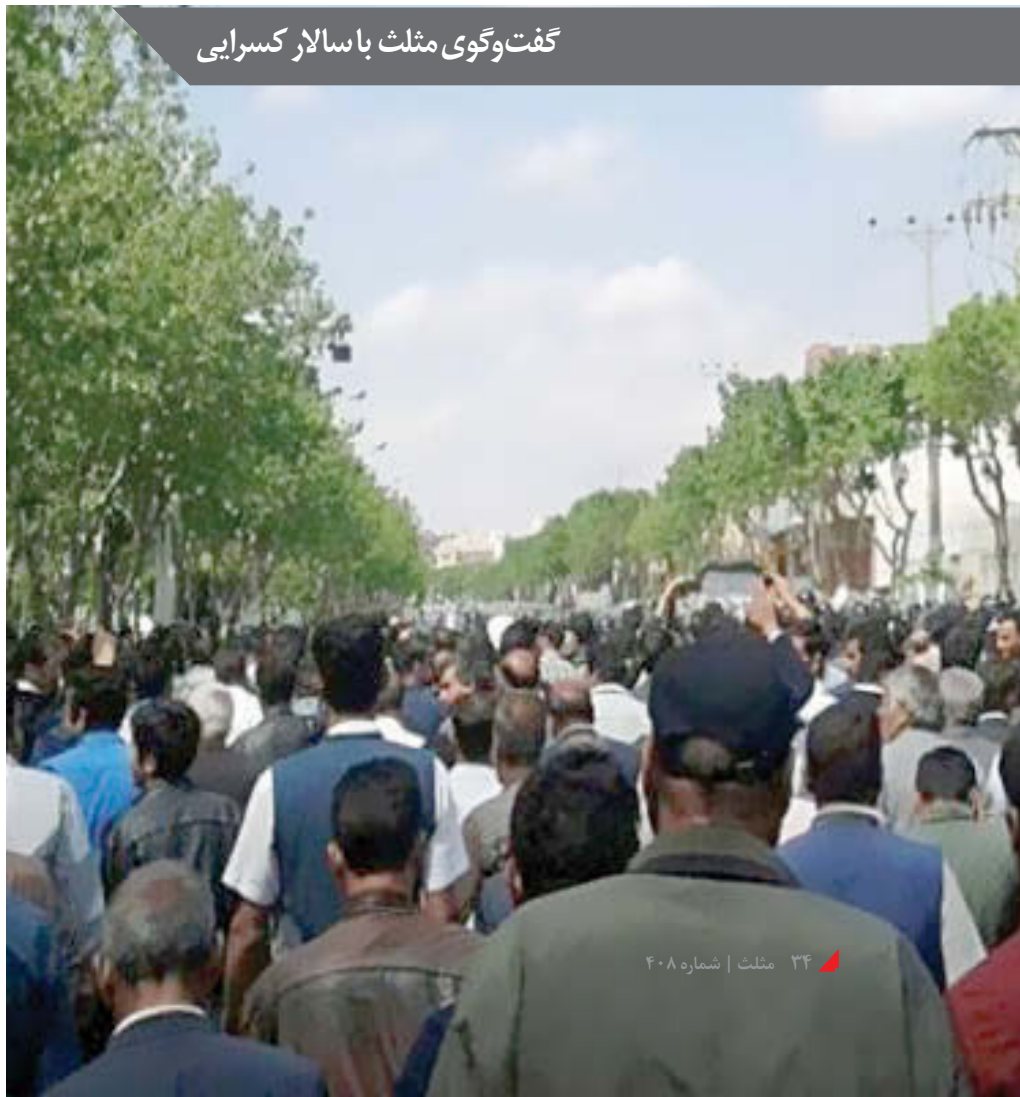
به نظر تان ریشه جامعه‌شناختی اعتراضات و آشوب‌های اخیر در شهرهای مختلف چیست؟  
 از یک جنبه نمی‌شود به این داستان نگاه کرد، یعنی بگوییم اینها یک علل‌های اجتماعی دارند و بعد علل دیگری ندارند یا علل اجتماعی، وابسته به علل دیگر نیستند. مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم داده است. البته می‌توانیم وجه جامعه‌شناختی‌اش را جدا کنیم. این عوامل، عوامل اقتصادی هستند، سیاسی هستند، اجتماعی و حتی فرهنگی هستند. عوامل متعددی دست به دست هم‌دیگر داده که یک وضعیت را به وجود آورده که جامعه یک وضعیت بحرانی به خودش گرفته است. این بحران در واقع تقاطع بحران‌هایی است که ایجاد شده است. بخشی از این بحران‌ها اجتماعی است، بخشی اقتصادی است، بخشی سیاسی و بخش دیگر فرهنگی است. به‌طور خاص بگوییم در پی این حداقل ۱۵ سال اخیر روزانه کشور با یک معضلاتی مواجه بوده که این معضلات روی هم انباشته شده‌اند. ناکارآمدی اقتصادی، ناکارآمدی در بخش‌های اجتماعی و ناکارآمدی سیاسی، منجر به یکسری بحران‌ها شده که این بحران‌ها بیکاری است، مساله فقر است، حاشیه‌نشینی است، مساله قومیت‌هاست و مساله شکاف بین روستایی و شهری است، ده‌ها شکاف مختلف این‌چنینی، روی هم انباشته شده و بحرانی را به وجود آورده که به نظر من بن‌بستی در حل مسائل اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده است. اگر بخواهیم نمونه بارز این یا وجه اجتماعی‌اش را نشان دهیم، در همین عواملی است که عرض کردم خدمت شما؛ فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، آسیب‌های اجتماعی که می‌توانیم انواعی از آسیب‌های اجتماعی را اسم ببریم مانند اعتیاد و طلاق و خودکشی و بیماری و انواع مواردی که می‌توانیم به آنها اشاره کنیم. بنابراین نمی‌توانیم فقط بگوییم به‌طور خاص وجه اجتماعی آن را باید جدا کرد؛ اینها به هم وصل هستند.

آقای دکتر! گاهی گفته می‌شود احساس ترس از خود ترس بدتر و خطرناک‌تر است و وضعیت به آن شکل بحرانی نرسیده است. ولی این احساس ترس تأثیرات روانی بدتری دارد. به نظر تان چه وضعیتی وجود دارد؟  
 اگر از این زاویه شما به آن نگاه کنید، جامعه



## بحران اعتماد عمومی

گفت‌وگوی مثلث با سالار کسرائی





مدن بر مینا و پایه سرمایه ایجاد شده است. همه جا گفتند سرمایه چیست؟ این سرمایه چه هستند؟ سرمایه اقتصادی است، سرمایه اجتماعی است، سرمایه فرهنگی است، سرمایه انسانی است. آن وجهی که شما به آن اشاره می کنید، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی چیست؟ محور اساسی سرمایه اجتماعی، اعتماد است. این اعتماد هم وجه مختلفی دارد که از اعتماد بین فردی، دیگران، سازمان ها تا اعتماد به نهادها و... اما عوامل متعددی دست به دست هم دادند و موجب زوال اعتماد مردم شدند؛ یا به عبارتی دیگر اعتماد اجتماعی دچار خدشه و زوال شدیدی شده است. به این خاطر شما می بینید سیاستمداران می گویند هرچه دست اندرکاران توصیه می کنند، جامعه به سمت دیگری می رود. اگر شما به این اعتماد توجه کنید، در قضیه زلزله کرمانشاه خیلی خودش را نشان داد، در حالی که نهادهای مختلف دولتی و نیمه دولتی برای کمک به مردم آماده بودند، ولی مردم کمک های خودشان را به آنها ندادند. به افراد دیگری دادند که حتی نمی دانستند که اینها این پول را برای آنجا خرج می کنند یا نمی کنند، ولی به آنها اعتماد کردند اما به نهادهای دولتی اعتماد نکردند. چرا به هلال احمر اعتماد نکردند؟ چرا به نهادهای دیگر اعتماد نکردند؟ مبنایش این است که اعتماد اجتماعی دچار خدشه شده است. مردم به نهادهایی که در واقع اداره امور جامعه را در دست دارند، اعتقادی ندارند. بنابراین این قضیه چه چیزی را به وجود می آورد؟ وحشت. هرگاه مسئولان صحبت می کنند، آنها فکر می کنند احتمالا یک اتفاق دیگری دارد می افتد. شما وقتی تلنگری می خورید، رفتارهای هیجانی شروع می شود. این رفتارهای هیجانی در مساله ارز، خرید سکه و طلا و در انواع چیزهای دیگر خودش را نشان می دهد. این ترسی که شما گفتید، ریشه اش در از بین رفتن اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی جامعه است.

**به نظرتان نظام باید چه روشی را به کار ببرد؟ به نظر شما مردم احساس می کنند به آن چیزی که اتفاق می افتد، هیچ توجهی نمی شود؟ نظام باید چگونه صحبت کند در این برهه تا آن اعتماد را برگرداند؟**

در حقیقت الان با حرف نمی شود کاری کرد، در عمل مسئولان یک چیزی گفتند، اتفاق دیگری افتاده است. بنابراین این به کرات تکرار شده؛ وقتی تکرار شده، موجب سلب اعتماد شده است. اگر ما الان بخواهیم این اعتماد اجتماعی را بازسازی و ترمیم کنیم، نیاز است که مسئولان صحبت و عمل شان با همدیگر تطابق داشته باشد. آقای رئیس جمهور می آیند در تلویزیون خیلی خوب صحبت می کنند، خیلی خندان هم صحبت می کنند، ولی کاش مثلاً آقای رئیس جمهور در صحبتی که در تلویزیون داشت، یک مقداری نشان می داد که مردم هم مشکلاتی دارند و مردم واقعا دچار یک بیم هستند و چه کار کنیم که این بیم از بین برود. چرا در ترکیه اتفاق دیگری می افتد؟ مگر آمریکایی ها ترکیه را هم تحریم نکرده اند؟ اردوغان اعلام کرد که بیا بیاید دلارهایتان را در بازار بفروشید و مردم این کار را کردند، ولی در ایران مردم این کار را نمی کنند. علتش چیست؟ نداشتن اعتماد. دولت می گوید پول هایتان را بیاورید و بگذارید در بانک، ولی مردم این کار را انجام نمی دهند. حجم نقدینگی هزاران میلیارد تومان است. بنابراین این باعث می شود که همچنان این سطح بی اعتمادی بدبختانه گسترده و گسترده تر شود و شکاف بین مردم و مسئولان زیادتر شود. اگر بخواهیم واقعا این شکاف مقداری ترمیم شود، نیاز است که مسئولان صحبت شان با عمل شان مطابقت داشته باشد.

**به نظرتان دلیل سکوت آقای روحانی چیست؟**

**احساس می کند که این یک چیز حباب گونه است که نباید به آن پرداخت یا پرداخت به آن باعث می شود که موضوع جدی تر نشود؟**

من احساس می کنم این است که ایشان می خواهند جامعه بیش از این دچار ترس و ناامیدی نشود ولی عین این است که شما صحبت هایتان را با خانواده تان در میان نگذارید و پدر خانواده هیچ صحبت مشترکی با خانواده اش نداشته باشد و از دردهای همدیگر صحبت نکنیم. فاصله می افتد بین پدر خانواده و بقیه اعضای خانواده. این روش درستی برای اداره خانواده نیست.

**به نظرتان با این شرایط، دولت روحانی کارکردش را از دست نمی دهد؟ از یک طرف این اعتراضات و ناراضیاتی ها وجود دارد و از طرف دیگر هم مردم به این فکر می کردند که اگر یک مذاکره ای با آمریکا شکل بگیرد، می تواند یک فضای تنفسی ایجاد شود. اگر این مذاکره هم شکل نگیرد، از آن طرف هم این اعتراضات شکل بگیرد، یعنی دولت آقای روحانی به نوعی کارکردش را از دست می دهد؟**

بله؛ حقیقتش ما بعد از دی ماه ۹۶، نشست های متعددی برگزار کردیم. در سایه ها مطالبش است. از کارشناسان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دعوت کردیم و خیلی مطالب خوبی آماده شد. یک سری گزارش هم آماده شد که ما این گزارش ها را فرستادیم برای وزارت علوم و حتی مستقیماً کسانی بودند که از مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری آنجا بودند که آنها مستقیماً همین گزارش ها را به خود مشاور آقای رئیس جمهور و احتمالا به خود آقای رئیس جمهور رساندند، ولی کسی گوش نکرد. بارها این جمله تکرار شد که مسئولان نباید دی ماه ۹۶ را نادیده بگیرند. آن حرفه ای بود که نشان می داد چقدر شکاف های اقتصادی و اجتماعی گسترده شده که آن تحولات عجیب و غریب ظرف دو، سه روز اتفاق افتاد. بعد از آن، این روند همین طور ادامه پیدا کرده و دولت چون تا الان اقدام اساسی برای ترمیم این وضعیت به طور جدی انجام نداد، بنابراین احساس عمومی این است که واقعا دولت خیلی نمی تواند کاری انجام دهد.

انواع روش های اقتصادی که از فروردین ۹۷ تا تغییر رئیس بانک مرکزی انجام شد، هیچ کدام شان کارگر نبود. روی اینها باید خیلی دقت شود. یعنی چیزی نیست که دلار ۳۴۰۰۰-۳۵۰۰ تومانی بشود ۱۱۰۰۰-۱۰۰۰۰ تومان و سیستم روی آن حساسیت نشان دهد؛ عین این است که سرمایه های جامعه یک شبه یک چهارم می شوند. نباید مردم احساس ترس کنند؛ یک استاد دانشگاهی که فرض کنید شش میلیون تومان، هفت میلیون تومان حقوق می گیرد، کمتر از هزار دلار دارد حقوق می گیرد. تا برسد به طبقات پایین تر. آن کسی که یک میلیون تومان، دو میلیون تومان، سه میلیون تومان حقوق می گیرد، این حقوق با توجه به مسائل تورم و مسائل دیگر چقدر می شود؟ بنابراین به نظر من دولت خیلی باید به صورت کارآمدتر و ضربتی یک سری مسائل اقتصادی و اجتماعی را حل و فصل کند یا نشان دهد که در این زمینه دارد کار می کند تا اعتماد عمومی را به خودش جلب کند و مردم همکاری کنند. الان پول زیاد دست مردم است و همین باعث بسیاری از مشکلات شده است. اگر اینها بیاید در بحث های تولیدی، سرمایه گذاری و نرود در رانت و معاملات و دلار و چیزهای دیگر، جامعه می تواند تحرک خیلی خوبی به خود بگیرد، ولی متأسفانه تا الان که چنین نبوده است.

**نگاه گروه های سیاسی را چگونه ارزیابی می کنید، مثلاً الان اصلاح طلبان هم به نظر می رسد که نسبت به قبل از مردم فاصله**

**گرفته اند، یعنی قبلاً که آقای خامنه صحبت می کرد، سرمایه اجتماعی خیلی فوق العاده ای داشت که تأثیرگذار بود، به نظر تان شرایط به حدی بدتر شده که سخنان کسی مثل آقای خامنه یا اصلاح طلبان در این مورد، هیچ فایده ای ندارد؟**

دو تا اتفاق افتاده است؛ یکی اینکه در دوره آقای احمدی نژاد آن سرمایه اجتماعی اصولگراها دچار مقداری زوال شد. سیاست هایی که در دوره دولت های نهم و دهم بود، در واقع آن پشتوانه اجتماعی و فرهنگی و سیاسی اصولگراها را مقداری به تحلیل برد. این دوره هم اصلاح طلبان هرچه داشتند، گذاشتند پشت آقای روحانی و وضعیت الان این طوری شده است. بنابراین یک طوری دو تا گروه از این جهت دچار صدمه و آسیب شدیدی شدند که از دولت هایی که حمایت کردند، این دولت ها خیلی کارآمدی آن چنانی نداشتند یا با بحران هایی مواجه شدند که نتوانستند این بحران ها را حل و فصل کنند؛ از جمله مساله تحریم ها و برخی مسائل دیگر. نکته دوم هم این است که من فکر می کنم الان همه می خواهند یک طوری خودشان را تبرئه کنند و بگویند ما وارث یا مسئولیتی در قبال این وضعیت کنونی نداریم و این بخش دوم بسیار بدتر است که همه یک طوری سعی کنند که بگویند ما مقصر نیستیم و احتمالاً مقصر کسی دیگر است، بنابراین یا سکوت کنند یا اعلام برائت کنند از وضعیتی که به وجود آمده است.

**اینکه اصولگراها می خواهند به اصل اعتراض مشروعیت دهند، ولی از شعارهای ساختار شکنانه برائت می کنند چگونه تحلیل می شود؟**

به نظر من این یک اشتباه به اصطلاح استراتژیک است که اتفاق می افتد که از طرفی اعتراضات در جامعه وجود داشته باشد و بعد هم این از دست ما در خواهد رفت. اگر کسانی این کار را می کنند، عمق بحران های جامعه ایران را نمی شناسند. عمق بحران های جامعه ایران که از بحث های محیط زیستی گرفته تا بحث فقر و حاشیه نشینی و بیکاری و تورم و مسائل این چنینی است اگر کسی به اینها توجه کند، هیچ موقع از اعتراضات اجتماعی حمایت نمی کند و این به اعتقاد من یک اشتباه استراتژیک است. دیدید هر بار که آنها حمایت کردند؛ چه در آن قضیه ۹۶ که در مشهد شروع شد و چه در قضایایی که امروز اتفاق می افتد، متأسفانه شاهد آن هستیم که می بینید کل ساختار زیر سوال می رود. اصلاً این طوری نیست که جناحی در این اعتراض ها مورد حمله قرار بگیرد، بلکه کل ساختار سیاسی مورد حمله قرار می گیرد. این یک اشتباه استراتژیک است و این نوع نگاه هم باعث می شود که مردم بیشتر اعتمادشان را از دست بدهند.

به نظر من این یک اشتباه به اصطلاح استراتژیک است که اتفاق می افتد که از طرفی اعتراضات در جامعه وجود داشته باشد و بعد هم این از دست ما در خواهد رفت. اگر کسانی این کار را می کنند، عمق بحران های جامعه ایران را نمی شناسند.

# نقشه نه چندان پیچیده

## چگونه می‌خواهند با ناآرامی‌های اجتماعی ایران را به هم بریزند؟

سعید سبحانی

روزنامه نگار

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و مایک پمپئو، وزیر امور خارجه این کشور، بارها از آشوب‌های خیابانی در ایران حمایت کرده و خواستار استمرار آن شده‌اند. این در حالی است که هشیاری ملت ایران، تحرکات معدود عوامل بیگانه‌نگار و فریب‌خوردگان را در این زمینه ناکام گذاشته است. سوال اصلی اینجاست که هدف ترامپ و همراهانش از اعمال فشارهای اقتصادی بر ایران چیست؟ این موضوع، چه ارتباطی با تحریک افکار عمومی در ایران دارد؟ در راستای پاسخ‌دهی به این سوال لازم است نکاتی را مدنظر قرار دهیم:

ترامپ و به طور کلی مقامات آمریکایی در برهه زمانی فعلی و در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران بیش از هر زمان دیگری احساس ناکامی می‌کنند. از یک سو افرادی مانند جان بولتون و رودی جولینانی و دیگر اعضای تیم سیاسی ترامپ در صدد روحیه بخشی به مهره‌های نفاق و دیگر گروه‌های ضدانقلاب برای مواجهه با ایران هستند و از سوی دیگر، واقعیات جاری در منطقه و نظام بین‌الملل و تبلور قدرت ایران اسلامی مقامات آمریکایی را به شدت سردرگم ساخته است. در حالی که مقامات کاخ سفید با خروج از توافق هسته‌ای، خصومت خود با ملت و نظام ایران را به نمایش گذاشته و حداکثر توان خود را در تقابل با ایران اسلامی به کار گرفته‌اند، هم‌اکنون سخن از گفت‌وگو با ایران به میان می‌آورند. واقعیت امر این است که دونالد ترامپ در صدد آن است تا با اعمال فشارهای اقتصادی بر ملت ایران، آنها را ناراضی ساخته و سپس افکار عمومی ناراضی را وارد فاز تقابل مستقیم با نظام جمهوری اسلامی سازد. ترامپ به طور کلی فراموش کرده است که فرمول

تقابل با نظام و ملت ایران طی ۴۰ سال اخیر پاسخگو نبوده و صرفاً منجر به استحکام انقلاب و ایمن شدن آن در برابر توطئه‌های غرب شده است.

نکته دیگر اینکه بسیاری از تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل معتقدند که نه تنها جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدامات آمریکا و دولت ترامپ در خصوص «ایجاد نارضایتی مزمین اقتصادی» در ایران سکوت نکرده و منفعل نخواهد ماند، بلکه هزینه‌های بازی آمریکا در نظام بین‌الملل را به صورت تصاعدی افزایش خواهد داد. همین مساله منجر به نگرانی شدید ترامپ و همراهانش شده است. اخیراً نیویورک تایمز در گزارشی در خصوص تمایل ترامپ مبنی بر گفت‌وگوی مستقیم و بدون پیش شرط با ایران عنوان کرده است: «رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا که اخیراً از توافق هسته‌ای با ایران خارج شده است، اخیراً اعلام کرده است که در صورت موافقت مقامات ایرانی، با «حسن روحانی» رئیس‌جمهور ایران بدون هیچ پیش شرطی ملاقات خواهد کرد. اما ساعاتی قبل از اینکه ترامپ چنین موضعی را در خصوص ملاقات با مقامات ایرانی اتخاذ کند، جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که به دلیل سیاست‌های خصومت‌آمیز ترامپ، مذاکره با ایالات متحده آمریکا ناممکن بوده و فرصتی برای چنین گفت‌وگویی وجود ندارد.»

نباید فراموش کرد که اتخاذ رویکرد دوگانه مقامات آمریکایی در خصوص مذاکره با ایران، مرهون بازی هدفمند مقامات این کشور نیست، بلکه ناشی از نوعی سردرگمی استراتژیک و راهبردی مقامات کاخ سفید در قبال کشورمان است. بدون شک تا زمانی که این سردرگمی استراتژیک وجود دارد (و قطعاً در آینده نیز وجود خواهد داشت) اساساً ایالات متحده آمریکا قدرت هدایت و مدیریت معادلات داخلی ایران را ندارد. فراتر از این موضوع، ملت ایران با «واکنش هوشمندانه» و «رفتار آگاهانه» ای که در طول ۴ دهه اخیر داشته‌اند، همواره توطئه‌های آمریکا را خنثی ساخته‌اند. بدیهی است که

این روند در آینده نیز ادامه خواهد داشت. بدون شک، در تفسیر و ارزیابی رفتار مقامات آمریکایی باید ارتباط مناداری میان قدرت داخلی نظام ایران و تحولات جاری در منطقه و نظام بین‌الملل ایجاد کرد. آنچه مسلم است اینکه تحولات منطقه به سود ایالات متحده آمریکا و منافع این کشور پیش نمی‌رود. دموکرات‌ها و جمهوریخواهان کاخ سفید از ابتدای هزاره سوم تا کنون از هیچ‌گونه تلاشی در جهت نابودی منطقه و جهان اسلام دریغ نکرده‌اند اما روز به روز بیشتر در نیل به اهداف خود ناکام مانده‌اند. مناسبات ایران و ایالات متحده آمریکا در برهه فعلی، در چنین فضایی قابل تحلیل است. به عبارت بهتر، هر گونه تحلیلی در این خصوص بدون در نظر گرفتن آنچه در منطقه و نظام بین‌الملل می‌گذرد ابتر و ناقص خواهد بود. هم‌اکنون واکنشنگان با ایران قدرتمندی مواجه است که نه تنها با درایت خود شرایط منطقه را به ضرر اهداف کاخ سفید تغییر داده، بلکه در حوزه سیاست داخلی خود نیز دارای مقبولیت عمومی و مردمی است. از این رو استیصال واکنشنگان در مقابل ایران قدرتمند روز به روز عینیت بیشتری می‌یابد.

در نهایت اینکه فرمول کهنه و دفرمه‌شده دونالد ترامپ و همراهانش مانند جان بولتون و مایک پمپئو در تقابل مطلق با نظام و ملت ایران محکوم به شکست و فنا خواهد بود. در شرایطی که منطقه به واسطه مداخله جویی مستقیم غرب و بازی آل سعود و متحدانش در زمین ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی نامن و مملو از بحران‌های امنیتی و سیاسی است، ملت ایران جانانه از نظام دفاع کرده و ضمن تجدید میثاق دوباره با نظام و رهبری، قدرت و صلابت و اقتدار کشور را به رخ بدخواهان ایران اسلامی خواهد کشید. بدون شک، ترامپ به زودی شکست بسیار سنگین و سختی را در مقابل ملت ایران تجربه خواهد کرد. بی دلیل نیست که بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران مسائل منطقه از جمهوری اسلامی ایران به عنوان جزیره ثبات در دل منطقه نام برده و از دیگر کشورها خواسته‌اند تا الگوی «ایران مقتدر» را در محاسبات و معادلات خود به صورتی جدی مدنظر قرار دهند. هر اندازه ترامپ در شناسایی «ایران مقتدر» تاخیر کرده و دامنه تقابل خود را با ملت ایران گسترده‌تر سازد، بدون شک هزینه‌های شکست وی نیز به صورت تصاعدی افزایش خواهد یافت؛ موضوعی که ترامپ می‌تواند نمود آن را در دوران ریاست جمهوری اسلاف خود مشاهده کند.

# هم منتقدان، هم مخالفان

## چه کسانی در اعتراض‌ها بودند؟

علی عمرانی

روزنامه نگار

موج جدید اعتراضات را چگونه باید تحلیل کرد؟ پاسخ به این پرسش از این جهت اهمیت دارد که در حال حاضر دو تحلیل در سطح رسانه‌ها با عنوان جریان‌های غالب تحلیلی وجود دارد. تحلیل نخست تحلیل برخی دوستداران نظام به خصوص در میان اصولگرایان است که یا در قالب توطئه بر این باورند که در این اعتراضات دست خارجی مشهود است یا در قالب تقلیل گریزانه می‌گویند این اعتراضات، اعتراض به سیاست‌های دولت حسن روحانی است

و تحلیل دوم توسط جریان‌های برانداز تبلیغ می‌شود و محتوای آن این است که مردم در حال اعتراض به ناکارآمدی اصل نظام هستند.

اما به نظر می‌رسد که چنین تحلیلی در مورد پدیده‌های اجتماعی پیچیده‌ای مثل اعتراضات مردمی صحیح نیست چرا که در واقع در چنین اعتراضاتی نه یک دسته خاص از مردم که طیفی از آنها به خیابان می‌آیند و بنابراین باید گفت که در واقع در این اعتراضات هر سه دسته افراد حضور دارند؛ هم منتقدان دولت، هم منتقدان نظام و هم دشمنان. اما متناسب با تفاوت در ماهیت شرکت‌کنندگان این اعتراضات باید نحوه با آنها نیز تغییر کند.

راهکار مناسب برای برخورد با منتقدان دولت این است که اولاً آنها بتوانند رسانه خاص خود را داشته

باشند، ثانیاً در رسانه‌های رسمی حاکمیتی به خصوص صدا و سیما، حرف آنها بازتاب پیدا کند و ثالثاً دولت در برخورد با آنها اولاً مدارا کند و ثانیاً پاسخگو باشد.

راهکار مناسب برای منتقدان نظام با براندازان اندیشه‌ای، اقتناع است. این افراد تا زمانی که اقدام مجرمانه‌ای انجام ندادند و صرفاً بر این باورند که نظام کارآمد نیست، باید مورد ممانعت قرار گیرند و از طریق گفت‌وگو به آنها گفته شود که چرا بر این باورند که نظام کارآمد نیست. البته بخشی از این افراد نیز مخالفان ایدئولوژیک نظام هستند. یعنی با هویت اسلامی به طور مثال یا حجاب مشکل دارند یا سیاست نظام در حمایت از محور مقاومت با مقابله با آمریکا و رژیم صهیونیستی راندمی می‌کنند. بهترین راه برای این افراد نیز گفت‌وگو و تبلیغ صحیح مواضع نظام است. تکلیف‌مان با دسته سوم روشن است، برخورد امنیتی و قضایی در چارچوب قانون، شایسته‌ترین برخورد با دشمنانی است که هدفشان اخلال در نظم و اقدام علیه نظام است اما باید توجه داشت که در تشخیص این افراد، دقت لازم صورت گیرد و افرادی از دودسته دیگر در آنها داخل نشوند.





## ترامپ به دنبال معامله با ایران است

گفت‌وگوی مثلث با سید حسین موسویان

«خروج یکجانبه از برجام، بازگشت مرحله اول تحریم‌ها و پیشنهاد مذاکره به تهران»، سه اصلی است که دولت دونالد ترامپ طی ماه‌های اخیر علیه ایران در پیش گرفته است. با توجه به این اصول، اکنون این پرسش مطرح است که سیاست ترامپ در مقابل ایران چیست و آیا در فضای تحریمی، امکان مذاکره بین تهران-واشنگتن وجود دارد؟ سید حسین موسویان، دیپلمات و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای سابق ایران در گفت‌وگویی با هفته‌نامه «مثلث» می‌گوید ترامپ مانند اشخاصی چون جان بولتون خیلی به دنبال تغییر نظام در ایران نیست، بلکه در پی یک معامله با ایران است که بتواند بگوید من کاری کردم که هیچ رئیس‌جمهور دیگری نتوانست بکند. در واقع ترامپ به دنبال توافقی است که «برند ترامپ» را در جهان پرآوازه کند و او را مرد تاریخ‌ساز معرفی کند.



**با توجه به رفتارهای اخیر آمریکا یعنی عملیاتی کردن تحریم‌ها علیه ایران از یک سو و پیشنهاد مذاکره با ایران از سوی دیگر البته با در نظر گرفتن شروط ۱۲ گانه مایک پمپئو، به نظر شما سیاست اصلی ترامپ در مورد ایران چیست؟**

بعد از انقلاب، سیاست سنتی نهادهای حاکمیتی آمریکا در مورد ایران مبتنی بر تغییر رژیم بوده و هست. به اعتقاد من، باراک اوباما یک استثنا در تاریخ روسای جمهور آمریکا بعد از انقلاب بود که به دنبال حل و فصل مسائل با ایران بود. در دوره اول ریاست جمهوری اوباما که با دور دوم ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد همزمان بود، از آنجایی که ایران قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در مورد برنامه هسته‌ای را نادیده گرفت، آمریکا توانست اجماع بین‌المللی برای اعمال سخت‌ترین تحریم‌ها را به دست آورد و در این مسیر روسیه، چین و اروپا هم با آمریکا متحد شدند منتها در همان دوره هم او تنها رئیس جمهور آمریکا بود که نامه‌ای رسمی و مستقیم به شخص مقام معظم رهبری نوشت؛ نامه‌ای که هم بسیار محترمانه بود و هم پیشنهاد بهبود روابط در آن مطرح شده بود و معطله‌ها نیز پاسخ دادند. این روند میان ایران و آمریکا خوب پیش می‌رفت، لیکن حوادث بعد از انتخابات ۸۸ و قفله‌ای ایجاد کرد. اما بعد از مدتی گفت و گوهای رسمی محرمانه دو کشور در عمان آغاز شد. این مسیر با انتخاب آقای روحانی به عنوان رئیس جمهور ادامه پیدا کرد. دو، سه ماه بعد هم اوباما در سخنرانی خود در سازمان ملل رسماً اعلام کرد که سیاست تغییر رژیم را دنبال نمی‌کند و دنبال روابطی براساس احترام متقابل است. با گذشت چند ماه نیز بر سر اصول برجام توافق شد که به نهایه شدن آن، یک تحول تاریخی در روابط ایران و آمریکا به وجود آمد. چون آمریکا غنی‌سازی و آب‌سنگین ایران را پذیرفت؛ مسئله‌ای که اکثر سیاستمداران ایران و آمریکا و دنیا باور نمی‌کردند.

**می‌توان گفت که در دولت فعلی واشنگتن نگاه یکدستی نسبت به مسائل سیاست خارجی از جمله ایران وجود ندارد؟**

کاملاً همین‌طور است و ما در دوره ترامپ با سه آمریکا مواجه هستیم؛ یکی آمریکا ترامپ، دوم آمریکا نتوکان‌ها همچون جان بولتون مشاور امنیت ملی و سوم آمریکا اوباما. در این میان شانس موفقیت در مذاکره با آمریکا جان بولتون تقریباً صفر است چون این گروه دنبال تغییر رژیم و جنگ علیه ایران هستند. شانس موفقیت در مذاکره با آمریکا اوبامایی، ۵۰-۵۰ است چون در مذاکره هم باید امتیاز گرفت و هم امتیاز داد. اما شانس موفقیت با آمریکا شخص ترامپ کاملاً غیرقابل پیش‌بینی است. معتقد هستم که برای ترامپ به‌شخصه تغییر رژیم اصل نیست، بلکه او دنبال یک معامله با ایران است که بتواند بگوید کم‌کاری کرده که هیچ رئیس‌جمهور دیگری نتوانست بکند. حتی خودش هم محتوای چنین معامله‌ای را نمی‌داند. در گفت و گوهای وی با رهبر کره شمالی شاهد بودیم که ترامپ با ظاهر مذاکره، مانور تبلیغاتی زیادی کرد و متقابلاً رهبر کره شمالی در محتوا و باطن مذاکره، امتیاز اصلی را گرفت. شما فکر می‌کنید در این برهه چرا ترامپ به ایران پیشنهاد مذاکره داده است و آیا ترامپ به دنبال یک دیدار نمادین با ایران است؟ از نظر شما سیاست ایران در مقابل پیشنهاد ترامپ چگونه خواهد بود و آیا ممکن است ایران به پیشنهاد ترامپ پاسخ مثبت بدهد؟

جان بولتون در طرح «مقابله با ایران» که یک سال پیش به کاخ سفید ارائه کرد چنین گفته بود: «بعد از خروج ایران از برجام، دولت آمریکا باید شعار مذاکره با ایران را طرح کند زیرا ایرانی‌ها دیگر با آمریکا مذاکره نخواهند کرد و لذا این امکان به آمریکا داده خواهد شد که از این سناریو به عنوان دلیل سوءنیت ایران برای دنبال کردن برنامه ساخت بمب اتم استفاده کند.»

بنابراین آمریکا ترامپ و آمریکا نتوکان‌ها با نفس پیشنهاد مذاکره بدون پیش شرط از سوی ترامپ هم جهت هستند چون افکار عمومی جهان را به نفع آمریکا جهت می‌دهد. در این بین اگر ایران در پاسخ به ادعای ترامپ در مورد گفت و گوهای بدون پیش شرط، به او پیشنهاد سفر به تهران می‌داد، آنگاه اختلاف دو آمریکا مذکور علنی می‌شد و دولت ترامپ در استراتژی مقابله با ایران با بحران داخلی مواجه می‌شد زیرا لابی اسرائیل، عربستان، اعراب تکفیری، منافقین و نتوکان‌ها با سفر او مخالفت می‌کردند و لذا ترامپ برای عمل کردن به پیشنهادش در دام دعوی داخلی در آمریکا گرفتار می‌شد.

**پیش شرط ایران برای مذاکره احتمالی با ترامپ چه خواهد بود؟**

من اساساً انجام شدن مذاکره سران را خیلی مشکل می‌دانم چون هم در داخل ایران اختلاف بسیار زیاد است و هم آمریکا نتوکان‌ها و متحدین آمریکا در منطقه به ویژه اسرائیل و عربستان آن را تحمل نمی‌کنند منتها به فرض اینکه چنین دیداری امکان پذیر باشد، ایران همیشه بر دو اصل در روابط با آمریکا تاکید کرده است؛ شامل اصول «احترام متقابل» و «عدم مداخله در امور داخلی ایران.» این دو اصل طبق منشور سازمان ملل است و از مشروعیت و مقبولیت جهانی نیز برخوردار است.

**از نظر شما ترامپ به دنبال چه امتیازاتی از ایران است؟**

ترامپ به دنبال توافقی است که «برند ترامپ» را در جهان پرآوازه و او را مرد تاریخ‌ساز معرفی کند. واقعا آن قدر که شکل و ظاهر توافق برای رئیس‌جمهور آمریکا مهم است، محتوای آن اهمیت ندارد. لذا باید ظاهر قضیه برای او در عرصه تبلیغات قابل توجه باشد؛ به عنوان مثال بگوید در مذاکره با ایران توافق کردیم که ایران هیچ‌گاه دنبال ساخت بمب اتم نخواهد رفت، یا اینکه توافق کردیم که ایران و آمریکا هر دو به قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد منطقه احترام بگذارند یا اینکه من اطمینان یافته‌ام که ایران به دنبال حمله نظامی و محو اسرائیل نیست و قس علیهذا.

**اگر دو کشور وارد مذاکره شوند در مورد مسائل منطقه‌ای نیز گفت و گوهایی انجام خواهد گرفت. خط قرمز ایران و آمریکا در منطقه چه مواردی را شامل می‌شود؟**

خط قرمز جمهوری اسلامی ایران، منافع ملی کشور، پذیرفتن نقش و جایگاه مشروع و طبیعی ایران در منطقه، درک تهدیدات واقعی منطقه‌ای علیه ایران و عدم مشارکت و دخالت آمریکا در این نوع تهدیدات علیه ایران است. گمان می‌کنم خط قرمز آمریکایی‌ها هم این خواهد بود که ایران نیز متقابلاً منافع آمریکا و متحدین آمریکا در منطقه را تهدید نکند. در واقع یک «آتش بس تهدیدات متقابل در منطقه» مهم‌ترین موضوع مدنظر دو طرف خواهد بود.

**نقش اسرائیل و سعودی‌ها در سیاست‌های ترامپ تا چه حدی است و آیا ممکن است مانع مذاکره احتمالی میان تهران و واشنگتن شوند؟**

رژیم اسرائیل و عربستان، نقش محوری در سیاست‌های ضد ایرانی واشنگتن ایفا می‌کنند. هر نوع گفت و گو مستقیمی بین ایران و ترامپ، خواب را از چشمان ریاض و تل‌آویو خواهد گرفت. لذا معتقد هستم

آنها با استفاده از تمام ابزارها، امکانات و ظرفیت خود، مانع چنین دیداری خواهند شد. در عین حال ترامپ حتی برای ریاض و تل‌آویو هم غیرقابل پیش‌بینی است و آنها هم نگران تصمیمات غیرمنتظره ترامپ در مورد ایران هستند.

**آیا در صورت تصمیم به مذاکره با آمریکا، حاکمیت اجازه خواهد داد که دولت روحانی این مذاکره را انجام دهد؟**

اختیار مذاکره با آمریکا با مقام معظم رهبری است. در این مورد هم باید متفانه قضاوت کرد. ایشان در دوره ریاست جمهوری مرحوم آقای هاشمی مانع کمک ایران به آزادی گروگان‌های غربی و آمریکایی در لبنان نشدند و حتی با قرارداد یک میلیاردی وزارت نفت ایران با شرکت آمریکایی «کونوکو» هم مخالفت نکردند. در دوره اصلاحات نیز مقام معظم رهبری، مانع همکاری ایران و آمریکا برای مقابله با طالبان در افغانستان نشدند. همچنین در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد شاهد بودیم که ایشان اجازه مذاکرات مستقیم بین ایران و آمریکا را دادند. در دوره ریاست جمهوری آقای روحانی هم اجازه مذاکرات مستقیم وزرای خارجه ایران و آمریکا در موضوع هسته‌ای از سوی رهبری صادر شد. مقام معظم رهبری حتی رسماً اعلام کردند که اگر توافقی صورت گیرد و آمریکا به تعهدش عمل کند، ایشان مانع گفت و گو راجع به سایر مسائل نخواهند شد. برجام هم بدون موافقت ایشان امکان پذیر نبود. لذا برداشت من این است که مقام معظم رهبری با اصل گفت و گو مشکلی ندارند، مشکل ایشان با بدعهدی‌ها، سوءنیت‌ها و خصومت‌های آمریکا علیه ایران به ویژه سیاست تغییر رژیم است که واشنگتن همواره دنبال کرده است.

**اگر حاکمیت در نهایت با مذاکره مخالفت کند، دولت روحانی چه سیاستی را اتخاذ می‌کند؟ در صورت ادامه اعتراض‌های خیابانی در ایران و انجام نشدن مذاکره، وضعیت دولت چگونه خواهد شد؟**

به هر حال اگر رهبری صلاح ندانند، دولت باید مطیع باشد منتها در آن شرایط همه جناح‌های سیاسی کشور باید متحد باشند زیرا مقاومت در مقابل آمریکا در شرایط اختلاف و شکاف و دعوی داخلی واقعا سم مهلک است.

**به نظر شما مذاکره با جمهوری خواهان سخت تر است یا دموکرات‌ها؟**

در بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها شخصیت‌های مختلف با ایده‌های بسیار متفاوت در مورد ایران وجود دارند. به عنوان مثال در بین جمهوری خواهان هم جان بولتون هست و هم چاک هاگل که در مورد ایران نظر ایشان کاملاً متفاوت است. چاک هاگل مثل اوبامای دموکرات فکر می‌کند. در دموکرات‌ها نیز هم امثال بایی سندرز و اوباما وجود دارند و هم باب مندز که در حد افراطی ضد ایران است. لذا مهم است که چه کسی از هر دو حزب در پست ریاست جمهوری آمریکا قرار می‌گیرد.

**پس از خروج آمریکا از برجام همکاری ایران با روسیه و چین به چه شکل بود؟ به هر حال روسیه به عنوان یک متحد برای ایران مطرح است اما برخی رسانه‌های خارجی این گونه مطرح می‌کنند که بعد از خروج آمریکا از برجام، بیشتر تلاش و توجه دولت معطوف به اروپا بوده و از چین و روسیه غافل شده است.**

توجه داشته باشید که بعد از برجام بیشترین توافقات عملیاتی شده با چین، روسیه و هند بوده است. گفت و گوها و تفاهات با اروپا از این جهت وقت گیر و سخت اما مهم هستند که در صورت تحقق آن، ضرب اقدامات آمریکا علیه ایران گرفته می‌شود. همچنین تراروی منهای آمریکا ایران موفق می‌شود و ایران می‌تواند تا حدی روابط با لاتس با بلوک شرق و غرب را حفظ کند.

# مذاکره بخشی از سیاست فشار به ایران است

## گفت‌وگوی مثلث با ابراهیم متقی

**دور جدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران در حالی از هفته گذشته آغاز شد که ترامپ چندین بار پیشنهاد مذاکره با تهران را مطرح کرده است. به نظر شما مدل سیاستی که رئیس‌جمهور آمریکا علیه ایران پیش گرفته، چیست و چه هدفی دارد؟**

دور جدید تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران در ۱۵ مرداد ۱۳۹۷ شروع شده است. چنین فرآیندی نشان می‌دهد که روند دیپلماسی اجبار ایالات متحده علیه ایران به گونه مرحله‌ای تصاعد پیدا کرده است. عده‌ای احساس می‌کنند که پیشنهاد مذاکره بدون شرط از سوی دونالد ترامپ به معنای پایان خصومت‌های آمریکا علیه ایران محسوب می‌شود. در این فرآیند بخشی از اوبزسیون و شخصیت‌های سیاسی ایران با تنظیم نامه‌ای به این موضوع اشاره داشتند که ایران می‌تواند از الگوی کره شمالی برای گذار از بحران اقدام کند.

واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که دونالد ترامپ سیاست تحریم، مهار و محدودسازی ایران را با هدف افزایش فشارهای ساختاری به کار گرفته است. هدف دونالد ترامپ آن است که زمینه برای شکل‌گیری تغییرات جدید در ساختار داخلی ایران فراهم شود. چنین رویکردی را باید بخشی از سازوکارهای مهندسی سیاسی و راهبردی ایران توسط کارگزاران سیاست خارجی و راهبردی آمریکا دانست. دونالد ترامپ تلاش دارد تا الگویی جدید از روابط سیاسی، اقتصادی و راهبردی را با ایران تجربه کند.

محور اصلی سیاست دونالد ترامپ را باید در دیپلماسی برای فشار سیاسی دانست. به همان گونه‌ای که فشار سیاسی برای تداوم دیپلماسی مورد استفاده قرار گرفته است. در چنین شرایطی، به هر میزان که فشارهای راهبردی آمریکا علیه ایران افزایش پیدا کند، طبیعی است که زمامداران آمریکایی انتظار بیشتری برای انعطاف‌پذیری ایران خواهند داشت. آمریکایی‌ها بر این اعتقادند که ساخت سیاسی و اقتصادی ایران به گونه‌ای آسیب‌پذیر است که تحت تأثیر تحریم‌های فزاینده، دچار فروپاشی خواهد شد. به همین دلیل است که دونالد ترامپ، جان بولتون و مایکل پمپئو از سازوکارهای افزایش فشار برای تهدیدات راهبردی بیشتر در برخورد با ایران استفاده می‌کنند. چنین الگویی را باید به عنوان بخشی از فرآیندی دانست که زیرساخت‌های لازم برای تداوم تحریم را فراهم می‌سازد. هرگونه تحریم و سیاست‌های مرتبط با آن، با هدف تغییر در الگوی رفتار سیاسی و سیاست خارجی ایران انجام شده است. دونالد ترامپ از سیاست ادامه فشار برای گیج‌شدن و محدودسازی کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی بهره گرفته. چنین رویکردی بر اساس مذاکره تغییر پیدا نمی‌کند. مذاکره برای تحقق اهداف خاصی تنظیم می‌شود. هدف مذاکره و دستور کار گروه مذاکره‌کننده را باید محور اصلی فرآیندهای سیاست خارجی آمریکا در برخورد با ایران دانست.

**در چنین شرایطی ایران باید چه سیاستی را دنبال کند، آیا باید با آمریکا وارد مذاکره شویم؟**

وقتی که ایالات متحده از سازوکارهای دیپلماسی اجبار و فشار فزاینده بهره می‌گیرد، طبیعی است که در آن

شرایط، ایران باید بداند که چه هدفی را دنبال می‌کند. هرگونه کنش سیاسی و سیاست خارجی ایران را باید واکنشی نسبت به الگوی رفتاری ایالات متحده دانست. واکنش می‌تواند ماهیت همکاری جویانه داشته باشد، یعنی اینکه مبتنی بر سازش و تسلیم باشد، یا اینکه بر اساس نشانه‌هایی از اقدام متقابل و مقاومت سازماندهی شود. برجام نشانه انعطاف‌پذیری و سازش ایران در حوزه سیاست خارجی است. تمامی کارگزاران دولت که حامی برجام بودند، با این واقعیت روبه‌رو شدند که سازش نمی‌تواند مطلوبیت نهایی را برای کشورها ایجاد کند. سیاست سازش عموماً به چالش‌های پایان‌ناپذیر منجر می‌شود. بنابراین کشوری که از سازوکارهای انعطاف‌پذیری فرآیند استفاده نماید، طبیعی است که در نهایت با چالش‌های جدیدی روبه‌رو خواهد شد. آمریکا دیپلماسی اجبار را در ارتباط با کشورهای مختلفی به کار گرفته است. هدف آمریکا آن است که الگوی رفتاری ایران را در جهت سازش و انعطاف‌پذیری تنظیم کند.

ایران در چنین شرایطی ناچار است تا اولاً برنامه جامع اقدام مشترک را ادامه دهد. متن برجام به گونه‌ای تنظیم شده که هرگونه استتکاف ایران، چالش‌های امنیتی، اقتصادی و راهبردی برای آن ایجاد می‌کند. ثانیاً باید بر این امر واقف باشد که بسته اروپایی فاقد «تضمین‌های عملی» خواهد بود. ثالثاً همکاری با اروپا به عنوان گزینه ممکن و مطلوب تلقی می‌شود. هرچند مطلوبیت چندانی برای ایران ایجاد نخواهد کرد. رابعاً چالش‌های دیپلماتیک را از طریق مزیت نسبی خود پیگیری کند. مزیت نسبی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مقاومت و از طریق سازوکارهای مربوط به قدرت‌سازی منطقه‌ای است. نادیده گرفتن مزیت نسبی چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی در آینده ایجاد خواهد کرد.

**اگر وارد مذاکره شویم چه فواید و چه مضراتی برای کشور به دنبال خواهد داشت؟**

مذاکره بخشی از سازوکارهای مربوط به حل مسالمت‌آمیز اختلافات است. مذاکره در ادبیات راهبردی می‌تواند ماهیت خنثی داشته باشد. نتایج حاصل از مذاکره را می‌توان اصلی‌ترین دستاورد دولت یا تیم دیپلماتیک دانست. تجربه تیم دیپلماتیک دولت روحانی برای جامعه ایرانی مطلوب نبوده است. هیچ‌یک از وعده‌هایی که کارگزاران سیاست خارجی دولت روحانی درباره پایان دادن تحریم‌ها بیان داشته‌اند، حاصل نشده است.

هم‌اکنون شکل جدیدی از تحریم‌های اقتصادی علیه ایران شروع شده که چالش‌های آن را می‌توان در حوزه راهبردی نیز مشاهده کرد. وقتی که شرایط ایران در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۸ را یکدیگر مقایسه می‌شود، از هر نظر با چالش‌های فزاینده بیشتری همراه شده است. در چنین شرایطی لازم است تا دیپلماسی بر اساس دستور کار مشخص و اهداف پیش‌بینی شده تنظیم گردد. حوزه منافع ملی را نمی‌توان با شعارهای دیپلماسی اعلامی وزارت امور خارجه هماهنگ کرد.

به این ترتیب، مذاکره و هر فرآیند ارتباطی بر اساس نتایج و پیامد آن مورد سنجش قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از دیپلماسی جدید می‌بایست معطوف به پایان بخشیدن

ایران این روزها شاهد مدل جدیدی از سیاست آمریکای ترامپ در قبال تهران است؛ در واقع سیاست «جماق و هویج» رئیس‌جمهوری آمریکا علیه ایران بسیار پررنگ‌تر از گذشته دنبال می‌شود. در شرایطی که مرحله اول تحریم‌های آمریکا علیه ایران که بر اساس توافق برجام در سال ۹۴ به تعلیق درآمده بود، در پی فرمان اجرایی دونالد ترامپ هفته گذشته وارد فاز اجرایی شد، رئیس‌جمهوری آمریکا به تلاش‌هایش برای مذاکره با ایران شدت بخشیده است. دکتر ابراهیم متقی، استاد دانشگاه تهران و کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگویی تفصیلی با هفته‌نامه «مثلث» سیاست ترامپ در قبال ایران را سیاست تحریم، مهار و محدودسازی ایران با هدف افزایش فشارهای ساختاری توصیف کرد و گفت هدف دونالد ترامپ آن است که زمینه برای شکل‌گیری تغییرات جدید در ساختار داخلی ایران فراهم شود. دکتر متقی همچنین معتقد است در چنین شرایطی ایران باید چالش‌های دیپلماتیک را از طریق مزیت نسبی خود پیگیری کند که مزیت نسبی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مقاومت و از طریق سازوکارهای مربوط به قدرت‌سازی منطقه‌ای است.

به تحریم‌های آمریکا علیه ایران شود. دونالد ترامپ تلاش دارد تا از سازوکارهای فشار گسترده برای وادارسازی ایران به انعطاف بیشتر استفاده کند. تبعاً مذاکره بر اساس اهداف دولت آمریکا مطلوبیت چندانی ندارد. ادبیات به کار گرفته شده توسط کارگزاران سیاست خارجی بیش از آنکه ماهیت راهبردی و دیپلماتیک داشته باشد، مبتنی بر شعارهای تکراری بوده که ارزش چندانی در عرصه سیاسی و سیاست خارجی ندارد. به همین دلیل است که مطلوبیت هرگونه مذاکره بر اساس دستور کار دیپلماتیک، سناریوهای هر طرف از بازیگران و دستاوردهایی است که ایران نیازمند آن خواهد بود. جهان غرب باید بر این امر واقف باشد که نادیده گرفتن نیازهای اقتصادی ایران، چالش‌هایی را برای اقتصاد جهانی ایجاد خواهد کرد. جهان غرب نمی‌تواند انتظار داشته باشد که ایران در برابر سیاست‌تهاجمی ترامپ و الگوهای رفتاری گروه محافظه‌کاران در وضعیت انعطاف‌پذیر قرار داشته باشد. مذاکره زمانی مطلوبیت دارد که ایران بتواند در فضای حداقلی به تأمین نیازهای اقتصادی و راهبردی خود نائل شود.

ایالات متحده نشان داد که انعطاف‌پذیری ایران را با سازوکارهای برجدال شکل داده است. چنین فرآیندی تبعاً تأثیر خود را در روند دیپلماسی پیش‌رو به جا خواهد گذاشت. دیپلماسی جدید تبعاً سخت‌تر و پیچیده‌تر از فرآیند دوران باراک اوباما خواهد بود. بدون دستور کار دیپلماتیک، هیچ دستاوردی برای مذاکره‌کننده ایرانی ایجاد نخواهد شد. به همین دلیل است که مذاکره به تنهایی ماهیت خنثی دارد. نتایج حاصل از مذاکره می‌تواند مطلوبیت یا مخاطره راهبردی را برای کشورهایی همانند ایران ایجاد کند.

**اگر مذاکره نکنیم از سوی آمریکا پس از این شش‌ماه چه سناریویی علیه ایران خواهیم بود؟** هرگاه کشورهای دیگر و وضعیت جنگی شوند، به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر چنین فرآیندی به صلح منجر می‌شود. هر جنگ می‌تواند شکل جدیدی از موازنه قدرت را منعکس کند. دیپلماسی نیز چنین وضعیتی را دارد. هرگاه بین کشورها اختلاف ایجاد شود، طبیعی است که چنین اختلافی باید در فضای دیپلماتیک قرار گیرد. سازوکارهایی همانند میانجیگری، حسن نیت و داوری را می‌توان در زمره روندهای حل مسالمت‌آمیز اختلافات





سازوکارهای همکاری جویانه دیپلماتیک برای ارتقای صلح و ثبات منطقه‌ای حمایت به عمل می‌آورند. چنین حمایتی را می‌توان به معنای سازوکارهای کنش همکاری جویانه در شرایط تهدید و مخاطره امنیتی دانست. افزایش تضادهای ایران و آمریکا، محیط امنیتی آسیای جنوب غربی را با تهدیدات بیشتری روبه‌رو خواهد کرد.

### آیا ترامپ به دنبال آن است که مدل کره شمالی را در مورد ایران نیز دنبال کند؟ چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان مدل تهران و پیونگ یانگ وجود دارد؟

توافق آمریکا با کره شمالی برای کسب دستاوردهایی بود که جمهوری اسلامی فاقد چنین قابلیت‌هایی در سطح تاکتیکی و راهبردی است. کره شمالی از قدرت لازم برای هدف قراردادن بخش‌هایی از سرزمین آمریکا برخوردار است. از سوی دیگر، موضوعات منطقه شرق آسیا، ماهیت راهبردی داشته و بخشی از سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. رهبران کره شمالی الگوی رفتاری خود را بر اساس توصیه‌های راهبردی چین و روسیه پیگیری خواهند کرد. چنین رویکردی طبعاً نمی‌تواند مطلوبیت‌های لازم را برای ایران داشته باشد. واقعیت آن است که ایران و کره شمالی به عنوان دو موضوع کاملاً متفاوت نزد دیپلمات‌های آمریکایی تلقی می‌شوند. ایران از قابلیت لازم برای اثرگذاری در محیط منطقه‌ای برخوردار است، در حالی که کره شمالی در آسیای شرقی صرفاً به عنوان تهدید تلقی می‌شود. به همین دلیل است که امکان شکل‌گیری دیپلماسی قله‌ای بین رهبران آمریکا و ایران دور از انتظار است. اگرچه این خبر منتشر گردیده که ترامپ و حسن روحانی در حاشیه اجلاس سه‌ساله مجمع عمومی سازمان ملل با یکدیگر دیدار خواهند داشت اما تحقق این امر نیازمند فرآیندی است که زمینه کنترل تهدیدات اقتصادی آمریکا در ماه‌های آینده را فراهم سازد.

### احتمال موفقیت مذاکرات را با توجه به شخصیت ترامپ چقدر می‌دانید و در صورتی که مذاکره کنیم شرایط به چه سمتی خواهد رفت، چه داخل ایران و چه در منطقه؟

مذاکره در شرایط تعارض نیازمند سازوکارهای اعتمادساز است. تا زمانی که دونالد ترامپ و تیم سیاست خارجی آمریکا از چنین سازوکارهایی در ارتباط با ایران استفاده نکنند، طبعاً نتایج چندان برای حوزه دیپلماتیک آمریکا حاصل نخواهد شد. دونالد ترامپ نیازمند مذاکره و حل اختلافات آمریکا و ایران از طریق سیاست جمعی خواهد بود. طبیعی است که چنین نشانه‌هایی نیازمند بهره‌گیری کشورها از سازوکارهایی است که زمینه‌های اعتمادسازی متقابل را به وجود آورد.

اگر دونالد ترامپ در صدد براندازی سیاسی در ایران باشد، طبیعی است که مذاکره احتمالی نتیجه چندان نخواهد داشت. اگر دونالد ترامپ در صدد کاهش قدرت منطقه‌ای ایران باشد، تحقق این امر بر اساس دیپلماسی اجبار و سیاست تهدید حاصل نمی‌شود. بنابراین هدف ترامپ از سازوکارهای دیپلماتیک باید مشخص شود؛ فرآیندی که بتواند زمینه‌های لازم برای حل اختلافات را ایجاد کند، از طریق تهدید و فشار فزاینده شکل نمی‌گیرد. هر کشوری باید بتواند زیرساخت‌های قدرت خود را بر اساس انجام اقدام متقابل در برابر تهدیدات شکل دهد. سیاست مقاومت به معنای اقدام متقابل خواهد بود. اگر آمریکا از سازوکارهای سازنده و همکاری جویانه استفاده کند، اقدام متقابل به معنای تلاش برای حل اختلافات از طریق سازوکارهای همکاری جویانه محسوب می‌شود. اگر دونالد ترامپ در صدد باشد تا زمینه اعمال فشارهای جدید علیه ایران را فراهم سازد، ضرورت‌های سیاست مقاومت به معنای بهره‌گیری از سازوکارهای کنش متقابل خواهد بود.

فرآیندی هرگونه مذاکره ایران با آمریکا به عنوان بخشی از سازوکارهای ارتباطی خواهد بود. بخش دیگر مربوط به ابزارهایی است که ایران می‌تواند به عنوان اقدام متقابل در برابر سیاست تهاجمی و فراقانونی ایالات متحده به انجام رساند. متنوع‌شدن الگوهای رفتاری ایران در حوزه‌های دفاعی، امنیتی، منطقه‌ای و بین‌المللی را باید به عنوان پشتوانه سیاست خارجی برای تأمین حداقل‌های راهبردی ایران دانست.

### نگاه برخی قدرت‌ها و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچون عربستان، روسیه، اسرائیل و اروپا به مذاکره ایران و آمریکا چیست؟

عربستان و اسرائیل را باید در زمره بازیگرانی دانست که نسبت به موجودیت، ساختار سیاسی و سبک قدرت در ایران واکنش نشان می‌دهند. کشورهای یادشده تمایل دارند تا ایالات متحده، محدودیت‌های بیشتری را علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال کند. چنین فرآیندی طبعاً معادله قدرت و امنیت در منطقه را تحت تأثیر قرار خواهد داد، بنابراین الگوی رفتاری عربستان و اسرائیل را باید حمایت از سیاست‌های سختگیرانه و الگوی اجبارآمیز ترامپ علیه ایران دانست. لازم به توضیح است که مایکل پمپئو نقشه راه دیپلماتیک آمریکا علیه ایران را در ۱۲ ماده تنظیم نمود. الگوی رفتاری وزیر امور خارجه ایالات متحده معطوف به افزایش فشارهای سیاسی و راهبردی علیه ایران است. طبیعی است که اسرائیل و عربستان از دیپلماسی اجبار نیز حمایت به عمل آورند. چنین رویکردی در جهت کاهش موقعیت، موجودیت و موازنه قدرت ایران محسوب می‌شود. در حالی که کشورهای اروپایی و روسیه از

دانست. واقعیت آن است که ایران و آمریکا در شرایط موجود نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای مسالمت‌آمیز برای گذار از چالش‌های موجود خواهند بود. در شرایط موجود، ایران به دیوان دادگستری بین‌المللی در ارتباط با خروج دونالد ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک شکایت کرده است.

چنین شکایتی بر اساس پیمان دوستی و مودت ایران و آمریکا در سال ۱۹۵۵ انجام گرفته است. در شرایطی که آمریکا به هوابیمای مسافری ایران شلیک کرد و ۲۸۰ ایرانی را کشت، وزارت امور خارجه به دیوان دادگستری بین‌المللی بر اساس پیمان ۱۹۵۵ شکایت کرده است. دیوان موضوع را بررسی کرد و به این صورت رأی داد که شرایط الگویی در روابط ایران و آمریکا بین سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۸۸ کاملاً متفاوت است. بنابراین فضای حاکم بر روابط ایران و آمریکا در دو دوران مختلف را نمی‌توان به گونه‌ای یکسان مقایسه کرد. در نتیجه ایران به دستاوردی از طریق شکایت به دیوان دادگستری بین‌المللی نائل نشد. من فکر می‌کنم که چنین وضعیتی در ارتباط با شکایت جدید ایران به دیوان حاصل خواهد شد.

### اگر بخواهیم وارد مذاکره شویم ایران چه کارتهایی دارد که بتواند در برابر آمریکا مذاکرات از آنها استفاده کند؟

مذاکره ایران و ایالات متحده ماهیت اجتناب‌ناپذیر خواهد داشت. همان‌گونه که گفته شد هرگونه تعارضی در روند کنش دیپلماتیک و سازوکارهای حل مسالمت‌آمیز اختلافات قرار خواهد گرفت. بنابراین دیپلماسی یکی از ابزارهای سیاست خارجی ایران برای تحقق اهداف راهبردی است. در این شرایط ایران دارای مزیت نسبی در حوزه منطقه‌ای است. اگرچه دونالد ترامپ اعتقاد دارد که میزان وابستگی ایالات متحده به نفت خلیج فارس کاهش پیدا کرده اما محدودسازی نقش و قدرت ایران در محیط منطقه‌ای به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر با او کنش روبه‌رو خواهد شد. سیاست خارجی ایران از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زیرساخت‌های لازم برای پیگیری سازوکارهای دیپلماتیک به موازات الگوهای کنش رقابتی در محیط منطقه‌ای را فراهم سازد. به طور کلی نمی‌توان واقعیت‌های قدرت، رقابت و امنیت را به گونه‌ای یک عدد جست‌وجو کرد. در چنین



## ترامپ به دنبال «پیروزی فوری» است

چرا ترامپ خواهان ملاقات با مقامات ایران است؟

طهمورت غلامی

پژوهشگر و دانش‌آموخته  
دکترای روابط بین‌الملل



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که از حوزه غیر از سیاست وارد دنیای سیاست شد، از زمان کارزارهای انتخاباتی خود تمامی توافقاتی بین‌المللی آمریکا با کشورهای دیگر را زیر سوال برده و معتقد است که روسای جمهوری پیشین توافقاتی ضعیف دو جانبه و چند جانبه زیادی را منعقد کرده‌اند که منافع ملی آمریکا در آن لحاظ نشده است. به این خاطر او وعده داد که تمامی توافقاتی چند جانبه و دو جانبه را دوباره مورد بازنگری قرار داده و آنها را به گونه‌ای اصلاح کند که منافع آمریکا تامین شود. با این تفاسیر، ترامپ چون اصلاح توافقات محیط‌زیستی پاریس را امکان‌پذیر ندانست از آن خارج شد و فشارهای خود را برای اصلاح توافقاتی تجاری با کشورهای آسیای شرقی به ویژه چین و نیز کشورهای اروپایی آغاز کرد. او حتی به اعضای ناتو فشار آورد که باید تعهدات خود به ناتو را افزایش دهند در غیر این صورت آمریکا عابر بانک ناتو نخواهد بود.

سیاست انتقاد به تمامی توافقاتی نام‌های پیشین و تلاش برای اصلاح دوباره آنها در مواردی مانند تجارت با ژاپن و کشورهای اقیانوسیه جواب داد و در مواردی مانند نفتا نیز تاکنون نتیجه‌ای نداشته است. بر این مبنای یکی از توافقاتی که ترامپ به شدت مورد انتقاد قرار داد، توافق هسته‌ای بود که برای مدت یک سال و نیم ترامپ خواهان اصلاح آن به گونه‌ای بود که به قول او منافع آمریکا تامین شود. ترامپ که از دنیای املاک وارد سیاست شد، همه چیز را بر این منطق مورد محاسبه قرار می‌دهد که آیا به لحاظ مادی به سود آمریکا است یا خیر. او به ابعاد دیگر توافقاتی مانند کمک توافقی‌ها به حفظ نظم بین‌الملل چندان توجه نمی‌کند. بر این مبنای درستی می‌گفت که توافقی برجام سود مادی و تجاری برای آمریکا نداشته است و صرفاً کشورهای دیگر از مزایای برجام منتفع شده‌اند. اینکه توافقی هسته‌ای سبب تقویت اصل عدم اشاعه شده که اصلی مورد حمایت آمریکا در حقوق بین‌الملل است اصلاً اهمیتی نداشت.

بر این مبنای ترامپ در ۸ می ۲۰۱۸ مصادف با ۱۸ اردیبهشت بعد از تلاش‌های فراوان برای اقتناع کردن ایران به پذیرش بازنگری در برجام و شکست در این مسیر از برجام خارج شد. او وعده انعقاد یک توافق جدید و جامع را داد که همه موضوعات بین ایران و آمریکا را دربر می‌گیرد. او بعد از خروج بیان کرد که مقامات ایرانی در نهایت تسلیم خواهند شد و میز مذاکره را انتخاب خواهند کرد و از این طریق او توافقی بهتر با ایران منعقد خواهد کرد. با گذشت سه ماه از خروج آمریکا از برجام تاکنون وعده دونالد ترامپ محقق نشده و مقامات ایرانی برای انعقاد یک توافق جدید و جامع اعلام آمادگی نکرده‌اند. ترامپ حتی برای نشان دادن جدی بودن فشارهای خود علیه ایران، در پاسخ به تهدید رئیس‌جمهور ایران پیام تهدید آمیزی را منتشر کرد. اما یک هفته بعد از انتشار این توثیق، ترامپ اعلام کرد که بدون پیش شرط حاضر به انجام «ملاقات» و نه «مذاکره» با ایران است. او در موضع‌گیری دیگری اعلام کرد که حس می‌کند ایرانی‌ها به زودی گفت‌وگو را خواهند پذیرفت. همچنین او در آخرین موضع‌گیری با اشاره به وضعیت اقتصادی ایران اعلام کرد که تصمیم به انجام دیدار بر عهده مقامات ایرانی است. از این تغییر موضع ترامپ این گونه بر می‌آید که او خواهان دیدار یا گفت‌وگوی فوری با ایران است.

در پاسخ به چرایی اصرار برای ملاقات با گفت‌وگوی فوری می‌توان به چند دلیل زیر توجه کرد: اول اینکه ترامپ برخلاف تیم کابینه‌اش در مذاکرات و گفت‌وگوهای سیاسی دنبال پیروزی فوری است تا از آن به عنوان یک سرمایه سیاسی در داخل آمریکا استفاده کند. وجود انتقادات زیاد علیه عملکرد ترامپ به ویژه پرونده مذاخله روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا و نیز دیدار پرحاشیه او با رئیس‌جمهور روسیه در هلسنکی، موقعیت سیاسی ترامپ در داخل آمریکا را در معرض چالش قرار داده و هرگونه اعلام آمادگی ایران برای گفت‌وگو و مذاکره به مثابه نیرویی برای تقویت جایگاه سیاسی اوست.

دوم اینکه دونالد ترامپ انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره را پیش رو دارد. در این انتخابات میان‌دوره‌ای حزب رقیب یعنی حزب دموکرات، ترامپ با چالش‌های

زیادی مواجه خواهد شد که یکی از آنها می‌تواند استیضاح رئیس‌جمهور باشد. انتشار بخش‌هایی از گزارش رابرت مولر، بازرسی ویژه پرونده مذاخله روسیه در انتخابات آمریکا مبنی بر دیدار فرزند ترامپ با وکیل روس و پذیرش آن توسط ترامپ و نیز آمادگی وکیل سابق ترامپ برای همکاری با رابرت مولر، موقعیت سیاسی ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره را به چالش انداخته است. هرچند ترامپ عملکرد موفق در عرصه اقتصادی داشته و اقتصاد، عاملی اساسی در رای‌دهی شهروندان آمریکا به حساب می‌آید، اما مردم آمریکا نسبت به تبانی یا دشمنی یا خیانت به وطن نیز حساسیت دارند. به این خاطر به منظور اطمینان از پیروزی در انتخابات پیش رو، هرگونه مذاکره احتمالی با ایران با توجه به مذاکرات جاری آمریکا و کره شمالی یک دستاورد بزرگ برای ترامپ به حساب می‌آید.

سوم اینکه ترامپ نگران هزینه‌های تحت فشار قرار دادن ایران برای پذیرش یک توافق جدید است. ترامپ به خوبی می‌داند که لازمه اثرگذاری تحریم‌ها علیه ایران این است که با حمایت کشورهای دیگر به ویژه کشورهای اروپایی همراه باشد. اگر کشورهای متحد آمریکا به ویژه کشورهای اروپایی از تحریم‌های آمریکا حمایت نکنند، آمریکا مجبور است به کشورهای متحد خود فشار بیاورد. اعمال فشار بر متحدین اروپایی نه تنها به دلیل آسیب دیدن روابط آمریکا با متحدین اروپایی بلکه مخالفت‌های داخلی آمریکا مواجه خواهد شد، بلکه ممکن است پیامدهای اقتصادی منفی برای داخل آمریکا نیز داشته باشد.

در واقع ترامپ به خوبی می‌داند به هر میزان ایران در برابر تحریم‌ها مقاومت کند به همان میزان آمریکا باید به متحدین اروپایی و حتی روسیه و چین فشار بیاورد و کشورهای اروپایی که با ایران همکاری می‌کنند را تحریم کند. اگرچه امکان پذیر است، اما بدون شک بدون پیامدهای سیاسی و اقتصادی برای ترامپ خواهد بود.

چهارم اینکه ترامپ نگران شکست وعده خود مبنی بر وادار کردن ایران به انعقاد یک توافق جدید از طریق ابزار تحریم است. شکست در این مسیر سبب خواهد شد که ترامپ به نداشتن بینش سیاسی متهم شود. این شکست ممکن است ترامپ را مجبور کند برای تحقق وعده خود به سوی گزینه‌های دیگری مانند گزینه نظامی حرکت کند که بسیار پرهزینه و با محدودیت‌های جدی داخلی مواجه است؛ لذا رئیس‌جمهور آمریکا نگران شکست در تحقق وعده خود و احتمال چرخش به سوی گزینه‌هایی است که نه مطلوب اوست و نه مطلوب جامعه آمریکا.



# چندصدایی در واشنگتن

## آیا آمریکا واقعا به دنبال مذاکره است؟



امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا

دولت آمریکا با بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران از سه‌شنبه ۱۷ اوت ۲۰۱۸، نه فقط رسماً توافق هفت کشور و نماینده اتحادیه اروپا در برجام را زیرپا گذاشت، بلکه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل مورخ ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ را نیز نقض کرد. در حالی که مستند به ۱۲ گزارش فصلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان عالی‌ترین مرجع نظارت بر فعالیت هسته‌ای کشورهای جهان، ایران به طور کامل به تمامی تعهدات خود ذیل توافق برجام عمل کرده است، لذا آئیندگان چنین قضاوت خواهند کرد که آمریکا ناقض قوانین بین‌المللی و ایران پایبند به قوانین بین‌المللی بود؛ فارغ از اینکه سرانجام جنگ اراده‌ها میان تهران و واشنگتن چه خواهد شد. البته در این میان هدف آمریکا از بازگشت این تحریم‌ها نیز جای بررسی دارد که در تبیین آن به صورت خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

### در مورد ایران

- تحت فشار قراردادن تهران با هدف گفت‌وگوی مجدد و این بار فراگیرتر از موضوع هسته‌ای.  
- اگر ایران به گفت‌وگوی مجدد تن نداد، واداشتن تهران به تغییرات مدنظر واشنگتن در داخل و خارج از ایران.  
- اگر ایران به تغییرات مدنظر آمریکا تن نداد، پیش بردن ایران تا سرحد بروز شورش و تلاش برای فروپاشی از درون.  
- اگر ایران تا سرحد فروپاشی از درون پیش نرفت، اقدام به سرنگونی نظام.

### در مورد جهان

- اثبات نقش رهبری سیاسی-اقتصادی آمریکا در جهان.  
- واداشتن متحدان و رقیب به تمکین از تصمیمات سیاسی-اقتصادی در آمریکا.  
- محروم کردن متحدان و رقیب از ظرفیت‌های اقتصادی ناشی از همکاری با ایران.  
- از دور خارج کردن ایران به عنوان عضو موثر اوپک از بازار جهانی نفت و ایجاد فرصت برای نفت شیل.  
- نظم بخشیدن به مناسبات سیاسی-امنیتی در منطقه خاورمیانه.

با توجه به اهداف ترسیم‌شده برای بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران، دور از انتظار خواهد بود بدون تحقق حداقل بخشی‌هایی از اهداف فوق، ملی‌گرایان ضدچندجانبه‌گرایی در ایالات متحده به نمایندگی دونالد ترامپ تحریم‌ها علیه ایران را کاهش دهند. مگر اینکه ایران در نظم آمریکایی منطقه حل شود و جهان، سروری ایالات متحده بر نظامات سیاسی-امنیتی-مالی بین‌المللی را بپذیرد که اصلاً قابل انتظار و پذیرش نیست. در این میان شاهد هستیم که ترامپ با وجود پیش بردن سیاست‌های سخت و سخت تحریم و فشار علیه ایران اما صحبت از مذاکره می‌کند. هدف اصلی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا از مطرح کردن پیشنهاد مذاکره با تهران رسیدن به یک توافق بزرگ با ایران و حل برخی از مشکلات ۴۰ ساله در روابط دو جانبه و منطقه‌ای است. اما

حتی اگر این اتفاق هم نیفتد و این توافقات حاصل نشود برای ترامپ یک مذاکره‌نمایشی نیز کفایت می‌کند چرا که در ایالات متحده آمریکا انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره نزدیک است و مذاکره با کره شمالی آن گونه که انتظار می‌رفت تغییر رفتار پیونگ‌یانگ را به همراه نداشت که بتواند از آن به عنوان یک دستاورد بزرگ استفاده کند. بنابراین در همین حد که دیداری میان مقامات ارشد ایالات متحده آمریکا و ایران شکل بگیرد تا ترامپ بتواند به زعم خود اعلام کند که ایران کوتاه آمده و به خواسته‌های آمریکا تن داده برای او کافی است. اما اگر این سناریو نیز شکل نگیرد، مقامات ضدایرانی در آمریکا امیدوار هستند که مشکلات اقتصادی به قدری در ایران گسترش پیدا کند که به آشوب‌های خیابانی و شورش تهیستان منجر شود و نظام بر سر یک دوراهی تن دادن به مذاکره با آمریکا یا فروپاشی از درون قرار بگیرد. ارزیابی آمریکا این است که در این سناریو، در نهایت ایران راه نجات را پیش می‌گیرد و به مذاکرات تن خواهد داد. حال بنا بر ادعای آنها شاید چنین سناریویی به سرعت رخ ندهد اما آنها معتقد هستند که در نهایت مذاکره شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی گزینه مطلوب برای جمهوری اسلامی آن است که اگر واقعا می‌خواهد با آمریکا مذاکره کند پیش از آنکه مشکلات اقتصادی بر اثر تحریم‌ها عمیق‌تر شود، پای میز مذاکرات حاضر شود تا ترامپ و تیم ضدایرانی او نتوانند مدعی شوند که ایران تحت فشار به مذاکرات تن داده است. از دیگر سو با در نظر گرفتن سیاست‌های واشنگتن در قبال تهران می‌توان گفت که دو اتفاق به شکل موازی در حال رخ دادن است. از یک سو دولت‌هایی چون روسیه، چین، هند، ترکیه و کشورهای اروپایی در سطح سیاسی قویا مخالفت خود را با تحریم‌های یکجانبه و فاقد مشروعیت آمریکا اعلام کرده‌اند و خود را ملزم به تبعیت از این تحریم‌ها نمی‌دانند ولی از سوی دیگر به موازات همین عزم جدی سیاسی در عالی‌ترین سطوح نهادها حاکمیتی در سطح جهان، به نظر می‌رسد شرکت‌های خصوصی تاب ایستادگی در برابر تحریم‌های آمریکا را ندارند. اخباری که منتشر می‌شود مودید آن است که شرکت‌های بزرگ طرف تجاری با ایران در بخش‌های سرمایه‌گذاری صنعتی، بیمه، کشتی‌رانی، حمل‌ونقل و حتی در بحث خرید نفت، یکی پس از دیگری در حال قطع همکاری با کشور ما هستند. از این جهت می‌توان گفت مناسبانه جهان یا شرکت‌های بزرگ نمی‌توانند وزن اقتصادی ایالات متحده آمریکا و اهمیت دلار را نادیده بگیرند. موارد مربوط به تحریم‌هایی که از هفته گذشته اجرایی شد، مشخص است اما تا به حال از سوی هیچ

شرکت بزرگی مشاهده نشده است که اعلام کند تحریم‌های آمریکا را نادیده خواهد گرفت. اما در مورد مسئله فروش نفت به نظر می‌رسد رایزنی‌ها ادامه خواهد داشت و تا روزی که تحریم‌ها اعمال شود، مقاومت‌هایی صورت خواهد گرفت. البته من به‌شخصه خیلی در این رابطه خوش بین نیستم. بسته به پیشنهادی ارائه‌شده توسط اروپا که هنوز خیلی جزئیات آن مشخص نشده نیز حکایت از آن دارد که جمهوری اسلامی ایران از پیشنهادات اروپا خیلی راضی نیست. لذا حتی این بسته پیشنهادی که بزرگ‌ترین اقدام عملی در برابر تحریم‌های آمریکا است نمی‌تواند مشکلات تجاری ایجادشده را رفع کند. منابع غیررسمی اعلام کرده‌اند که روسیه و چین تا کید داشته‌اند که بدون پوشش حمایتی اتحادیه اروپا قادر به ادامه مسیر نیستند. باید توجه داشت اگر دولت‌ها اعلام کرده‌اند که از تحریم‌های یکجانبه آمریکا پیروی نخواهند کرد به این دلیل است که آن را نقض حاکمیت خود می‌دانند و دلیلی ندارد که فرامین اجرایی رئیس‌جمهوری یک کشور برای کشور دیگری لازم‌الاجرا باشد. در واقع جامعه جهانی همواره از مذاکره و گفت‌وگو میان دولت‌ها و حل مشکلات از راه دیپلماتیک استقبال می‌کنند. این استقبال در تمام سطوح مذاکره حتی در مذاکرات دشواری چون آینده سوریه، بحران یمن یا آینده کره شمالی هم دیده می‌شود. اما درباره پیشنهاد مذاکره رئیس‌جمهوری آمریکا باید نکاتی را مدنظر قرار داد. طی ساعات پس از سخنرانی ترامپ، نوعی چندصدایی و تناقض و حتی با نگاهی بدبینانه نوعی تقسیم کار را میان مسؤولان ایالات متحده آمریکا مشاهده کردیم. رئیس‌جمهوری آمریکا مقابل لنز دوربین‌ها صراحتاً اعلام می‌کند که مایل است با ایران بدون هرگونه پیش‌شرط مذاکره کند، دو ساعت بعد وزیر امور خارجه آمریکا به عنوان مسئول دیپلماسی این کشور در مصاحبه‌ای ۱۲ شرط پیشین خود را در قالب سه شرط اعلام می‌کند. درباره این تناقض می‌توان دو دیدگاه را مورد بررسی قرار داد؛ دیدگاه نخست این است که ما با یک اختلاف دیدگاه مواجه هستیم یعنی میان رئیس‌جمهوری و وزارت امور خارجه تناقض نظر وجود دارد و آقای ترامپ موضوع مذاکره را به صورت فی‌البداهه و بدون نظر کارشناسی مطرح کرده باشد. در چنین صورتی بدنه دستگاه دیپلماسی از او پیروی نخواهند کرد و این سردرگمی را برای ایران در پی خواهد داشت که طرف مذاکره با ایران، آمریکای با ترامپ یا بدون ترامپ و یا آمریکای مایک پمپئو است. از منظر دیگر می‌توان گفت که مقامات آمریکایی در تلاش هستند هم‌زمان به عدم همراهی اروپا، نقش پلیس خوب و بد را میان خود تقسیم کنند. با چنین تقسیم‌بندی تکلیف جمهوری اسلامی مشخص نخواهد بود که با پلیس خوب مواجه است یا پلیس بد و بالاخره حرف چه کسی مورد قبول است؟ این وضعیت متزلزل و متناقض در سطح جهانی و حتی برای خود رسانه‌های آمریکایی هم علامت سوال است.



**اگر ترامپ موضوع مذاکره را به صورت فی‌البداهه مطرح کرده باشد، ممکن است با وزارت امور خارجه به رهبری مایک پمپئو به مشکل بخورد**

## سیاست چانه‌زنی

ترامپ از بازی کردن با حریف لذت می‌برد



سیدهمسعوده میرمسعودی

سرمدیر مجله ایرانی روابط بین‌الملل

اگر قرار باشد توضیحی درباره سیاست‌ها و رفتارهای اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به‌ویژه سیاست‌های چند هفته اخیر وی مبنی بر خروج از توافق برجام، بازگشت تحریم‌ها یا اصرار وی بر مذاکره با ایران ارائه شود، باید به روحیه و سابقه تاجر مسلکی او توجه کرد. رئیس‌جمهور آمریکا با سابقه اقتصادی خود سعی دارد همیشه محور رفتاری خود را در عملکردهای سیاسی بر مبنای قانون بازار، یعنی محوریت سود-زبان تنظیم کند و این مینار را بعد از روی کار آمدن، در بسیاری از موضوعات روابط بین‌الملل دنبال کرده است. لذا نقش مدیریت یک فرد اقتصادمحور را حتی در موضوعات کلان ایفا کرده است. معمولاً افراد اقتصادمحور در هر نقشی قرار بگیرند، محور اصلی عملکردشان سود بیشتر با هزینه کمتر است و در اکثر موارد «سیاست چانه‌زنی» پیشه می‌کنند. اهداف سیاست چانه‌زنی در اقتصاد، در راستای منفعت بیشتر با هزینه کمتر و استفاده بهینه از فرصت‌ها است و ترامپ نیز در اکثر سیاست‌های منطقه‌ای و روابط بین‌الملل خود با همان سیاست چانه‌زنی وارد شده است. بحث چانه‌زنی در حوزه سیاست نیز وجود دارد ولی بیشتر به مفهوم استفاده از فرصت‌ها برای به‌دست آوردن یک دستاورد سیاسی است. البته در بیشتر موضوعات از جمله موضوع برجام به سیاست چانه‌زنی ترامپ، یک سیاست دیپلماتیک نیز اضافه شده و آن تلفیق دیپلماسی مذاکره است. به نظر نویسندگان این تالیف را جان بولتون به این سیاست افزوده است. جان بولتون که یکی از منتقدان برجام به‌شمار می‌رود، در تحلیلی که در مورد برجام نوشته بود، طرح خروج از برجام و سپس پیشنهاد مذاکره به ایران را از سوی ترامپ مطرح کرده بود. البته از نظر بولتون، ترامپ باید مذاکره را به صورت یک طرح سیاسی دنبال می‌کرد.

این روزها شاهد هستیم که دولت ترامپ از یک مذاکره ۱۲ شرطی به یک مذاکره بدون پیش شرط رسیده است. در آخرین اظهارنظرها در این خصوص نیز مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا گفته که مذاکره با ایران در صورتی ارزش دارد که ایران به تغییر رفتار متعهد باشد.

البته من معتقد هستم سخنان ارائه‌شده از طرف آمریکا، حال چه از سوی ترامپ و پمپئو گرفته چه از سوی بولتون همه دارای معنای دوگانه و در جهت ایجاد تصور یک رابطه اصولی و دیپلماتیک در ذهن جهانیان است. از منظر داخلی نیز مقامات واشنگتن برای پیگیری منافع در داخل چنین مسائلی را مطرح می‌کنند.

اکنون این سوال مطرح است که سیاست چانه‌زنی ترامپ در مورد ایران چقدر کارساز خواهد بود؟

پاسخ به این سوال کمی پیچیده است؛ چون اولاً ترامپ دو موضوع منافع ملی و منفعت اقتصادی را در یک کاسه قرار می‌دهد که خیلی از مواقع نمی‌تواند با هم همپوشانی داشته باشد؛ در ثانی ترامپ اهل دیپلماسی پنهان نیست و در همه موارد مسیر شفاف و آشکار را پیش می‌گیرد، سوم اینکه ترامپ بعضی اوقات بازیگران تقریباً هم‌وزن خود در نظام بین‌الملل را که در نتیجه بازی‌اش دخیل هستند در نظر نمی‌گیرد. در آخر با در نظر گرفتن روانشناختی ترامپ، می‌توان گفت او از بازی کردن لذت می‌برد؛ پس با حریف خود با قصد برد بازی می‌کند و اگر احساس کند نمی‌تواند حریفش را شکست دهد بازی را به سمت خسته کردن حریف می‌برد و البته این یکی از فنون چانه‌زنی نیز محسوب می‌شود. باید توجه داشت که در طرف مقابل ترامپ در این بحث، کشور ایران قرار دارد که از نظر اقتصادی در وضعیت مناسبی قرار ندارد و همین موضوع باعث ناآرامی‌های معیشتی شده است. همچنین ایران درگیر بحران‌های مختلف از بحران ارز و گرانی کالاها گرفته تا بحران‌های محیط‌زیستی است. تصمیم‌گیری‌ها نیز در سطوح بالا کمی ناهمگن و نامشخص است و با سخنان اخیر آقای روحانی نیز مشخص شد که هنوز رایزنی در سطح بالا وجود دارد.

ایران سعی دارد با درگیر کردن و پیوند دادن مسائل دیگر مثل بستن تنگه هرمز یا متحد کردن اروپاییان، چین یا روسیه، آمریکا را وادار به عقب‌نشینی در مواضع خود کند. درباره بحث مذاکره با آمریکا نیز تمایل برای مذاکره

هم وجود دارد و هم وجود ندارد. البته همان گونه که آقای ظریف چند روز پیش اعلام کرد آمریکا این اعتماد را در ایران ایجاد نکرده که ایران با اعتماد سر میز مذاکره بنشیند و به نوعی این موضوع قابل تأیید است. به‌رحال دو طرف درگیری با این خصوصیات وجود دارند و بازی سیاسی میان تهران-واشنگتن در جریان است. در این رابطه سناریوهای متفاوتی برای آینده پژوهی می‌توان متصور بود؛ مانند اینکه ترامپ تاجر ماب در این بازی به دنبال پرستیژ خاص و مناسب برای حل موضوعاتی از این جنس است و سعی دارد کارنامه خوبی از ریاست جمهوری خود با حل بدون هزینه و خاص موضوعات کره شمالی و ایران ارائه دهد.

ولی ترامپ فراموش کرده حل موضوع ایران با این رویه که پیش گرفته، شدنی نیست. زیرا ایران به این آسانی دستاوردهای منطقه‌ای خود را کنار نخواهد گذاشت و جایگاه منطقه‌ای خود را از دست نخواهد داد.

از طرف دیگر ایران نیز این موضوع را باید به یاد داشته باشد که ملت ایران خواستار حقوق اولیه و معیشتی خود هستند و باید این حقوق را برایشان برآورد کند؛ ایران ملتی وفادار به ارزش‌های ملی و ایرانی دارد پس باید این اصل سرلوحه سیاست‌های عملکردی دولت باشد و قدر ملت خود را دانسته و این فرآیند را طوری مدیریت کند که ملت و کشور آسیب نبیند. در واقع تصمیم‌گیران ایران در این زمان حساس برای کشور و وظیفه سنگینی دارند و اندیشه و تصمیم عقلانی در این برهه از زمان مهم و تاریخ‌ساز است.

همچنین تصمیم‌گیران کلیدی کشور نباید در چانه‌زنی با آمریکا سیاست یک‌بام و دو هوا داشته باشند و اگر در پی حفظ دستاوردهای منطقه‌ای خود هستند، باید یک ائتلاف منطقه‌ای از کشورهای منطقه تشکیل دهند. همچنین در داخل باید ساختارهای اقتصادی فاسد را از بین ببرند، شفافیت اقتصادی ایجاد کنند و اجازه ندهند بین ملت و حکومت شکاف ایجاد شود و هر عملی را در راستای منافع ملی و حفظ حقوق ملت قرار دهند. در این مسیر از یک سو همراه کردن کشورهای اروپایی با سیاست‌های ایران می‌تواند بسیار کمک کند و از دیگر سو همراهی قدرت‌های بزرگ مثل چین نیز می‌تواند به صورت راهبردی در تصحیح اقتصاد و مذاکرات اصولی یاریگر باشد.



# تابوی مذاکره

## نگاه‌های متفاوت در ایران نسبت به گفت‌وگو با ترامپ



محمد علی هزبری

کارشناس روابط بین‌الملل

دونالد ترامپ، ساکن ۷۱ ساله کاخ سفید، در عمل به شعار انتخاباتی‌اش، ۸ می ۲۰۱۷ یعنی ۱۸ اردیبهشت ۹۷، خروج کشورش از توافق برجام را اعلام کرد اما ۳۱ جولای (۹ مرداد) ترامپ در نشست خبری‌اش با نخست‌وزیر ایتالیا، از مذاکره «بدون پیش‌شرط» با ایران سخن گفت. البته ترامپ در سخنرانی مربوط به خروج از برجام نیز از معامله بزرگ با ایران سخن گفته بود. تکرار درخواست مذاکره از سوی آمریکا، به بسیاری از اصلاح‌طلبان، نمایندگان مجلس و سیاستمداران، این جرات را داد که با صدای بلند و از تریبون‌های مختلف، از مذاکره با آمریکا و مزایا، معایب و شرایط آن سخن بگویند.

این در حالی است که پیشتر مذاکره با آمریکا همچون تابویی به شمار می‌رفت و حتی نامه ۱۰۰ نفر از فعالین سیاسی کشور (داخلی و مقیم خارج) ۴۰ روز بعد از خروج آمریکا از برجام، برای مذاکره بدون قید و شرط با ترامپ، (البته با موضع قدرت و لحاظ منافع ملی) انتقاد رسانه‌های داخلی را به دنبال داشت. در واقع برخی از تحلیلگران و سیاستمداران، با توجه به صبغه تجاری، بازاری و روحیه معامله‌گری ترامپ، او را برای توافق و مذاکره، حتی بهتر از او بامارزیایی کرده‌اند. حال به نظر می‌رسد، تا حدی قبح تابوی مذاکره با شیطان بزرگ، ریخته شده است. شاید همین شرایط فشار برای رئیس‌جمهور ایران مهیا کرد، تاجر مصاحبه تلویزیونی با مردم، همانند برخی از سیاستمداران، از آمادگی ایران برای «مذاکره مشروط با آمریکا» سخن بگوید. اما اکنون این پرسش مطرح است که به راستی هدف ترامپ از اعلام مذاکره بدون شرط چیست؟ آیا فقط جنبه نمایشی دارد یا اینکه دستاورد دیگری

را دنبال می‌کند؟ ورود ایران به مذاکره منفعتمحور، امکان‌پذیر است یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش‌ها باید توجه داشت اول اینکه ترامپ با اعلام مذاکره بدون پیش‌شرط سعی دارد آمریکا را از مظان اتهام دور کند. خروج از توافقی که قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت را پشتوانه خود دارد و دیگر اعضای برجام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بر اجرای بی‌کم و کاست آن از سوی تهران اذعان دارند، برای واشنگتن بدون هزینه نیست. حداقل تهدید حقوقی آمریکا به حقوق بین‌الملل و مذاکرات چندجانبه راز بر سوال برده است. لذا ترامپ با این تصور که جمهوری اسلامی به هیچ عنوان مذاکره با واشنگتن را نمی‌پذیرد، این موضوع را چند روز قبل از شروع تحریم‌ها، مطرح کرد. در این بین، اعلام آمادگی ایران برای مذاکره با آمریکا از سوی رئیس‌جمهور ایران، نقشه دولت واشنگتن را باین بست مواجه می‌کند.

دوم اینکه هرچند ترامپ از واژه «بدون پیش‌شرط» برای مذاکره با ایران، استفاده می‌کند، اما تیم سیاست خارجی او همانند مایک پمپئو، وزیر امور خارجه و جان بولتون، مشاور امنیت ملی، مذاکره را به شرایطی مشروط کرده‌اند که باید آن را ذیل مقوله «تغییر رژیم» تفسیر کرد.

مایک پمپئو، بیشتر گفته بود که «این تحریم‌ها بخشی از یک راهبرد جدید علیه ایران است که هدف از آن، تغییر رژیم نیست، بلکه منظور از آن استفاده از فشار اقتصادی و دیپلماتیک به منظور تغییر رفتار داخلی و خارجی ایران و اقلیت رهبران آن کشور در مورد ضرورت دستیابی به توافق اتمی جدید است.»

اما همان‌طور که گفته شد و طبق شروط دوازده‌گانه، منظور وی توافق جامعی است که سیاست‌های منطقه‌ای، فعالیت‌های موشکی و موضوعات داخلی و حقوق بشری را هم شامل می‌شود. لذا اگر بیشتر فقط خلع سلاح هسته‌ای توسط او باما

پیگیری می‌شد، امروز خلع سلاح متعارف و نامتعارف که شامل موشکی و سایبری هست و با حفظ چارچوب‌های قبلی، توسط تیم ترامپ پیگیری می‌شود.

از دیگر سو همه این تغییرات به منزله تغییر رفتار نیست، بلکه به مفهوم تغییر رژیم است. چرا که تغییر رفتار، به تغییر هویت منجر می‌شود.

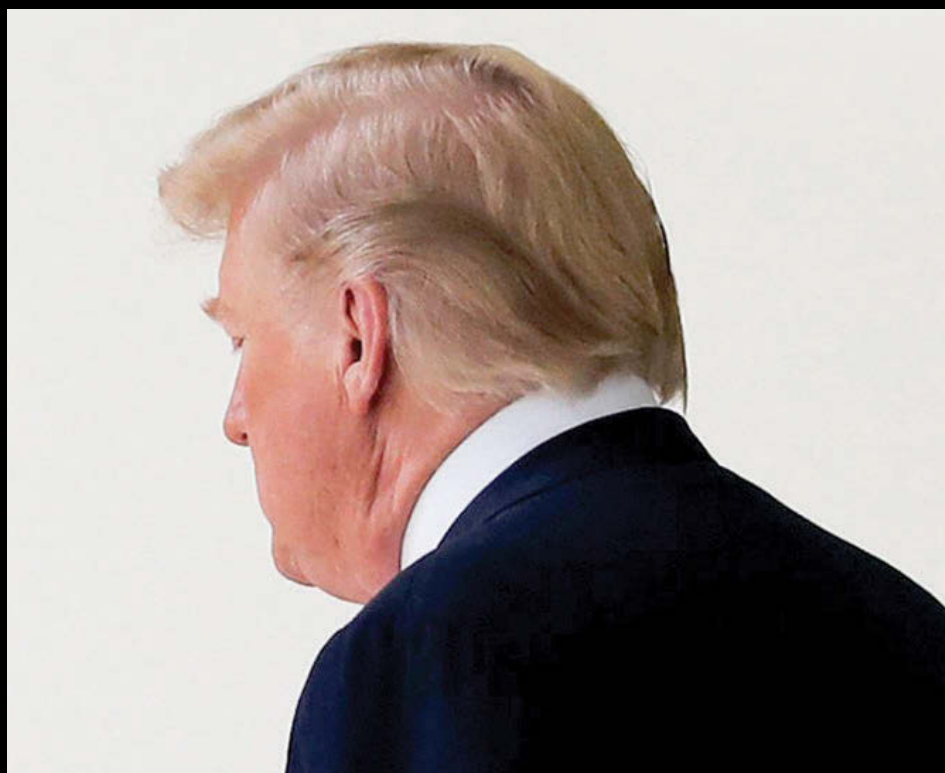
نباید از نظر داشت که تنوری استحاله جمهوری اسلامی ایران و به معنای بهتر «تغییر رژیم» بارها از سوی جان بولتون تأکید شده است.

همچنین سخنرانی مایک پمپئو برای ایرانیان مقیم آمریکا که گفته شد فقط ۲۰ درصد آنها ایرانی بودند، پیگیری اعتراضات داخلی در برخی استان‌ها، نام بردن از فساد اقتصادی و سیاسی برخی مسئولین و اشاعه اتهامات علیه دولتمردان و سیاست‌های تهران، نشان داد که واشنگتن از فشار و تحریم فلج‌کننده بر ایران برای ایجاد نابسامانی در داخل، به امید فروپاشی از درون، استفاده می‌کند. در واقع، تمامی رفتارها و سیاست‌های آمریکا در قبال ایران، همچون قطعات پازلی است که اگر تکمیل شده و نتیجه دهد، به تغییر رژیم می‌انجامد. همان‌طور که بارها اشاره شده، راهبرد نرم‌تر این استراتژی از سوی اروپا پیگیری می‌شود.

از همین رو در کنار تحریم‌های یکجانبه آمریکا که از ۱۵ مرداد شروع شده و موج دوم آن از نیمه آبان اجرا می‌شود، اروپا تصویب قانون FATF یا قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم یا مبارزه با پولشویی توسط مجلس ایران را پیگیری می‌کند.

باید تأکید کرد که FATF مکمل و ضلع دیگر قانون کاتساناست که سپاه پاسداران را متهم به تروریسم کرده و منابع مالی آن را هم پولشویی می‌داند. همچنین لایحه ایسا (ISA) یا همان قانون ۲۱ ساله داماتو، که چند ماه پس از توافق برجام و در نوامبر ۲۰۱۶، با ۴۱۹ رأی موافق و تنها با یک رأی مخالف در مجلس نمایندگان آمریکا و ۹۹ رأی موافق از ۹۹ فرد حاضر در سنای آمریکا به مدت ۱۰ سال دیگر تمدید شد، ایران را خطرناکترین حامی تروریسم در جهان معرفی می‌کند. بنابراین همه این لوایح و قوانین یکجانبه آمریکا، اضلاع دیگر

سیاست محدود‌ساز رژیم جمهوری اسلامی ایران یا همان برجام جامع هستند. کنگره آمریکا قوانین شدیدی با هدف جلوگیری از رسیدن حمایت لجسنتیکی و مالی به حزب الله لبنان، تصویب کرده است. از طرفی با توجه به اینکه حزب الله لبنان و گروه‌های مقاومت و حشد الشعبی عراق (جنبش‌النحبا، حزب‌الله عراق و عصائب اهل حق) به عنوان بازوهای منطقه‌ای ایران، از سوی آمریکا متهم به تروریسم می‌شوند، همه اینها به این معنی است که ورود به مذاکره با آمریکا و حل این مسائل بسیار دشوار است. بی‌شک در مذاکره احتمالی، موارد فوق از سوی واشنگتن، پیگیری خواهد شد. لذا ورود ایران به گفت‌وگو و مذاکره با آمریکا باید با هوشیاری کامل و بعد از تغییر مثبت در بازار داخلی، کاهش تالاطمات ارزی و اقتصادی و همچنین کاهش نارضایتی‌های اجتماعی صورت گیرد. تحولات مثبت در داخل و افزایش مقبولیت دولت و نظام سیاسی، می‌تواند ضمن ایجاد پشتوانه برای نظام سیاسی، کشور را در موضع بالاتری نسبت به این روزها قرار دهد. نکته دیگر اینکه باید بپذیریم تعهد مکتوب و حقوقی، به مراتب سخت‌تر است. لاجرم در توافق نیز آمریکا دست بالاتر را خواهد داشت. آمریکا به راحتی می‌تواند بدون هزینه، تعهد شکنی کند. اما طرف دیگر تعهد یعنی ایران، ضمن اینکه باید به بند بند توافق متعهد باشد، هزینه‌گزافی برای عدم اجرای تعهدات می‌پردازد.





## میرداماد به داد فردوسی رسید

قیمت ارز پس از بسته جدید ارزی کاهش شدیدی داشت



تجزیرات، هم قوه قضائیه، هم بازرسی و همه اینها در کنار هم باید با هم همکاری کنند تا این قیمت به دست مردم برسد تا مردم خیالشان نسبت به ضروریات زندگی راحت شود. وی در ادامه در خصوص آینده کنترل ارز دولتی گفت: «در گذشته چند هزار قلم کالا بود و کنترل آن بسیار سخت بود. ما هم می‌خواستیم کنترل کنیم و خیلی از پرونده‌ها هم آماده شده است. اقدام الان محدود است و وزارت جهاد کشاورزی ما می‌گوید من برای کنترل مشکلی ندارم و تمام چیزهایی که برای پروتئین است، مانند ذرت، جو، کتجاله باید و اینها هم برای دامپروری‌های داخلی باید وارد شود، مشکلی نیست و با همین ارز خواهد بود.»

روحانی افزود: «ارز در این شرایط به مواد غذایی مردم و بخش پروتئین تعلق می‌گیرد. کنترل این خیلی آسان‌تر است. این بخش بین ۱۵ تا ۲۰ میلیارد تومان در سال بودجه نیاز دارد و دولت به آن متعهد است. بانک مرکزی این پول را با این قیمت ثابت پرداخت می‌کند. تا پایان فروردین سال آینده با همین ۴۲۰۰ تومان خواهد بود و تغییر نخواهد کرد.»

وی با بیان اینکه باقی ارز به داخل یک بازاری می‌آید و این قیمت را بازار تعیین می‌کند، گفت: «در اواخر بسته قبلی این طرح آمد و تحت عنوان «بازار دوم» بود منتها اشکال آن این بود که ارز همه صادرکنندگان نمی‌آمد و برخی از صادرکنندگان ما ارزششان به این بازار می‌آمد. برنامه‌ریزی این است که تمام ارز صادرات غیرنفتی ما داخل این بازار بیاید. هرچه صادرات غیرنفتی داریم که حالا در سال حدود ۴۰ یا ۵۰ میلیارد است، به داخل این بازار می‌آید. تصمیم گرفتیم حتی فرآورده‌های نفتی نیز به داخل این بازار بیاید.»

رئیس‌جمهور با بیان اینکه بازار بزرگی ایجاد خواهد شد، افزود: «یک رقم بزرگ ارزی وارد می‌شود. حالا چه کسانی می‌توانند از این استفاده کنند؟ چارچوب آن هم تعیین شده که وزارت صمت باید ببیند چه چیزی برای کشور لازم است.»

وی با اشاره به اعلام لیست به عنوان اقدام ممنوعه گفت: «آن لیست سَر جای خود است و الان برداشته نمی‌شود تا ببینیم در آینده شرایط چه می‌شود.» روحانی با تأکید بر اینکه یکسری اقدام ممنوعه است، تصریح کرد: «آن اقدامی که آزاد است بر اساس ثبت سفارش خواهد بود. بر مبنای چارچوبی که برای وزارت صمت مشخص شده، به بانک مرکزی اعلام خواهد شد و بانک مرکزی آن ارز را در اختیار آنها قرار خواهد داد. بنابراین ارز به این صورت در خواهد آمد. بخشی از آن، ارز ۴۲۰۰ تومانی است که به باقی می‌ماند و ما به آن متعهدیم و بخش دیگری در بازار آزاد عرضه می‌شود. بازار آزاد در روزهای آینده قیمت را مشخص می‌کند.»

رئیس‌جمهور با اعلام اینکه طرح از فردا اجرا می‌شود، گفت: «بخش‌هایی نیز وجود دارد که ممکن است اجرای آن تا دو، سه روز به طول بینجامد. بازار خودش را پیدا خواهد کرد. ارز در بازار آزاد نرخ پیدا خواهد کرد.»

وی با بیان اینکه دولت وارد نرخ بازار آزاد نمی‌شود، اظهار کرد: «به این دلیل که ما همه ارز صادراتی را در این بازار می‌آوریم، با عرضه و تقاضا کنترل می‌شود.» روحانی تصریح کرد: «چون فعالیت صرافی‌ها و ورود اسکناس و طلا از این هفته آزاد می‌شود و حتی بدون گمرک و مالیات بر ارزش افزوده است، یک مقدار تسهیل می‌شود. صرافی‌ها می‌توانند در چارچوبی که بانک مرکزی به آنها اعلام می‌کند، ارز را در اختیار متقاضیان قرار دهند. بانک مرکزی باید موارد را مشخص کند. ۳۶ مورد نیازمندی‌هایی است که مردم نیاز دارند و از قبل مشخص شده است.»

ذخایر بانک مرکزی است و ان‌شاءالله بهتر از این شود. وی در پاسخ به این سوال که چه کالاهایی در این بازار می‌توانند ارز مطالبه کنند؟ گفت: «آنهاهی که در وزارت صمت ثبت سفارش می‌شوند در این بازار می‌توانند تأمین اعتبار کنند.» رئیس کل بانک مرکزی در ادامه تأکید کرد که ارز ۴۲۰۰ تومان اصلا دست تولیدکننده نمی‌رسد؛ هرچه نرخ دستوری باشد، در آن رانت و فساد خواهد بود. خیلی‌ها گفتند که درست است این نرخ ۴۲۰۰ تومان است ولی ما ۱۵۰۰ تومان بالاتر می‌گیریم و می‌دهیم.»

## نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی تغییر نمی‌کند

بعد از همتی نوبت روحانی بود که از بسته جدید اقتصادی بگوید. او در گفت‌وگوی زنده تلویزیونی گفت: «در جلسه دولت به وزیرا گفتیم که ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی حداقل تا فروردین ۹۸ ادامه خواهد داشت.»

وی ادامه داد: «تعریف کالاهای اساسی در فهرست جدید قدری بازتر از قبل شده و حیوانات و شویونده‌ها نیز اضافه شده است؛ ارزی که پرداخت می‌شود باید به طور شفاف به مردم گفته شود که به چه کسانی و به چه میزان پرداخت می‌شود و قرار است چه کالاهایی وارد کنند و تا رسیدن آن کالا به دست مصرف‌کننده همه اعم از دولت و تجزیرات باید نظارت کنند.»

روحانی با بیان اینکه مردم باید اعتماد داشته باشند که نوسانات ارز تأثیری روی قیمت آن فهرست نخواهد داشت، تصریح کرد: «با یک اعتماد و اطمینانی نسبت به آینده می‌توان نگاه کرد و در جلسه هیأت دولت به وزیرا گفتیم که ارزی که برای کالای اساسی ۴۲۰۰ تومان است و از فردا اجرا خواهد شد، این ادامه خواهد داشت؛ حداقل مردم باید بدانند تا پایان فروردین سال آینده این نرخ برای کالاهای اساسی دست نخواهد خورد. کالای اساسی یک مقدار بازتر از آن کالاهای اساسی معروف در ذهن مردم است.»

وی ادامه داد: «گوشت، برنج، ماست، پنیر و... از قبل کالای اساسی بود و ما حیوانات را هم اضافه کردیم. شویونده‌ها را هم اضافه کردیم و یک مقدار کالاهای اساسی را بازتر کردیم که فهرست آن به بانک مرکزی اعلام شده و «صمت» ما باید به مردم اعلام کند تا مردم بدانند و ارزی که داده می‌شود، باید به صورت کامل به مردم گفته شود.»

رئیس‌جمهور با بیان اینکه باید به مردم گفت که مبلغ ۴۲۰۰ تومان به چه کسانی ارز داده شده است؛ تصریح کرد: «شرکت دولتی و شرکت خصوصی بوده و بناست چه کالایی بیآورند و قرار ما با وزیرا این بوده است که این ارز ۴۲۰۰ تومانی که پارانهای نیز است تا رسیدن به دست مصرف‌کننده، همه نظارت کنند.»

روحانی گفت: «هم دستگاه‌های نظارتی دولت، هم

بالاخره بعد از بحران و چالش عجیبی که در بازار به وجود آمده بود، بسته اقتصادی دولت رونمایی شد. بسته‌ای که باز نشده تأثیر خودش را در بازار گذاشت و موجب سقوط آزاد قیمت‌ها شد.

آنچه رخ داد این بود که بعد از رفتن سیف از بانک مرکزی و آمدن همتی قرار بر این شد که دولت بسته جدید را برای تغییرات در بازار اعلام کند.

این تصمیم البته همزمان شد با افزایش عجیب و غریب قیمت‌ها در بازار. هرچه بود بالاخره همتی با حضور در رسانه ملی اعلام کرد که قرار است چه تغییراتی رخ دهد.

رئیس کل بانک مرکزی اجرای بسته جدید ارزی را نوبدبخش ثابت در بازار ارز دانسته و گفته است: «ما یک بازار خواهیم داشت؛ دغدغه مهم مقام رهبری و رئیس‌جمهور این است که کالاهای اساسی و دارو با قیمت ثابت و بدون افزایش نرخ به دست مردم برسد. این دغدغه رئیس‌جمهور بود و در تمام جلسات به این موضوع تأکید می‌کرد.»

لیست‌های مربوط به کالاهای ضروری که از کالاهای اساسی نیز جلوتر است، دارو و هر آنچه در گروه ضروری مردم قرار دارد باید با ارز ۴۲۰۰ تومانی تأمین شود. تا فروردین ۹۸ هم نرخ این ارز نباید تغییر کند. این دستور رئیس‌جمهور است. «همتی درباره اینکه چه تضمینی وجود دارد که تخلفی در این زمینه وجود نخواهد داشت؟ تصریح کرد: «این اتمام حجت رئیس‌جمهور با مسئولان مربوطه است و آنها قول داده‌اند که نظارت داشته باشند تا تخلفی در زمینه تخصیص ارز دولتی به کالاهای اساسی مردم رخ ندهد.» رئیس کل بانک مرکزی در واکنش به اینکه قبلاً در بازار ثانویه و بازار اول تخلفاتی در حوزه تخصیص ارز دولتی رخ داده بود، اظهار کرد: «چون حجم کالا زیاد بود کنترل هم سخت بود ولی برای اینکه کنترل کارآمد باشد ارز دولتی محدود به کالاهای اساسی و ضروری مردم، شد.» این عضو کابینه دوازدهم، در تشریح سیاست دولت در بازار ثانویه ارز گفت: «بازار دوم عمق خیلی زیادی خواهد داشت و مثل قبل نیست. قبلاً قرار بود ۲۰ درصد ارز صادراتی‌ها به این بازار برود ولی نشد.» همتی در پاسخ به این سوال که چه کسانی باید ارز خود را به بازار ثانویه بیآورند؟ تصریح کرد: «یک بخش واردکننده‌ها هستند که غیر از کالاهای اساسی و ضروری باید ارز خود را به بازار ثانویه بیآورند.»

به گفته وی، عرضه ارز پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها، فلزات رنگی، گاز، فرآورده‌های نفتی در بازار ثانویه خواهد بود که براساس عرضه و تقاضا خواهد داد.

## نرخ ارز بازار ثانویه چند است؟

همتی درباره نرخ ارز در بازار ثانویه گفت: «ما در نرخ دخالت نخواهیم کرد فقط در مواردی که احساس کردیم ضرورت است وارد می‌شویم.» رئیس کل بانک مرکزی در پاسخ به این سوال که چه تضمینی وجود دارد صادرکننده‌ها از خود را وارد بازار کنند؟ تصریح کرد: «دوره اول صادرکننده‌ها این کار را نکردند و اشتباه هم کردند.» در این دوره مابه‌التفاوت را از آنها می‌گیریم و حتماً باید به خزانه برگرداند. تمهیداتی را رئیس‌جمهوری اتخاذ کرده و صادراتی‌ها در این بازار حضور جدی خواهند داشت. او در پاسخ به این سوال که چطور واردکننده‌ها مطمئن شوند که گران نخریده‌اند؟ افزود: «خیلی بد است من بخواهم درباره نرخ حرف بزنم؛ نرخ را باید بازار تعیین کند. نرخی که در این بازار شکل خواهد گرفت به خاطر وزن زیادی که دارد، تحت تأثیر قرار می‌گیرد.» همتی تأکید کرد: «امیدواریم نیازی به دخالت در بازار نداشته باشیم و بانک مرکزی ذخایر خود را اضافه کند؛ سیاست من اضافه کردن

# این سیاست درست است

## آیا بازار به ثبات می‌رسد؟

یحیی آل اسحاق

رئیس سابق اتاق بازرگانی  
تهران



در واقع طبق حدسی که زده می‌شود به دلایل و واقعیت‌های اقتصادی به خوبی عمل شد، شروع خوبی داشت و بازار عکس العمل مناسبی نشان داد. به این ترتیب که کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم که حدود ۲۵ قلم کالا است با ارز ۴۲۰۰ تومانی اعلام شد و نهایتاً با وعده‌های رئیس جمهور این نرخ به همین مقدار تا فروردین ۹۸ ثابت است و وزرا مسئول شدند که تا آخرین حلقه‌ای که به دست مردم می‌رسد، مورد نظارت و پیگیری قرار گیرد. این روند که از زبان رئیس جمهور آن هم باین قاطعیت مطرح شد، آرامشی به بازار تزریق کرد. همان طور که در عمل دیدیم به مجرد اینکه دو تا از پتروشیمی‌ها آمدند و مقداری از ارزها وارد بازار شد، قیمت ارز به حدود هشت هزار و ۷۰۰ تومان رسید و الان شاید خریداری هم نباشد. اگر این روند ادامه یابد، به جایی می‌رسد که باید باشد و خیلی پایین‌تر از نرخ کنونی است. آن هم دقیقاً در روزی که انتظارات روانی از اعمال تحریم‌های آمریکا می‌رفت و به رغم اعمال تحریم‌ها نتیجه بر عکس و عملیاتی شد. این نشان می‌دهد که سیاست اعمال شده، درست است و آثار خودش را در همه حوزه‌ها دارد. مثلاً قیمت بعضی از خودروهای داخلی بین ۵ تا ۷ میلیون تومان پایین آمد و به همین ترتیب در بقیه نیازها. مهم‌تر از نرخ، فضای روانی است که در جامعه ایجاد می‌شود. بالاخره باید به مردم حق داد که وقتی نگران می‌شوند، عکس العمل احتیاط از خود نشان می‌دهند. خانم خانه‌داری که از جهت تامین آتیه نزدیک خود نگران برنج، روغن و شوینده می‌شود، نگرانی خود را با تقاضای بیشتر جبران می‌کند اما می‌بینیم که کم‌کم آرامش حاکم می‌شود و جلوی سوءاستفاده هم گرفته می‌شود. در مجموع آنچه ظرف این چندروز با سیاست‌های جدیدی که هم رئیس جمهور و هم رئیس جدید بانک مرکزی اعلام کردند، اتفاق می‌افتد چنانچه ادامه یابد، آثار مثبت خود را خواهد داشت. فراموش نکنیم همان طور که این به نفع اکثریت جامعه سامان می‌گیرد عده‌ای هم ضرر می‌کنند. یعنی آنها که انتظار داشتند دلار بالاتر برود و حتی تا ۲۰ هزار تومان هم برسد، ناکام ماندند. در نهایت اگر این سیاست اعلامی و اعمالی

ادامه پیدا کند و روز به روز روان‌تر شود، قطعاً شروعی است که آتیه خیلی بهتری خواهد داشت. مگر اینکه نیروهای ذی نفع بازدارنده آثار نفوذی خود را چه در سیستم‌ها و احدهای اقتصادی دولتی و چه در فضای عمومی به گونه‌ای دوباره بازی کنند که سیستم را به هم بزنند. به عنوان مثال اگر در پتروشیمی‌ها یا فولادها ذی نفوذ باشند که یک قسمت آن خصوصی و قسمتی هم دولتی است، اعمال قدرت کنند و عرضه نکنند یا به گونه‌ای وارد شوند که فضای روانی جامعه را ملتهب کنند، چون فشار روانی است، اثر منفی خواهد داشت ولی امیدوارم باین فضای عمومی ایجاد شده و مراقبت دولت تا جایی که بازار روی ریل بیفتد و واقعا عرضه و تقاضا نقش خود را داشته باشد، واقعیت‌های اقتصادی ما همین طور که دولت محترم اعلام کرد نشان می‌دهد که از نظر تامین ارز نگرانی نداریم. یعنی اگر واقعیت ارزی کشور را در نظر بگیریم که از نظر صادرات درآمد ارزی مان غیر از نفت، بین ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار است و درآمدهای نفتی را هم به رغم همه تحریم‌ها در نظر بگیریم در کمترین حالت ۵۰ میلیارد دلار درآمد خواهیم داشت. از آن طرف موجودی مان در حساب‌های خارجی بین المللی حدود ۱۲۰ میلیارد دلار است هر چند قدرت مانور و امکان استفاده کمتری داریم اما مجموعاً حدود ۲۰۰ میلیارد دلار تا پایان سال ۹۷ امکان عرضه درآمد ارزی داریم و از آن طرف تقاضای ارزی مان برای کالاهای اساسی ضروری ۲۵ قلم طبق روند ۱۰ ساله، حدود ۱۲۵ تا ۱۵۰ میلیارد دلار بیشتر نیست. حتی اگر ۵ میلیارد دلار هم بقیه نیازهای ارزی اعم از دانشجویی و بیماران در نظر بگیریم، حدود ۲۰۰ میلیارد دلار بیشتر احتیاج به این نوع ارز نداریم. در واقع حداکثر ۵۰، ۶۰ میلیارد دلار هزینه ماست که در مقابل ۲۰۰ میلیارد دلار، عرضه و تقاضایی را رقم می‌زند که قطعاً قیمت را پایین آورده و این فضای ملتهب را به دلایل واقعیت‌های اقتصادی آرام می‌کند، مگر اینکه در این میان، فضای غیراقتصادی بر جریانات حاکم و سوءاستفاده‌هایی شود و تقاضاهای متعدد دیگری در بازار وارد شود و جو روانی ویژه‌ای حاکم شود و خدای ناکرده در عزم خوب دولت نفوذ کنند و نگذارند که تصمیم بگیرد. در واقع اگر عوامل اقتصادی نقش بازی کند، دلار و سکه به مراتب پایین‌تر آمده و به تبع آن کالاهای دیگر تأثیر می‌پذیرند و از التهاب کاسته می‌شود و شرایط عادی را شاهد خواهیم بود.

### تأثیر در بازار چگونه بود؟

اما چهارشنبه در بازار دوم بعضی پتروشیمی‌ها که عمده‌ترین عرضه‌کنندگان در این بازار بودند، ارز خود را به قیمت ۸۰۷۴ تومان فروختند. حجم معاملات امروز در بازار دوم افزایش یافت و میزان عرضه و تقاضا به طور قابل توجهی افزایش یافت.

در این روز بعضی پتروشیمی‌ها که عمده‌ترین عرضه‌کنندگان ارز در این بازار بودند، درهم را به قیمت ۲۲۰۰ تومان عرضه کردند. البته تقاضا برای بهایی بالاتر از ۲۲۰۰ تومان هم وجود داشت.

با توجه به اینکه نسبت برابری درهم به دلار ۳/۶۷ است، بنابراین ارزش بهای دلار امروز در بازار دوم در اولین روز پس از ورود صادرکنندگان غیرنفتی معادل ۸ هزار و ۷۴ تومانی بوده است.

روند معاملات در بازار دوم ادامه دارد اما با توجه به معاملات انجام شده و سهم بالای این بازار از کل معاملات، به نظر می‌رسد قیمت ارز در صرافی‌ها به تبع ارز در این بازار، کاهش یابد.

همچنین بر اساس گزارش ایلنا و طبق دستور جدید بانک مرکزی صرافی‌ها پس از چند ماه ممنوعیت به خرید و فروش ارز خواهند پرداخت. بر همین اساس از صبح سه‌شنبه، تعدادی از صرافان از همان اوایل روز اقدام به آماده کردن محل کسب خود کرده‌اند.

یکی از صرافان با استقبال از امکان مجدد خرید و فروش ارز گفت: «خرید و فروش ارز از طریق صرافان علاوه بر برطرف کردن نیاز مشتریان می‌تواند در شفاف‌سازی بازار کمک کند و از معامله خیابانی آن جلوگیری کند. باید پذیرفت صرافان نیاز جامعه هستند که در پوشش تقاضای مسافران، دانشجویان و بیماران بهتر از قاچاقچیان عمل می‌کنند.»

وی ادامه داد: «در روزهای اخیر هم صحبت‌های رئیس جمهور و رئیس جدید بانک مرکزی در بازار تأثیر مثبت داشته و قرار است در چند روز آینده کانون صرافان جلسه‌ای را در مورد فعالیت این صنف برگزار کند.»

نکته قابل تأمل بازار امروز، حضور تعدادی از دلالان از همان اوایل صبح در خیابان فردوسی بود. به طوری که نرخ هر دلار آمریکا با کاهش در بازار در محدوده ۸ هزار و ۸۰۰ خرید شد اما بین ۹۱۰۰ تا ۹۲۵۰ به فروش می‌رسید. در بازار آزاد سکه تمام بهار آزادی طرح جدید با کاهش قیمت نسبت به روز قبل ۳ میلیون و ۳۲۸ هزار تومان و سکه تمام بهار آزادی طرح قدیم ۳ میلیون و ۵۱۰ هزار تومان معامله شد.

هر قطعه نیم بهار آزادی شاهد کاهش قیمت بود به نحوی که در بازار آزاد هر قطعه نیم سکه بهار آزادی یک میلیون و ۶۱۰ هزار تومان، ربع سکه ۸۴۰ هزار تومان و هر قطعه سکه گرمی ۴۸۰ هزار تومان فروخته می‌شد.

هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۲۶۶ هزار و ۵۰۰ تومان ارزش گذاری شده بود، ضمن آنکه هر اونس طلا در بازارهای جهانی با قیمت ۱۲۱۳،۴ دلار معامله می‌شود.







## فعلا؛ سوپسید

### دولت چگونه باید اقتصاد را هدایت کند؟

مجید رضا حیرری

نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین



شرایط پیش رو را نمی‌شود به شکل دقیق تحلیل کرد. برخی مسائل باید اتفاق بیفتد تا بتوان در مورد آن تجربه بیشتر سخن گفت. اما در مورد حضور آقای همتی، رئیس جدید بانک مرکزی و برنامه‌های جدید ارزی می‌توان مسائلی را بیان کرد. اول اینکه ما پذیرفته‌ایم که در گذشته اشتباهاتی داشته‌ایم. پذیرش اشتباه جزو مسائل خوبی است که قبلا نبود و در مورد آن سخن گفته نمی‌شد، یعنی سابقه‌اش را نداریم. همین که اشتباه گذشته پذیرفته شده یک نمره مثبت است که باید به او بدهیم ولی به نظر می‌آید بهتر است که کسانی که آن موقع در مورد ارز ۴۲۰۰ هزار تومانی یا ارزی که به ارز جهانگیری معروف شد صحبت کردند، یعنی خود آقای رئیس‌جمهور یا آقای جهانگیری این اشتباه را بپذیرند و آن را مورد ارزیابی قرار دهند و از ملت به خاطر اشتباهی که شده عذرخواهی کنند.

تصمیم به باقی ماندن دلار دولتی ۴۲۰۰ تومانی تا پایان فروردین ۹۸ برای کالاهای اساسی اگر یک ساختار منسجمی وجود داشته باشد - که البته معتقدم فعلا وجود ندارد - می‌توان آن را مناسب دانست. یکی اینکه آیا کنترل آن عملی است؟ آقای همتی گفتند وزرای مربوطه مانند بهداشت، صنعت و جهاد کشاورزی قول داده‌اند آن

را عملی کنند. بعید می‌دانم با قول عملی شود؛ نظارت و کنترل آن واقعا سخت است. منطقی‌تر این است که ما همان کالاها را اساسی و ضروری را هم با ارز آزاد وارد کنیم و این سوپسید را به واردکنندگان ندهیم اما رقم آن را به طور مستقیم به مردم بدهیم به خصوص به هفت دهک ضعیف‌تر جامعه.

به نظر من اگر دولت قرار است که یک سوپسید یا رفتار حمایتی داشته باشد، این حمایت باید به مردم برسد. با یک محاسبه سرانگشتی، با پرداخت سوپسید مستقیم به جای سوپسید دولتی در مبادا واردات، پارانه فعلی را می‌توان به سه تا پنج برابر رساند. اتفاق خوبی که پس از این موضوع می‌تواند رخ دهد این است که مردم این پول را به بازار آورده و کالا می‌خرند. به هر حال ما باید پیه یک تورم ۲۵ درصد را به تن خود بمالیم؛ چه بهتر که با این کار، زهر رکود را کم کنیم. این موضوع به یک عزمی احتیاج دارد. چون سابقه پرداخت سوپسید به طور مثال در مورد مرغ یا نان، سابقه خرابی بوده، سیاستگذار و مجری هم برای این کار دست و دلش می‌لرزد. به هر حال می‌توان از همین تجربه پریراد سوپسیدهای نقدی هم استفاده کرد.

هر کسی که طرفدار اقتصاد منطقی است، منطقا سوپسید را تشویق نمی‌کند اما الان در شرایط اضطرار هستیم. طبقات ضعیف جامعه به شدت آسیب می‌بینند و این آسیب‌پذیری، تولید و اشتغال ما را زیر سوال می‌برد. اینکه مقوله‌ای به نام بازار را برای ارز به رسمیت شناخته‌اند، این نکته مثبتی است، ولی نکات منفی را هم در حال حاضر می‌شود ارزیابی کرد؛ یکی راتی

برای پتروشیمی‌ها وجود دارد که تکلیفش معلوم نیست و نمی‌دانم می‌خواهند با پتروشیمی‌ها چه کار کنند. ممکن است پتروشیمی‌ها و سایر نگاه‌های خصوصی، یعنی به خصوص پتروشیمی‌ها، چون تامین کننده مبلغ بزرگی از ارز در کشور هستند، اینها دارند خوراک‌شان را با دلار ۳۸۰۰ تومانی با دولت تسویه می‌کنند، بعد دلارشان را ببرند در بازار آزاد و بفروشند، این خیلی منطقی به نظر نمی‌آید. در این باره حداقل کار صحیح این است که یا از آنها تضمین بگیرند که قیمت خوراک را تسویه ریالی نکنند؛ یا اینکه تسویه‌اش بر اساس قیمتی باشد که ارزشان را در بازار می‌فروشند، یعنی قیمتی که در بازار آزاد اعلام می‌شود. یک خطر بزرگ‌تری هم که وجود دارد که باعث شکست سیاست قبلی دولت شد، امتناع پتروشیمی‌ها از عرضه روان و مستمر دلار در بازار بود. ما وقتی می‌گوییم قیمت ارز را بازار تعیین می‌کند، آن وقت بازار یک مشخصاتی دارد. شما اگر یک ترم اقتصادی یا یک کتاب اولیه پایه اقتصاد بخوانید، می‌گویند عرضه و تقاضا، یعنی این دو تا، پایه اصلی بازار را تشکیل می‌دهد. ما هر جا می‌گوییم بازار یا قیمت را به بازار می‌دهیم، داریم راجع به عرضه و تقاضا صحبت می‌کنیم. در کنار این چیزی وجود دارد به نام انحصار و شکست بازار.

وقتی که شما بیش از ۸۰ درصد ارزها پتان را که بخواهید در بازار دوم ارائه کنید، دست شرکت‌هایی است که یا دولتی هستند یا خصوصی، یعنی به هر حال مدیران دولتی بالا، بالای سر آن هستند، یعنی ۸۰ درصد این بازی را چند ده شرکت دارند اداره‌اش می‌کنند و ۲۰ درصدش را چند هزار شرکت. زعفران، صنایع دستی، پوست و روده، پسته و خشکبار، اینها همه روی هم رفته می‌شوند هفت، هشت، ده میلیارد دلار و تا رقم ۴۵ میلیارد دلار، الباقی اش صادرات غیرنفتی ما دست خصوصی‌هاست. حالا اگر این خصوصی‌ها انحصاری ارزی که به بازار عرضه می‌کنند را کم یا زیاد کنند، می‌توانند قیمتی که خروجی آن بازار است را تغییر دهند، بالا ببرند یا پایین بیاورند. اینها چیزهایی است که باید هم هشدارش را داد و هم ایستاد که ببینیم به هر حال سیاست‌گذار راجع به آن فکر کرده است یا نه.

اما اینکه آیا این روند، روند امیدوارکننده‌ای است، بله نسبت به سه ماهه گذشته، روند مثبتی است. اینکه دلار دیگر قاچاق نباشد موضوع مهمی است. دلار قاچاق نباشد، با اینکه نظارت نباشد، دو موضوع است. ما نمی‌توانیم بگوییم خرید و فروش ارز خارجی قاچاق است؛ این حرف درست نیست، کما اینکه در سه ماه گذشته به آن عمل هم نشده. اما نمی‌توانیم بگوییم که مساله غیر شفاف باشد؛ یعنی در هیچ جای دنیا مبادلات مالی غیر شفاف حق ندارد انجام شود، باید قابل پایش و قابل نظارت باشد.

همچنین باید به روند شکل‌گیری و مسائلی که در بازار دوم وجود دارد باید توجه شود. معنی این بازار دوم چیست؟ ما از این به بعد دو بازار داریم. یک؛ بازاری که دولت ارز حاصل از نفتش را به کالاهای اساسی، یعنی کالاهای ضروری تخصیص می‌دهد و دو؛ بقیه که باید بروند در بازار آزاد که بازار دوم نام گرفته است. حالا مکانیزم‌های نظارتی بر این بازار دوم خیلی مهم است، یعنی باید هر نوع سیاست‌گذاری ارز منجر به خروج سرمایه از کشور نشود، یعنی هر کسی که درآمد ارزی دارد، موظف باشد درآمد ارزی‌اش را داخل کشور برگرداند و دوم اینکه خرج قاچاق کالا نشود، یعنی ارز حاصل از صادرات، تامین کننده ارز برای قاچاقچیان نشود. اینها چیزهایی است که باید مکانیزم‌هایش تعریف شود و چون تعریف نشده، الان نمی‌توانیم راجع به آن نظر دهیم.



## کی روش بهتر است یا دالیچ؟

برانکو ایوانکوویچ از پیشنهاد فدراسیون ایران به دالیچ خبر داد





را بر عهده داشت و آن چیزی نبود جز صعود به جام جهانی ۲۰۱۸. کرواسی با هدایت دالیچ مقابل یونان قرار گرفت و توانست در بازی رفت و برگشت با نتیجه قاطع ۴-۱ یک دیگر تیم اروپایی را شکست دهد و خود را به روسیه برساند. با شروع جام جهانی کمتر کسی کرواسی را یکی از مدعیان جام جهانی می دانست. حتی برخی معتقد بودند آنها توانایی صعود از گروه خود را ندارند. اما کروات ها در دیدار اول برابر نجریه قرار گرفتند و با ارائه یک نمایش برتر اولین سه امتیاز را دشت کردند. اما اوچ کار آنها مسابقه با آرژانتین بود. این تیم با اتکا به تاکتیک برتر خود مسی و یارانش را در هم کوئید و حضور در مرحله حذفی جام جهانی را تجربه کرد. زلاتکو دالیچ با بهره گیری از نوع ذاتی خود علاوه بر اینکه توانست یک انعطاف تاکتیکی در کرواسی ایجاد کند، یک همدلی و حس جنگجویی را در آنها به وجود آورد، به طوری که کروات ها در دو بازی مرحله حذفی بازی باخته را با برد عوض کردند و به فینال جام جهانی صعود کردند و حالا تیم دوم جهان به حساب می آیند. حالا همگان برای کرواسی که حاصل دسترنج دالیچ است احترام قائل هستند و از همین حالا آنها را یکی از مدعیان یورو ۲۰۲۰ می دانند. اما در سوی مقابل کارلوس کی روش حضور دارد. آن سوی میدان مبارزه تبلیغاتی؛ جایی که عده ای دالیچ را بهتر می دانند و عده ای کی روش را مربی برتر برمی شمردند و تاکید دارند این مربی پرتغالی باید در فوتبال ایران حفظ شود. شاید در مقام مقایسه حق با حامیان کی روش باشد. آنجا که وقتی کارنامه مربیگری کی روش را نگاه می کنیم، دو دوره دستیاری الکس فرگوسن در منچستر یونایتد و دو دوره سرمربیگری تیم ملی پرتغال بوده است همچنین مربیگری وی در رئال مادرید در فصل ۲۰۰۴-۲۰۰۳ موضوعی نیست که بتوان به راحتی از کنار آن عبور کرد. هرچند او سابقه مربیگری در جی لیگ (ژاپن) و ام ال اس (ایالات متحده آمریکا) را نیز دارد. مربی که به شدت مورد حمایت مدیران فوتبال ایران قرار دارد. تا جایی که وقتی بازار شایعات درباره جانشینی دالیچ به جای کی روش داغ شد، مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال ایران به صراحت گفت: «جلسه با کی روش موفقیت آمیز بود و توافق کردیم او تا پایان جام ملت های آسیا سرمربی ایران باشد. کارلوس کی روش از غان کرد برای موفقیت در ایران می ماند و برای رسیدن به این موفقیت، باید مولفه ها و ابزار مورد نیاز فراهم شود. به اعتقاد من هم این امر درست است و با جشن و شادی نمی توان قهرمان جام ملت های ۲۰۱۹ آسیا شد.» تاج درباره دعوی رسانه های کارلوس کی روش با برانکو ایوانکوویچ و شایعه انتخاب زلاتکو دالیچ به جای کی روش خیلی شفاف گفت: «به کی روش گفتم دیگر مصاحبه نکن و هیچ سرمربی دیگری هم نباید در این مورد حرف بزند. صحبت من درباره مسائل فنی نیست و نمی خواهم جای کی روش، کسی را بیاوریم. دالیچ و غیردالیچ هم نداریم و باید این بحث ها تمام شود.» کی روش در تیم ملی می ماند یا از فوتبال ایران جدا می شود؟ حضور دالیچ در فوتبال ایران چقدر جدی است؟ کی روش بهتر است یا دالیچ؟ به نظر می رسد عملکرد این دو مربی در جام جهانی تا حدی آدرس جواب های منطقی را در اختیار ما قرار می دهد با این حال فراموش نکنیم که دالیچ با چه ابزارها و امکانات و بازی های تدارکاتی به نایب قهرمانی جهان رسید و ایران چگونه و با چه کیفیتی خود را به روسیه رساند. مقایسه این دو مربی در حالی به یک کار دشوار تبدیل شده که خیلی ها معتقدند مدیران فوتبال ایران ابتدا باید تکلیف روش حاکم بر تیم ملی در آینده را انتخاب کنند و بعد بر اساس آن شیوه انتخابی مربی خود را برگزینند؛ حالا این مربی کی روش است یا دالیچ اگر چه فرق هایی با هم دارد اما مهم تر از آن پیمودن راه با توجه به نقشه ای کارشناسانه و حرفه ای است.

اما زلاتکو دالیچ کیست؟ او متولد ۲۶ اکتبر ۱۹۶۶ در یوگسلاوی است و به عنوان بازیکن در تیم های هایدوک اسپلیت، وارتکس و دینامو وینکوویچی بازی کرده است. دالیچ که با پیراهن وارتکس کرواسی از فوتبال خداحافظی کرده بود، با همین تیم پا به عرصه مربیگری گذاشت. او پنج سال پس از اویختن کفش هایش، هدایت وارتکس را به مدت دو سال برعهده گرفت و پس از آن سر از تیم ملی جوانان کرواسی در آورد. البته او در تیم جوانان کشور دستیار بود و به عنوان نفر دوم روی نیمکت می نشست. او پس از چهار سال فعالیت در تیم ملی جوانان کرواسی به ریکا کرواسی رفت و بار دیگر سرمربی شد. دینامو آلبانی و اسلاون کرواسی، سایر تیم های دالیچ در فوتبال اروپا بودند. این مربی در ابتدای سال ۲۰۱۰ سر از فوتبال آسیا در آورد و هدایت الفیصلی عربستان را برعهده گرفت. او پس از مدتی سرمربی تیم دوم الهلال شد و سپس هدایت تیم اصلی این باشگاه را قبول کرد. البته دالیچ خیلی زود از سرمربیگری الهلال کنار رفت تا به امارات کوچ کند و هدایت العین امارات را برعهده بگیرد. دالیچ به مدت سه فصل سرمربی العین بود اما در نهایت به دلایلی نامشخص از سرمربیگری این تیم کنار گذاشته شد.

اولین افتخار دوران مربیگری دالیچ در سال ۲۰۰۸ به دست آمد، زمانی که او هدایت دینامو آلبانی را برعهده داشت و با این تیم قهرمان سوپرکاپ شد. او پس از این افتخارات زیادی با العین به دست آورد و پس از قهرمانی در لیگ و جام حذفی این کشور، جواز حضور در فینال لیگ قهرمانان فصل پیش را هم به دست آورد. البته العین در گام پایانی با دالیچ به نمایندگی که جنوبی باخت و به جام قهرمانی نرسید. او پیش از شروع فصل جاری لیگ قهرمانان آسیا از سرمربیگری العین اخراج شد و نتوانست در فصل جدید تیمی برای خودش پیدا کند. در واقع این مربی با تیم ملی کرواسی عملکرد بسیار خوبی داشت و توانست نایب قهرمانی جام جهانی را به دست آورد. او حالا از تیم های ملی مثل مصر و ژاپن و همچنین لیگ برتر انگلیس پیشنهادهایی در اختیار دارد و انتظار دارد حقوقش در تیم ملی کرواسی افزایش یابد. اما به این پیشنهادها باید شایعه حضور دالیچ در فوتبال ایران را هم اضافه کنیم. هرچند مدیران فوتبال ایران بعد از انتشار شایعه جانشینی دالیچ به جای کی روش تاکید کرده اند کی روش قطعا تا پایان جام ملت های آسیا سرمربی تیم ایران خواهد بود اما گره خوردن ماجرای قرارداد کی روش با فدراسیون فوتبال باعث شده تا این گمانه همچنان مورد توجه برخی رسانه ها قرار بگیرد. دالیچ درباره عملکرد خودش می گوید: «من دومین مربی برتر جهان هستم، چه این موضوع را دوست داشته باشم و چه نه. از همین رو، حقوق ۵ میلیون دلاری برای دومین مربی برتر جهان حقوق خوبی نیست؛ پول برای همه مهم است ولی برای من انگیزه اصلی نیست. من دو سال دیگر قرارداد دارم و می توانم با تیم بمانم ولی پس از تور آمریکا اعلام کردم که قصد جدایی دارم. نمی توانم منتظر شوم افرادی که در عمرشان دو بار به توپ ضربه زدند برایم تصمیم بگیرند. من مستقل هستم و نمی توانم اجازه دهم کسی با من بازی کند و من را پس از دو ماه اخراج کند.»

دالیچ حالا با مدیران فوتبال کرواسی به مشکل برخورد کرده است. ما جرای رسیدن دالیچ به تیم ملی همان اندازه ناگهانی و غیرمنتظره بود که احتمالاً جدایی اش از این تیم. کروات ها با هدایت آنته چاچیچ در مرحله مقدماتی جام جهانی بعد از تیم ملی ایسلند در رده دوم قرار گرفتند و با راهیابی به مرحله پلی آف رو در روی یونان قرار گرفتند. در همین راستا سران فدراسیون فوتبال کرواسی بعد از باخت تحقیرآمیز به ایسلند چاچیچ را برکنار کردند و زلاتکو دالیچ را بر مسند مربیگری تیم ملی کشورشان نشاندند. می توان گفت که این مربی جوان از ابتدا ماموریت بسیار خطرناکی

در حالی که قرارداد کارلوس کی روش علی رغم ادعای مدیران فوتبال هنوز به طور رسمی امضا نشده و همه چیز در حد توافقات ضمنی باقی مانده، مقایسه دالیچ و کی روش اخیرا به سوز داغ برخی رسانه ها تبدیل شده است. آنجا که حامیان و مخالفان کی روش را این بار در خصوص یک موضوع ویژه روبروی یکدیگر قرار داده است؛ کی روش برود یا بماند؟ این سوال در حالی به صفت بندی تازه میان اهالی فوتبال دامن می زند که عده ای از ضرورت جذب دالیچ و عده ای بر حفظ کارلوس کی روش روی نیمکت تیم ملی فوتبال کشورمان تاکید می کنند.

## جنگ روانی برانکو؛ آغاز ماجرا

ماجرا از جنگ روانی برانکو ایوانکوویچ آغاز شد. سرمربی کروات پرسپولیس نیز که چندی پیش از درگیری شدید لفظی با کی روش در رسانه ها استقبال می کرد و ابتدا به پایان دادن این درگیری علاقه ای نداشت در یکی از مصاحبه هایش جنگ روانی سختی را علیه کی روش کلید زد و تاکید کرد که سرمربی پرتغالی تیم ملی ایران از احتمال از دست دادن جایگاه خود در تیم ملی هراس دارد.

بعد از پایان یافتن بازی های تیم ملی ایران در جام جهانی، درگیری های لفظی شدید کارلوس کی روش و برانکو افزایش یافت. اما برانکو در گفت و گو با یک نشریه کروات به یکباره جنگ روانی سختی را استارت زد. برانکو گفت: «بازیکنان من هر موقع که تیم ملی دعوت می شدند، در اردوی این تیم حاضر می شدند. کی روش



اولین افتخار دوران مربیگری دالیچ در سال ۲۰۰۸ به دست آمد، زمانی که او هدایت دینامو آلبانی را برعهده داشت و با این تیم قهرمان سوپرکاپ شد. او پس از این افتخارات زیادی با العین به دست آورد و پس از قهرمانی در لیگ و جام حذفی این کشور، جواز حضور در فینال لیگ قهرمانان فصل پیش را هم به دست آورد



این موضوع را مطرح کرده است تا توجهات را از ناکامی تیم ملی دور کند. تیم ملی ایران در جام جهانی نشان داد که بازیکنان بزرگی دارد، اما متأسفانه مربی برنده ای همچون زلاتکو دالیچ نداشت، کسی که بتواند از کیفیت بازیکنانش بهره لازم را ببرد. این برای من داستانی در مورد از دست دادن زمان است. سیدجلال حسینی، کاپیتان ما نیز باید به تیم ملی دعوت می شد، کسی که در بازی با الجزیره گل برتری ما را به ثمر رساند و به صعود پرسپولیس به مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا کمک کرد. اگرچه کی روش در نهایت سیدجلال را به تیم ملی برای حضور در جام جهانی ۲۰۱۸ دعوت نکرد، چون او از دیدن موفقیت های باشگاه های ایرانی خوشحال نبود.»

این اظهارات آن چنان آتش خشم کی روش را شعله ور کرد که او به طور مداوم در چند بیانیه و پست شخصی به انتقاد از برانکو پرداخت. با این حال فراتر از دعوی دو مربی بزرگ شاغل در فوتبال ایران موضوعی ویژه مطرح شده بود؛ جذب دالیچ. برانکو اما اظهارات شوکه کننده دیگری را هم به زبان آورد: «در ایران همه انتظار دارند که با رفتن کی روش، دالیچ جانشین او شود، به همین خاطر کی روش از خود بیخود شده و ترسیده است. برای ما کروات ها، بزرگ ترین مشکل مان پاسپورت هاست. وقتی پرتغال بدون رونالدو را با تیم کرواسی که با ایسلند بازی می کند، مقایسه کنید، متوجه می شوید که ما بهتر از آنها هستیم.»

## کی‌روش یا دالیچ فرقی نمی‌کند، مهم فوتبال ایران است؟ مربی ایرانی چه زمانی به درد می‌خورد؟

بهتاش فریبا

مربی فوتبال



این روزها بعضی‌ها درباره ماندن یا رفتن کی‌روش اظهاراتی را مطرح می‌کنند. من عقیده دارم هر یک از عزیزانی که در فوتبال ایران فعالیت می‌کنند، نظر خاص خودشان را دارند و باید نظرشان را راحت بگویند. برخی می‌گویند کی‌روش باید برود، بعضی هم می‌گویند او باید بماند. حتی بحث از این هم فراتر رفته و عده‌ای درباره جانشین احتمالی کی‌روش در آینده صحبت می‌کنند. اسم دالیچ را چند باری در برخی رسانه‌ها دیده‌ام. نقدهای مثبت و منفی هم در این باره وجود دارد اما به نظر من قبل از اینکه درباره این موضوع صحبت کنیم که دالیچ مربی بهتری است یا کی‌روش، باید درباره این موضوع به طور دقیق بررسی‌هایی صورت بگیرد که کدام یک از این دو مربی به درد فوتبال ایران می‌خورد؟ کدام یک می‌تواند موفقیت و توسعه فوتبال ملی ما را تضمین کند؟ ما کاری به اسم‌ها نداریم. شاید در مقطع کنونی هیچ کدام از این دو مربی به درد ما نخورند و ما باید به گزینه سوم فکر کنیم. با این حال نظر من درباره دالیچ روشن است، همین طور که درباره کی‌روش بارها موضع خودم را به طور شفاف اعلام کرده‌ام. دالیچ مربی بسیار خوبی است. توانمند است و با هوش بالایی تیمش را هدایت می‌کند. من این مربی را می‌پسندم. آرامش خاصی داشت و این آرامش را در طول بازی‌های جام جهانی دیدیم. این آرامش به خوبی از نیمکت به درون زمین منتقل می‌شد و بازیکنان هم با آرامش و تمرکز خاصی مقابل حریفان خود بازی می‌کردند. این امتیاز بزرگی

است که دالیچ دارد و نباید ویژگی‌های این مربی را نادیده بگیریم. اما باز هم می‌گویم بحث من این است که باید دنبال مربی‌ای باشیم که فوتبال ایران بتواند از حضور این گزینه استفاده و بهره‌ای از آن برد. من واقعا نمی‌دانم درباره کی‌روش و قراردادش با فدراسیون فوتبال چه اتفاقی در حال وقوع است. نمی‌دانیم او می‌ماند یا می‌رود. اما اگر قرار است کی‌روش در تیم ملی ما نباشد، باید این موضوع را بدانیم که مربی خارجی هیچ شناختی از تیم ملی ما نخواهد داشت و در مقطع کنونی هیچ مربی خارجی نمی‌تواند به تیم ملی ما کمک کند. به همین دلیل است که می‌گویم حضور کی‌روش تا پایان بازی‌های جام ملت‌های آسیا ضروری است و ماندن کی‌روش همه چیز را روشن می‌کند. اندازه‌های کی‌روش را به ما نشان می‌دهد و البته خودمان هم متوجه خواهیم شد که در کجای فوتبال قرار داریم. اما اگر کی‌روش به هر دلیلی تصمیم گرفت از فوتبال ایران برود به نظرم بهترین گزینه مربی ایرانی است. باید مربی ایرانی روی نیمکت تیم ملی بنشیند چون مربی ایرانی ما شناخت کافی دارد. مربی ایرانی احساسات بازیکنان را به خوبی می‌شناسد و به طور کلی به شرایط داخلی فوتبال ایران اشراف دارد. بنابراین بهتر از هر گزینه دیگری می‌تواند تیمش را جمع و جور و هدایت کند. اما باز هم تاکید می‌کنم که مربی ایرانی زمانی باید روی نیمکت تیم ملی بنشیند که ما نتوانسته‌ایم کی‌روش را حفظ کنیم. اگر قبل از جام ملت‌های آسیا کی‌روش از تیم ملی برود ما چاره‌ای نداریم جز اینکه به مربی ایرانی اعتماد کنیم. اما اگر قرار است مربی خارجی را جایگزین کی‌روش کنیم باید بدانیم که به هیچ وجه نباید به موفقیت در جام ملت‌های آسیا دل خوش کنیم. من معتقدم اگر قرار است فوتبال ما در عرصه ملی دستخوش تغییراتی شود بهترین زمان آن بعد از جام ملت‌های آسیاست. در آن

مقطع می‌توانیم با خیال راحت و با حوصله و کار کارشناسی شده یک مربی خوب خارجی را استخدام کنیم. چون در این صورت مربی خارجی که به تیم ملی آورده‌ایم می‌تواند تیمش را با خیال آسوده‌تری مهیای انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ کند و رفته‌رفته شناخت خود از فوتبال ایران را وسعت ببخشد. عده‌ای می‌گویند اگر دالیچ را قبل از جام ملت‌های آسیا استخدام کنیم نمی‌توانیم به رویای قهرمانی در جام ملت‌های آسیا فکر کنیم و رویای مان از دست خواهد رفت اما من می‌گویم ما می‌توانیم به رویای قهرمانی داشته باشیم که قهرمان جام ملت‌های آسیا خواهیم شد. امروز در فوتبال دنیا مربی‌ای که قول قهرمانی می‌دهد مربی‌ای است که اصلا نباید او را حرفه‌ای بدانیم. تکلیف فوتبال در درون زمین مشخص می‌شود نمی‌توانیم از همین حالا پیش‌بینی کنیم. چه دالیچ سرمربی تیم ملی باشد، چه کی‌روش، چه مربی ایرانی. نباید فکر کنیم که قهرمانی جام ملت‌های آسیا امری است که حتما محقق خواهد شد. هیچ چیز در فوتبال قابل پیش‌بینی نیست. با همه اینها یادمان نرود که با کی‌روش امیدواری‌های ما برای رسیدن به موفقیت در جام ملت‌های آسیا بیشتر است و دلش هم روشن است چون کی‌روش بهتر از هر مربی دیگری بازیکنان و تیم ملی ایران را می‌شناسد و با حریفان آسیایی‌اش بارها و بارها روبرو شده است. نکته‌ای که ما باید در پایان بگوییم این است که کی‌روش به عنوان سرمربی تیم ملی در مقاطع مختلف تصمیمات مختلفی اتخاذ کرده است. درباره این تصمیمات عده‌ای واکنش‌های منفی و عده‌ای هم واکنش مثبت نشان داده‌اند اما گذشت زمان نشان داده که کی‌روش از لحاظ فنی تصمیمات درستی در تیم ملی اتخاذ کرده است. به هر حال او یک مربی است که در فوتبال ایران از محبوبیت بالایی برخوردار است و بازیکنان تیم ملی هم او را دوست دارند و به او وابسته هستند. این ارتباط عمیق کی‌روش با فوتبال ایران باعث شده تا حذف این مربی پرتغالی علی‌رغم اینکه عده‌ای می‌گویند بد اخلاقی‌هایی هم دارد امری بسیار سخت و پیچیده شود. دالیچ یا کی‌روش فرقی نمی‌کند، باید بدانیم موفقیت تیم ملی در جام ملت‌های آسیا در درجه اول اهمیت دارد.

## دالیچ یا کی‌روش؟ مساله این نیست

### شیوه مدیریت فوتبال ایران باید مورد بازنگری جدی قرار بگیرد

مهدی ربوשה

دبیر گروه ورزش



وقتی کارلوس کی‌روش به فوتبال ایران آمد خیلی‌ها تصور می‌کردند قرار است همه مشکلات فوتبال ایران حل شود اما این انتظار بیجوده‌ای بود. اگرچه قرار نبود این مربی پرتغالی همه دردهای فوتبال ایران را درمان کند اما این اهالی فوتبال عده‌ای نیز دست روی بر جایی گذاشته بودند و این خواسته را طی همه این سال‌ها تکرار کرده‌اند؛ کی‌روش باید دانش و تجربه خود را به تیم‌های ملی ما منتقل کند.

اینکه چقدر خواسته درست و منطقی برخی از اهالی فوتبال محقق شد موضوعی است که نمی‌توان فعلا به آن پرداخت. شاید بهتر است در این باره خود کی‌روش توضیح بدهد. شاید هم بهتر باشد مدیران فوتبال ایران در این مورد توضیح بدهند که چرا در تمام این سال‌ها فوتبال ایران نتوانست آن طور که انتظار می‌رفت از کارلوس کی‌روش استفاده کند؛

مردی که اگر فقط دوره مربیگری‌اش در منچستر یونایتد را همه کارنامه‌اش بدانیم کفایت می‌کند که حسرتی بزرگ نصیب ما شود. کی‌روش؛ همان دستبازی که فرگوسن تاکید کرده بود بعد از عصر خودش مسؤلان باشگاه باید به این مربی اعتماد کنند. هر چند کی‌روش راه دیگری پیش گرفت و آن اعتماد نیز هرگز حاصل نشد. با همه اینها امروز وقتی به دوران حضور کی‌روش در فوتبال ایران نگاه می‌کنیم بیش از هر چیزی ضعف مدیریت و برنامه‌ریزی باعث افسوس ما می‌شود. اگر مدیریت داشتیم کی‌روش امروز به مربی تبدیل نمی‌شد که خارج از حیطه اختیاراتش عمل کند یا در کارهایی دخالت بکند که به هیچ وجه شایسته نیست. اگر مدیران کفایت لازم برای اداره فوتبال ایران را داشتند امروز کی‌روش به مربی همیشه معترض تبدیل نمی‌شد که مرتب در حال بیانیه‌نویسی است؛ مربی که کمتر انتقاد می‌پذیرد و کمتر از آن با دیگر مربیان وارد هم‌فکری می‌شود. نه، او سخت معترض است. با همکاران خود در فوتبال ایران وارد نزاع رسانه‌ای می‌شود. کمتر در ایران حضور دارد و بیش از همه اینها به منتقدانش سخت می‌تازد. چرا؟ دلیل این اتفاق روشن است. مدیران فوتبال ایران هرگز

نتوانستند بزرگ‌تر از کی‌روش باشند. کی‌روش همه آنها را در خود هضم کرد. نه کافاشیان و نه تاج و نه هیچ یک از آنها بی که قرار بود به مدبری بالادستی برای کی‌روش تبدیل شوند نتوانستند این ماموریت را به سرانجام برسانند. حالا کار به جایی رسیده که اگر قرار است کی‌روش مدبری بالادستی داشته باشد انتخابش به طور حتم ماندن نیست. خواهد رفت. همچنان که طی هفته‌های اخیر مهدی تاج سعی کرده کی‌روش را متوجه این موضوع کند که چه کسی رئیس است. به خاطر دارم در جلسه‌ای که آقای تاج در همان اوایل دوره ریاست خود در فدراسیون فوتبال برگزار کرده بود خطاب به نمایندگان رسانه‌های مختلف از دلیل اصلی حضورش در راس فوتبال این گونه پرده برداشت؛ «می‌خواهم همه بدانند که کت بر تن کیست. می‌خواهم شأن ریاست فدراسیون را به این جایگاه برگردانم.» شعار خاصی بود؛ یا یک ضرب‌بانهگ نسبتاً قوی. اما این ادعا به نظرم هرگز محقق نشد. ما زمانی در فوتبال مدیریت مقتدر خواهیم بود که بتوانیم از همه ظرفیت‌های مربی در حد و اندازه کی‌روش استفاده کنیم. حال آنکه به نظر من مدیران فوتبال ایران از کی‌روش در حداقلی‌ترین شکل ممکن هم بهره نبرده‌اند و با ضعف شدید در سیستم برنامه‌ریزی فدراسیون این مربی را به سمت حواشی سوق داده‌اند که ابا خروجی‌اش توسعه فوتبال ملی نیست. با همه اینها امروز رئیس فدراسیون فوتبال از ضرورت تعیین تکلیف فوری برای تیم ملی خبر داده و گفته این طور نیست که به دوره بعد از کی‌روش فکر نکرده باشیم





## پرطرفدار بودن پرسپولیس به برانکو کمک کرده

ایوانکوویچ به راحتی سومین قهرمانی لیگ برتر را از دست نخواهد داد

متفاوتی را در بالای جدول شاهد باشیم. البته برانکو برای حفظ این وضعیت کار سختی پیش رو دارد. درست است که در شرایط کنونی تیمش را به خوبی هدایت کرده و موفق شده پرسپولیس را صدرنشین کند اما اگر نتواند امتیازها یا بهتر بگوییم نقطه قوت‌های تیمش را بیشتر کند، استقلال تیمی نیست که به راحتی دست از رقابت با پرسپولیس بردارد. به نظرم استقلال تیم خیلی خوبی است و با وجود اینکه مهره‌های زیادی از دست داده می‌تواند به زودی در بالای جدول یک رقیب جدی برای پرسپولیس باشد. اما یک نکته دیگر؛ خیلی‌ها گمان می‌کردند با رفتن بازیکنانی مثل محسن مسلمان شرایط پرسپولیس به هم می‌ریزد. اگر چه از دست دادن برخی بازیکنان برای پرسپولیس خسارت‌هایی را به دنبال داشته اما من فکر می‌کنم تیم برانکو آن قدر یکدست و منسجم است که نبود بازیکنانی مثل مسلمان، امیری یا حتی بیرانوند نمی‌تواند تاثیر منفی روی عملکرد این تیم بگذارد.

امیدوارم تیم برانکو شرایط خوب خودش را حفظ کند و بتواند در پایان فصل هم درست مثل همین هفته‌های ابتدایی با صلابت و مقتدرانه کار کند. در رون این تیم همه بازیکنان زحمت می‌کشند. بارها از من پرسیده‌اند در پرسپولیس جدید قرار است چه کسی مهندس باشد یا اینکه پرسیده‌اند کدام بازیکن در پرسپولیس این فصل نظر من را بیشتر جلب کرده اما پاسخ من روشن است؛ همه بازیکنان. پرسپولیس بازیکنان خیلی خوبی دارد و برانکو سعی کرده همه بازیکنان راهم‌های امارتون لیگ برتر کند. امیدوارم روند رو به جلویی که تیم برانکو در پیش گرفته ادامه پیدا کند و آنها بتوانند ادامه بازی‌های لیگ برتر هم موفق شوند. هر چند انتظارات از این تیم بالاتر رفته و هواداران حالا نیم‌نگاهی هم به موفقیت پرسپولیس در آسیا دارند. با این حال کسب سومین قهرمانی متوالی برای پرسپولیس چیزی نیست که برانکو و شاگردانش به سادگی آن را از دست بدهند.

درست است که یکی دو بازیکن خیلی خوب از این تیم جدا شدند اما همین بازیکنانی که برانکو از آنها استفاده می‌کند چند سالی هست که در پرسپولیس حضور دارند و حالا در غیاب بعضی نفرات دیگر که فصل گذشته یار ثابت تیم بودند این فرصت را یافته‌اند که به عنوان بازیکن اصلی به میدان بروند و توانمندی‌های خودشان را نشان دهند. بنابراین در پرسپولیس ما تغییرات زیادی نمی‌بینیم و با وجود محرومیت هم برانکو سعی کرده بازیکنان فصل گذشته‌اش را حفظ کند. از این گذشته من معتقدم یکی از دلایلی که پرسپولیس خیلی خوب نتیجه می‌گیرد این است که بازیکنان به خوبی از عهده وظایفی که برانکو بر عهده‌شان گذاشته برمی‌آیند. آنها در هر بازی دقیقاً طبق شرح و وظایف‌شان کار می‌کنند و این بهترین تضمین برای موفقیت یک تیم است. تیمی که سال‌هاست کنار هم بازی می‌کند و البته کاملاً به دستورات مربی تیم گوش می‌کند و نکته‌های فنی در زمین مسابقه مو به مو اجرا می‌شود. نکته دیگری که مایلیم به آن اشاره کنم این است که ما الان بخش کوچکی از توانمندی‌های تیم برانکورما می‌بینیم. اطمینان دارم که پرسپولیس در نیم فصل دوم زهدار هم خواهد شد و اگر رقبای این تیم نتوانند پرسپولیس را متوقف کنند در نیم فصل دوم برای پایین کشیدن این تیم از صدر جدول کار بسیار سخت‌تری خواهند داشت چون پرسپولیس در نیم فصل می‌تواند بازیکنان جدیدی را جذب کند و شرایط را برای دیگر مدعیان کسب عنوان قهرمانی بسیار سخت خواهد کرد. نکته‌ای که درباره پرسپولیس می‌تواند جالب توجه باشد این است که آنها در لیست تیم‌هایی قرار می‌گیرند که کمترین تغییر را داشته‌اند. این مساله باعث تفاوت پرسپولیس نسبت به سایر تیم‌ها شده و امتیاز مثبتی است که نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. شک نداشته باشید که برانکو هفته به هفته این تیم را بهتر هدایت خواهد کرد. فکر می‌کنم اگر پرسپولیس با همین دست فرمان پیش برود در هفته دهم شرایط کاملاً

### حمید درخشان

سرمربی اسبق پرسپولیس



من اعتقاد دارم پرسپولیس همیشه یک خصلت دارد که باعث می‌شود در سخت‌ترین شرایط هم بتواند از بحران بیرون بیاید و این ویژگی به نظر من پرطرفدار بودن است. شما در طول سال‌های گذشته بارها پرسپولیس را در وضعیت بحرانی دیده‌اید. از نظر مالی همیشه با مشکلاتی روبه‌رو بوده. این فصل با محرومیت‌هایی روبه‌رو شد و به طور کلی در مقاطع مختلف در شرایطی قرار گرفت که کمتر کسی فکر می‌کرد بتواند از بحران خارج شود اما پرسپولیس به دلیل داشتن هواداران بسیار زیادی که انگیزه و روحیه این تیم را تشکیل می‌دهند، همیشه موفق شده از خطر عبور کند. در واقع هواداران روح این باشگاه را تشکیل می‌دهند.

من اعتقاد دارم که برانکو ایوانکوویچ به خوبی این نکته را درک کرده و در تمام این سال‌هایی که روی نیمکت سرمربیگری پرسپولیس نشسته سعی کرده تصمیمات درستی برای تیمش اتخاذ کند. او سعی کرده که کمتر اشتباه کند و به نظر من این رمز موفقیت برانکو است. بنابراین هواداران هم به خوبی از این مربی حمایت می‌کنند و در شرایط سخت هم دست از حمایت تیم محبوب‌شان بر نمی‌دارند. با همه اینها بهتر است درباره لیگی که هنوز سه هفته از آن می‌گذرد خیلی شتابزده قضاوت نکنیم. باید صبر کنیم و ببینیم این تیم در ادامه فصل چه نتایجی کسب خواهد کرد و چگونه از عنوان قهرمانی‌اش دفاع می‌کند اما ضمناً فراموش نکنیم که یکی از دلایلی که پرسپولیس با وجود محرومیت‌ها باز هم توانسته نتایج خوبی کسب کند این است که آنها شا کله اصلی خودشان را حفظ کرده‌اند.

## برانکو در کشف ژن های متفاوت تبخ دارد

### چرا شیوه ایوانکوویچ مدرن است؟

جلال چراغپور

کارشناس فوتبال



من در چند نوبت درباره برانکو ایوانکوویچ صحبت کرده‌ام. چه زمانی که به پرسپولیس آمد و در بدترین شرایط تیمش را در هفته آخر لیگ برتر به جایی رساند که شانس قهرمانی داشت اما با تفاضل گل کمتر نسبت به استقلال خوزستان دستش به جام نرسید و چه فصلی که با اختلاف امتیاز نسبتاً بالا مقتدرانه تیمش را قهرمان لیگ برتر کرد. من موضع خودم را درباره این مربی و شیوه‌اش گفته‌ام. با این حال بد نیست با هم مروری داشته باشیم و بررسی کنیم که چرا این مربی تا این حد در پرسپولیس موفق بوده است. البته در همین فصل هم تیم برانکو بازی‌ها را خوب شروع کرده و صدرنشین است. اختلاف امتیازش با سایر تیم‌ها هم به نظر نشانه مشخصی از کیفیت این تیم را به ما نشان می‌دهد. این شروع خوب به ما می‌گوید پرسپولیس اگر مهار نشود باز هم برای قهرمانی خیز بلندی برمی‌دارد و نمی‌توان

نمی‌تواند ژنتیک فوتبال یک کشور را درک کند چون در آن کشور فقط مربی باشگاهی بوده‌اند. اما به محض اینکه این مربیان در عرصه ملی مربیگری کنند به خیلی چیزها دسترسی پیدا می‌کنند و خیلی موارد را به خوبی می‌توانند درک کنند. مثلاً متوجه می‌شوند که آن کشور از لحاظ آب و هوا چگونه است. مثلاً متوجه می‌شوند که در فلان شهر یا شهرستان چه شرایطی در تیم‌های فوتبال حاکم است و کیفیت سراسر شهرها را می‌توانند متوجه شوند. این مربیان می‌توانند هم ضعف‌ها را ببینند و هم قوت‌ها را. مثلاً متوجه خواهند شد که در شهرهای شمالی چه استایلی برتر است و به طور کلی به آرشیف فوتبال یک کشور دسترسی پیدا خواهند کرد. اجازه بدهید بحث را کمی گسترده‌تر کنم تا بتوانم به درستی به بحث موفقیت برانکو برگردم. امروز در مورد فوتبال روز دنیا یک تحلیل تازه مطرح است؛ آنهایی که با ذره بین فوتبال روز دنیا را بررسی می‌کنند تا کبک می‌کنند که فوتبال از آیتیم‌های بسیار زیادی تشکیل شده که یک تیم برای رسیدن به قهرمانی باید همه این آیتیم‌ها را در خود داشته باشد. فرض کنید ۵۰ آیتیم لازم است تا تیم شما قهرمان جام جهانی فوتبال



شود. آیا همه این آیتیم‌ها به بهتر بگویم ویژگی‌ها در یک تیم وجود دارد؟ مثال برنیم؛ انگلیس؛ آیا این تیم که اکثر بازیکنانش سفیدپوست هستند و چشم‌هایشان آبی است با فیزیک‌هایی که ما را گاهی یاد گاسکوئین می‌اندازد، برای رسیدن به قهرمانی جام جهانی همه آیتیم‌ها را دارد؟ یعنی همه ویژگی‌های فوتبال روز دنیا بر نژاد این تیم سوار است یا خیر؟ پاسخ منفی است. همه آیتیم‌ها روی این تیم سوار نمی‌شود. شما به فرانسه دقت کنید. اگر قرار بود همه بازیکنان این تیم مثل دیده‌بدن دشان باشند و فرانسه رنگین‌پوستی در خود نداشته باشد شما تصور می‌کنید آنها می‌توانستند فوتبال روز دنیا را ارائه بدهند؟ بنابراین آنها بهتر از هر تیم دیگری در دنیا فوتبال متوجه این واقعیت شدند که برای رسیدن به قهرمانی در جام جهانی باید روی نژادهای دیگر هم کار کنند و از بازیکنانی با ژن‌های دیگری هم بهره‌برند. زمانی که شما تیم ملی فوتبال اسپانیا را می‌بینید در واقع ژنتیک آن فوتبال را نگاه می‌کنید. باید متوجه یک نکته باشید که باشگاه‌ها می‌توانند ژن‌های معیوب فوتبال یک کشور را ترمیم کنند اما تیم ملی یک کشور نمی‌تواند این کار را انجام دهد. درست به

به راحتی این تیم را نگه داشت. اما برانکو چه ویژگی‌ای دارد؟ او مشخصه‌هایی دارد که محصول دو دوره از حضورش در فوتبال ایران است. قسمت اول به دوره‌ای برمی‌گردد که او دستیار بلاژویچ بود و نسبت به زیرساخت‌های فوتبال ایران شناخت پیدا کرد و از لحاظ ژنتیکی هم توانست این فوتبال را به خوبی بشناسد و دوره بعدی زمانی بود که خودش روی نیمکت سرمربیگری تیم ملی نشست و موفق شد تیم ملی فوتبال ایران را به جام جهانی ببرد. در آنجا نتیجه‌ای کسب کرد که هنوز بعد از چند دوره‌ای که تیم ملی مان به جام جهانی رفته هیچ مربی نتوانسته از لحاظ کیفی آن نتیجه را بهبود ببخشد. تیم برانکو در آن دوره سه بازی انجام داد و از جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان حذف شد و تیم کی‌روش هم در دو دوره اخیر با همین تعداد بازی از جام جهانی خداحافظی کرد. بنابراین در امر نتیجه‌گیری و مساله‌ای که ما به آن کیفیت می‌گوییم شما تغییراتی در تیم ملی برانکو و کی‌روش نمی‌بینید. اما برانکو وقتی سرمربی تیم ملی ایران شد ژنتیک ذاتی این فوتبال را هم شناخت. این همان بخشی است که اصرار دارم به خوبی درک شود. برخی مربیان هرگز

همین دلیل است که فدراسیون‌های فوتبال در سراسر دنیا از تمایل برخی بازیکنان برای تغییر ملیت و بازی کردن در تیم ملی خودشان به شدت استقبال می‌کنند چون به خوبی می‌دانند در تیم ملی شان باید از ژن‌های مختلف و متفاوتی بهره‌برند. بهتر است به بحث برگردیم. برانکو چه ویژگی دارد که او را به یک مربی شاخص در فوتبال ما تبدیل کرده است؟ باید بپذیریم که او یک مربی است با شناخت بسیار زیاد از فوتبال ایران. چون ژنتیک فوتبال ایران را به خوبی می‌شناسد، بنابراین همواره سعی می‌کند تیمش را بر اساس نیازهایش جمع کند. او تیم را بر اساس ستاره‌های می‌بندد. با اسم‌ها کاری ندارد بلکه بازیکنانی را جذب می‌کند که بر اساس توانمندی‌های آن بازیکنان بتوانند ژن فوتبال ایران را روی تیمش سوار کند. به همین دلیل است که او مربی است که سخت‌نظرش را عوض می‌کند. به ترکیب تیمش خیلی دیر به دیر دست می‌زند و وقتی به نتیجه‌ای می‌رسد سخت است که بتواند تصمیمش را عوض کند. او از یک جنس بازیکن دو تا نمی‌خواهد، بلکه همیشه تیمش را با صرفه‌جویی می‌بندد و نیازی به هیاهو و ستاره‌بازی ندارد. حالا شما بهتر از قبل می‌دانید که وقتی وحید امیری از پرسپولیس می‌رود او به امید عالیشاه چراغ سبز نشان می‌دهد. او وقتی امیری را در اختیار داشت نیازی نمی‌دید که عالیشاه را جذب کند. اگر چه کلاس بازی امیری یک پله بالاتر از عالیشاه است اما هر دو می‌توانند یک کارایی را در تیم برانکو داشته باشند. می‌توانند هافبک‌های فروراددهایی باشند که فیزیکی، جنگنده و داینامیک ظاهر شوند. حالا متوجه می‌شوید که چرا محسن مسلمان رانمی‌خواهد اما خیالش راحت است که در نیم‌فصل بازیکنی مثل سروش رفیعی را خواهد داشت. با این نگرش حالا خیلی سوال‌های دیگر جواب‌های روشنی دارد. در جام جهانی روسیه آفریقایی‌ها، آسیایی‌ها و تیم‌هایی از آمریکای جنوبی حذف شدند اما از اروپا و اروپای شرقی تیم‌هایی به مرحله نهایی رسیدند. آیا این مساله اتفاقی بود؟ شانس بود؟ نه. تیم‌های ملی و کارشناسان فنی در کشورهای صاحب فوتبال حالا بهتر از هر شخصی دیگری می‌دانند که باید ژنتیک فوتبال شان را تغییر دهند و از ژن‌های مختلف در تیم ملی شان بهره‌برند. آنها می‌دانند که با یک نوع ژن نمی‌توانند به قهرمانی جهان دست پیدا کنند. حالا بواخیم لور بهتر از هر کسی می‌داند که چرا رسانه‌ها و کارشناسان آلمانی به خاطر نبرد سانه بر سرش داد می‌کشیدند چون او با تصور دیگری به جام جهانی روسیه رفت؛ این تصور که با یکی دو ژن متفاوت هم تیمش می‌تواند بازی فوتبال را ببرد. اما فرانسه چنین سیاستی پیش نگرفت همان طور که بلژیک چنین نکرد. شما آن هزاردار را می‌دیدید و در همین تیم لوکاکو هم حضور داشت. در کرواسی مودریچ و مازوکیچ و در فرانسه امپابه و گریزمان و پوکبا. حالا متوجه خواهید شد که جمع ژن‌های مختلف در یک تیم و استفاده از این تفاوت‌ها در ساختن تیم قهرمان جام جهانی چقدر نقش داشت. بنابراین تمام مولفه‌های موجود در فوتبال منطبق بر یک نژاد نیست، به همین دلیل است که برانکو را پروفیسور می‌نامیم. او ایدئولوژی علمی دارد و می‌داند که چه بازیکنانی می‌خواهد. سانتو فوروارد پیکان را می‌خواهد یا فلان بازیکن از تیم دسته‌یک را. خیلی دقیق و روشن می‌داند که چه می‌خواهد. امیر قلعه‌نویی هم البته همین طور است. شاید این توانمندی را نداشته باشد که از لحاظ علمی دیدگاه‌های خود را تبیین کند اما به طور تجربی این هوش را دارد که بازیکنانی را جذب کند که در بد تیمش می‌خورند. من معتقد شیوه‌ای که برانکو در مربیگری دارد می‌تواند به یک الگو در فوتبال ایران تبدیل شود. ما می‌توانیم در شهرهای مختلف کشورمان آکادمی‌های مختلفی راه‌اندازی کنیم و بازیکنانی با ژن‌های مختلف را به تیم ملی دعوت کنیم. در این صورت تردید ندارم که اتفاقات بزرگی در فوتبال ایران رخ خواهد داد.



# تکه‌های ذخیره یک پازل

## چرا پرسپولیس با وجود محرومیت همچنان مدعی است؟

اواسط خرداد ماه بود که برخی رسانه‌ها آب پاکی را روی دست پرسپولیس هار یختند. تابناک نوشت: «با وجود تلاش مدیران باشگاه پرسپولیس برای شکستن رای محرومیت از پنجره دوم نقل و انتقالات و گرفتن وکیل سوئیسی برای حل این موضوع و متقاعد کردن فیفا برای عدم تخلف در پرونده جذب مهدی طارمی از باشگاه بریزه اسپور ترکیه اما رای دادگاه تجدیدنظر فیفا تغییری نداشته و بر ادامه محرومیت پرسپولیس خواهد بود.» خیلی زود رمز گشایی از این ماجرا صورت گرفت؛ اشتباه وکیل سوئیسی پرسپولیس هادر روند اداری، عامل شکست آنها شد و او در راه باز کردن پنجره دوم نقل و انتقالاتی سرخ پوشان اقدامی داشت که در نهایت به ضرر باشگاه ایرانی تمام شد.

این در حالی بود که مدیران باشگاه پرسپولیس طی کمتر از دو ماه بارها به سوئیس سفر کردند و با استخدام یک وکیل سوئیسی، به دنبال بخشش این باشگاه در رای محرومیت از نقل و انتقالات توسط فیفا بودند اما در نهایت دادگاه عالی ورزش (CAS) رای را به سود آنها تغییر نداد. اما چرا پرسپولیس محروم باقی ماند؟ ماجرا از این قرار بود که وکیل سوئیسی که مدیران پرسپولیس امید زبانی به موفقیتش بسته بودند، به جای طرح دادخواست علیه فیفا که مرجع صادرکننده حکم محرومیت بود، نام باشگاه بریزه اسپور را به عنوان طرف دعوا معرفی کرده بود که همین موضوع رسیدگی به پرونده را به کانال دیگری کشانده بود.

پرسپولیس ها با وساطت رجب طیب اردوغان در سفر به تهران موفق شده بودند رضایت شاکتی ترک را جلب کنند و از اساس دیگر اختلافی در مورد جریمه مالی وجود نداشت و حکم دو پنجره محرومیت هم متعلق به فدراسیون جهانی فوتبال می شد که قضات دادگاه CAS هم متوجه این اشتباه شدند. به این ترتیب حکم محرومیت پرسپولیس از جذب باز یکن جدید تا زمستان ادامه یافت و تنها یک راه برای این باشگاه که به مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان راه یافته باقی می ماند؛ اینکه همه باز یکنان فصل گذشته اش را به هر قیمتی که شده، حفظ کند. با این حال مشخص بود که آنها نمی توانند همه باز یکنان شان را نگه دارند. خیلی ها بارفتن وحید امیری، صادق محرمی، فرشاد احمدزاده و محسن مسلمان تصور می کردند پرسپولیس آسیب های جدی خواهد دید اما وقتی فصل جدید لیگ برتر آغاز شد این برانکو و تیمش بود که همه را غافلگیر کرد. آنها در هفته نخست تیم پدیده را و در هفته دوم نیز فولاد را با نتیجه ای سنگین شکست دادند تا صدر نشین شوند. اما رمز موفقیت پرسپولیس و برانکو علیرغم محرومیت از نقل و انتقالات چیست؟ هفته دوم رقابت های لیگ هجدهم هم با پیروزی و البته صدر نشینی پرسپولیس به پایان رسید تا شاگردان برانکو ابوانکوویچ در فصلی که با محرومیت از نقل و انتقالات با انتظارات کمتری نسبت به گذشته مواجه بودند، به روند موفقیت های خودشان ۳ فصل گذشته استمرار بخشند. مربی کروات در ۳ فصل گذشته به ۲ قهرمانی و یک نایب قهرمانی لیگ برتر رسیده و با ثبات بی سابقه ای که در پرسپولیس ایجاد نموده در آغاز لیگ هجدهم نیز یکی از مدعیان جدی عنوان قهرمانی به شمار می رود اما حداقل با توجه به شرایط ویژه پرسپولیس و عدم امکان جذب باز یکن

جدید همچنان جدایی چهار باز یکن اصلی و تاثیرگذار پیش بینی می شد از قدرت تیم برانکو در این فصل کاسته شود و در خوشبینانه ترین حالت پرسپولیس تا پایان نیم فصل اول تنها به دنبال حضور در پله های بالایی جدول باشد و احتمالاً در نیم فصل دوم برای جبران امتیازات از دست رفته تلاش کند. با این وجود سرخپوشان در دو مسابقه ابتدایی لیگ نشانی از تضعیف نسبت به فصل گذشته نداشته اند. دو پیروزی، دو بازی روان، دو گلین شیت همراه با ساختن موقعیت های متعدد گلزنی روی دروازه حریفان و در مقابل ندادن فرصت به مهاجمان حریف نشان از این واقعیت دارد که محرومیت نتوانسته آسیب جدی به شاکله تیم همیشگی مدعی برانکو وارد کند. نمی توان به سادگی از کنار نام هایی مثل محسن مسلمان، وحید امیری، صادق محرمی و فرشاد احمدزاده گذشت. باز یکنانی که خصوصاً در نیمه هجومی پرسپولیس برانکو نقش سر نوشت سازی بازی می کردند و گمان می رفت غیبت چنین ستاره هایی سرخپوشان را با در بدر جدی مواجه سازد اما رمز موفقیت

وجود نمی آید.» از قدرت هجومی فولاد خوزستان در این فصل نباید غافل شد؛ تیمی که در هفته های آینده می تواند واقعی خود در خط حمله را با آمادگی بیت سعید و شمیمبا به خوبی نشان می دهد. اما در بازی با پرسپولیس نه از نوع سروش رفیعی خبری بود، نه از فرارها و ضربات خطرناک شمیمبا و نه از توان در بیلینگ و فضا سازی بیت سعید. در طرف مقابل طراحی حملات پرسپولیس مطابق معمول مدافعان حریف را بارها و بارها به در دسر انداخت. یکی از ویژگی های جالب توجه برانکو این است که حمله از مرکز خط دفاع آغاز می شود. جایی که سید جلال، خلیل زاده حتی انصاری و ماهینی اجازه دفع بی هدف توپ را ندارند. باز یساز از همان نقطه آغاز می شود، با پاس های سالم و دقیق. عملیات انتقال به درستی و باشکل منطقی ادامه پیدامی کند و نیمه هجومی پرسپولیس با آرامش و تمرکز در یک سوم دفاعی حریف جولان می دهد. این روشی است که کمتر در فوتبال ایران شکل اجرایی پیدا کرده و موجب بالارفتن کیفیت بازی های می شود. دقیقاً به همین دلیل آمار پاس های سالم در بازی های پرسپولیس بالاتر از میانگین لیگ است، همچنین سرخپوشان به راحتی خلق موقعیت می کنند و به راحتی به گل می رسند.

در واقع تنظیمات سخت و منظم پیش فصل تیم برانکو را در هر فصل به چنین نوع تاکتیکی و البته آمادگی جسمانی مثال زدنی می رساند و با گذشت هر هفته ریتیم بازی پرسپولیس بهتر و بهتر می شود. این



رمز موفقیت تیمی است که مسلمان و رامین رضاییان و طارمی و وحید امیری و فرشاد احمدزاده را هم از دست می دهد اما همچنان گلزن، خطر ساز و البته مدعی است. تکه های جایگزین پازل مثل سیامک نعمتی و منشا و رسن از راه می رسند و جای تکه های قبلی را پر می کنند اما نقشه راه تغییری نمی کند تا پرسپولیس برانکو همان تیم با ثبات، جذاب و مدعی فصل های گذشته باشند. شاید در این فصل و در ادامه بازی های لیگ خصوصاً در شهر یور سخت و سرنوشت ساز پرسپولیس کار شاگردان برانکو سخت تر از این شود و امتیازاتی هم از دست برود اما باز هم چیزی از ارزش کار این تیم منضبط و منظم کم نخواهد شد که با وجود تمامی محدودیت ها همچنان به فلسفه فوتبال خودش وفادار است. فراموش نکنیم که پرسپولیس برانکو لیگ را جذاب تر کرده است. هر چند شروع خوب همیشگی ضحمانت محکم برای پایان خوب نیست جمع آوری امتیازها در نیم فصل اول و فرار از دست دیگر مدعیان می تواند تیم برانکو را در حاشیه امن قرار دهد.

پروفسور کروات پرسپولیس چیست که فرار و فرودهای این چنینی در عملکردش تاثیری ندارد؟ خبرگزاری مهر در این باره نوشت: «پرسپولیس در فصل های اخیر یک تیم پرستاره اما بدون ستاره است و ستاره اصلی چنین تیمی روی نیمکت نشسته؛ مردی که با ایجاد ساختاری منضبط و نظم تیمی بی سابقه تیمش را بی نیاز به ستاره ها ساخته اما از سوی دیگر هر بازیکنی را در این ساختار با انجام وظایف خودش به یک ستاره تاثیرگذار مبدل می سازد. در دو بازی ابتدایی فصل همچون سال های گذشته آمادگی جسمی قابل توجه سرخپوشان ابرازی است برای پرسینگ شدید و پر کردن تمامی فضاهای ممکن برای شکل گرفتن بازی حریف. در واقع پرسپولیس برانکو به حریف اجازه نفس کشیدن نمی دهد. این فشار پرسینگ البته با نظم و مسئولیت پذیری مثال زدنی سرخپوشان اجرایی می شود، به طوری که هیچ بازیکنی از محدوده فعالیت و وظایف خودش غافل نمی شود. شاکله و ساختار تاکتیکی تیم به هم نمی ریزد، در عین حال فضایی برای اجرای برنامه های تاکتیکی حریف به



مراسم بزرگداشت داریوش اسدزاده، ابوالحسن تهامی نژاد و داریوش مهرجویی در بیستمین جشن بزرگ سینمای ایران برگزار می‌شود و جایزه سیف‌الله داد نیز به پاس یک عمر خدمت به فرهنگ و هنر ایران به سیدمهدی شجاعی اهدا خواهد شد. این مراسم با حضور سینماگران، مسئولان و دست‌اندرکاران فرهنگی و هنری کشورمان ساعت ۲۰ یکشنبه ۲۸ مردادماه در باغ کتاب تهران برگزار می‌شود. نامزدهای این دوره به ریاست علی نصیریان هم در بخش‌های مختلف معرفی شدند. در این بین فیلم‌های «خوک» به کارگردانی مانی حقیقی و «بدون تاریخ بدون امضا» که اولی در جشنواره فیلم فجر هم حضور نداشت، رقابت تنگاتنگی با هم دارند و در ۱۰ رشته نامزد دریافت جایزه شده‌اند. در رده بعدی رکوردداران نامزدی جشن خانه سینما، فیلم‌های «به وقت شام» ابراهیم حاتمی‌کیا و «خفه‌کی» فریدون جیرانی با ۷ نامزدی قرار دارند. در مراسم یادبود غلامرضا شکوهی، شاعر آیینی اهل خراسان که در حوزه هنری برگزار شد، از آخرین مجموعه غزل مرحوم غلامرضا شکوهی با عنوان «پنجه بر پیشانی» رونمایی شد. شکوهی از جمله شاعران پیشکسوت خراسانی بود که سالیان دراز به فعالیت‌های فرهنگی و هنری پرداخته و شاگردان زیادی را نیز تربیت کرده بود. این مراسم با حضور شاعران هنرمندانی از جمله سیدعلی موسوی گرمارودی، محمدعلی مجاهدی، علی انسانی، یوسف‌علی میرشکاک، علی‌رضا قزوه، مصطفی محدثی خراسانی، ناصر فیض، مرتضی امیری اسفندقه و سعید بیابانکی برگزار شد. عکس روز اختصاص دارد به جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی که با حضور سران قوا در نهاد ریاست جمهوری برگزار شد. درکنار خبرها در مورد برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی در همه زمینه‌ها، عکس‌هایی که از این جلسه بیرون آمد برود از صورت خندان روسای سه قوه. امیدواریم تصمیم آتی که از این جلسه هم بیرون می‌آید منجر به تسری این خنده‌ها به جامعه و مردم شود.



جمعی از سینماگران و جانبازان ایرانی امسال هم به ژاپن سفر کردند تا در سالگرد بمباران اتمی «هیروشیما» شرکت کنند. در هفتادوچهارمین سالگرد بمباران اتمی شهر هیروشیما ۶ آگوست (۱۵ مردادماه) در ژاپن، تعدادی از هنرمندان و جانبازان ایرانی به دعوت گروه‌های مردمی صلح‌طلب این شهر، ضمن شرکت در مراسم رسمی مربوطه، ششمین دوره جشنواره فیلم صلح و دوستی ایران و هیروشیما را نیز افتتاح کردند. در این سفر پنج‌روزه، هنرمندانی همچون خانم‌ها و آقایان پرویز پرستویی (به عنوان دبیر جشنواره و بازیگر) با فیلم «مارمولک»، منیره قیدی (کارگردان) و ثریا قاسمی (بازیگر) با فیلم «ویلاهای ما»، سیدحامد حسینی (تهیه‌کننده) با فیلم «سروزیرآب»، حمید زرگر نژاد (کارگردان) با فیلم «ماهورا» و نیز حسین محب‌جلیلی (فیلمبردار)، عادل معمارنیا (مستندساز)، حجت‌الاسلام دکتر محمدمهدی بهداروند (نویسنده جانباز)، شهره گلپریان و نیز حبیب احمدزاده شرکت داشتند. مشمول شدن ورزشکاران شاخص یکی از مسائل اصلی ورزش ایران در این چند سال بوده است. این مشمول شدن باعث شده بود برخی فوتبالیست‌ها نتوانند در باشگاه‌هایی که علاقه داشتند، به ورزش خود ادامه دهند. این مشمول بودن مانعی بر سر لژیونر شدن ورزشکاران شاخص ایران هم بود. بهترین اتفاق ممکن حالا برای ورزشکاران مشمول رخ داده و آنها دیگر دغدغه سربازی نخواهند داشت. رئیس اداره انسانی ستاد کل نیروهای مسلح از شرایط جدید برای ورزشکاران شاخص سه رشته ورزشی خبر داد. بنا بر اعلام سردار موسی کمالی اعلام خدمت وظیفه ورزشکاران حرفه‌ای و قهرمانان ملی در سه رشته فوتبال، والیبال و بسکتبال در سطح ملی حداکثر تا سن ۳۰ سالگی و در سطح لیگ برتر حداکثر تا ۲۸ سالگی به تعویق افتاد. عکس روز اختصاص دارد به مراسم بزرگداشت شهدای مریوان که با حضور سرلشکر جعفری، فرماندهی سپاه پاسداران در ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه برگزار شد. در درگیری نیروهای پایگاه بسیج «روستای دری» مریوان با گروهک‌های معاند نظام جمهوری اسلامی ۱۱ نفر از نیروهای بسیجی و رسمی سپاه این شهرستان به شهادت رسیده بودند.



مردم جنوب همواره میزبان میهمان‌هایی هستند که زندگی آنها را مختل می‌کند. یکی از این میهمان‌ها این روزها از عراق می‌آید. دود ناشی از وقوع آتش‌سوزی در بخش عراقی «هورالعظیم» که به خوزستان رسیده، باعث تعطیلی ادارات و بانک‌های هویزه شد و تعدادی از مردم این شهرستان را روانه بیمارستان کرد. این در حالی است که با وجود اینکه برای دومین بار شامگاه شنبه این هفته به کمک بالگردها و هواپیماهای آرایش ایرانی این آتش‌سوزی مهار شد، اما به دلیل گرمای بیش از حد منطقه و دیگر عوامل، بار دیگر برای سومین بار آتش شعله‌ور شده است. دود غلیظی که از شامگاه شنبه گذشته اهواز و مناطق پیرامون تالاب هورالعظیم را فراگرفته، تنفس را برای مردم این شهر سخت کرده، به طوری که به محیط‌های سرپوشیده اهواز هم نفوذ کرده و مردم را به سرفه‌های شدید انداخته است. سوزش چشم و تنگی تنفس از مشهودترین آثار این دود در اهواز است. نیکلاس مادورو، رئیس جمهوری ونزوئلا، در هشتادویکمین سالگرد تأسیس گارد ملی این کشور، در حال سخنرانی بود که هدف ترور نافرجام پهلپادی قرار گرفت اما جان سالم به در برد. تلویزیون دولتی ونزوئلا که در حال پوشش زنده این مراسم بود، دو انفجار بی‌دری، تشویش مادورو، همسرش و دیگر حاضران در صحنه سخنرانی، به هم ریختن صفوف رژه نظامیان و تمام جزئیات این ترور نافرجام را به تصویر کشید. بدترین خبر می‌تواند این باشد که کیمیا علیزاده، ملی‌پوش اعزامی به بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ که به عنوان پرچمدار کاروان ایران نیز انتخاب شده بود، در تمرین تیم ملی دچار آسیب دیدگی شد. پس از بررسی MRI مشخص شد که ACL زانوی چپ کیمیا دچار آسیب جدی شده و او قادر به همراهی تیم ملی تکواندو بانوان در بازی‌های آسیایی نخواهد بود. با تصمیم کادرفنی تیم ملی، ملیکا میرحسینی جایگزین علیزاده در وزن ۶۷ کیلوگرم می‌شود.





**khameelji** • Follow  
Fadi partemeh with khameelji quote

کسری نام فیلمی است که در این روزها بسیار محبوب شده است. این فیلم را می‌توان به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های ایرانی در سال ۱۳۹۸ نام برد. فیلم «کسری» به کارگردانی سعید آقاخانی و نویسندگی سعید آقاخانی و سعید آقاخانی و سعید آقاخانی است. این فیلم در جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۸ به نمایش درآمد و به دلیل بازی‌های درخشان بازیگران و کارگردانی توانمند، موفق به دریافت جوایز متعددی شد. «کسری» یکی از فیلم‌های برجسته و پرفروش ایران در سال ۱۳۹۸ به حساب می‌آید.

سائور سمان اتمی \* هیروشیما نوسوبه  
ایران

94,755 likes

پست اینستاگرام منسوب به مقام معظم رهبری در سالروز بمباران اتمی هیروشیما

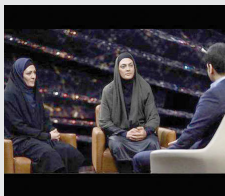


**ahmadi** • Follow

درست است که ما در این کشور با مشکلات فراوانی مواجه هستیم. اما باید دید که آیا ما به اندازه مشکلاتمان تلاش می‌کنیم یا نه. ما به عنوان یک ملت باید بدانیم که ما برای رسیدن به اهدافمان باید چقدر تلاش کنیم. ما باید بدانیم که ما برای رسیدن به اهدافمان باید چقدر تلاش کنیم. ما باید بدانیم که ما برای رسیدن به اهدافمان باید چقدر تلاش کنیم.

1,150 likes

یاد شهید حسن باقری در اینستاگرام محسن رضایی



**alfarajti** • Follow

این مصاحبه بسیار جالب و آموزنده است. آقای باقری در این مصاحبه به بسیاری از مسائل مهم و پیچیده کشور ما اشاره کرده است. ایشان به اهمیت نقش مردم در پیشرفت کشور و لزوم مشارکت همه در حل مشکلات اشاره کرده است. ایشان همچنین به اهمیت نقش آموزش و پرورش در آینده‌سازي کشور اشاره کرده است. این مصاحبه به دلیل صراحت و شفافیت آقای باقری، مورد توجه بسیاری از مردم قرار گرفته است.

1,150 likes

توضیحات مدیر شبکه ۳ درباره ماجرای خواهران منصوریان



**dahramanmaoold** • Follow

این تصویر نمادین است. گاهی اوقات ما در زندگی با مشکلات و چالش‌ها مواجه می‌شویم. اما اگر ما به اندازه کافی تلاش کنیم، می‌توانیم از این مشکلات عبور کنیم و به اهدافمان برسیم. این تصویر به ما یادآوری می‌کند که ما باید در برابر مشکلات مقاوم باشیم و به دنبال راه‌حل باشیم.

2,814 likes

پست کتابه‌آمیز مسعوده نمکی



**kimya.alizade**

این تصویر بسیار زیاده و دلنشین است. این خانم به دلیل بازی‌های درخشان و شخصیت جذابش، طرفداران زیادی دارد. این تصویر به ما یادآوری می‌کند که ما باید به دنبال زیبایی و جذابیت باشیم، اما در عین حال به ارزش‌های خودمان هم توجه داشته باشیم.

988 likes

پست کیمیما علیزاده پس از مصدومیت در آستانه بازی‌های آسیایی



## سه‌شنبه

«رابرت ردفورد»، بازیگر و کارگردان کهنه کار آمریکایی اعلام کرد پس از ۶۰ سال از دنیای بازیگری خداحافظی می‌کند. این بازیگر ۸۱ ساله گفت که پس از پایان بازی در فیلم «پیرمرد و اسلحه» از دنیای بازیگری کناره‌گیری می‌کند اما فعالیت خود را در عرصه کارگردانی همچنان ادامه می‌دهد. وی درباره تصمیمش این گونه توضیح داد: «به این نتیجه رسیدم که باید از بازیگری کناره‌گیری کنم چون از سن ۲۱ سالگی مشغول ایفای نقش هستم و فکر می‌کنم دیگر کافی باشد.» این سینماگر کهنه کار از سال ۱۹۶۰ در عرصه بازیگری فعال است. وی در دومین همکاری خود با «نیومن» در سال ۱۹۷۳ در فیلم «نیس» بازی کرد که موفق‌ترین فیلم او در گیشه نام گرفت و برای این فیلم تنها نامزدی اسکار بازیگری خود را به دست آورد. «ردفورد» نخستین فیلم خود را نیز به نام «مردم عادی» در سال ۱۹۸۰ کارگردانی کرد و برای این اثر اسکار کارگردانی گرفت. از برخی دیگر از مهم‌ترین فیلم‌ها با بازی «رابرت ردفورد» می‌توان به «گتسی بزرگ»، «تعقیب»، «جاسوس بازی»، «برویکر» و... اشاره کرد. ستاد عالی بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جا کارتا، برای دومین بار باز هم یک زن را به عنوان پرچم‌دار کاروان ورزش ایران در بزرگ‌ترین رویداد ورزشی قاره معرفی کرد. پیش از این کیمیما علیزاده، تنها بانوی مدال آور کشور در بازی‌های المپیک، پرچم‌دار کاروان معرفی شده بود که متأسفانه آسیب دیدگی ناگهانی او شرایط را تغییر داد. بر اساس این جلسه فوق‌العاده ستاد عالی بازی‌ها، روز گذشته تشکیل شد و اعضای حاضر همگی به پرچم‌داری الهه احمدی، قهرمان تیراندازی جهان در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ رأی دادند. او پیش از این در دو دوره اخیر بازی‌های آسیایی هم حاضر بوده و موفق شده تا به حال سه مدال نقره و یک برنز به دست بیاورد. عکس روز به جشن صد و دوازدهمین سالگرد صدور فرمان مشروطیت اختصاص دارد که در خانه مشروطه برگزار شد.

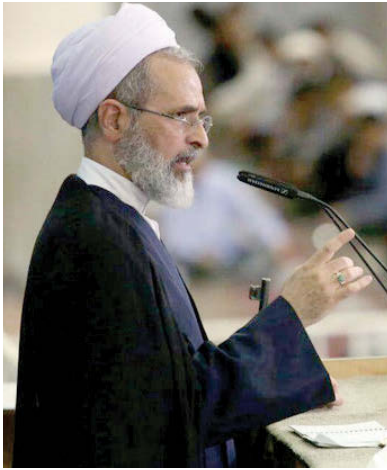
## چهارشنبه

فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» تازه‌ترین ساخته بهرام توکلی که سال گذشته سیمرغ بلورین بهترین فیلم سی‌وششمین جشنواره ملی فیلم فجر دریافت کرده بود، اکران خود را آغاز کرد. بهرام توکلی نهمین فیلم بلند سینمایی‌اش را با داستانی دفاع مقدسی تولید کرده است. اثری که «تنگه ابوقریب» نام دارد و تهیه‌کنندگی آن را سعید ملک‌ان عهده‌دار شده است. «تنگه ابوقریب»، تنگه‌ای بسیار استراتژیک بود. اتفاقی که درباره آن فیلم ساخته شده، واقعه‌ای است در سال ۶۷ در محدوده‌ای که عراق پیشروی می‌کرد و مناطق را از رزمندگان ایرانی پس می‌گرفت، آن اتفاق افتاد، در شرایطی که ایران به هیچ عنوان آمادگی دفاع نداشت. نیروهای ایرانی در آن بازه زمانی همه درگیر بودند؛ یکسری در شمال غرب و یکسری دیگر در شلمچه و جزیره منجوان درگیر بودند. بچه‌های گردان عمار تازه از خط پدافندی برگشته بودند، به آنها مرخصی داده بودند تا برگردند تهران، چون بیشترشان بچه تهران بودند. این بچه‌ها حمام رفتند و آماده شدند و بلیت قطارشان را دریافت کردند. قطارهای اندیشمک معمولاً بعد از ظهر به راه می‌افتد. ساعت ۱۰-۱۱ صبح اعلام کردند که عراق به تنگه ابوقریب حمله کرده است و هیچ‌کسی را نداریم که برود جلوی آنها بایستد، می‌گویند که گردان عمار را بفرستید، اطلاع می‌دهند که گردان عمار آماده شده‌اند که مرخصی بروند. دستور می‌دهند که گردان عمار را به تنگه ابوقریب بگردانید. بچه‌های گردان عمار را به پادگان دوکوهه برمی‌گرداند سریع تجهیزات می‌دهند و با کامیون آنها را به خط می‌فرستند. از وقایع مهم آن روز می‌توان به شهادت غلامرضا صالحی، قائم مقام لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) اشاره کرد که در تنگه ابوقریب روز ۲۲ تیر شهید شد. «تنگه ابوقریب» اسم داستان رشادت‌ها و ایستادگی‌های بچه‌های گردان عمار است. جواد عزتی، مهدی پاکدل، امیر جدیدی، حمیدرضا آذرنگ، علی سلیمانی و مهدی قربانی از جمله بازیگران فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» هستند.



## ریل تمدن اسلامی

سخنرانی آیت‌الله اعرافی در افتتاحیه طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی



چهارمین دوره طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی با حضور آیت‌الله اعرافی، رئیس حوزه‌های علمیه سراسر کشور، حجت‌الاسلام حمید پارسانی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و حجت‌الاسلام میرحی، رئیس دانشگاه باقرالعلوم و جمعی از اندیشمندان و دانشجویان از سراسر کشور در مرکز همایش‌های غدیر استان قم افتتاح شد.

آیت‌الله اعرافی سخنران اول این مراسم بود. او با بیان اینکه اسلام از بن‌مایه‌های تمدنی و فکری برخوردار است و توانسته ابعاد مختلف زندگی بشر را شکل دهد، به تشریح شاخصه‌های این تمدن پرداخت: «اگر این تمدن بر ریل درست قرار می‌گرفت، حتما نمودهای تمدن اسلامی به شکل دیگری رقم می‌خورد و از دامنه وسیع‌تر و عمق ژرف‌تری برخوردار می‌شد که این اتفاق نیفتاد، اما به شکل نسبی اندیشه اسلامی، آیات وحی و دستاوردهایی که در کتاب و سنت متجلی شد در کنار هم قرار گرفت و اندیشه‌ای را در جهان اسلام ایجاد کرد و دنیا را تحت تأثیر قرار داد. تمدن در اسلام چگونه شکل گرفته و ویژگی‌های آن چیست، از مسائل ارزشمندی است که باید مطرح شود. ما بنابر مفروضات، معتقدیم در بنیان دینی و قرآنی یک تمدن وجود دارد که می‌تواند استمرار داشته و با تحولات بشری همگام شود و هدایتگر باشد.»

وی با اشاره به اینکه تمدن‌سازی اسلام منحصر در عصر و مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها نیست، بلکه سامانمند، هدایتگر و فراگیر است و از انعطاف برخوردار است، گفت: «در گفتمان انقلاب، معتقدیم که اسلام امروز هم می‌تواند هدایتگر تمدن بشری باشد. اندیشه اسلامی هم می‌تواند به دستاوردهای بشر حاشیه بزند و اصلاح و پالایش ایجاد کند و هم می‌تواند در عمق بیشتر به تمام آنها روح و معنا دهد و تحولاتی در کاروان علم و معرفت بشر ایجاد کند. علم بشری می‌تواند در پرتو روح قرآنی و ایمانی قرار بگیرد و سبقه، روح و جان‌مایه دینی و قدسی پیدا کند. آنگاه که سخن از علم انسانی اسلامی به میان می‌آوریم اولین ترسیم و تئوری دخالت اندیشه دینی در مبانی علم است و بر اساس تحلیلی که از ساختار علم داریم، معتقدیم که علم چه انسانی، چه غیر انسانی بر پایه مبانی فکری و عقلی استوار است؛ مبادی و مبانی‌ای که می‌تواند در پیکره علم و قلمرو علم اثر گذار باشد.»

آیت‌الله اعرافی در ادامه به عرصه تازه‌ای که روش و حیاتی‌باز می‌کند، پرداخت: «واقعیت این است که برای کشف ابعاد وجودی بشر و جهان به یک عصا نمی‌توانیم تکیه کنیم و دستگیره‌ها و دوربین‌های دیگری وجود دارد که باید مورد استفاده قرار بگیرد. اگر روش و حیاتی‌باز پذیرفتیم و قلمرو وحی را هم با مبانی علمی استنباط کردیم،

عملا می‌بینیم این روش‌ها در این قلمروها کلی سخن برای گفتن دارد و این روش و حیاتی‌باز در کنار روش نظری و تجربی می‌تواند عرصه‌های جدید را باز کند و هیچ ادعایی هم نداریم که با این روش می‌شود به همه سؤال‌ها پاسخ داد. اندیشه قدسی و دینی غیر از دخالت در مبانی و مبادی و دخالت در متولوژی، در گزاره‌های علمی و در ساختار و پیکره مسائل علم نیز دخالت می‌کند. این علوم انسانی از منظر اسلامی قابل نقد و بررسی است و جالب اینکه بسیاری از استنتاج‌هایی که در علم می‌آید اگر در منظومه بزرگ‌تری قرار بگیرد رنگ می‌بازد. همه علوم می‌تواند اسلامی باشد و علم انسانی به طور ویژه می‌تواند اسلامی باشد و این سبقه اسلامی در چند تئوری ذاتی است»

## منطق جهان مدرن

ریشه‌های علم جامعه‌شناسی از نگاه کچویان

حسین کچویان در جمع دانشجویان چهارمین دوره طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی با عنوان «بسترهای تاریخی - اجتماعی شکل‌گیری علوم انسانی» سخنرانی کرد. کچویان در ابتدای سخنران خود با اشاره به اهمیت و جایگاه جامعه‌شناسی در تمدن مدرن گفت: «نتیجه و خروجی اصلی جهان مدرن شکل‌گیری جامعه‌شناسی بود و امروزه منطق جهان مدرن در حوزه اجتماعات همان منطق جامعه‌شناسی است. جامعه‌شناسی‌شان اساسی برای دیگر علوم دارد زیرا این علم نظریه‌ها و روش‌های اساسی سایر علوم را تعیین می‌کند. احساس نیاز به علم جدید در غرب از قرون ۱۵ و ۱۶ همراه با تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آغاز شد و در ظرف سه قرن علمی تحت عنوان جامعه‌شناسی شکل گرفت. در برهه‌ای از تاریخ مدرن، فلسفه معمول که در جهان سنت و طیفه‌اش توضیح عالم بود، طرد شد و فلسفه در قالب جدیدی به نام فلسفه اجتماعی با هگل ظهور کرد. در جهان مدرن فلسفه اجتماعی جای الهیات را در معنادر جهان می‌گیرد. امروز جامعه‌شناسی منطق اصلی جهان مدرن است و متفکرین بزرگ غرب در دوره‌های اخیر عمدتاً متفکرین اجتماعی بودند و اصلی‌ترین ابزارشان نیز جامعه‌شناسی بود.»

استاد دانشگاه تهران با اشاره به وضعیت علوم اجتماعی در جهان سنت بحث خود را ادامه داد: «تنها علمی که در جهان سنت امکان کنکاش پیرامون

رسانس زنده کردن فرهنگ کلاسیک غرب در مقابل فرهنگ مسیحی و وجه مهم آن ایجاد علقه‌های جدید و جوانه‌زدن شوق‌های دنیایی در کنار علقه‌های دینی بود. این تحول اساسی با تحولی که در علوم اجتماعی آغاز شده کاملاً هماهنگ و هم‌راستا بود.»

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با بیان راه‌حل‌های موجود برای ایجاد نظم در فضای بعد از انقلاب فرانسه گفت: «سه راه‌حل مطرح شد و ایدئولوژی جامعه‌شناسی در نهایت مورد پذیرش قرار گرفت. عده‌ای راه‌حل را در بازگشت اقتدار سیاسی و عده دیگری «دین». راه‌حلی برای پایان دادن به وضعیت موجود می‌دانستند. در این میان بعضی نیز جامعه‌شناسی را مطرح کردند. جامعه‌شناسی یعنی اصل قراردادن جامعه. باید به جامعه نگاه کنیم و ببینیم جامعه‌چطور خودش را نظم و نسق می‌دهد، به تعبیر دیگری باید قانونمندی‌های جامعه را درک کرد زیرا منطق اداره جهان محقق در درون خودش است. جامعه‌شناسی به دلیل چاره‌جویی‌هایش، مبنای طبیعت‌گرایانه‌اش و توجه به جهان موجود پایدار ماند.»

اجتماعیات و حوزه اجتماعی را مهیا کرد، فلسفه سیاسی بود. کارویژه اصلی فلسفه سیاسی در واقع، تعیین «بایدها»ی جهان انسانی بود. در نگاه ارسطو، شناخت حیطه جهان واقعی یعنی آنچه اتفاق می‌افتد، ممکن نبود زیرا آنچه اتفاق می‌افتد جزئی است و آنچه جزئی باشد قابل شناسایی نیست.» وی افزود: «نیاز و خواست علم جدید نخستین بار از سوی هابز و ماکیاوولی مطرح شد. به نظر آنان علم‌های جهان سنت، ریشه در واقعیت نداشتند و نمی‌توانستند مسائل موجود را تحلیل کنند. جهان مدرن در قرن ۱۵ و ۱۶ در عصر رنسانس خود را ظاهر کرد. رنسانس حادثه‌ای همگانی نبود و فقط بخش‌هایی از جامعه به خصوص فرهیختگان را درگیر کرد. در واقع





## سیمای آزادگان

نگاهی به چند اثر شاخص در زمینه اسرای ایرانی در اردوگاه‌های عراقی

به خاک وطن که رسیدند، سجده زدند و بوسه ای که بر سرزمینی که سال‌ها و روزها را برای بازگشت، در ذهن‌شان شماره می‌کردند، روزی مثل همین روزها بود، مردادماه؛ دقیقش را نخواهید می‌شود ۲۶ مردادماه سال ۶۹، مرزهای جنوبی میزبان عزیزترین صاحب خانه‌ها بودند، بله آن روز همه ایران خوشحال بودند، همه ایران و اشک‌شان را بدرقه بازگشت فرزندان این خاک و بوم کرده بودند، آزادگان به خانه رسیدند، آنها داستان‌هایی از آن اردوگاه‌های یعنی با خود آوردند، این داستان‌ها بازتاب‌هایی در هنر ما داشته، در کتاب و مکتوب بیشتر و در سینما و هنرهای نمایشی کمتر، به همین بهانه ساده نگاهی به چند اثر شاخص در این زمینه داریم اما خوب نباید یادمان برود که هنوز در دل آن کتاب‌ها فیلم‌های جذابی وجود دارد که کارگردان‌ها می‌توانند آن‌را دریابند.

آزاده «مهدی طحانیان» از کودکی تا امروز و حاصل بیش از ۳۵۰ ساعت مصاحبه مؤلف با راوی است. این کتاب به بیان اتفاقات ریز و درشت زندگی مهدی طحانیان پرداخته و خواننده را به همراهی با اتفاق‌های خوانندگی و جذابی که در بسترهای متفاوتی روی می‌دهد، دعوت می‌کند. نقطه اوج این اتفاق‌ها ماجرای امتناع او از مصاحبه با «نصیراشارما»، یک زن خبرنگار هندی بی‌حجاب است. چنین تصمیمی در شرایط وحشتناک و خفقان آور اسارت که جسارت بی‌مثالی می‌طلبد، توسط نوجوانی گرفته می‌شود که خود را سرباز و مطیع اوامر رهبرش می‌داند. زندگی اسارتی و ابتکارات ریز و درشتش، روابط و علقه‌های به وجودآمده میان او و رفقای دربندش و حوادث متفاوتی که حین اسارت بر اردوگاه‌ها سایه انداخته، تنها بخشی از فصول این کتاب است.

یادداشت‌ها را در دفتر کوچک ۲۰ برگی می‌نویسد و در میان بانداژ پای مجروحش به ایران می‌آورد. او به روایت اتفاقاتی که در جبهه و دوره اسارت گذرانده، پرداخته است؛ همچنین به شهادت هم‌زمانش، رفتار خشونت‌آمیز عراقی‌ها با اسرای ایرانی و حتی اسیران مجروح از جمله خود او (مثل شلیک دو گلوله به پاهای مجروحش)، عدم رسیدگی به مجروحیت شدید پایش تا جایی که پایش عفونت می‌کند و کرم‌ها روی همه بدنش به حرکت درمی‌آیند و نهایتاً عراقی‌ها پایش را قطع می‌کنند و جلوی پیشرفت عفونت گرفته می‌شود.

### کیمیا



کیمیا ساخته احمد رضا درویش در سال ۱۳۷۴ از جمله آثاری است که به تبعات اسارت رزمندگان ایرانی و اتفاقاتی که در زندگی آنها پیش می‌آید، می‌پردازد. در آغاز جنگ تحمیلی همسر رضا (که یک معلم در آبادان است) باردار است و باید مورد عمل جراحی قرار گیرد. رضا با بازی خسرو شکیبایی او را به بیمارستان می‌رساند و خود به اسارت قوای دشمن درمی‌آید. همسر رضا حین عمل جراحی می‌میرد و یک جراح با بازی بیتا فرهی فرزند رضا را نجات می‌دهد. بعد از گذشت ۹ سال وقتی رضا از اسارت آزاد می‌شود، پی می‌برد که همه اعضای خانواده اش را از دست داده است. حال او در جست‌وجوی تنها بازمانده خود، فرزندش است.

کیمیا، فرزند رضا، نزد شکوه در مشهد زندگی می‌کند. مشکل اینجاست که شکوه به طور کامل به کیمیا وابسته است. زنده‌یاد خسرو شکیبایی برای نقش آفرینی در این فیلم سینمایی، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر را از سیزدهمین جشنواره فیلم فجر گرفت.

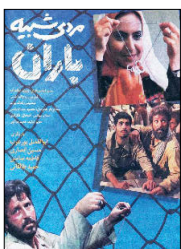
### من زنده‌ام



«من زنده‌ام» روایت دختری ۱۷ ساله است از دیار آبادان که در خانواده پرجمعیت «آباد» به دنیا آمد و نامش را به خاطر نذری که مادر بزرگش در هنگام تولدش کرده بود، «معصومه» گذاشتند. معصومه آباد، راوی کتاب

من زنده‌ام یکی از نیروهای جوان هلال احمر بوده که بعد از وقوع انقلاب اسلامی به عنوان نماینده فرماندار در هلال احمر در یکی از یتیم‌خانه‌های شهرش مشغول به کار می‌شود و در زمان آغاز حملات هوایی رژیم بعث به شهر آبادان مجبور به انتقال کودکان به شیراز شده و در راه برگشت و در همان روزهای ابتدایی جنگ به اسارت درمی‌آید. او که به همراه سه زن دیگر بیش از ۴۰ ماه در اسارت‌تگاه رژیم بعث محبوس بوده‌اند، بعد از آزادی و بازگشت به وطن در تشریف به حج تصمیم می‌گیرد که برای حفظ میراث گرانبهای هشت سال دفاع مقدس دست به قلم شود و نتیجه کار او کتابی ۵۵۰ صفحه‌ای است که در هشت فصل خود روایت روزهای زندگی‌اش از کودکی تا زمان آزادی‌اش از اسارت را جای داده است.

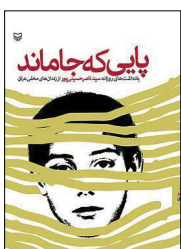
### مردی شبیه باران



ابوالفضل پورعرب برای بازی در این فیلم، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد در پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر را دریافت کرد. همه فیلم‌ها به احترام «مردی شبیه باران» در آن سال با چند دقیقه سکوت اکران شدند.

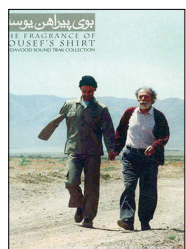
داستان فیلم از این قرار است که منصور قاسمی یکی از فرماندهان برون مرزی سپاه در جریان حمله نیروهای دشمن موجی و دستگیر می‌شود. عراقی‌ها برای شناسایی فرمانده اسرا (منصور قاسمی) فردی را به جاسوسی در میان آنها اجیر می‌کنند. جاسوس که به طور اتفاقی در جریان مکالمه منصور و همسرش او را شناسایی کرده بود توسط منصور کشته می‌شود. عراقی‌ها با کشته شدن نیروی نفوذی خود و همچنین بی‌نتیجه ماندن شناسایی فرمانده - شکنجه اسرا را تشدید کرده و سهمیه آب اردوگاه را قطع می‌کنند. ابوالفضل پورعرب، حسین انصاری، فاطمه صامتی، حمید طالقانی، مجید عبدالعظیمی، رضا سعیدی، حسن چوچن، محمود ثابت‌نیا و محمد تقی نژاد از جمله بازیگران «مردی شبیه باران» هستند.

### پایی که جا ماند



«پایی که جا ماند»، یادداشت‌های روزانه سیدناصر حسینی پور از زندان‌های مخفی عراق است که انتشارات سوره مهر منتشر کرده است. سیدناصر حسینی پور این کتاب را به گروهیان عراقی، ولید فرحان، سرنگهبان اردوگاه ۱۶ تکریت، که در زمان اسارت، او را بسیار شکنجه و آزار داده، تقدیم کرده است. حسینی پور در شهریور سال ۱۳۶۹، در بیمارستان ۱۷ تموز، این

### بوی پیراهن یوسف



آن صحنه‌های بازگشت، شاید ماندگارترین تصویری باشد که سیمای ایران از بازگشت آزادگان ترسیم کرده، در میان همه اقوام و قوم‌های ایران امید دیدن عزیزشان را ابراهیم حاتم‌کیا جاودانه کرد، فیلم بوی پیراهن

یوسف یک اثر ماندگار است، داستان دایی غفور و امیدش را هیچ‌کس نمی‌تواند فراموش کند. دایی غفور راننده تاکسی فرودگاه، با وجود همه مدارکی که ثابت می‌کند پسرش یوسف در جنگ شهید شده، هنوز فکر می‌کند که او زنده است و حتی حرف دامادش اصغر را که هم‌رمز یوسف بوده قبول نمی‌کند. او با اینکه پلاک یوسف را هم در شکم یک کوسه یافته‌اند، همیشه منتظر است پسرش بازگردد. فقط دایی غفور بود که باور داشت و در آخرین سکانس گمشده‌اش را، یوسفش را پیدا کرد... بوی پیراهن یوسف اثری بود که نشان می‌داد که اگر از آزادگان صحبت می‌کنیم، بی‌انصافی است از خانواده آنها نگوئیم. بوی پیراهن یوسف داستان انتظار است که می‌تواند ما را یاد انتظاری بزرگ‌تر ببیند. خود ابراهیم حاتم‌کیا در مصاحبه‌ای درباره این فیلم گفته: «از من پرسیدند: چرا درباره امام‌زمان (عج) فیلم نمی‌سازی و گفتیم که ساخته‌ام؛ همین «بوی پیراهن یوسف». حتما که نباید مستقیماً سراغ یک موضوع بروم. این فیلمی بود که تصور مرا از مفهوم انتظار مشخص می‌کرد.»

### سرباز کوچک امام



او با خبرنگار تا وقتی که حجابش را رعایت نکرد، مصاحبه نکرد و پس از آن هم حرف‌هایی که زد به یکی از ماندگارترین مصاحبه‌های دفاع مقدس تبدیل شد. سرباز کوچک امام؛ روایتی از خاطرات

سینمای ایران بازیگر مهمی است. چرا عطاران تضمین فروش است؟ این سوال مهمی است که پاسخ دادن به آن چندان آسان نیست...

برای اینکه به این سوال پاسخ بدهیم که چرا فیلم‌های عطاران خوب می‌فروشند، بهتر است که به این اتفاق نظر برسیم که عطاران بازیگر بسیار خوبی است. او که فرسنگ‌ها با تعریف کلیشه‌ای از سوپرستار فاصله دارد، با هنر بازیگری توانسته از همه چشم‌رنگی‌ها و خوش قیافه‌ها عبور کند و بازیگر محبوب مردمی باشد که پای گیشه می‌روند. عطاران حتی در جدی‌ترین نقش‌ها مثل دهلیز و آب‌نبات چوبی هم یک بازیگر کاملاً توانمند نشان داده که می‌تواند از عهده نقش‌های جدی هم به خوبی نقش‌های کم‌دی برآید... اما عطارانی که در حوزه طنز کار می‌کند، به طور طبیعی پر فروش‌تر است، چرا؟ شاید یکی از مهم‌ترین دلایل آن تا امروز این است که او نگذاشته که شوخی‌هایش خیلی تکراری شود. یادمان باشد که عطاران وقتی داشت راه ستاره شدن را در برنامه ساعت خوش طمی می‌کرد، هم بازیگر بود و هم نویسنده. این بخش نویسنده بودن باعث می‌شود که شوخی‌های عطاران همیشه به‌روز بماند و کهنه و تکراری نشود.

نکته دیگری که در مورد عطاران می‌شود گفت این است که در قالب نقش‌ها خیلی شبیه مردم عادی است و هم‌ذات‌پنداری با نقشی که او بازی می‌کند خیلی سخت نیست. در اکثر نقش‌ها به شکل مشخصی میان خرده‌خطاها و بزرگ‌بخش‌ها می‌گردد؛ نه فرشته است و نه شیطان... عطاران خیلی خوب حال و هوای فیلم‌نامه را می‌شناسند و شوخی‌ها و اجراهای در همان حد می‌ماند و خیلی بیرون نمی‌زند... علاقه به کم‌دی و خندیدن هم در حالت کلی به رضا عطاران کمک کرده تا سینمای ایران از داشتن رضا عطاران خوشحال باشد.



## تضمین فروش

### رضا عطاران با یک فیلم دیگر هم رکوردشکن شد

به سطح قابل توجهی از ابتدال می‌رسد اما همین خیلی‌ها هم نمی‌توانند از نقش رضا عطاران در فروش همین فیلم هم به راحتی عبور کنند... واقعیت این است که مدت‌هاست رضا عطاران تضمین فروش در سینمای ایران است و اکثر فیلم‌هایی که این بازیگر در آن حضور دارد، به فروش میلیاردری و سود بالا می‌رسند. فقط کافی است که رقم‌ها را با هم مرور کنیم؛ دراکولا بیش از سه میلیارد تومان، نهنگ ۷ میلیارد تومان، طبقه حساس ۵ میلیارد تومان، گیس ۳ میلیارد تومان، من سالوادور نیستم ۱۵ میلیارد تومان، مصادره ۱۶ میلیارد تومان و... همین اعداد است که نشان می‌دهد رضا عطاران چقدر برای صنعت

«هزارپا» رکورد پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را شکست. این فیلم به کارگردانی ابوالحسن داوودی فروش خود را به مبلغ ۲۱ میلیارد و ۷۵ میلیون تومان رساند. پیش از این فیلم سینمایی «نهنگ عنبر ۲: سلکشن رویا» ساخته سامان مقدم بعد از پایان اکران خود با فروش ۲۰ میلیارد و ۹۴۵ میلیون تومان، پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران بود که فیلم هزارپا توانست از این رکورد عبور کند، نکته جالب این است که در هر دو فیلم رضا عطاران به عنوان بازیگر اصلی حضور داشته است. خیلی‌ها فروش هزارپا را به حساب شوخی‌هایی می‌گذارند که گاهی حتی

## همان نسخه قدیمی

### درباره کم‌دی عروسکی خاله قورباغه

سمسارباشی، باور افسانه‌ای‌اش با نام نخودی و نوه‌هایی که هرکدام از شهری یا کشوری به سراغش می‌آیند، برای بچه‌ها و بزرگترها، از مفاهیمی چون عواطف خانوادگی، دوستی، نشاط، همکاری، هوشمندی، میراث فرهنگی، مدیریت بحران و... قصه می‌گوید. «واقعیت امر این است که خاله قورباغه به هیچ وجه نمی‌تواند و نتوانسته به قله‌های اوج فیلم‌هایی از این دست برسد. این فیلم با قصه ساده و قابل حدسش که همراه با ارجاعات سطحی به سینمای ایران و جهان است، نه برای مخاطب خردسال

«خاله قورباغه» فیلمی به کارگردانی افشین هاشمی بعد از گذشت پنج هفته از اکران به فروش بیش از یک میلیارد تومان رسیده است. همین بهانه خوبی است تا به این فیلم بپردازیم اما قبل از آن باید این نکته را به یاد بیاوریم که سینمای کودک در همه این سال‌ها، یکی از نقاط ضعف سینمای ایران محسوب می‌شود. هر از گاهی تک فیلم‌های شاخص می‌آیند و فروش می‌کنند اما این مساله هیچ‌گاه تبدیل به یک نیاز در بدنه سینمای ما نشده است، هر چند تولیدات انیمیشنی این روزها دارند کم کم جای خود را در سینمای ایران بازی می‌کنند اما باز هم تا امیدواری راهی طولانی پیش رو داریم. «خاله قورباغه» به کارگردانی افشین هاشمی یک کم‌دی عروسکی است که مرضیه برومند، شبنم مقدمی، غزل شاکری، احسان کرمی، شایسته ایرانی، آناهیتا خسروی، شهردادبانی، علیرضا ناصحی، نگار اردلان و افشین هاشمی در آن صداپیشگی کرده‌اند. ایده این فیلم احتمالاً از یک عروسک آمده است که در زمان خودش بسیار محبوب شد، در فیلم موفق «گلنار»، عروسکی بود به نام خاله قورباغه که همدم گلنار بود. همین عروسک حالا سوژه فیلم تازه‌ای شده است. فیلمی که در خلاصه آن آمده است: «خاله قورباغه مهربان و معاشرتی که بزرگترین مشکلش تنهایی و دورافتادگی از ۹۸ بچه‌اش است، در کنار شخصیت‌های جدیدی چون خواهر دوقلویش با نام آبی باجی، پزشک جنگل با نام حکیمه باجی، همسایه طماع و خلافکارش با نام

که گلنار را نمی‌شناسد، جذاب است و نه برای مخاطب بزرگسال، فیلمی است که توان خود را صرف حرکت بر مدار و ساختار و بهره‌گیری از عناصر تکراری فیلم‌های موفق سینمای کودک گذشته کرده است و مخاطب این روزهای خود را نمی‌شناسد. هر چند افشین هاشمی، کارگردان آن معتقد است: «پس از چند سال دوری نیاز به کمک داشتم و خوشبختانه عروسک گردانان فیلم «خاله قورباغه» خیلی خوب کمک کردند تا ایده‌های بصری تخیلات من شکل بگیرد. به طور کلی معتقدم آنچه فیلم کودک را برای مدت‌زمانی طولانی نگه می‌دارد خیال‌انگیزی آن است، نه تکنولوژی، همان‌طور که فیلم‌هایی مثل «مدرسه موش‌ها»، «گلنار» یا «گریه آوازه‌خوان» برای بچه‌های امروز هم جالب هستند و از دیدن آن لذت می‌برند. هر آنچه بتواند خیال ایجاد کند در برقراری ارتباط کودکانه موثر است.»





## پادشاه و دلک

همسر ترامپ به دفاع از لبرون جیمز پرداخت



یکی از برترین های تاریخ است؛ آن قدر بزرگ است که به او لقب کینگ داده اند؛ پادشاه جیمز. او را می توان با حرکت های ویران کننده اش در زمین بسکتبال به یاد آورد با جهش های بلند و حرکت های هوشمندانه اش. او را می توان با نقل و انتقالات خبرسازش شناخت با گرافیتی های زیبایی که در سطح شهرها از او روی دیوارها کشیده شد یا اینکه او را به صحنه سیاست آورد و با مجادله هایش با دونالد ترامپ... مجادله هایی که تمامی ندارد. «لبرون جیمز» که به موضع گیری و صراحت لهجه در مسائل سیاسی و اجتماعی به خصوص در مخالفت با گرایش های نژادپرستانه در ایالات متحده شهرت دارد، از هر فرصتی برای انتقاد از ترامپ استفاده می کند. جیمز و ترامپ سابقه مشاجرات زیادی دارند. در ماه سپتامبر سال گذشته، جیمز از ترامپ به خاطر پس گرفتن دعوت گلدن استیت، قهرمان NBA به کاخ سفید انتقاد کرد و نوشت: «رفتن به کاخ سفید افتخار بزرگی بود، تا وقتی که تو آمدی!».

در ماه ژوئن وقتی که جیمز هنوز بازیکن کیولند کاوالیرز بود، مدعی شد فزارغ از اینکه کاوالیرز یا گلدن استیت قهرمان شوند، هیچ تیمی دوست ندارد به کاخ سفید دعوت شود. در سال ۲۰۱۷، وقتی ترامپ گفت که بازیکنان لیگ فوتبال آمریکایی (NFL) باید به خاطر بی احترامی به سرود ملی اخراج شوند، جیمز گفت: «او متوجه جایگاهش به عنوان فرد اول این کشور نیست.» آخرین مورد به همین چند روز قبل برمی گردد. جیمز که چهار بار تا کنون پرارزش ترین بسکتبالیست NBA انتخاب شده است، در مصاحبه با CNN اعلام کرد که مشکلات نژادپرستی در ورزش آمریکا با حضور ترامپ افزایش یافته است: «ما در حال حاضر در آمریکا در موقعیتی قرار داریم که مشکل نژادپرستی در حال وخیم شدن است. معتقدم که رئیس جمهور ماسعی می کند ما را جدا کند. در چند ماه اخیر این مساله را متوجه شدم که او از ورزش برای جدا کردن ما استفاده می کند. من این

مساله را درک نمی کنم.»

لبرون جیمز در ادامه صحبت های خود گفت: «ورزش باعث شد که با سفیدپوستان برای اولین بار از نزدیک ارتباط برقرار کنم. فرصت پیدا کردم که بیشتر درباره آنها بدانم و آنها هم این فرصت را پیدا کردند که بیشتر من را بشناسند. ما دوستان خوبی شدیم. من به خودم گفتم که همه اینها به خاطر ورزش است. ورزش چیزی نیست که انسان ها را از هم جدا کند، بلکه انسان ها را به هم پیوند می دهد.» این صحبت ها بازتاب زیادی در رسانه ها داشت؛ آن قدر زیاد که دونالد ترامپ را مجبور کرد به این مصاحبه واکنش نشان دهد. البته واکنش ترامپ مثل همیشه منفی و همراه با توهین بود. او در صفحه توئیترش نوشت: «لبرون جیمز با احمق ترین آدم تلویزیون، دن لمون (مجری سنی آن) گفت و گو کرد. این مجری سعی کرد در این گفت و گو لبرون جیمز را آدم پاهوشی نشان دهد؛ در حالی که همه می دانند که کار ساده ای نیست، من مایک را دوست دارم.» منظور ترامپ از مایک، مایکل جردن، یکی از بهترین بازیکن تاریخ بسکتبال است تا این به این دوقطبی دامن بزند که مایکل جردن بهتر است یا لبرون جیمز؟

اگرچه لبرون جیمز نسبت به این توهین واکنشی نشان نداد، ولی خیلی زود شخصیت های برجسته سیاسی، رسانه ای و ورزشی به حمایت از جیمز پرداختند. یکی از آنها مایکل جردن بود. جردن از طریق یک نماینده، جیمز را خیلی سریع بیان کرد. او گفت: «من از لبرون جیمز حمایت می کنم. او کار بزرگی برای این گروه انجام داده است.»

عجیب ترین حمایتی که از لبرون جیمز شد اما به همسر رئیس جمهور آمریکا، یعنی ملانیا ترامپ برمی گردد. او از طریق استانی گریشام، سخنگویش، پیغامی مخابره کرد: «به نظر من لبرون جیمز بسکتبالیستی است که برای نسل آینده تلاش و زحمات زیادی کشیده است. خانم ملانیا همه را دعوت به دیالوگ می کند تا درباره مشکلات حرف بزنند. مشکلاتی که این روزها بیشتر درباره بچه هاست.» خانم گریشام در ادامه به این موضوع اشاره کرد که ملانیا ترامپ علاقه زیادی دارد تا از مدرسه جدید لبرون جیمز دیدن کند. انجمن خیریه لبرون جیمز به تازگی به ساخت مدرسه ای به نام «من قول می دهم» برای جوانانی که در محیط پرخطر زندگی می کنند، کمک کرده است.

## سرقت دوم

## بارسلونا ویدال را خرید

خرید یک بازیکن ۳۱ ساله شیلیایی که مصدومیت های بسیاری را تجربه کرده است، اتفاقی هیجان انگیز در تابستان سال ۲۰۱۸ برای بارسلونا نبود اما بی شک ویدال از معدود بازیکنانی است که چه در بخش هجوم و چه در دفاع تقریباً از یک سطح توانایی برخوردار است؛ بازیکنی که کمتر در این روزها در فوتبال یافت می شود و به همین دلیل می تواند در تمام سیستم ها عصای دست آرنستو والورده باشد. با جدایی آندرس اینیستا و پائولینیو، بارسلونا ناگزیر به جذب هافبک برای پر کردن جای این ۲ بازیکن بود و اگرچه شاید طرفداران بارسلونا در انتظار نام های جذاب تری از جمله پل پوکبا یا میرالیم پیانیچ بودند، اما آرتورو ویدال شاید قطعه گمشده بازی این تیم باشد. این

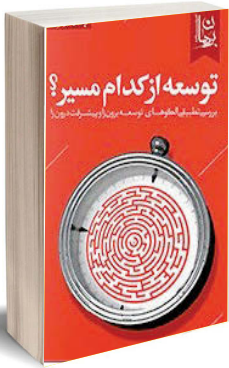
در حالی که در روزهای اخیر اخبار جدی درباره تلاش اینتر برای جذب هافبک تیم ملی شیلی منتشر شده بود، یک بار دیگر بارسلونا می تواند میانبر زده و این بازیکن را جذب کند. برخی منابع خبر داده اند فرناندو فلیسویچ، مدیر برنامه های ویدال، او را به بارسلونا پیشنهاد داده است. در حالی که اینتر و میلان هم به جذب این بازیکن علاقه داشتند، بارسلونا اولویت پیدا کرده و با فلیسویچ به توافق دست یافته است. این اتفاق بسیار شبیه به ماجرای خرید مالکوم، بازیکن برزیلی فصل گذشته بود و است که با وجود آنکه ابتدا برای رفتن به رم موافقت کرده بود و در آخرین لحظه سر از نوکمپ درآورد، سرقت دوم بسیار مشهور تر است البته او آرتورو ویدال است.

انتقال برای بارسلونا ۲۰ میلیون هزینه داشت و حالا ویدال از اینکه در کنار مسی بازی خواهد کرد، ابراز خوشحالی کرد: «این یک رویا است و امیدوارم به این هدف دست پیدا کنم. من اینجا هستم تا تمام جام ها را کسب کنم و تمام تلاشم را بخواهم کرد که به این اهداف برسم. جنگیدن های فراوان، شور و انگیزه فراوان، کمک به تیم و اینکه کاری کنیم که همیشه برنده باشیم، چیزی است که به دنبالش به اینجا آمده ام. امیدوارم در طول سه سال قراردادام، جام های زیادی ببرم، امیدوارم در این امر موفق باشم. از اینکه در کنار سوارز، مسی و سرخیو بوسکس بازی خواهم کرد، هیجان زده هستم.» والورده، سرمربی بارسلونا هم به تمجید از ستاره شیلیایی پرداخت و از انتظارانش از او صحبت کرد: «او بازیکنی است که امیدوارم انرژی را به تیم ما منتقل کند. او تجربه بسیاری دارد و بازی های زیادی برابر ما انجام داده است. او به بازی کردن در بازی های بزرگ عادت دارد. در زمین حضور چشم گیری دارد و فکر می کنم برای ما خیلی خوب باشد. او یک مبارز است.»

## مسیر توسعه

### بررسی تطبیقی الگوهای توسعه برونزا و پیشرفت درونزا

اندیشه



به طور متوازن و متناسب انجام می‌گیرد. با همین رویکرد در نگاه اجتماعی و کلان نیز می‌توان پیشرفت یک کشور و جامعه را تبیین کرد. پیشرفت جامعه اسلامی، تعالی و تکامل معنوی و مادی در نهایت حاکم شدن حیات طیبه اسلامی در آن است. نکته قابل تأمل آن است که رویکرد و جهت‌گیری‌های کلان انقلاب اسلامی در مسیری مغایر با منافع قدرت‌های حاکم بر نظام بین‌الملل تعریف شده است و اصولاً نظام اسلامی یکی از کارویژه‌های خود را برهم زدن نظام ابرسرمایه‌سالاری سلطه‌گر می‌داند. طبیعی است در چنین شرایطی نیروهای قدرت‌های خارجی به‌عنوان نیروی تضعیف‌کننده و معارض مسیر پیشرفت طلبی ملت ایران تلقی می‌گردند....

اسلام معنای خاص دارد و در چالش با توسعه غربی است. واژه توسعه که در جهان سیاست به کار برده می‌شود، برگرفته شده از فرهنگ غرب است و با نگاه تک‌بعدی به رشد جامعه، فقط رشد مادی آن را مدنظر قرار می‌دهد. در جهان معاصر، هویت و شخصیت حقیقی جوامع اسلامی در پرتو فرهنگ و ایدئولوژی آسمانی‌شان رقم می‌خورد. بدین معنا که اگر جهان غرب با ابتنا بر انسان‌محوری با فرهنگ مادی و فناوری پیشرفته‌اش شناخته می‌شود؛ جهان اسلام با ابتنا بر خدامحوری با معنویت، انسانیت و اخلاق و با فلسفه، حکمت و ایدئولوژی متافیزیکی‌اش هویت می‌یابد. اندیشه اسلامی، پیشرفت و تکامل را یکی از ابعاد وجودی انسان تلقی می‌نماید و هر روز انسان را بهتر از روز قبل می‌خواهد؛ البته این پیشرفت و ترقی باید در چارچوب اصول، احکام و ارزش‌های دینی خود تحقق یابد، چرا که اساساً سعادت حقیقی این جهانی انسان، علاوه بر سعادت اخروی، از همین راه حاصل شدنی است. پیشرفت در نظام معرفتی اسلام، عبارت است از حرکت تصاعدی و رو به کمال انسان که تمام ابعاد وجودی او را در بر دارد و

کتاب «توسعه از کدام مسیر» از مجموعه کتاب‌های اندیشنامه پیشرفت و حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران اندیشکده برهان منتشر شد. همزمان با نقض عهد ایالات متحده آمریکا در توافق هسته‌ای و در حاشیه نشست تخصصی «پیشرفت منهای برجام»، از کتاب «توسعه از کدام مسیر» با موضوع بررسی تطبیقی الگوهای توسعه برونزا و پیشرفت درونزا رونمایی شد. این کتاب از مجموعه کتاب‌های اندیشنامه پیشرفت و حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران اندیشکده برهان در ۲۷۰ صفحه و در ۶ فصل، از سوی انتشارات دیدمان به زیور طبع آراسته گردیده است. «چالش‌های توسعه‌گرایی در تضارب نظریات غربی»، «تجربه و نتایج الگوهای توسعه در جهان»، «تجربه تاریخی توسعه‌گرایی در عصر قاجار و پهلوی»، «پیشرفت در منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی»، «اجزا و ابعاد پیشرفت درونزا» و «چالش‌های تحقق الگوی پیشرفت بومی درونزا در ایران» عناوین فصل‌های ۶گانه این کتاب هستند. در بخشی از مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «پیشرفت در اندیشه و نظام معنایی

مقاومت

## هنر اهل بیت (ع)

کتاب مورد علاقه شهید حججی

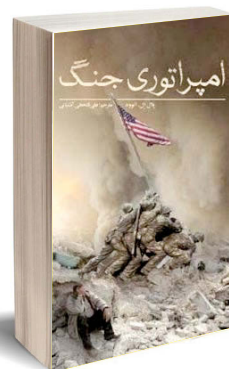


چاپ چهارم کتاب «هنر اهل بیت (ع)» توسط نشر شهید کاظمی منتشر شد. این کتاب کتابی است که به باورها و اعتقادات رزمندگان در جنگ هشت سال دفاع مقدس می‌پردازد و نگاهی دارد به آنانی که پس از جنگ می‌خواهند با سبیره و اندیشه و انگیزه آسمانی مردان بی‌ادعا آشنا شوند. هنر اهل بیت (ع) کتابی است که به گفته همسر و دوستان نزدیک شهید محسن حججی، کتاب مورد علاقه این شهید مدافع حرم بوده است و این کتاب همیشه همراهش بوده و هر جا و هر زمان که وقت آزاد پیدا می‌کرده است به مطالعه آن می‌پرداخته. این کتاب در بخش‌ها و عناوین مختلف با بیان خاطراتی از شهید، از اعتقادات عمیق آنان و سیره‌شان سخن می‌گوید و روشنگر ستم‌ها و آماج‌های ناروایی است که به جنگ و رزمندگان نسبت داده می‌شود. در قسمتی از کتاب می‌خوانیم: «وقتی در حلقه محاصره دشمن گرفتار شده بودیم و از اطراف مورد تیراندازی قرار گرفتیم تعدادی از بچه‌ها زخمی و شهید شدند و روی رمل‌ها افتادند. تلاش ما برای نجات آنها بی‌فایده بود. از این رو مجبور به بازگشت شدیم. وقتی از تیررس بعثی‌ها خارج شدیم، حسین خرازی ایستاد. خم شد و دست روی زانوهایش گذاشت و بلند بلند شروع به گریه کرد. در چنین شرایطی حسین احساس می‌کرد تمام گناهان دنیا به گردن اوست. شرایط روحی او عالی بود. گفت: «بچه‌ها می‌دانید وقتی در آخرین لحظات منطقه درگیری را ترک می‌کردم و نمی‌توانستم به محرومین مانده در منطقه کمک کنم. یاد مصیبت امام حسین علیه‌السلام افتادم که به حضرت قاسم فرمود: ... هم باید شهید شویم تا فردا بماند و هم باید بمانیم تا فردا شهید نشود. عجب دردی! چه می‌شد با آنها امروز شهید می‌شدیم و فردا زنده می‌شدیم تا دوباره شهید شویم.»

ترجمه

## امپراتوری دروغ

روایت پروفیسور آمریکایی از بمباران اتمی



کتاب «امپراتوری جنگ» نوشته پروفیسور پال لوئیس آتوود، مدرس ارشد دانشگاه ماساچوست که به تازگی توسط موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره) و با ترجمه علی فتحعلی آشتیانی در ۲۸۰ صفحه منتشر شده است. این کتاب پژوهشی در قلمرو سیاست‌های آمریکا است، هدف اصلی کتاب، نمایش توسعه‌طلبی‌های امپریالیستی رهبران آمریکا به منظور افزایش قدرت و نفوذشان در همه کشورهای دنیا است. پال لوئیس آتوود در این کتاب می‌گوید به مردم آمریکا نشان دهد که تاریخ کشورشان آکنده از جنگ‌های تجاوزگرانه و توسعه‌طلبی‌های امپریالیستی بوده است که بایستی به ارزش جان سربازان آمریکایی و غیر نظامیان دشمن که بر اثر سیاست‌های آنان جان خود را از دست داده یا زنج کشیده‌اند، همواره نبردهای‌شان را خود انتخاب کرده‌اند تا از این رهگذر قدرت و نفوذشان را بیفزایند. در بخشی از این کتاب که به بررسی علل اصلی اولین و آخرین حملات اتمی تاریخ البته تا امروز پرداخته است که با امپریالیستی‌ها هدف از آن را تسلیم کردن جنگ جهانی دوم بر این محور است که بمباران اتمی ژاپن برای نجات جان آمریکاییان و پایان دادن به جنگ و پرهیز از تهاجم به جزایر سرزمینی ژاپن لازم بوده است. هیچ سند و مدرک مستندی که ادعاهای آنان درباره نجات جان آمریکاییان را تأیید کند، وجود ندارد. به اکثر سربازان و شهروندان آمریکایی چنین القا کرده بودند که مانند تهاجم به اروپا، باید هر آن منتظر پیاده شدن نیروهای آمریکایی در ژاپن باشند. در حالی که برای حمله به ژاپن در نوامبر ۱۹۴۵ و احتمالاً بعد از آن نیز در مارس ۱۹۴۶ طرح‌های احتیاطی از قبل آماده شده بود. ژاپنی‌ها در تابستان ۱۹۴۵ خود را تسلیم می‌کردند.





## انگلستان اکونومیست

در خط آتش؛ این تیتیر اصلی هفته نامه اکونومیست است. این هفته نامه به یک بحران جدی در زمینه محیط زیستی پرداخته است. این روزها دوباره استفاده از سوخت های فسیلی افزایش پیدا کرده و این به آن معنا است که جهان در مسیری اشتباه قرار گرفته و بشر بازنده جنگ با تغییرات جوی خواهد بود.



## آمریکا نیوزویک

نیوزویک به این مساله پرداخته است که دونالد ترامپ دارد حزب جمهوریخواهی به آن شکل مطلوب خودش می سازد و خیلی از جمهوریخواهان از این مساله رضایت ندارند چرا که هزینه رفتاری او و مدل او را این حزب می دهد. ترامپ می داند بسیاری از هم حزبی هایش در انتخابات ۲۰۲۰ سدا رهش خواهند بود.



## آلمان اشپیگل

هفته نامه آلمانی اشپیگل هم به مساله تغییرات اقلیمی پرداخته است و با تیتیر تابستان بی پایان، گرمای کره زمین را مورد بررسی قرار داده است. اشپیگل این هفته در گزارش خود به این موضوع پرداخته که در تابستان بسیاری لذت می برند اما واقعیت این است که گرما دارد به سمتی می رود که روی زندگی انسان ها تغییر جدی ایجاد می کند.



## آمریکا ویک

هفته نامه ویک هم به مساله گرمایش زمین پرداخته است، موضوعی که این هفته در جهان سر و صدای زیادی کرده بود و مجله های زیادی به آن پرداخته بودند. ویک در طراحی صفحه اول خود زمین را با زیرکی روی اجاقی نشان می دهد که با سوخت فسیلی و ذغال سنگ گرم شده و تیتیر زده زمین در حال سوختن.



## ایران تجارت فردا

تجارت فردا قایق کاغذی بانک مرکزی را در دریای زده توفان زده ترسیم کرده و این پرسش را مطرح کرده که «آیا سکاندار جدید بانک مرکزی می تواند اقتصاد ایران را به ساحل نجات برساند؟» همچنین «دوره گردی پول در اقتصاد ایران نشانه چیست؟»، «آیا رکود دیگری در راه است؟» و «اقتصاد ایران با چند شوک مواجه می شود؟» سه سوال روی جلد این هفته نامه است.



یادداشت دکتر ابراهیمی مدیرعامل بانک انصار

به مناسبت روز خبرنگار

## درود خدا بر وقایع‌نگارانی که حرمت قلم و آگاهی را پاس می‌دارند

فکری و عقیدتی می‌پردازند و راه رسیدن به کمال را در این حرفه پرمسئولیت یافته‌اند و جز رضایت حق تعالی، پیشرفت ملت سرفراز و رفع دغدغه‌های مقام معظم رهبری، سکاندار انقلاب و میهن اسلامی به چیز دیگری نمی‌اندیشند.

ایجناب با گرامیداشت روز خبرنگار و سالروز شهادت خبرنگار متعهد و جان نثار شهید محمود صارمی، خبرنگار تاریخ‌ساز خبرگزاری جمهوری اسلامی، یادآور می‌شوم که خبرنگاران عزیز کشورمان در این برهه حساس تاریخی نقشی سخت پراهمیت به عهده دارند تا در عرصه جنگ نرم و نبرد اقتصادی استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و رئیس جمهور ماجراجوی آن ترامپ که علیه حقانیت نظام و ملت عظیم‌الشأن طراحی و عملیاتی شده است، رسالت خود را درک و در راستای آشکارسازی حق و حقیقت در مهلکه انحراف و تزویر، سرفرازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را سرلوحه همت و مجاهدت‌های خود قرار دهند و صراط مستقیم دفاع از دین و حریم ولایت را فراروی آحاد جامعه به ویژه نسل فهیم و آینده‌ساز جوان قرار دهند.»

مدیرعامل بانک انصار  
آیت‌الله ابراهیمی

هرکه را افزون خبر جانش فزون. با چنین جاهتی معنوی و جایگاهی چنین والا، رسالت خبرنگاری و خبرنگاران به درستی بسیار سنگین و خبرنگار راستین کسی است که وفای به عهد را نصب العین خود قرار دهد و در راستای رستگاری جامعه و مردم قلم بر دست گیرد و جامعه را به سوی سربلندی و افتخار و حمایت از جبهه حق طلبان و مقابله با جبهه ستمگران فراخواند. سلام و درود خدا بر تمامی وقایع‌نگارانی که حرمت قلم و آگاهی را پاس می‌دارند و خامه خویش را جز در مسیر حق و عدالت به کار نمی‌گیرند. سلام و صلوات الهی بر تمامی خون‌نگاران شهید که قلم را سلاح رستگاری و رسانه را سنگر دفاع از استقلال و آزادی، پژواک حقانیت و مظلومیت ایران اسلامی و ابزار مقابله با قدرت‌های سلطه‌گر قرار دادند و در این راه پر افتخار به لقای محبوب خویش رسیدند.

افتخار بر خبرنگارانی باد که می‌دانند آگاه‌تر بودن لزوماً مسئول‌تر بودن است. مسئولیت در قبال خدا، ملت و کشور و مسئول در قبال همه باورها و اعتقادات ناب مردم در سرزمینی که بر پیشانی آن مکتب اسلام و فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) و تمدن ایرانی حک شده است، خبرنگارانی که همچون حصنی حسین در برابر اندیشه‌های بیگانه و ضدبشری به دفاع از مرزهای

خبرنگاران سنگربانان عزت و شرافت انسانی‌اند که ساختن جهانی آگاه، مردمی بالنده و جامعه‌ای تکامل یافته را با روایتگری خود از رویدادهای پی‌می‌گیرند و زنگار جهل از ذهن تاریخ و جامعه می‌زدایند و مردم را به اندیشه و عمل الهی، اجتماعی و انسانی فرامی‌خوانند. حرفه و مسئولیت خبرنگاری در پرتو شجاعت و تعهد اجتماعی، شغلی شریف و خوشنام در عصر ارتباطات است و نگارندگان جسور و خستگی‌ناپذیر خبر و در عین حال، مسلح به سلاح تدبیر، منطق و عقلانیت و آگاه به زمان و مکان، همچون شمع می‌سوزند تا روشنی‌بخش محافل بشری و حرکت تکاملی و حق‌محور انسان باشند.

قرآن کریم، سرچشمه نور و هدایت و الهام‌بخش رستگاران عالم، پیامبران الهی را نبی به معنای «خبردهنده» می‌نامد و انبیای مکرم که برجسته‌ترین و محبوب‌ترین مخلوقات نزد پروردگار به شمار می‌آیند، رسالت‌شان رساندن پیام حق و اخبار بیداری و هدایت به مردم و خلق خداست. همچنین خدای منان آنجا که به قلم و به آنچه می‌نویسد قسم می‌خورد، حجت را برای اصحاب قلم و نویسندگان دلسوز جامعه تمام می‌کند. چه زیبا سروده است جلال‌الدین بلخی شاعر بلندآوازه ایرانی در وصف خبر و خبرنگاری: جان نباشد جز خبر در آزمون/





## پیام تبریک مدیرعامل بانک دی به مناسبت روز خبرنگار

محمدرضا قربانی، مدیرعامل بانک دی طی پیامی به مناسبت ۱۷ مرداد ماه، روز خبرنگار را به فعالان این عرصه تبریک گفت. متن این پیام بدین شرح است:

به نام خالق قلم  
چه زیباست اندیشه‌ای که در مقابل قلم زانو زند و واژه‌هایی که در خدمت بیان حق برآید و کسی که قلم به دست دارد به منابه فقتوسی است که می‌سوزد و دوباره در راه رسالتش مجاهدت می‌کند تا چراغ آگاهی برافروزد.  
هفدهم مرداد، روز پاسداشت صاحبان قلم‌های پاکی است که رسالت‌شان اطلاع‌رسانی دقیق، متعهدانه و همراه با عدالت است. این تاریخ یادآور تلاش و سختکوشی مجاهدانی است که عاشقانه و بی‌پروا در عرصه وسیع و پرخطر اطلاع‌رسانی جان خویش را در طبعی از اخلاص نهاده و با عشقی غیرقابل وصف به رسالت و حرفه خود در آسمان وسیع شهادت و جانبازی پروازی بی‌پایان در اوج مظلومیت را دنبال می‌کنند و سالروز شهادت مجاهد اهل قلم، شهید محمود صارمی، به درستی روز خبرنگار نامگذاری شده است. شهید صارمی با ایفای رسالت خود در عرصه خبرنگاری برگی زرین در تاریخ تقویم جمهوری اسلامی به ثبت رساند و به افتخار این شهید و الامقام این روز برای همیشه در تاریخ به یادگار ماند.  
در عصر دسترسی آزاد به اطلاعات، نقش بی‌بدیل و مؤثر خبرنگاران سرزمین مان در تحلیل، معرفی و انعکاس رویدادهای کشور غیرقابل تردید است، به ویژه در شرایط کنونی که کشور از جانب استکبار جهانی درگیر جنگ نرم است، خبرنگاران، سربازان خط مقدم این جنگ هستند که با نفوذ کلام خود، رهبری افکار عمومی را بر عهده دارند.  
بی‌شک، عبور کشور از این برهه دشوار تاریخی با توجه به شرایط خطیر اقتصادی ناشی از تحریم‌های ناجوانمردانه، مرهون تلاش‌های این عزیزان خواهد بود و امید است که با اندیشه تأثیرگذار و قلم امیدبخش اصحاب رسانه شاهد اعتمادآفرینی در جامعه و بازگشت پویایی به نظام بانکی و اقتصادی کشور باشیم.  
این روز بزرگ را به خبرنگاران ساعی و پرتلاش و به ویژه خبرنگاران فعال در نظام اقتصادی کشور تبریک عرض می‌نمایم و امیدوارم تمامی تلاشگران عرصه رسانه با استعانت و توکل به خداوند متعال در انجام رسالت آگاهی‌بخشی و شفاف‌سازی موفق و پیروز باشند.

محمدرضا قربانی  
مدیرعامل بانک دی

۱۷ مرداد، روز خبرنگار  
۱۹ مرداد، بیست و چهارمین سالروز تولد همراه اول



## تلفن همراه در ایران ۲۴ ساله شد

جمعه ۱۹ مرداد ماه ۱۳۹۷، سیم کارت در کشور ۲۴ ساله می‌شود.

به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، ۱۹ مرداد ۱۳۷۳، با اگذاری ۴ سیم کارت به کارکنان نهاد ریاست جمهوری، عرضه سیم کارت تلفن همراه در ایران رسماً آغاز شد.

بهره‌برداری از اولین فاز شبکه تلفن همراه کشور، در مرداد ماه سال ۱۳۷۳ در شهر تهران با ۲۴ سایت BTS و با ظرفیت ۹۲۰۰ شماره آغاز شد. به دنبال استقبال غیرمنتظره و بی نظیر مردم از این پدیده، شرکت مخابرات ایران در صدد گسترش پوشش آن از تهران به کل کشور برآمد. بنابراین با توجه به نیاز و تقاضای مردم به این پدیده، فعالیت‌هایی متناسب با جهت‌گیری جهانی برای توسعه شبکه تلفن همراه در اهداف عالی مجموعه مخابرات کشور صورت گرفت.

در ادامه این برنامه هیأت وزیران بنا به پیشنهاد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، اساسنامه شرکت ارتباطات سیار را با سرمایه ۲۰۰ میلیارد ریال تصویب کرد و کلیه وظایف امور ارتباطات سیار شرکت مخابرات ایران به شرکت ارتباطات سیار ایران واگذار شد.

با جدی شدن خصوصی‌سازی صنعت مخابرات کشور و اهمیت حضور در بازار رقابت تجاری، این شرکت از سال ۱۳۸۶، دارای نام «(همراه اول)»، نشان «(دو حلقه)»، رنگ «(فیروزه‌ای و نارنجی)» و شعار «هیچ کس تنها نیست» تجاری ویژه خود شد.

همچنین در سال ۱۳۸۹ پس از خصوصی‌شدن شرکت مخابرات ایران، این شرکت از سهامی خاص به سهامی عام تبدیل شد. شرکت ارتباطات سیار ایران در ۲۸ آذر ۱۳۸۹، پنج درصد سهام (معادل ۱۰۳ میلیون سهم) خود را در فرابورس عرضه کرد. روز ۲۹ مرداد ۱۳۹۲ نماد همراه اول در بازار بورس بازگشایی شد و این شرکت از آن سال در بازار بورس حضور دارد.

شرکت ارتباطات سیار ایران که برای دومین بار پیاپی موفق شده رتبه اول در استفاده حداکثری از منابع و مهارت‌های ایرانی در ارزیابی عملکرد اپراتورها توسط سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی را کسب کند، با بیش از ۱۰۰ میلیون سیم کارت واگذار شده در ۱۲۴۶ شهر (صدها شهرها) و بیش از ۴۳ هزار روستا (حدود ۹۰ درصد روستاها) و بیش از ۷۰ هزار کیلومتر از جاده‌های کشور، بیش از ۹۷ درصد پوشش جمعیتی کشور را تحت پوشش دارد. ضریب نفوذ اپراتور اول ۹۰/۳ درصد و ارتباط رومینگ بین‌الملل آن با ۲۷۰ اپراتور در ۱۱۲ کشور جهان برقرار است. همراه اول، علاوه بر اینکه پیش‌تاز عرضه سیم کارت در کشور بوده است، با نوسازی مداوم شبکه خود، به روزترین تجهیزات شبکه تلفن همراه کشور را نیز داراست.

همراه اول به عنوان بزرگترین اپراتور تلفن همراه کشور در هر دو حوزه مکالمه و دیتا، مجوز ارتقای پروانه ارائه خدمات تلفن همراه به نسل ۳ و نسل‌های بالاتر را در تاریخ ۴ شهریورماه ۱۳۹۳، دریافت کرد و اکنون با گذشت کمتر از ۴ سال، ۱۹۳۳۰ سایت نسل سه و ۱۷۴۰۰ سایت نسل چهار و چهارم و نیم در شبکه این اپراتور فعال است و بر این اساس همراه اول تنها اپراتور کشور است که در تمامی شهرها پوشش اینترنت پرسرعت دارد.

علاوه بر این، اپراتور اول در پنج سال گذشته، در ارزیابی رسمی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (رگولاتوری) که بر اساس استاندارد EFQM صورت می‌گیرد، برترین جایگاه اپراتورهای تلفن همراه کشور را برای خود حفظ کرده است.